

تجلی حکمت در فلسفه‌ی پزشکی احکام

تألیف:

محمد عزیز حسامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی (فقه شافعی)

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

تقریظ استاد حاج ملا مسعود قادر مرزی	۱۱
تشکر و تقدیر	۱۳
پیشگفتار	۱۷
اهمیت بهداشت در اسلام	۱۹
«بهداشت اسلامی»	۲۳
عبادت و بهداشت روانی	۲۵
احکام و مقررات اجتماعی در اسلام	۲۸
۱- عبادات:	۲۸
۲- معاملات	۲۹
۳- مناکحات	۲۹
۴- جنایات	۳۰
بهداشت و تندرستی	۳۰
فصل اول: عبادات	۳۳
۱- «احکام طهارت»	۳۵
۱-۱- آب مشمس	۳۶
۱-۲- آب قلتین	۳۸
۱-۳- شک در پاکی آب	۴۰
۱-۴- ظروف طلا و نقره	۴۰

- ۴۱ ۵-۱- تحریم استعمال طلا برای مرد
- ۴۲ ۶-۱- استنجاء
- ۴۴ ۱-۶-۱- آداب استنجاء و دستشویی رفتن
- ۵۱ ۷-۱- وضو
- ۵۲ ۱-۷-۱- سنت‌های وضو
- ۵۹ ۲-۷-۱- کراهت خشک کردن اعضای وضو
- ۶۰ ۳-۷-۱- وضوهای مستحب
- ۶۱ ۴-۷-۱- مبطلات وضو
- ۶۲ ۵-۷-۱- دفع شک و عمل به یقین
- ۶۳ ۸-۱- غسل
- ۶۶ ۱-۸-۱- کیفیت انجام غسل
- ۶۷ ۹-۱- نجاست
- ۶۷ اقسام نجاست:
- ۷۹ ۱۴-۹-۱- پاک شدن نجاست
- ۸۱ ۱۵-۹-۱- پاکی از انواع نجاست
- ۸۳ ۱۶-۹-۱- نجس شدن مایعات
- ۸۴ ۱۰-۱- تیمم
- ۸۶ ۱-۱۰-۱- شرایط انجام تیمم
- ۸۶ ۲-۱۰-۱- مسح بر جَبیره (آتل)
- ۸۷ ۱۱-۱- حیض (عادت ماهیانه)
- ۸۹ ۱-۱۱-۱- احکام حیض
- ۹۰ ۱۲-۱- استحاضه (خون‌ریزی غیرطبیعی رحم)
- ۹۲ ۱۳-۱- نفاس (خون‌ریزی پس از زایمان)
- ۹۳ ۲- نماز

۹۴	۱-۲- ارکان نماز
۹۷	۲-۲- نمازهای مکروه
۹۸	۳-۲- نماز جماعت
۹۹	۲-۳-۱- جماعت نماز ظهر در مناطق گرمسیری
۱۰۰	۲-۳-۲- خواب مکروه
۱۰۱	۲-۳-۳- عذرهای ترک نماز جماعت
۱۰۳	۲-۳-۴- امامت
۱۰۳	۲-۴- مستحبات روز جمعه
۱۰۶	۲-۵- تحریم استعمال حریر برای مرد
۱۰۹	۳- احکام میت
۱۱۰	۳-۱- احکام پس از مرگ
۱۱۱	۳-۲- آماده کردن جسد برای غسل
۱۱۲	۳-۳- غسل میت
۱۱۳	۳-۳-۱- غسل میت با آب سرد
۱۱۳	۳-۳-۲- کیفیت غسل میت
۱۱۴	۳-۳-۳- برطرف کردن آلودگی‌های جسد
۱۱۵	۳-۴- کفن کردن
۱۱۶	۳-۵- احکام شهدا
۱۱۷	۳-۶- نماز میت
۱۱۸	۳-۷- دفن میت
۱۱۹	۳-۷-۱- نحوه‌ی قراردادن جسد در قبر
۱۲۰	۳-۸- اجتناب از آلودگی‌های جسد
۱۲۱	۴- روزه

۱۲۴.....	۴-۱- رخصت‌های روزه.....
۱۲۵.....	۴-۲- صحت روزه.....
۱۲۶.....	۴-۳- مکروهات روزه.....
۱۲۶.....	۴-۴- مستحبات روزه.....
۱۲۹.....	۵- حج.....
۱۳۰.....	۵-۱- غسل‌های مستحب در حج.....
۱۳۱.....	۵-۲- احرام و طواف.....
۱۳۱.....	۵-۳- تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر.....
۱۳۳.....	وضعیت کنونی بهداشت و رفاه در حرمین شریفین.....
۱۳۵.....	فصل دوم: معاملات.....
۱۳۷.....	۱- خرید و فروش.....
۱۳۹.....	۲- پاکیزگی کالای مورد معامله.....
۱۴۱.....	۳- حَجْر.....
۱۴۳.....	فصل سوم: مناکحات.....
۱۴۵.....	۱- ارث.....
۱۴۷.....	۲- ایصاء.....
۱۴۹.....	۳- ازدواج.....
۱۵۱.....	۳-۱- مستحبات ازدواج.....
۱۵۲.....	۳-۲- نقش امتیازات اجتماعی در ازدواج.....
۱۵۴.....	۳-۳- ازدواج با محارم.....
۱۵۵.....	۳-۴- فسخ نکاح به علت بیماری.....

۱۵۵	۳-۴-۱ و ۲ «رَتَقُ» و «قَرُنُ»
۱۵۶	۳-۴-۳ «عَنَّهُ»:
۱۵۷	۳-۴-۴ «جنون»
۱۵۹	۳-۴-۵ «بَرَص»
۱۵۹	۳-۴-۶ «جذام»
۱۶۰	۳-۵ «پاکدامنی و پرهیزگاری»
۱۶۱	۳-۶ احکام تعدّد زوجات
۱۶۲	۳-۷ احکام قَسَم
۱۶۵	۴- خُلْع (جدایی از جانب زن)
۱۶۷	۵- طلاق
۱۶۹	۵-۱- مُتْعَه
۱۷۳	۶- ایلاء (سوگند به ترک همبستری)
۱۷۵	۷- عِدّه
۱۷۸	۷-۱- تعیین نسب
۱۸۱	۸- رِضَاع (خویشاوندی شیری)
۱۸۵	۹- نفقه‌ی همسر
۱۸۶	۹-۱- تأمین نفقه‌ی زنان مطلقه
۱۸۷	۱۰- حِضَانَت (سرپرستی اطفال)
۱۸۹	فصل چهارم: جنایات
۱۹۱	۱- قصاص
۱۹۲	۱-۱- شیوه اجرای قصاص

- ۱-۲- قصاص اعضای فلج ۱۹۳
- ۱-۳- قصاص زن حامله ۱۹۳
- ۲- سقط جنین ۱۹۵
- ۳- زنا ۱۹۷
- ۳-۱- لواط ۲۰۰
- ۳-۲- لواط با همسر ۲۰۱
- ۴- نوشیدنی‌ها ۲۰۳
- ۵- دفع تجاوز و ضمانت ۲۰۷
- ۵-۱- خون‌گیری ۲۰۸
- ۵-۲- ختنه ۲۰۸
- ۶- صید و ذبح ۲۱۳
- ۶-۱- آلت ذبح ۲۱۴
- ۷- قربانی ۲۱۷
- ۸- عقیقه (جشن نام‌گذاری کودک) ۲۱۹
- ۸-۱- خوراندن خرما به نوزاد ۲۱۹
- ۸-۲- نظافت فردی ۲۲۰
- ۹- خوراکی‌ها ۲۲۳
- ۹-۱- خوردنی‌های حرام ۲۲۷
- ۹-۲- خوردنی‌های پاک ۲۲۸
- ۹-۳- حیوانات نجاست خوار ۲۳۰
- ۹-۴- ضرورت بقای حیات آدمی ۲۳۰

۲۳۳ ۱۰- مسابقه و رقابت
۲۳۷ «واژه‌نامه‌ی فقهی»
۲۴۱ منابع و مآخذ

تقریظ استاد حاج ملا مسعود قادر مرزی

ضمن تقاضای دوست ارجمند دانشمند صالح جناب آقای محمد عزیز حسامی این کتاب را ملاحظه و مطالعه نمودم واقعاً اسم و مسمی مطابق است. قسمتی از جنبه‌های بهداشتی احکام اسلامی را بیان فرموده است که در کتاب‌های دیگر کمتر یافت می‌شود. از خداوند بزرگ توفیق و هدایت ایشان را طلب می‌نمایم و تمنای دعای خیر دارم.

والسّلام علی من اتّبع الحقّ والهدی

مسعود قادر مرزی

۸۰/۱۲/۲۱

تشکر و تقدیر

بی‌شک توفیق تحصیل اندک دانش دینی خود را مدیون تشویق، تلاش و کوشش
بی‌دریغ پدر و مادر عزیز و همسر فداکارم می‌دانم.
لازم است زحمات صادقانه و راهنمایی‌های ارزشمند اساتید بزرگوار جناب آقایان
دکتر سید اسعد شیخ‌الاسلامی، دکتر محمد مهدی اصفهانی، دکتر جلیل امیدی، دکتر
عطاءالله فیروزی، دکتر نظیف محمدی، محمد نرگسی، عادل محمودی، حاتم احمدی،
محمد یوسف رسول‌آبادی، ایرج قوامی، سرکار خانم دکتر لی‌لی عطایی، دکتر افسانه
مولائیان و سایر کسانی که به هر عنوان در نوشتن این تحقیق یاریم داده‌اند، را ارج نهم و
مراتب سپاسگذاری و تشکر خود را ابزار نمایم. خداوند همه‌ی آن‌ها را پاداش نیک عطا
فرماید.

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس و ستایش بی‌حد و عد خداوندی را سزد که انوار حکمت او در دل ذرات هستی تجلی است و با خلعت عقل وجود آدمی را کرامت بخشید. درود و رحمت فراوان بر روان پاک و انور شه کونین، خاتم رسل و خواجه‌ی ثقلین، شفیع المذنبین و امام المرسلین محمد مصطفای امین و اصحاب و یاران وی باد.

آن‌چه که اسلام چهارده قرن پیش در اجتناب از آلودگی‌ها و پیش‌گیری از بیماری‌ها مورد تأکید قرار داده است، برای بشر متمدن قرن بیست‌ویکم که در اوج شکوفایی دانش و تکنولوژی است، جای تأمل است و در بررسی احکام اسلامی برای یافتن فلسفه‌ی پزشکی و بهداشتی آن‌ها شاهباز عقل آدمی از پروبال می‌افتد و با اعتراف به عجز و قصور دانش خود با تمامی وجود می‌فهمد که؛

﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ ۖ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾

[فصلت: 42].

«هیچ‌گونه باطلی، از هیچ جهت و نظری، متوجه قرآن نمی‌گردد، فرو فرستاده‌ای یزدان است که با حکمت و ستوده است».

درواقع آن‌چه که از بررسی احکام اسلامی حاصل می‌شود این است که به طور یقین در بطن هر حکمی مصلحتی جسمی، روانی، اجتماعی و اخروی امثال فرمان خداوندی که سرانجام آن رستگاری ابدی و سعادت دو جهانی است، وجود دارد و اگر دانش بشری نتواند برای فلسفه‌ی احکامی توجیهات علمی ارائه دهد و برای اذهان پویای دانشمندان و طالبان علم پاسخ‌های مناسبی داشته باشد، هیچ تزلزلی در احکام شرعی ایجاد نمی‌شود.

متأسفانه قضاوت‌های ناعادلانه و تبلیغات سوء مستشرقین مغرضی چون ادوارد براون که طب اسلامی را التقاطی از چند شیوه‌ی طب باستانی یونانی و در سطح پایین‌تری

هندی و ایرانی قلمداد کرده و تهمت‌های ناروایی به دانشمندان اسلامی زده است، نه تنها ذهنیت غربیان را درباره‌ی شیوه‌ی بهزیستی اسلام گمراه نموده بلکه بسیاری از مسلمانان سطحی‌نگر و جاهلظ دچار شک و تردید کرده است.

این تحقیق تلاشی است در جهت یافتن حکمت و فلسفه‌ی پزشکی و بهداشتی احکام اسلامی مطابق با فقه مذهب امام شافعی رحمه‌الله که به ترتیب ابواب فقهی از کتاب منهاج‌الطالبین امام نووی رحمه‌الله برگرفته شده است و بیشتر آن احکام مشترک بین تمام مذهب اسلامی است. فواصل بین احکام و تفاسیر علمی با علامت سه ستاره مشخص شده است.

گرچه موارد متعددی به علت کمبودهای موجود مورد بررسی قرار نگرفته است؛ بنابراین لازم است متخصصان و کارشناسان در خصوص هر کدام از مواردی که به صورت تئوری در این تحقیق مورد بحث واقع شده و نیز مسایل فراوانی که در سنت نبوی تحت عناوین «الطب النبوی»، «آداب الأكل والشرب»، «آداب النوم» و غیره مطرح شده‌اند تحقیقات علمی دقیقی انجام دهند.

لازم به یادآوری است که این تحقیق پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد بنده در رشته‌ی فقه و مبانی حقوق اسلامی (فقه شافعی) بوده و مشاوره‌ی تخصصی آن را جناب آقای دکتر محمد مهدی اصفهانی استاد دانشگاه علوم پزشکی ایران به عهده داشته و از هر گونه تلاش و مساعدتی دریغ نورزیده‌اند؛ قلم قاصر حقیر از ادای شکر آن همه زحمت و تلاش عاجز است و خداوند ایشان را عافیت دو جهانی عطا فرماید.

﴿وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ﴾ [هود: ۸۸].

محمد عزیز حسامی

دی ماه ۱۳۸۰ تهران

پیشگفتار

عقل وجه تمایز آدمی از سایر مخلوقات و خلقت ممتاز خداوندی است که بشر به وسیله‌ی آن توانسته است بر بسیاری از نمودهای طبیعت مسلط گردد.

در معارف اسلامی عقل جایگاه ویژه‌ای دارد و خداوند صاحبان عقل را می‌ستاید. اما ابزارهایی که عقل در شناخت هستی بکار می‌برد و اطلاعات را از آنها می‌گیرد محدودند و در نفس خود بسیار محدود؛ به همین دلیل است که آدمی از ابزارها و وسایل مختلفی برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کند؛ بنابراین، حیطه‌ی فعالیت و کاربرد عقل محدود است و نقص نسبی دانش بشری و تکامل تدریجی علوم، ریشه در این محدودیت دارد؛ عقل بشری در برابر ماورای جهان محسوس و مادی کاملاً ناتوان است چون ابزارهای لازم برای شناخت آن را ندارد و به این دلیل است که خالق هستی برای ارتباط با بشر به لطف خود کسانی را مورد خطاب قرار می‌دهد و به وسیله‌ی آنان مطالبی از جهان ماورای حس را به آدمی ابلاغ می‌کند.

اسلام نه تنها تکیه و توسل به عقل و علم را محدود نمی‌سازد بلکه توجه عمیق به آن دو منبع شناخت را به تأکید توصیه می‌کند و به ما می‌آموزد که هیچ‌کدام از این ابزارهای شناخت بدون هدایت پیامبری کاری از پیش نبرده و عقل و علم جز با نور وحی به شکوفایی نخواهند رسید.

با توجه به این نکته که محور تمامی احکام شریعت رعایت مصالح تحت قاعده‌ی «**جلب منفعت و دفع مضرت**» است، بسیاری از علمای دین درک قسمت اعظم مصالح دنیوی و اخروی را به وسیله‌ی عقل ممکن می‌دانند [ابن عبدالسلام، امام عزالدین؛ ۱۹۹۹؛ ج ۱؛ ص ۸-۹].

در اصول عقاید اهل سنت عقل به عنوان یکی از اسباب سه‌گانه‌ی کسب علم معرفی شده است؛ اما به دلیل محدودیت میدان فعالیت حواس که وسایل کسب معرفت‌های مختلف برای عقل هستند، حیطة‌ی کاربرد عقل نیز به جهان مادی و محسوس محدود می‌شود؛ بنابراین بدون راهنمایی و روشنائی کسب شده از نور وحی، عقل در درک مفاهیم عالم غیب ناتوان است [سعدی، عبدالملک؛ ۱۳۷۹؛ ص ۳۳].

قرآن کریم پاره‌ای از حکمت‌ها و فلسفه‌های احکام را بیان کرده است و در مسایل زیادی نیز از ذکر دلایل احکام خودداری کرده است؛ به عنوان مثال حکمت حج را تعظیم و تکریم شعائر خداوندی و حکمت جهاد را اعلای دین خدا ذکر می‌کند [الدهلوی؛ ۱۴۱۸؛ ج ۱؛ ص ۱۶].

در احادیث متعددی نیز پیامبر اکرم ﷺ به ذکر فلسفه‌ی احکام پرداخته‌اند؛ به عنوان مثال حکمت و فلسفه‌ی روزه‌ی عاشورا را نجات حضرت موسی علیه السلام و قومش از استبداد فرعون، و حکمت خوابیدن بر پهلوی راست را آرامش و استراحت اعضا ذکر فرموده است. در میان صحابه کسانی چون ابن عباس، ابن عمر و زید بن ثابت رضوان الله علیهم اجمعین در خصوص حکمت احکام مطالب قابل توجهی ذکر کرده‌اند [الدهلوی؛ ۱۴۱۸؛ ج ۱؛ ص ۱۹-۱۷].

تلاش و کوششی که توسط حکما و دانشمندانی هم چون امام محمد غزالی و عزبن عبدالسلام رحمهما الله قرن‌ها قبل در خصوص یافتن فلسفه‌ی احکام انجام شده و امروزه نیز تداوم دارد، در این جهت نیست که اسلام و احکام آن، مورد تأیید علوم مختلف قرار گیرد، بلکه هدف این است که نشان داده شود این علوم بسیاری از رازها و اسرار معارف دینی و احکام اسلامی را در آن مقطع زمانی دریافته‌اند و به تدریج با تکامل علوم، حکمت‌های دیگر در مورد سایر مسایل آشکار خواهد شد.

اهمیت بهداشت در اسلام

اسلام دین فطرت پاک بشری است و هر کس که از فطرتی سالم برخوردار باشد به پاکیزگی علاقه‌مند و از پلیدی متنفر است. بر این اساس اسلام توجه کاملی به پاکیزگی نموده است تا آنجا که می‌توان گفت؛ هیچ کدام از شریعت‌های آسمانی و مکاتب بشری به اندازه‌ی اسلام به پاکی و نظافت توجه نکرده‌اند [صبور اردوبادی، احمد؛ ۱۳۶۴؛ ص ۱۵] و بشر قرن بیست و یکم با وجود همه‌ی پیشرفت‌ها و تکنولوژی‌هایش برنامه‌ای مدون برای بهداشت و تندرستی ارائه نکرده است و به علت عدم وجود ضمانت اجرایی برای انجام دستورات بهداشتی هر روز بلایی خانمان‌سوز و دردی لاعلاج به لیست بیماری‌های مرگ‌آور که نتیجه‌ی مدرنیته و صنعت است اضافه می‌شود. هزینه‌های سرسام‌آور مبارزه با این بیماری‌ها و نیروهای انسانی مشغول در این راه از عوامل مؤثر در عدم پیشرفت و توجه کشورهای توسعه یافته و سازمان‌های بین‌المللی به مشکلات و کمبودهای ملل عقب مانده است؛ به عنوان مثال در سال ۱۹۶۲ کابینه‌ی دولت فرانسه فقط برای مبارزه با سیفلیس بودجه‌ای معادل شش میلیون فرانک اختصاص داد. اخیراً کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل متحد اعلام کرد برای مبارزه با ایدز سالانه ده میلیارد دلار هزینه لازم است [روزنامه‌ی جام‌جم؛ شماره‌ی ۲۵۹].

در جهان‌بینی اسلام، خلقت آدمی نه تنها پوچ و بی‌هدف نیست بلکه انسان اشرف مخلوقات و شاهکار خلقت معرفی شده است و حیات بشر در مسیر هدف خلقت بسیار ارزشمند و حفظ آن از واجبات شرعی است؛ آن چنان که از آیه‌ی

﴿وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾ [البقرة: ۱۹۵].

«خود را با دست خویش به هلاک نیفکنید».

می‌توان به روشنی ضرورت حفظ جان و خودداری از إهمال در این مهم را دریافت.

اهمیت و اولویت این واجب در مقایسه با سایر احکام، آن قدر مورد توجه شارع است که اگر بقای آدمی منحصر به بهره‌گیری از یک حرام - در شرایط اضطراری - باشد نه تنها استفاده از آن حرام مباح است بلکه واجب هم می‌باشد؛ این مطلب در آیات ۷۸ سوره‌ی حج، آیات ۱۸۵ و ۲۸۶ بقره، ۱۱۹ أنعام و قاعده‌ی فقهی «المشقة تجلب التيسير» «سختی، راحتی و آسانی را می‌طلبد» و فروع آن به روشنی درک می‌شود. از سوی دیگر چون انجام مقدمات واجب نیز واجب شمرده می‌شود، [المغربی، عبدالرحمن بن جاد الله؛ ۱۴۱۸؛ ج ۱؛ ص ۲۱۰ و ابن عبدالسلام، امام عزالدین؛ ۱۹۹۹؛ ج ۲؛ ص ۱۳۳] بنابراین، رعایت اصول بهداشتی برای پیش‌گیری از بیماری‌ها و همچنین درمان بیماری‌ها که مقدمه‌ی حفظ جان هستند، واجب است.

قرآن کریم که اولین مصدر تشریع احکام است در آیات زیر توجه کامل را به پاکیزگی معطوف داشته است:

- ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾ [البقرة: ۲۲۲].

«بی‌گمان خداوند توبه‌کاران و پاکان را دوست می‌دارد».

- ﴿وَيَا بَنِي إِسْرَءِيلَ فَطَهِّرُوا﴾ [المدثر: ۴].

«و جامه‌ی خویش را پاکیزه دار».

- ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا﴾ [المائدة: ۶].

«و اگر جنب بودید خود را بشوید».

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ﴾ [المائدة: ۶].

«ای مؤمنان! هنگامی که برای نماز بپا خواستید، صورت‌ها و دست‌های خود را بشوید، و سرهای خود را مسح کنید، و پاهای خود را همراه با قوزک‌های آن‌ها بشوید»

پیامبر اکرم ﷺ در احادیث متعددی بر پاکیزگی و طهارت تأکید نموده است، که برای نمونه می‌توان به احادیث زیر اشاره کرد:

- «لله على كل مسلم أن يغتسل في كل سبعة أيام يوماً يغسل فيه رأسه وجسده» «بر هر مسلمان است که هر هفت روز یک بار سر و تمام بدنش را شستشو دهد».

- «الظهور شرط الإيمان» «پاکیزگی نیمه‌ای از ایمان است».

- «لولا أن أشق على أمتي لأمرتهم بالسواك عند كل صلاة» «اگر به خاطر مشقت امت نبود، دستور می‌دادم همراه تمامی نمازها مسواک بزنند».

- «خمس من الفطرة: الختان والإستحداد ونتف الإبط وتقليم الأظافر وقص الشارب» «پنج خصلت در زمره‌ی فطرت می‌باشد: ختنه کردن، تراشیدن موهای زهار، کندن موهای زیربغل، کوتاه کردن ناخن‌ها و سییل»

وجوب احکامی مانند: وضو، غسل، پاکی لباس، و مکان نمازگزار، ختنه و مشروط نمودن صحت عبادت بر انجام این امور و استحباب مسواک کردن، عطرزدن، کوتاه کردن موها، ناخن گرفتن و موارد بسیار زیادی در انجام عادات روزانه نشانه‌ی توجه بیش از حد اسلام به رعایت مسایل بهداشتی در زندگی فردی و اجتماعی است.

در جزیی‌ترین مسایل که محققین و پزشکان عصر حاضر هم از آنها غافل مانده‌اند، اسلام دستورالعمل‌هایی صریح و دقیق دارد که عقل بشری هنوز هم نتوانسته است توجیه منطقی و علمی درباره‌ی بسیاری از آنها داشته باشد.

آنچه که باید در برخورد با این مسایل همواره در نظر داشت این است که این دستورات را پیامبر اکرم ﷺ از منبع وحی و از جانب خداوند علیمی که علم کامل او بر ذرات هستی احاطه دارد، دریافت کرده است، و در بیان صحت گفتارش خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۖ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ [النجم: ۳-۴].

«و از روی هوا و هوس سخن نمی‌گوید، آن جز وحی و پیامی نیست که بر وی نازل می‌شود».

بنابراین، بهداشت اسلامی برخلاف بهداشت کلاسیک که ریشه در عقل و دانش نسبی بشری دارد، از وحی الهی و الهام سرچشمه می‌گیرد و مابین این دو علم فاصله‌ای بی‌نهایت وجود دارد:

﴿وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾ [الإسراء: 85].

«و جز دانش اندکی به شما داده نشده است».

اسلام پیشگیری از بیماری‌ها را بر درمان مقدم دانسته و آموزش بهداشت و پیشگیری را خود متقبل شده است؛ ولی کشف شیوه‌های درمان بیماری‌ها را به علم و دانش بشری واگذار نموده است!

قرآن کریم که خداوند آن را کتاب شفا معرفی فرموده است؛ دستورات متعددی در خصوص بهداشت فردی و اجتماعی و نیز راهنمایی‌های صریحی درباره‌ی میوه‌ها و غذاها را در خود دارد.

پیامبر اکرم ﷺ شرافت علم طب را در کنار علوم دینی گوش زد فرموده و سلامتی را از بزرگترین نعمت‌های فراموش شده معرفی می‌فرماید؛ ابو هریره رضی الله عنه از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که فرموده‌اند: «یا عباس! سل الله العافیة فی الدنیا والآخره» «ای عباس! از خداوند سلامتی این جهان و جهان آخرت را بخواه».

علمای مسلمان نیز علاوه بر تبلیغ و امر به اجرای دستورات بهداشتی اسلام، همواره در کنار علوم دینی به تعلیم و تعلم «طب النبی» در ابواب مجزای کتاب‌های حدیث و حتی کتاب‌هایی تحت همین عنوان کوشیده‌اند.

نظامی گنجوی کرامت علم فقه و طب و نزدیکی آن‌ها را این گونه بیان می‌کند:

در جدول این خط قیاسی می‌کوش به خویشتن شناسی
تشریح نهاد خود در آموز کاین معرفتی است خاطر افروز

پیغمبر گفت: «العلمُ علما» علمُ الأديان و علمُ الأبدان»^(۱)
 در ناف دو علم بوی طیب است و آن هر دو فقیه یا طیب است
 [کلیات نظامی؛ ۱۳۷۷؛ ص ۴۵۶].

«بهداشت اسلامی»

دستورات بهزیستی اسلام شامل تمام جنبه‌های فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، ظاهری و باطنی انسان می‌شود و برای تمام مسایل زندگی دستوراتی متین و متقن و الگویی کامل ارائه می‌دهد. بهداشت اسلامی که دارای دستورالعمل‌هایی روزانه و پرهیز از محرماتی معین است، دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که می‌توان آن‌ها را به طور خلاصه چنین بیان کرد:

- ۱- جامعیت رهنمودهای بهداشتی اسلام، ناشی از وحدت آفریننده و قانون‌گذار.
- ۲- آموزش سریع، همگانی و بدون هزینه.
- ۳- وجود ضمانت اجرایی بسیار مؤثر ایمان.
- ۴- حرکت در جهت موازین فطرت بشری.
- ۵- تأکید بر پیش‌گیری قبل از درمان.
- ۶- تأکید بر اصل اعتدال و میانه‌روی در تمام امور.
- ۷- ارائه‌ی یک الگوی کامل بشری.
- ۸- حداکثر صرفه‌جویی در سرمایه‌های انسانی.
- ۹- وجود هدف و جهت معینی به عنوان تقرب به خداوند و حصول ثواب اخروی در اجرای دستورات بهداشتی.
- ۱۰- اعتبار و اصالت بخشیدن به عقل سالم بشری.
- ۱۱- شمول کلی بر بهداشت روانی به علت وجود دستورات اخلاقی.

۱- این حدیث نیست بلکه موضوع و جعلی است.

- ۱۲- آموزش مداوم از طریق امر به معروف و نهی از منکر.
 - ۱۳- دوری از هر گونه هزینه‌های گزاف بهداشت مصرفی.
 - ۱۴- پیوستگی و مداومت در انجام دستورات روزانه.
 - ۱۵- داشتن آداب و دستوراتی معین و مشخص برای تمامی فعالیت‌های روزمره از قبیل: خوردن، خوابیدن، نوشیدن، لباس پوشیدن و غیره.
 - ۱۶- استفاده از پویایی فقه اسلامی در چهارچوب قواعد فقهی برای طرح مسایل جدید بهداشتی و وضع مقررات بهداشتی.
- اگر چه توجه بیش از حد و غیر منطقی گروهی از جهال و ظاهرینان مسلمان به پیشرفت‌ها و کشفیات علوم پزشکی در غرب باعث شده است که بسیاری افراد از دستورات بهداشتی و حیات بخش اسلام غافل بمانند؛ ولی ارزش واقعی این شیوه‌ی بهزیستی برای دانشمندان و اندیشمندان روز به روز آشکارتر می‌شود؛ آن‌چنان که یکی از دانشمندان غربی بنام «موریس بوکای» می‌گوید: «جوهر قرآن آموزش‌های دینی است و قرآن کتاب راهنمایی و هدایت بشر است. اما از علوم مختلف در آن کلیاتی بیان شده است و امروزه نیاز است که همچون یک دایرة المعارف از رشته‌های مختلف دانشمندان جمع شده و در تفسیر آن بکوشند، تا معنای دقیق و شایسته‌ی این کتاب آسمانی را بیابند» [البغدادی، عبداللطیف؛ ۱۹۸۶؛ ص ۱۰].
- تا زمانی که مسلمانان به دستورات دینی خود به طور کامل پای‌بند بودند و ظواهر تمدن غرب عقول آن‌ها را نفریفته بود از شر بیماری‌هایی که سال‌ها دامن‌گیر ملل غیر اسلامی و به خصوص غرب بوده در امان بودند.
- اکنون بسیاری از اندیشمندان غربی به این باور رسیده‌اند که انجام فرامین جهان شمول و کامل اسلام می‌تواند مشکلات عدیده‌ای را که تمدن غرب به وجود آورده است، حل کند. به عنوان مثال، با اجرای دستور ساده‌ی اجتناب از سگ - به حکم نجس بودنش - می‌توان از ده‌ها بیماری که از سگ به انسان منتقل می‌شود پیش‌گیری کرد و این در حالی

است که تلاش‌های بی‌وقفه و کوشش‌های شبانه‌روزی دانشمندی چون پاستور به کشف یکی از ۳۰ نوع میکروب و انگلی منجر شد که از سگ‌ها به انسان منتقل می‌شوند. در آن زمان که شیطان راندن از مغز بیماران با شکافتن پوست سر و ریختن نمک بر مجموعه‌ی آن‌ها در اروپا متداول بود و دعا خواندن به وسیله‌ی کشیش‌ها و راهبه‌ها از نیازهای بدنی یک بیمار محسوب می‌شد، مجمع اسقف‌ها در سال ۱۲۱۵ میلادی پس از جلسات متعدد اعلام می‌کرد که بیماری از گناه به وجود می‌آید و بیمار قبل از اعتراف نباید تحت مداوا قرار گیرد، و با بیماران به خصوص جذامی‌ها با خواباندنشان در قبرها و ریختن خاک بر آن‌ها برخورد می‌شد، در ممالک اسلامی بیمارستان‌هایی با کلاس‌های آموزشی، کتابخانه و قسمت‌های مختلف وجود داشت؛ فقط در شهر کاردوبای اندلس ۵۰ بیمارستان وجود داشت که در بعضی از آن‌ها نه تنها تمام بیماران مجانی مداوا می‌شدند بلکه، لباس و پول کافی برای استراحت یک ماه پس از مرخصی بیمار پرداخت می‌شد. در قرن دهم میلادی به فرمان المقتدر بالله خلیفه‌ی عباسی ابن تلمیذ پس از سینان بن ثابت وظیفه‌ی امتحان از پزشکان و صدور مجوز کار آن‌ها را به عهده داشت. چهار صد سال قبل از تولد هاروی، ابن النفیس رییس بیمارستان نصیری، سیستم گردش خون را کشف کرد؛ اما امروزه تاریخ پزشکی هاروی را کاشف آن می‌داند! و این دلیلی ندارد جز این که تاریخ را همواره فاتحان نوشته‌اند و تاریخ علوم شاهد بسیاری از این دروغ‌هاست [پاک‌نژاد، سید رضا؛ ۱۳۴۹؛ ج ۴؛ ص ۲۸۴].

عبادت و بهداشت روانی

در زندگی صنعتی و یکنواخت امروزی که انسان در محاصره‌ی انواع آلودگی‌های محیطی و عوامل استرس‌زا قرار دارد؛ نقش سازنده‌ی عبادت و ارتباط با خالق قادر و متعالی که تمام هستی در قبضه‌ی قدرت اوست و در جای جای هستی، حکمت و علم بی‌پایانش مشاهده می‌شود، غیرقابل انکار است.

امروز بشر متمدن قرن بیست و یکم به آرامش و سلامت روانی بیشتر از هر چیزی محتاج است. آمارهای سازمان بهداشت جهانی حاکی از وجود ۴۰۰ میلیون بیمار روانی ناشی از مشکلات فردی، اجتماعی و استعمال الکل و مواد مخدر است [سازمان جهان بهداشت؛ ۱۳۸۰؛ ص ۴].

احساس ارتباط و پیوند با منبع جاودانه‌ی قدرت و توکل و اعتماد بر ذات بی‌نظیر خداوندی، آدمی را از تنهایی، احساس بی‌پناهی و سر در گمی می‌رهاند و آرامش روانی حقیقی و پایدار را به او عطا می‌کند. برنامه‌ی منظم و مداوم عبادت، پرهیز از پلیدی‌ها و محرمات، انجام حرکت‌های اجتماعی، دستورات مداوم به اخوت و برادری و امید به رضایت و خشنودی خالق جهان، آرامش و اطمینان قلبی فرد مسلمان را چند برابر می‌کند [شاملو، سعید؛ ۱۳۶۶؛ ص ۳۵۹].

قرآن کریم با توجه به آیه‌ی

﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ [الإسراء: 82].

«ما آیاتی از قرآن را فرو می‌فرستیم که مایه‌ی بهبودی و رحمت مؤمنان است».

نه تنها بیماری‌های روحی و روانی را شفا می‌بخشد؛ بلکه در تسکین دردهای جسمی هم مفید و مؤثر است؛ تحقیقات علمی این مطلب را تأیید کرده است.

مطالعات گروهی از روان‌پزشکان در کلینک «آلبر» ایالت فلوریدای آمریکا که با استفاده از پیشرفته‌ترین سیستم‌های کامپیوتری انجام شده است، حاکی از دگرگونی‌های مهم در جهت اصلاح تغییرات امواج الکتروکاردیوگرافی^۱، الکترومیوگرافی^۲، الکتروانسفالوگرافی^۳ شدت جریان خون و ضربان نبض بر اثر شنیدن آیات قرآنی در بیماران ناآشنا به زبان عربی و غیرمسلمان که گرفتار افسردگی بوده‌اند، می‌باشد [اصفهانی، محمد مهدی؛ ۱۳۷۴ نماز نیایش عشق و شفا بخش تن؛ ص ۱۴].

1- electrocardiography

2- electromyography

3- electroencephalography

در دهه‌ی گذشته شواهد بسیاری گردآوری شده است که نشان دهنده‌ی تأثیر عوامل محیطی، روانی و اجتماعی بر اعمال سیستم ایمنی بدن از طریق اعصاب مرکزی است و عوامل عاطفی مثبت مثل ایمان قوی، حمایت اجتماعی و سایر استراتژی‌های کاهش فشار عصبی می‌تواند رشد سلول‌های بدخیم را کم یا متوقف کند و این امر در موارد توقف خود به خودی فعالیت سلول‌های سرطانی مشهود است.

اگر چه تأثیر باورهای دینی در تأمین سلامت روانی کمتر مورد توجه عامه و حتی متخصصین قرار گرفته است، مطالعات و بررسی‌های انجام شده حاکی از تأثیر عمیق این باورها در تمامی جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی افراد است.

اعتقادات دینی عامل مهمی در کاهش فشارهای روانی و افسردگی در میان افراد جامعه است و افراد متدین کمتر از سایرین به بزه‌کاری، خودکشی، طلاق، اعتیاد، مصرف الکل و انواع مختلف تجاوز و تعدی به حقوق دیگران، روی می‌آورند [جیمز، ویلیام؛ ۱۳۷۲؛ ص ۵۰-۵۳ و شاملو، سعید؛ ۱۳۶۶؛ ص ۳۵۴-۳۵۷].

«دیل کارنگی» در کتاب معروف «آیین زندگی» دین و عبادت را بهترین وسیله برای حصول آرامش و تمرکز ذکر کرده و از روان‌کاوی بنام «بریل» نقل می‌کند که گفته است: «انسان متدین واقعی هیچ‌گاه دچار بیماری روانی نخواهد شد» [بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم؛ ۱۳۷۳؛ ص ۱۶۵].

اسلام که خاتم شریعت‌ها و تکمیل‌کننده‌ی آن‌هاست، با ریشه در وحی الهی و عرضه‌ی الگوی کاملی چون پیامبر ﷺ ارائه‌دهنده‌ی کامل‌ترین و دقیق‌ترین شیوه‌ی زندگی و آیین بهزیستی است. اقتضای این جامعیت و همه‌سنگری (Holistic) به کل هستی آدمی و ارتباط با خالق جهان این است که؛ این دین در برگیرنده و تأمین‌کننده‌ی تمام نیازهای مادی و معنوی بشر باشد، آن‌چنان که خداوند آن را می‌ستاید:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾

[المائدة: ۳].

«امروز دین شما را برایتان کامل کردم و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آیین خداپسند برای شما برگزیدم».

احکام و مقررات اجتماعی در اسلام

برخلاف آنچه که دشمنان مغرض و دوستان جاهل فکر می‌کنند، اسلام صرفاً دینی فردی و شخصی نیست؛ بلکه در حیطه‌ی زندگی اجتماعی کامل‌ترین قوانین را دارد. آنگاه که رفاه و آسایش روانی و جسمی فرد با اجرای فرامین الهی و اجتناب از معاصی حاصل شد، فرد ملزم می‌شود که در زندگی اجتماعی خود و روابط با دیگران، مقرراتی را رعایت کند و نسبت به جامعه‌ی خود بی‌توجه نباشد؛ بنابراین خداوند احکامی را وضع کرده است، تا آسایش و رفاه فرد و جامعه تأمین شده و صلح و آرامش در اجتماع برقرار باشد. فعالیت‌های اجتماعی را که در تأمین سلامت روانی فرد و جامعه نقش بسزایی دارند می‌توان در بخش‌های چهارگانه‌ی فقه اسلامی به شرح زیر بیان کرد:

۱- عبادات:

- ۱-۱- وجوب نماز جمعه و استحباب جماعت در نمازهای یومیه، عیدین، استسقاء، خسوف و کسوف.
- ۲-۱- تشریع اغتسال واجب و سنت در اجتماعاتی چون نمازهای جمعه، خسوف، کسوف و مراسم مختلف در حج و عمره.
- ۳-۱- فرض کفایی در احکام غسل، تدفین، تکفین و نماز میت.
- ۴-۱- وجوب زکات در نقدین، محصولات مختلف کشاورزی، دفینه‌ها و معادن و بیان اصناف هشت‌گانه‌ی مستحقین دریافت زکات.
- ۵-۱- وجوب روزه که شرکت آحاد مسلمانان در آن باعث درک عملی گرسنگی، تشنگی و مشکلات عدیده‌ی فقرا می‌شود.

۱-۶- حج به عنوان عالی‌ترین تجلی اخوت، یک‌رنگی و تساوی انسان‌ها زمینه‌ای برای تبادل افکار و درک مشکلات جهانی مسلمانان و کل جامعه‌ی انسانی است.

۲- معاملات

- ۱-۷- بیان انواع و شرایط بیع و معاملات حرام و تحریم احتکار.
- ۱-۸- تشریع احکام انواع خیار «خیار المجلس، خیار الشرط و خیار النقیصة» برای جلوگیری از ایجاد هرگونه اختلاف در بین مردم و پیش‌گیری به موقع از ضرر و زیان و میدان ندادن به سودجویان.
- ۱-۹- تشریع احکام سلم، إقراض، رهن، حواله، ضمانت، كفالت، شرکت، وکالت و عاریه، شفعه و قراض، مساقاة، اجاره، وقف، هبه، لقطه و جعاله جهت رفع هرگونه حرج و تنگنا در روابط تجاری و اقتصادی افراد جامعه.
- ۱-۱۰- تشریع احکام حَجَر و ممانعت از تصرفات مالی سفیه، کودک، دیوانه و مفلس برای جلوگیری از آسیب‌های مالی به افراد مذکور و سایر افراد جامعه.

۳- مناکحات

- ۳-۱- تشریع احکام ارث و بیان اسباب چهارگانه‌ی آن: قرابت، نکاح، ولاء و اسلام و نیز سهم مقدر هر کدام از وارثین.
- ۳-۲- مشروعیت وصیت و اجرای آن از ثلث اموال میت.
- ۳-۳- استحباب وصال که عبارت است از: تعیین کسی برای نظارت و سرپرستی اطفال و انجام وصیت‌ها پس از مرگ.
- ۳-۴- تشریع احکام نکاح، طلاق، قسم، خلع، رجعت، ایلاء،ظهار، لعان، رضاع، نفقه و حضانت در روابط بین زوجین و نیز تعیین مبلغی به عنوان صداق و الزام مرد به پرداخت متعه و نفقه پس از جدایی تا پایان مدت عده‌ی همسر.

۴- جنایات

- ۱-۴- احکام قصاص نفس و اعضا همراه با بیان شرایط قصاص و انواع جراحات (عمد، شبه عمد و خطأ) و دیه‌ی نفس و اعضا در افراد مختلف (زن، مرد، مسلمان، اهل کتاب، مجوسی و جنین) که تحت عنوان «کتاب الجراح» به تفصیل مورد بررسی واقع شده است.
- ۲-۴- وضع حدود مختلف برای مرتد، زناکار، سارق، شراب‌خوار، راهزن، متعرض به مال و ناموس و متمردين و طاغیان در برابر حکومت اسلامی که در بخش‌های مربوطه مورد بحث قرار گرفته‌اند.
- ۳-۴- بیان احکام و شرایط مربوط به انتخاب امام، قاضی، محتسب و غیره و همچنین شرایط قبول جزیه و احکام جنگ و صلح که در بخش‌های مجزاً تحت عناوین «کتاب القضاء» و «کتاب السیر» مورد بررسی واقع شده‌اند.
- ۴-۴- وضع مقررات مفصلی در «کتاب القضاء» و «کتاب الشهادات» که شامل آداب قضاوت، انواع شهادت، شرایط شهود و تعارض بین‌هاست.
- ۵-۴- بیان ضوابط و مقررات رفتار با برده‌ها و کنیزها و حقوق مسلم انسانی آنها که در جوامع ایران و روم هیچ‌گاه در نظر گرفته نمی‌شد؛ این احکام شامل عنق، کتابت، تدبیر و احکام مربوط به ام‌الولد می‌باشد.

بهداشت و تندرستی

تا ۳۹۰۰ سال قبل از میلاد بیماری یک بلای آسمانی به شمار می‌رفت و کسی در جهت بهبود بیماران اقدامی نمی‌کرد. در این زمان مردی بنام اسقلیبوس یا اسکولاب که در یونان زندگی می‌کرد به فکر مداوای بیماران افتاد؛ او از گیاهان دارویی به این منظور استفاده کرد. دختر اسقلیبوس بنام هیژی (Hygie) اولین کسانی بود که به فکر پیش‌گیری افتاد و به پدرش پیشنهاد کرد که فعالیت‌های خود را بر پیش‌گیری و تدابیر جلوگیری از شیوع

امراض متمرکز سازد [آذر گشب، اذن الله؛ ۱۳۷۵؛ ص ۹ و نورانی، مصطفی؛ ۱۳۶۹؛ ص ۴].

اسقلیبوس این علم را به افتخار دخترش «هیژی نیوس» نام نهاد که امروزه به زبان انگلیسی (Hygiene) خوانده می‌شود.

نتیجه‌ی این فعالیت‌ها و تلاش دانشمندان دیگر در سال ۱۹۴۶ که اساسنامه‌ی سازمان بهداشت جهانی (World Health Organization) WHO به تصویب رسید، ثمر داد و دو سال بعد، آن اساسنامه به اجرا درآمد.

طبق تعریف آن سازمان سلامتی عبارت است از: «رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی و نه صرفاً نبودن بیماری و ناتوانی» [حلم سرشت و دل‌پیشه؛ ۱۳۷۱؛ ص ۲۰]؛ بنابراین، امروزه دامنه‌ی فعالیت‌های بهداشتی که در آغاز بیشتر در جهت کنترل بیماری‌ها، سالم‌سازی محیط، آمار حیاتی، خدمات آزمایشگاهی و آموزش بهداشت بوده است، توسعه یافته و خدماتی نظیر بهداشت روانی، کنترل بیماری‌های مزمن، کنترل سوانح و حوادث، بهداشت مادر و کودک، بهداشت دهان و دندان و غیره را شامل می‌شود.

خدمات بهداشتی به دو بخش بهداشت فردی و بهداشت اجتماعی تقسیم می‌شود؛ در بهداشت فردی آن دسته از آداب و دستورات بهداشتی که در تأمین سلامتی فرد مؤثر بوده و شرایط لازم را برای انجام فعالیت‌های روزانه مهیا می‌سازند، مورد توجه قرار می‌گیرد. در بهداشت اجتماعی نیز به نکاتی توجه می‌شود که رعایت آن‌ها از آلودگی محیط زندگی و انتشار بیماری‌های واگیردار و به طور کلی شرایطی که سلامت جامعه را در معرض خطر قرار می‌دهد، جلوگیری می‌نماید [اصفهانی و مهربانی توانا؛ ۱۳۷۷؛ ص ۳۰].

البته عواملی نظیر وضعیت اقتصادی، جغرافیایی، کشاورزی، فرهنگ، آموزش و پرورش و وسایل ارتباط جمعی در ارتقای سطح بهداشت فردی و اجتماعی مؤثر هستند [آذرگشب، اذن الله؛ ۱۳۷۵؛ ص ۱۶]؛ به همین سبب رعایت آداب دینی و به کارگیری

دین در آموزش و ارتقای سطح بهداشتی جوامع مورد تأکید کارشناسان بهداشت است
[خوش طینت، آمنه؛ ۱۳۶۹؛ ص ۲۴].

فصل اول:

عبادات

۱- «احکام طهارت»

طهارت در لغت به معنی نظافت و پاکیزه بودن از آلودگی‌ها و ناپاکی‌های حسی هم‌چون نجاسات و ناپاکی‌های معنوی مانند عیوب نفسانی است.

طهارت در اصطلاح فقه به معنی از بین بردن ممنوعیت مترتب بر حدث اصغر و اکبر و نیز نجاسات است. به عبارت دیگر آن چه که نماز - یا هر آن چه که در حکم نماز است - را مباح می‌گرداند، طهارت نامیده می‌شود. با توجه به آیه‌ی:

﴿فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا﴾ [النساء: 43].

«و آبی نیافتید با خاک پاک تیمم کنید».

آب در پاکی و طهارت اصل است و خاک بدل آب است، و خداوند دربارهی این مایع حیات بخش می‌فرماید:

﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا﴾ [الفرقان: 48].

«و از آسمان آب پاک و پاک‌کننده را نازل می‌گردانیم».

در این آیه «طهور» یعنی مُطَهَّر یا پاک‌کننده؛ پس آب وسیله‌ی پاک کردن و تمیز کردن نجاسات و آلودگی‌هاست.

آب مورد تأیید شرع برای انجام طهارت، آب مطلق است؛ یعنی آبی که هیچ ماده‌ی زایدی در آن نباشد. آبی که به طور طبیعی با خاک، گوگرد و یا هر ماده‌ای که در محل جریان آن قرار دارد مخلوط است، قابل استفاده در طهارت می‌باشد.

طهارت یا پاکی موردنظر شرع دو نوع است:

الف) طهارت از نجاست.

ب) طهارت از حدث اصغر و اکبر.

آب فراوان‌ترین ترکیب شیمیایی موجود در طبیعت است که سه چهارم سطح زمین را پوشانیده است و به سه شکل جامد، مایع و گاز در طبیعت یافت می‌شود. ویژگی‌های فیزیکی و شیمیایی منحصر به فرد آب و نیز مواد و املاح موجود در آن باعث شده است که آب بعد از هوا مهم‌ترین نیاز انسان برای زندگی باشد. یافته‌های علمی نشان می‌دهد که بدون آب، حیات به هیچ شکلی وجود ندارد [اسماعیل، عبدالعزیز؛ ۱۹۳۸؛ ص ۱۳].

اعمال حیاتی و شیمیایی موجودات ذره‌بینی موجود در آب باعث از بین رفتن انواع آلودگی‌هایی می‌شوند که منبع آلی دارند. از این رو آب طبیعتاً پاک خلق شده و دارای قدرت پاک‌کنندگی است.

آرایش مولکولی آب سبب می‌شود که این مولکول از لحاظ الکتریکی ناقرینه شده و دارای برآیند دو قطبی شود. همین برآیند نسبتاً بزرگ موجب می‌شود که آب در مقابل ترکیبات یونی و ترکیباتی که بتوانند به صورت یون تجزیه شوند (مانند نمک طعام) حلال بسیار خوبی باشد [شهبازی و ملک‌نیا؛ ۱۳۷۱؛ جلد اول؛ ص ۶۸].

وجود مواد آلی در آب باعث اشتغال موجودات ذره‌بینی به تجزیه‌ی آن‌ها شده و اگر غلظت این مواد زیاده‌تر از توان تجزیه‌ای موجودات ذره‌بینی باشد، قدرت دفاعی آن موجودات عملاً سلب شده و خاصیت پاک‌کنندگی آب از بین می‌رود؛ اما اگر عناصر موجود در آب قدرت پاک‌کنندگی آب را از بین نبرند و به طور طبیعی به آب اضافه شده باشند و جدا کردن آن‌ها از آب امکان‌پذیر نباشد، آن آب پاک کننده است چنانچه آب‌های معدنی و آب‌های گوگردار از این نوع می‌باشند.

۱-۱- آب مشمس

استعمال آب مشمس برای نوشیدن و طهارت بدن مکروه است، آب مشمس آبی است که در ظرفی فلزی در مقابل نور خورشید در مناطق گرمسیری قرار گرفته است و غالباً لایه‌ای چربی مانند روی آن دیده می‌شود. اصل در کراهت استعمال آب مشمس روایت

امام شافعی رحمه الله از حضرت عمر رضی الله عنه است که فرموده است: استعمال چنین آبی در بدن باعث ابتلا به برص می شود.

در بهداشت اسلامی به نقش و اثرات نور خورشید در فعال کردن عناصر و اختلاف آثار بازتاب تشعشعات و یا اختلاف آثار تشعشعات عبور کرده از اجسام زلال با نور طبیعی خورشید توجه کرده است؛ در حالی که در بهداشت کلاسیک با وجود پیشرفت های همه جانبه ی علوم این مسایل مکتوم مانده است.

اختلافات مهم و اساسی بین امواج نور طبیعی خورشید با نوع دیگرش که قسمتی از بازتاب اجسام کدر و قسمتی پس از عبور از اجسام کدر (مانند امواج حرارتی) و قسمتی نیز پس از عبور از اجسام زلال وجود دارد. این سه دسته نور حاصل پس از برخورد اشعه ی آفتاب با اجسام از نظر کمیت و کیفیت و خواص و آثارشان در محیط زنده، با هم کاملاً متفاوتند؛ بدین معنی که در تابش مستقیم نور خورشید به آب تقریباً تمام انواع امواج و تشعشعات خورشید به آب وارد شد و آثار مختلفی در املاح و ترکیبات شیمیایی آب از خود بر جای می گذارد که فعال کردن عناصر شیمیایی و خود مولکول های آب نیز یکی از این آثار و خواص بوده و به همین جهت است که از نظر درمانی شستشو و آب تنی در آب دریاها عملاً در علم طب برای خود جایگاهی دارد. مثال عملی این مطلب را می توان در طراوت و شادابی بیشتر گیاهانی که با آب باران یا آب چشمه آبیاری شده اند در مقایسه با گیاهان آبیاری شده با آب لوله کشی مشاهده نمود [صبور اردوبادی، احمد؛ ۱۳۵۷؛ ص ۶۷].

بنابراین، واضح است که قسمت اعظم نور خورشید که نمی تواند از جدار ظرف عبور کند بر حسب نوع و جنس ظرف، مقداری به جدار ظرف جذب شده و قسمتی از طریق انعکاس، از جدار ظرف به خارج دفع می شود. علاوه بر تجزیه ی نور خورشید در اثر برخورد با اجسام فلزی و بازمانده ی اشعه ی جذب شده به صورت بازتاب و اهمیت

حیاتی نور طبیعی، ناهماهنگی امواج به اشکال دیگری در محیط زنده‌ی سلولی، منشأ اثر واقع می‌شود و اگر ادامه یابد احتمال تأثیرات منفی در اعتدال بیولوژیکی محیط زنده و سلامتی بدن بیشتر می‌شود.

نکته‌ی دیگر این است که گرما تعادل اکسیژنی آب را بر هم می‌زند و با گرم شدن تدریجی آب در مقابل نور خورشید، اکسیژن موجود در آب تحلیل می‌رود و در نتیجه‌ی خروج مقدار زیاد اکسیژن، قدرت پاک‌کنندگی آب در عمل تصفیه و تطهیر کم می‌شود.

۱-۲- آب قلتین

اگر مقدار آب از حد قلتین - ۱۹۲/۸۵۷ کیلوگرم - کمتر باشد، با افتادن نجاست در آن نجس می‌شود، اگر چه مقدار نجاست کم باشد و تغییری در آب ایجاد نکند. اما آب قلتین با افتادن مقداری نجاست در آن که باعث تغییر صفات سه‌گانه‌ی آب (رنگ، بو و طعم) نشود، نجس نمی‌شود؛ این مطلب از روایت شیخین رحمهما الله از پیامبر اکرم ﷺ که فرموده است: «إِذَا بَلَغَ الْمَاءُ قَلْتَيْنِ لَمْ يَحْمِلِ الْخَبْثُ» «هرگاه مقدار آب به حد قلتین برسد نجس نمی‌شود» استنباط شده است؛ ولی اگر مقدار نجاست زیاد بوده و باعث تغییر یکی از صفات سه‌گانه‌ی آب قلتین شود، آب مذکور نجس محسوب می‌شود.

اضافه کردن آب به آب کمی که نجس شده است اگر مقدار آن را به حد قلتین برساند - در صورتی که صفات سه‌گانه‌ی آب تغییر نکرده باشد - باعث پاک شدن آب نجس می‌شود، اما اگر مقدار هر دو آب مجموعاً به حد قلتین نرسد، آب نجس است. آب جاری در تمامی احکام مانند آب راكد است.

آب سالم و قابل آشامیدن آبی است پاک، زلال و گوارا؛ به علاوه نباید میکروب‌های بیماری‌زا و مواد سمی و شیمیایی با آن مخلوط شده باشد. برای اطمینان از سالم و تمیز

بودن آب، لازم است که در طول سال تجزیه شیمیایی و باکتریولوژیکی آب انجام شود. از نظر باکتریولوژیکی دو نوع معیار برای بهداشت آب در نظر گرفته می‌شود:

۱- شمارش مجموع باکتری‌ها: تعداد باکتری‌های آب را با روش‌های استاندارد شمارش می‌کنند؛ اگر تعداد مجموع باکتری‌ها از ۱۰۰ عدد در یک میلی‌لیتر آب تجاوز کند، احتمال آلودگی میکروبی و بیماری‌زا بودن آب وجود دارد.

۲- شمارش کلیفرم^۱: وجود تعداد زیاد کلیفرم یا باکتری‌های روده‌ای^۲ در آب نشانه‌ی آلودگی آب با فضولات انسانی یا حیوانی است. براساس تعداد کلیفرم آب لوله‌کشی به چهار درجه تقسیم می‌شود:

درجه‌ی آب	میزان اطمینان	تعداد کلیفرم در ۱۰۰ میلی‌متر
۱	کاملاً سالم	صفر
۲	سالم	۱-۲ عدد
۳	مشکوک	۳-۱۰ عدد
۴	غیرقابل شرب	۱۰ و بیشتر

آب شرب نباید از درجه‌ی ۱ و ۲ پایین‌تر باشد [آذرگش، اذن الله؛ ۱۳۷۵؛ ص ۱۳].

به طور کلی می‌توان گفت که آب سالم از نظر فیزیکی، آبی است که؛ بی‌رنگ، بی‌طعم و بی‌بو باشد و از نظر شیمیایی دارای املاح استاندارد و یا در حد مجاز بوده، از نظر بیولوژیکی عاری از هرگونه عوامل بیماری‌زا باشد [اصفهانی و مهرابی توانا؛ ۱۳۷۷؛ ص ۴۱].

اگر مقدار مواد آلی و آلوده‌کننده‌ی آب از تعداد موجودات ذره‌بینی (باکتری‌های ساپروفیت)^۳ کمتر باشد، موجودات ذره‌بینی می‌توانند آلودگی‌ها را پاک کنند، اما در صورتی که به علت کثرت مواد آلی یا تضعیف موجودات ذره‌بینی با اضافه‌کردن موادی به

1- Coliform

2- enteric bacterias

3- Saprophyte bacterias

آب قدرت پاک‌کنندگی آن از بین برود، فعل و انفعالات شیمیایی به تغییر صفات آب منجر خواهد شد.

تغییر صفات سه‌گانه‌ی آب نیز نشان از اشباع آب از آلودگی‌هاست؛ بنابراین اگر آب قلتین یکی از صفات سه‌گانه‌ی آن تغییر کند قدرت پاک‌کنندگی خود را از دست داده و قابل استفاده در طهارت نیست.

۱-۳- شک در پاکی آب

اگر در پاکی دو ظرف محتوی آب شک شود، طهارت با آبی انجام می‌شود که احتمال پاکی آن وجود دارد. اما اگر در دو ظرف که یکی محتوی نجاستی چون ادرار و دیگری آب پاک است، اشتباهی پیش آید، شخص حق اجتهاد و انتخاب را ندارد.

حکم فوق که براساس قاعده‌ی فقهی «الیقین لا یزول بالشک» صادر شده است. در پیش‌گیری از وسواس و مشکلات روانی ناشی از آن اهمیت زیادی دارد. این حکم زمانی صادر می‌شود که در پاکی دو ظرف شک شود. اما اگر یکی از ظرف‌ها محتوی نجاست باشد، با توجه به قطعیت و یقین در نجس بودن یکی از دو ظرف، برای پیش‌گیری از آلودگی، شخص حق اجتهاد و اعمال نظر ندارد.

۱-۴- ظروف طلا و نقره

استعمال ظروف طلا و نقره و نگهداری آن‌ها به هر عنوان به دلیل حدیث «لا تشربوا فی آنیة الذهب والفضة ولا تأکلوا فی صحافها» «در ظروف طلا و نقره چیزی ننوشید و در بشقاب‌هایی ساخته شده از آن‌ها چیزی نخورید» و هم‌چنین به کار بردن ظروفی که نجس هستند، مانند مشک تهیه شده از پوست مردار، حرام است.

گرچه علل تحریم استفاده از ظروف طلا و نقره به طور اصولی مبتنی بر نهی قرآن از نگهداری و ذخیره‌ی طلا و نقره و نیز جلوگیری از ایجاد شکاف طبقاتی در جامعه است؛ هم‌چنین می‌تواند دلایل اقتصادی در شیوه‌های بانک‌داری جدید و پشتوانه بودن طلا در این سیستم‌ها داشته باشد، اما اثرات سوء به کار بردن این ظروف در سلامت بدن نیز مطرح است.

بازتاب تشعشعات نور از طلا حتی در مدت کوتاه نوشیدن آب از ظرف طلا، اثرات سوئی از خود بر جای می‌گذارد، که نسبت به سلامتی بدن مضر است و طعم آب را به طور محسوسی تغییر می‌دهد.

نقره نیز از جمله فلزاتی است که هم از نظر بازتاب تشعشعات نورانی و هم از نظر سرعت و شدت فعالیت الکترونی بر سایر فلزات برتری داشته، از این رو میل ترکیبی شدیدی با بسیاری از مواد غذایی و شیمیایی دارد و امروزه نیز ترکیبات شیمیایی نقره به علت حساسیت شدیدشان نسبت به نور همواره در شیشه‌های رنگی یا کاملاً تاریک نگهداری می‌شوند. بدیهی است که اگر مواد غذایی مستقیماً با ظروف نقره تماس پیدا کنند به سرعت نقره با آن‌ها ترکیب شده و وارد مواد غذایی می‌گردد.

نقره یک ماده‌ی سمی است و اگر یک قاشق نقره‌ای را وارد زرده‌ی تخم‌مرغ کنیم، نقره به سرعت، گوگرد ترکیبی آن را جذب کرده و سیاه می‌گردد [صبور اردوبادی؛ احمد؛ ۱۳۵۷؛ ص ۸۲-۷۷].

تحریم استعمال ظروفی که از نجاست تهیه شده‌اند، یک حکم صریح بهداشتی است که از ابتلا به بیماری‌های ناشی از آلودگی‌های آن ظروف پیش‌گیری می‌کند.

۱-۵- تحریم استعمال طلا برای مرد

استفاده از طلا برای مردان غیر از موارد اضطراری مورد تأیید شارع، حرام است. ترمذی رحمه‌الله از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «حَرَّمَ لِبَاسَ الْحَرِيرِ وَالذَّهَبِ عَلَى ذَكَورِ أُمَّتِي وَأَحْلَى لَنَا نَاهُمْ» «پوشیدن لباس حریر و استعمال طلا بر مردان اتمم تحریم شده ولی برای زنان این امت حلال شده است».

تحقیقات انجام شده در سال ۱۹۷۰ در خصوص اندازه‌گیری طلا در سرم خون، مایع منی و شیر انسان و همچنین تراکم طلا در بافت‌های مختلف نشان می‌دهد که بیشترین مقدار آن در دستگاه تناسلی از جمله تخمدان‌ها و رحم و در مردان در بیضه‌ها و اپیدیدیم^۱ تجمع می‌یابد و در مردان جوان عمدتاً از طریق مایع منی و در افراد مسن از طریق ادرار دفع می‌گردد.

محدوده‌ی ۷۵-۱۰۵ نانوگرم طلا در یک میلی‌لیتر مایع منی، مانعی برای تحرک اسپرم‌ها ایجاد نمی‌کند ولی با بیشتر از این حد میزان تحرک اسپرم به طور محسوسی کاهش می‌یابد [ملک‌زاده شفارودی؛ ۱۳۷۴].

آندرو (Anderw) و همکارانش در سال ۱۹۹۰ نشان دادند که بالا بودن مقدار طلای موجود در بدن افراد زرگر باعث ایجاد اختلالات هورمونی می‌شود و هورمون‌های پرولاکتین^۲ و F.S.H^۳ بیش از همه تحت تأثیر قرار می‌گیرند [بابایی؛ ۱۳۷۰؛ ص ۶۲-۲۰].

از آن‌جا که بیشترین تجمع طلا در دستگاه تناسلی مذکر، اپیدیدیم است و اسپرم‌ها مدتی در آن‌جا می‌مانند تا قدرت تحرک و باروری پیدا کنند؛ تحقیقات به عمل آمده رابطه‌ی معنی‌داری بین قدرت تحرک و میزان طلای موجود در مایع منی نشان داده است [ملک‌زاده شفارودی؛ ۱۳۷۴ و بابایی؛ ۱۳۷۴؛ ص ۶۲-۲۰].

در نتیجه می‌توان یکی از علل عمده‌ی تحریم استعمال طلا برای مرد را، نقش این فلز در کاهش تحرک سلول‌های جسی نر (اسپرم) و اختلالات هورمونی در ظهور صفات ثانویه‌ی زنانه دانست.

۱-۶- استنجا

1- epididymis

2- prolactin

3- Follicle Stimulating Hormine

استنجا یا پاک نمودن اثرات مدفوع و ادرار با آب یا سنگ و یا هر شی، جامد غیرمحترم و پاکی که بتواند نجاست را برطرف کند، واجب است. استفاده از آب و سنگ یا جامدات مورد تأیید شرع و جمع آنها در طهارت از به کار بردن یکی از آنها بهتر است؛ به دلیل این که سنگ یا ماده‌ی جامد جرم نجاست را برطرف می‌کند و آب هم اثرات باقی‌مانده را می‌زداید. اما به دلیل اصالت آب در طهارت و قدرت شویندگی آن، در صورتی که شخص بخواهد یکی از پاک‌کننده‌ها را به کار ببرد، بهتر است از آب استفاده کند.

شرط استنجا با سنگ و سایر جامدات پاکی که قدرت برطرف کردن نجاست را دارند، این است که نجاست در محل خروج خشک نشده و از آنجا به سایر قسمت‌های بدن منتشر نشده باشد؛ در غیر این صورت استنجا فقط باید با آب انجام شود. در صورت استنجا با آب ابتدا باید آلت تناسلی و سپس مقعد را پاک نمود. ولی هنگام استنجا با سنگ یا جامدات برعکس عمل می‌شود.

استنجا با دست راست هیچ‌گاه جایز نیست، چون امام مسلم رحمه‌الله از سلمان فارس رضی الله عنه روایت می‌کند: «نهانا رسول الله ﷺ أن نستنجی بالیمین» «پیامبر اکرم ﷺ ما را از انجام عمل استنجا با دست راست نهی فرمودند».

با استناد به مطالبی که در باب نجاست مدفوع و ادرار بیان شده است و آلوده بودن آنها به انواع میکروب‌ها می‌توان توجیهی مسلم و علمی در خصوص احکام استنجا بیان کرد. استفاده از سنگ و جامدات دیگر و یا دستمال توالتهای امروزی قبل از شست و شوی آلت تناسلی و مخرج با آب، در بهداشت فردی و پیش‌گیری از شیوع بیماری‌های منتقله به وسیله‌ی مدفوع، بسیار مؤثر است؛ زیرا در این شیوه جرم نجاست به وسیله‌ی سنگ و دستمال توالت برطرف شده و آب نیز اثرات مدفوع و ادرار را می‌زداید.

اما در صورتی که مدفوع و ادرار از محل خروج خود تجاوز کرده یا خشک شده باشند؛ پاک کردن اثر نجاست جز با استفاده از آب که قدرت پاک‌کنندگی و حلالیت آن در ابتدای مبحث طهارت مورد بحث قرار گرفت، جایز نیست.

نحوه‌ی نشستن در مستراح در انجام عمل دفع و تخلیه‌ی کامل روده‌ها باید به صورت چمباتمه‌ای باشد. این روش به دلایل متعددی از توالت‌های فرنگی - به شکل صندلی - سالم‌تر و بهداشتی‌تر است [صبور اردوبادی، احمد؛ ۱۳۶۶؛ ص ۹۷-۹۶].

ابتلا به بیماری سینیوس پیلونیدال^۱ در میان افرادی که با آب مخرج خود را می‌شویند و صرفاً از دستمال توالت استفاده نمی‌کنند بسیار نادر است؛ استفاده از دستمال توالت بدون به کار بردن آب یکی از علل خارش مقعد است [پاک‌نژاد، سیدرضا؛ ۱۳۴۹؛ ج ۱۵؛ ص ۲۴۰].

شستن آلت تناسلی قبل از شستشوی مقعد به خصوص درباره‌ی زنان حکمی بهداشتی و در خود توجه است؛ زیرا دست‌های آلوده به مدفوع به خصوص در دوران قاعدگی اگر در شست و شوی مهبل به کار گرفته شوند، مجرای ادراری و دستگاه تناسلی زن را در معرض انواع آلودگی‌ها قرار می‌دهند [صانعی، صفدر؛ ۱۳۴۹؛ ص ۱۰۰].

اختصاص دست چپ به انجام عمل طهارت و دست راست به غذا خوردن یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بهداشت اسلامی است. عدم وجود مو و چین و چروک در کف دست به طور خلقی و استحباب ناخن گرفتن احتمال ابتلا به آلودگی‌ها را به کمترین حد ممکن می‌رساند.

۱-۶-۱- آداب استنجاء و دستشویی رفتن

ادب اول: مستحب است که هنگام ورود به دستشویی ابتدا پای چپ و سپس پای راست را درون دستشویی گذاشت و هنگام خروج برعکس عمل کرد؛ به دلیل روایت

1- pilonidal sinus

ترمذی رحمه الله از ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرموده اند: «أَنَّ مِنْ بَدَأَ بِرَجْلِهِ الْيَمْنَى قَبْلَ يَسَارِهِ إِذَا دَخَلَ الْخِلَاءَ ابْتُلِيَ بِالْفَقْرِ» «هر کسی که پای راستش را قبل از پای چپ درون مستراح بگذارد به فقر مبتلا خواهد شد».

برای حکم مذکور می توان دو دلیل علمی ذکر کرد: اولاً سنگین تر بودن سمت راست بدن نسبت به سمت چپ بدن به دلیل قرار گرفتن کبد در سمت راست به وزن یک و نیم کیلوگرم و ثانیاً وجود قلب در سمت چپ بدن که در صورت ایجاد هر گونه اختلال در کار قلب (مانند سکته ی قلبی)، سمت راست بدن به ویژه پای راست زودتر متأثر می شود؛ بنابراین اگر به هنگام ورود به مستراح پای چپ جلو قرار گیرد در صورت وقوع هر گونه اختلال ناگهانی در کار قلب یا مغز که منجر به بی هوشی و افتادن فرد شود، فرد به بیرون از مستراح به سمت راست می افتد. در هنگام خروج نیز برعکس حالت فوق شخص به بیرون از مستراح خواهد افتاد.

ادب دوم: مستحب است که هنگام تخلیه ی مدفوع بر سمت چپ بدن فشار آورد بدین صورت که زانوی راست را بالا کشیده و بر انگشتان پای راست تکیه زد. از رعای رحمه الله دلیل این امر را آسانی خروج مدفوع به این طریق می داند.

قولن نازله که به رکتوم^۱ و مقعد ختم می شود، در طرف چپ شکم قرار دارد، بنابراین تکیه دادن بر روی سمت چپ بدن باعث وارد شدن فشار بر سیگموئید^۲ و حرکت مدفوع به سمت رکتوم شده، همچنین باعث بازتر شدن اسفنکتر^۳ (دریچه) بین سیگموئید و رکتوم و نهایتاً خروج آسان تر مدفوع می شود.

1- rectum

2- sigmoid

3- sphincter

در صورتی که شخص به سمت راست تکیه زند احتمال بازگشت مدفوع به سمت سیگموئید و قولن نازله و ایجاد پیوست مزمن وجود دارد.

تحقیقات نشان می‌دهد که شیوع بواسیرهای داخلی و خارجی در کشورهای غربی ناشی از زور زدن‌های غیرصحیح برای عمل دفع و تخلیه‌ی ناقص مدفوع است [صبور اردوبادی، احمد؛ ۱۳۶۶؛ ص ۶۲].

ادب سوم: انجام عمل دفع ادرار و مدفوع در راه‌ها، زیر درختان دارای سایه یا ثمر، آب راکد، سوراخ‌های زمین و محل‌های مصاحبت و استراحت مردم، حرام است؛ امام مسلم رحمه‌الله از ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «اتَّقُوا اللَّعَانِينَ» قالوا: وما اللعانان؟ قال صلی الله علیه و آله: «الذي يتخلى في طريق الناس أو في ظلهم» «از دو لعن و نفرین خود را بازدارید. گفتند: آن دو نفرین کدام‌اند؟ آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که سر راه مردم یا در سایه‌بان (محل استراحت آن‌ها) نجسی می‌کند». از جابر رضی الله عنه نیز روایت شده است: «أنه صلی الله علیه و آله نهى أن يبال في الماء الراكد» «پیامبر صلی الله علیه و آله از ادرار کردن در آب راکد نهی فرموده است».

عده‌ای از علما علت تحریم ادرار کردن در سوراخ‌های زمین را وجود حیوانات ضعیفی که احتمال دارد از ادرار آزار ببینند، یا خطر خروج حیواناتی موزی مانند: مار و عقرب ذکر نموده‌اند [الشربینی؛ ج ۱؛ ص ۴۱]؛ دلیل این حکم نیز روایت ابوداود رحمه‌الله از عبدالله بن سرجس رضی الله عنه است؛ «نهى رسول الله صلی الله علیه و آله أن يبال في الجحر» «پیامبر صلی الله علیه و آله از ادرار کردن در سوراخ‌های زمین نهی فرموده است».

با توجه به آلودگی شدید مدفوع و ادرار به انواع میکروب‌ها و تماس مداوم افراد با موارد فوق می‌توان به اهمیت این احکام پی برد؛ اما حکم به تحریم آلوده کردن آب‌های راکد اهمیت بسیار زیادی دارد؛ از آن‌جا که زندگی تمام موجودات به آب بستگی دارد و

آب می‌تواند عامل انتقال بیماری‌های زیادی باشد؛ کنترل بهداشت آب یک گام اساسی و اولویتی مهم در تأمین تندرستی است.

آسیب‌های بیولوژیکی ناشی از آلودگی آب‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- بیماری‌های منتقل شده از آب به علت وجود عوامل عفونی شامل: بیماری‌های منتقله به واسطه‌ی ویروس‌ها، باکتری‌ها، تک‌یاخته‌ها، کرم‌ها و لپتوسپیروز^۱.
- ۲- بیماری‌هایی که ناقلین آن‌ها در آب زندگی می‌کنند و شامل سیکلوپس‌ها^۲ و حلزون‌ها می‌باشند [اصفهانی و مهرابی توانا؛ ۱۳۷۷؛ ص ۴۲]:

ساختار لانه‌ی خزندگان و حشرات به شکلی است که چندین راه ورود و خروج دارد و بیشتر سوراخ‌های موجود در زمین، ورودی و خروجی لانه‌های این حیوانات هستند؛ بنابراین ادرار کردن در این سوراخ‌ها موجب آزار رساندن به حیوانات مذکور می‌شود و گاهی ممکن است باعث خروج و حمله‌ی خزنده تا حشره شده و شخص توسط آن‌ها صدمه ببیند.

ادب چهارم: انجام عمل استنجا با آب در محل قضای حاجت جایز نیست.

ریختن آب بر ادرار و مدفوع در هنگام شست و شوی بدن و ترشح نجاسات به اطراف اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین شخص باید محل دفع و محل شست و شوی خود را به طور جداگانه انتخاب کند، یا برای انجام این اعمال، محل مرتفعی را برگزیند تا ترشحات به لباس و بدنش برخورد نکند.

گرچه این حکم درباره‌ی مستراح‌های جدید صادر نشده است. اما به این مستراح‌ها نیز قابل تعمیم است و لازم است شخص قبل از شست و شوی بدن به دفع نجاست قبل از طهارت با ریختن مقداری آب، مبادرت نماید.

1- leptospirosis

2- cyclops

ادب پنجم: صحبت کردن در محل قضای حاجت غیر از موارد ضروری جایز نیست؛ زیرا امام ابوداود رحمه‌الله از ابوسعید خدری رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که پیامبر صلی‌الله‌عنه‌وآله‌وسلم فرموده است: «لا یخرج الرجلان یضربان الغائط کاشفین عن عورتیهما یتحدثان فإنّ الله تعالی یمقت علی ذلک» «دو نفر از شما اگر به منظور قضای حاجت خارج شده و عورت‌هایشان را ظاهر نمودند، نباید با یکدیگر صحبت کنند زیرا خداوند متعال از این بیزار است». هم‌چنین توقف زیاد در محل قضای حاجت مکروه است [الشربینی؛ ج ۱؛ ص ۴۲].

تکلم در واقع کاری ارادی است که حواس را به طرف خود جلب کرده، از تمرکز غیر ارادی و اعتدال فکری می‌کاهد؛ در نتیجه قدرت و حساسیت اعمال غیرارادی و انعکاسی کم می‌شود. تخلیه‌ی روده‌ها و مثانه جزو اعمالی هستند که به طور مشترک با اعمال ارادی و غیرارادی صورت می‌گیرند و چون جنبه‌ی ارادی آن‌ها مقدمه‌ی جنبه‌ی غیرارادی آن‌هاست، در اثر کاهش فعالیت انعکاسی، اعمال تخلیه‌ی روده‌ها و مثانه مانند حالات طبیعی هرگز به مراحل کمال ممکنه‌ی خود نخواهند رسید و پیامدهای منفی ناشی از عدم تخلیه‌ی ناقص این اندام‌ها، زمینه‌ی ابتلا به بیماری‌های مختلف را فراهم می‌سازد [صبور اردوبادی، احمد؛ ۱۳۶۶؛ ص ۱۶۱].

هم‌چنین صحبت کردن و به طریق اولی، خوردن و نوشیدن علاوه بر انحراف مقداری از خون مورد استفاده در انجام عمل دفع و کاهش بازدهی کامل آن، باعث می‌شود که شخص در معرض انواع آلودگی‌های فضای مستراح از قبیل گازهای سمی و هاگ باکتری‌ها قرار گیرد.

توقف زیاد در مستراح و فشار شکمی شدید باعث پارگی وریدهای مقعد و ایجاد بواسیر (piles) و فتق می‌شود [صبور اردوبادی، احمد؛ ۱۳۶۶؛ ص ۶۲].

ادب ششم: ایستاده ادرار کردن مکروه است، زیرا ترمذی رحمه الله از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت می کند که فرموده اند: «من حدّثکم أنّ النبی ﷺ کان یبول قائماً فلا تصدّقوه» «هرکسی به شما گفت: پیامبر اکرم ﷺ ایستاده ادرار کرده است، سخنش را تصدیق نکنید».

عمل ادرار کردن معمولاً به این صورت شروع می شود که، ابتدا شخص عضلات شکمی خود را به طور ارادی منقبض می کند و در نتیجه ی آن فشار ادرار در مثانه افزایش می یابد و ادرار به گردن مثانه وارد می شود، این عمل باعث تحریک گیرنده های کششی می شود که رفلکس ادرار کردن را تحریک کرده و همزمان با آن ماهیچه های حلقوی خارجی مجرای ادراری را مهار می کند. با انبساط ماهیچه های حلقوی خارجی مجرای ادراری که به صورت ارادی از تخلیه ی ادرار جلوگیری می کند، ادرار خارج می شود. به طور معمول تمام ادرار تخلیه می شود و به ندرت بیش از ۵ تا ۱۰ میلی لیتر در مثانه باقی می ماند [گایتون، آرتور؛ ۱۳۷۵؛ ج ۱؛ ص ۶۰۵].

در حالت ایستاده ادرار کردن، میزان انقباض ماهیچه های شکمی و دیواره ی مثانه خیلی کمتر از حالت چمباتمه زدن است، زیرا در حالت چمباتمه با جمع شدن رانها بر روی شکم، فشار داخلی شکم بالا رفته و بر فشار حاصل از انقباض غیر ارادی جداره ی مثانه افزوده می شود؛ در نتیجه تخلیه ی مثانه در حالت ایستاده به صورت کامل انجام نمی شود؛ اما در حالت چمباتمه می توان گفت که به طور کامل صورت می پذیرد [صبور اردوبادی، احمد؛ ۱۳۶۶؛ ص ۱۲۵].

تخلیه ی کامل مثانه و مجرا از ادرار از بروز بسیاری از بیماری های آمیزشی، عفونت های ادراری، پروسه های سنگ سازی و یبوست جلوگیری می کند [توکلی بزاز، جواد؛ ۱۳۷۷؛ ص ۵۸].

ادب هفتم: انجام عمل استبرا پس از ادرار کردن مستحب است. این عمل با تنجیح (سرفه‌های عمیق و پی‌درپی)، فشار دادن قسمت‌های بین مقعد و بیضه‌ها و فشار و کشش ملایم آلت تناسلی با دست چپ انجام می‌شود. انجام هر کدام از این امور باعث خروج قطرات مانده‌ی ادرار در مجرای ادراری می‌شود. علت استحباب استبرا، حدیث روایت شده توسط امام مسلم رحمه‌الله است که پیامبر ﷺ فرموده است: «تَنَزَّهُوا مِنَ الْبَوْلِ فَإِنَّ عَامَةَ عَذَابِ الْقَبْرِ مِنْهُ» «خود را (به طور کامل) از ادرار پاک کنید زیرا بیشترین عذاب قبر از عدم توجه به این امر است».

بهداشت دقیق اسلامی، با منع تخلیه‌ی مثانه به صورت سرپایی، برای نجات بشر از عوارض و بیماری‌های ناشی از تخلیه‌ی ناقص مثانه، نه تنها امر به تخلیه‌ی مثانه به صورت نشسته نموده، بلکه دستور تکمیلی انجام استبرا را صادر کرده است؛ سرفه‌های عمیق، سستی نسوج و عضلات مثانه را برطرف نموده و بر عکس‌العمل‌های عضو در تخلیه‌ی کامل کمک می‌کند [صبور اردوبادی، احمد؛ ۱۳۶۶؛ ص ۱۲۶].

در مجرای ادراری مرد به علت ساختمان تشریحی مخصوص و داشتن حفرات و فرورفتگی‌های متعدد مقادیری ادرار همواره می‌ماند و چون ادرار در نواحی انتهایی مجرا با باکتری‌های کلیفرم^۱ یا بعضی از میکروب‌های دیگر همراه است، زمینه‌ی تکثیر و رشد میکروب‌های مختلف در آن نواحی فراهم خواهد شد؛ بنابراین عمل استبرا نوعی تضمین برای جلوگیری از عفونت‌ها و پاکیزه ماندن لباس و بدن است، بدین معنی که عدم استبرا ممکن است، هنگام فعالیت یا برداشتن اشیای سنگین پس از دفع ادرار به خروج قطرات باقی مانده‌ی آن از مجرای ادراری منجر شده، و لباس و بدن شخص را نجس نماید.

۱-۷- وضو

دلیل وجوب وضو آیهی:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ﴾ [المائدة: ۶]. «ای مؤمنان! هنگامی که برای نماز بپا خاستید صورت‌ها و دست‌های خود را بشویید و سرهای خود را مسح کنید و پاهای خود را همراه با قوزک‌های آن‌ها بشویید» (مائدة / ۶).

فرض‌های وضو شش مورد است: ۱- نیت ۲- شستن کامل صورت از رستنگاه موی سر تا انتهای چانه و به طور عرضی فاصله‌ی بین دو گوش ۳- شستن دست‌ها همراه با آرنج‌ها ۴- مسح سر ۵- شستن هر دو پا همراه قوزک‌ها ۶- ترتیب.

مهم‌ترین نقش وضو در پیش‌گیری از بیماری‌های مختلفی است که تعداد آن‌ها را ۱۷ بیماری ذکر کرده‌اند و مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: وبا، تیفوئید، سیاه سرفه، تراخم و مسمومیت‌های غذایی [سالم، مختار؛ ۱۹۹۵؛ ص ۵۴].

در صورت اعضای مهمی چون چشم، دهان و بینی وجود دارد که بسیار حساس بوده و به طور مستقیم در مقابل نور خورشید و آلودگی‌های محیط قرار دارند؛ هم‌چنین صورت یکی از کانون‌های مهم تعرق بدن است.

بنابراین، در وضو منافذ پوست به وسیله‌ی آب از عرق و مواد زاید دفعی پاک می‌شوند و علاوه بر باز شدن منافذ غدد عرق و چربی و شادابی پوست، پاکی اعضای مذکور از آلودگی‌های محیطی - حداقل پنج بار در روز - حاصل خواهد شد [دیباب و قرقوز؛ ۱۳۷۵؛ ص ۱۲۸].

دست‌ها و پاها همواره در معرض آلودگی‌های محیطی بوده و بر اثر فعالیت مداوم و وجود غدد عرقی فراوان در آن نواحی، عرق زیادی تولید می‌شود؛ بنابراین شست و شوی مکرر آن‌ها در طول روز امری بهداشتی است [اصفهانی و مهربانی توانا؛ ۱۳۷۷؛ ص ۳۶]. ترتیب در وضو از نظر بهداشتی بسیار قابل توجه است؛ زیرا شخص ابتدا ملزم به شست و شوی دست‌ها و صورت است و در آخرین مرحله پاها را می‌شوید؛ بنابراین از اعضای که آلودگی کمتری دارند شروع شده، به عضوی ختم می‌شود که بیشتر از سایر اعضا در معرض آلودگی‌ها و تعرق قرار دارد.

در وضو علاوه بر پاکی ظاهری اعضا، مراتبی از تحریکات خفیف اعضا و انعکاسات عصبی وجود دارد که از رخوت و سستی اعضا و شبه‌فلجی‌های ناشی از این سستی و ضعف جلوگیری می‌کند [صبور اردوبادی؛ بی‌تاریخ؛ ص ۴۵].

۱-۷-۱- سنت‌های وضو

۱- شستن دست‌ها قبل از شروع به وضو حتی در صورت یقین به پاکی آن‌ها مستحب است و کسی که از خواب بیدار می‌شود، مکروه است که قبل از شستن دست‌هایش آن‌ها را درون ظرف آب فرو ببرد به دلیل حدیث: «إِذَا اسْتَيْقَظَ أَحَدُكُمْ مِنْ نَوْمِهِ فَلَا يَغْمَسْ يَدَهُ فِي الْإِنَاءِ حَتَّى يَغْسِلَهَا ثَلَاثًا فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي أَيْنَ بَاتَتْ يَدُهُ». «هرگاه یکی از شما از خواب بیدار شد قبل از سه بار شستن دست‌هایش، آن‌ها را در ظرف (آب) وارد نکند زیرا نمی‌داند که بر دست‌هایش چه گذشته است». هم‌چنین با توجه به روایت مسلم و بخاری رحمهما الله از جهت متابعت پیامبر اکرم ﷺ مستحب است که از آفتابه وضو گرفت.

با توجه به انتشار آلودگی‌ها به وسیله‌ی هوا و نیز تماس مداوم دست‌ها با اشیای مختلف و به ویژه عدم آگاهی انسان از محیط اطراف در هنگام خواب، شستن دست‌ها

قبل از مضمضه و تماس آن‌ها با دهان و سایر قسمت‌های صورت حکمی بهداشتی و قابل توجه است.

استفاده از آفتابه یا ظروفی مشابه آن و به طریق اولی لوله کشی‌های امروزی از دست کردن‌های مکرر در ظروف تشت مانند، بسیار معقول‌تر است و مانع از هر گونه آلودگی احتمالی آب می‌شود.

۲-۳-۴- مضمضه، إستنشاق و إستنثار و سه بار کردن آن‌ها از مستحبات وضو هستند. ترمذی رحمه‌الله از پیامبر ﷺ روایت می‌کند که فرموده‌اند: «أَسْبَغَ الْوُضُوءَ وَخَلَّلَ بَيْنَ الْأَصَابِعِ وَبَالَغَ فِي الْإِسْتِنْشَاقِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ صَائِماً» «وضو را کامل انجام ده و بین انگشت‌هایت را تحلیل کن و در استنشاق مبالغه کن مگر آن‌گاه که روزه هستی».

سنت‌های قبل از شروع وضو که عبارتند از: شستن دست‌ها، مضمضه، استنشاق و استنثار، نه تنها در شناختن اوصاف سه گانه‌ی آب مؤثر هستند، بلکه فواید بهداشتی فراوانی به دنبال دارند. مضمضه نهایت توجه اسلام به پاکی آب مورد استفاده در وضو است و در پاک کردن محیط دهان از ذرات غذاهای مانده در لابلا‌ی دندان‌ها بسیار مؤثر است. در صورتی که شست و شوی دهان و مسواک انجام نشود روی دندان‌ها لایه‌های میکروبی قرار می‌گیرد و عمل تخمیر مواد غذایی به سرعت انجام شده و محیطی اسیدی به وجود می‌آید که موجب فساد مینای دندان و ایجاد پوسیدگی می‌شود.

گرچه مضمضه نمی‌تواند به طور کامل مواد غذایی را از لابلا‌ی دندان‌ها خارج کند؛ اما با کاهش غلظت مواد قندی و نشاسته‌ای باعث می‌شود که اثرات تخریبی این مواد در تشکیل پلاک دندان‌ی و ایجاد پوسیدگی تا حدود ۶۰٪ کاهش یابد [سالم، مختار؛ ۱۹۸۸؛ ص ۴۲۷].

محیط بینی با ورود مداوم اشک از مجرای اشک که از به هم خوردن پلک‌ها تولید می‌شود و همچنین بخار آب موجود در باز دم، همواره مرطوب است و باعث می‌شود که موهای بینی مانند فیلتری تصفیه‌کننده، آلودگی‌های هوای وارد شده را بگیرند؛ بنابراین سه بار شستن بینی در هر بار وضو باعث خروج مواد چسبیده به موها شده و محیط عمومی بینی را تمیز نگه می‌دارد.

بینی علی‌رغم داشتن ترکیباتی مانند لیزوزیم^۱ و اسیدهای چرب آزاد با اثرات ضد باکتریایی^۲ مشخص همواره محل تجمع مواد معلق در هوا و انواع باکتری‌های مختلف است [اصفهانی، محمد مهدی؛ ۱۳۷۴؛ ص ۱۹].

تحقیقات انجام شده در «بخش گوش، حلق و بینی» دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه اسکندریه نشان داده است که سه بار استنشاق کردن منجر به پاک‌ی بینی از ۱۱ نوع میکروب خطرناک عامل بیماری‌های التهاب ریوی، تب روماتیسمی و غیره می‌شود. در استنشاق و استنثار اول میزان میکروب‌ها به یک دوم و در بار دوم به یک سوم کاهش می‌یابد و در پایان سومین استنشاق تمام میکروب‌ها از بینی خارج می‌شوند و حداقل زمان لازم برای رشد و تکثیر آن‌ها پس از این مرحله پنج ساعت است، که شروع زمان فریضه‌ی بعدی و انجام وضوی مجدد است [سالم، مختار؛ ۱۹۹۵؛ ص ۵۶].

۵- مسواک زدن با شاخه‌های تهیه شده از چوب اراک، از سنت‌های مؤکد وضو است.

امام بخاری رحمه‌الله روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «لَوْ لَا أَنْ أَشَقَّ عَلَى أُمَّتِي لَأَمَرْتَهُمْ بِالسَّوَاكِ عِنْدَ كُلِّ وَضُوءٍ» «اگر به خاطر مشقت امتم نبود، امر می‌کردم که با هر وضو مسواک نمایند». ابن حبان رحمه‌الله از ابن مسعود رضی الله عنه روایت کرده است: «كنت أجتني لرسول الله ﷺ سواكاً من أراك» «من از درخت اراک مسواکی برای پیامبر خدا ﷺ تهیه می‌کردم». حمیدی رحمه‌الله نیز از آن حضرت ﷺ روایت می‌کند: «ركعتان بسواك

1- lysosyme

2- antibacteriatic

أفضل من سبعين ركعةً بلا سواك» «دو رکعت نماز که شخص قبل از آن‌ها مسواک زده باشد از هفتاد رکعت نماز بدون مسواک، برتر است».

در صورت عدم دسترسی به چوب اراک با توجه به احادیث وارده می‌توان از چوب درخت خرما، زیتون و یا هر شیء زبر دیگری که بتواند ذرات ریز غذا را از لابلائی دندان‌ها خارج کند، استفاده کرد.

شیوه‌ی مسواک زدن در عرض دندان‌هاست (یعنی از بالا به طرف پایین و بر عکس) به دلیل حدیث روایت شده توسط ابوداود رحمه‌الله که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «إذا إستکتم فاستاکوا عرضاً» «هرگاه مسواک زدید، به صورت عرضی مسواک بزنید».

شستن مسواک قبل از به کار بردن آن و نیز هرگاه که آلوده شود مستحب است. فرو بردن مسواک به درون ظرف محتوی آب وضو آن چنان که صمیری رحمه‌الله فرموده، مکروه است [الشربینی؛ ج ۱؛ ص ۵۵].

مسواک زدن زبان به صورت طولی مستحب است [منبع پیشین]. استفاده از مسواک در هر وقتی مستحب است اما هنگام بیدار شدن از خواب و هنگامی که بوی دهان به هر علتی تغییر کرده باشد، مورد تأکید شارع است. هم‌چنین مستحب است که قبل از مسواک زدن دندان‌ها را خلال نمود [الشربینی؛ ج ۱؛ ص ۵۴].

پاکیزگی و سلامت دهان با سلامت گوش و بینی و سایر اندام‌ها ارتباط مستقیم دارد؛ بسیاری از بیماری‌های دهان و دندان مانند پیوره به سایر اعضا سرایت می‌کنند. دندان‌ها به طور مستقیم در زیبایی، صحبت کردن، اعمال حیاتی و سلامت شخص دخالت دارند. ماندن ذرات غذا و مواد گلوسیدی (قندها) در لابلائی دندان‌ها و فضای دهان فرصت مناسبی برای رشد میکروب‌ها و تشکیل پلاک دندان (Dental Plaque) است.

پلاک دندانی توده‌ای نرم و ژلاتینی از رسوبات و باکتری‌های درون آن است که بر روی مینای دندان و مخاط دهان تشکیل شده و با شست و شوی کامل با مواد شیمیایی مانند فلوراید و روش‌های مکانیکی (خلال، مسواک و نخ دندان) برطرف می‌گردد. حذف پلاک دندانی و مقاوم کردن مینای دندان در مقابل اسید به وسیله‌ی فلوراید دو روش مهم در پیش‌گیری از پوسیدگی دندان‌ها به شمار می‌روند [آذرگشب، اذن‌الله؛ ۱۳۷۵؛ ص ۱۸۶].

مسواک زدن ماساژ ملایمی برای مخاط نرم دهان بوده و باعث تسریع جریان خون در آن می‌شود. سه دقیقه پس از مصرف مواد غذایی، میکروب‌ها تجزیه و تخمیر ذرات مانده‌ی غذا را شروع کرده، و پس از ۲۰ تا ۳۰ دقیقه تمام مواد غذایی موجود در محیط دهان را تخمیر می‌کنند و پس از دو ساعت بوی متعفن این واکنش‌ها متصاعد می‌شود [سالم، مختار؛ ۱۹۸۸؛ ص ۴۲۷].

چوب اراک که در روایات اسلامی برای مسواک زدن مورد تأکید قرار گرفته است، دارای خواص منحصر به فردی است که از نظر علوم شیمی و دندان پزشکی مورد آزمایش واقع شده و به عنوان عالی‌ترین مسواک برای حذف پلاک دندانی و مقاوم نمودن مینای دندان معرفی شده است؛ در تحقیقاتی که از سوی وزارت بهداشت کویت منتشر شده، این مطلب مورد تأیید قرار گرفته است [کنعان، احمد محمد؛ ۲۰۰۰؛ ص ۵۷۸].

چوب درخت اراک که اسم علمی آن (Salvadora Perssica) است، دارای الیاف سلولزی می‌باشد و پس از ۳ تا ۵ دقیقه استفاده به صورت تارهای نازکی باز شده و قابلیت پاک کردن تمام فواصل بین دندان‌ها را دارد [سالم، مختار؛ ۱۹۸۸؛ ص ۴۲۹]. تجارب حکما و دانشمندان طب سنتی نیز حاکی از آن است که چوب درخت اراک بهترین چوب برای مسواک کردن است [بیرونی، ابوریحان؛ ۱۳۵۲؛ ص ۷۵].

ترکیبات شیمیایی موجود در چوب درخت اراک عبارتند از: تانن^۱، کلرید سدیم^۲، بیکربنات سدیم^۳، کلرید پتاسیم^۴، فلوراید^۵، روغن‌های معطر، تری‌متیل‌آمین^۶، گوگرد، موسیلاژ^۷ (لعاب نباتی) و مواد ضد میکروبی [سالم، مختار؛ ۱۹۹۵؛ ص ۲۲۵].

وجود مواد آنتی باکتریاتیک^۸ در چوب اراک مانع رشد استرپتوکوک‌ها در دهان می‌شود و از اثرات تخریبی آن‌ها جلوگیری می‌کند [نورانی، مصطفی؛ ۱۳۶۹؛ ص ۸۲].

فلوراید موجود در چوب اراک نقش بسیار مهمی در استحکام دندان دارد به این ترتیب که در ساختمان هیدروکسی آپاتیت^۹ $\text{Ca}_{10}(\text{PO}_4)_6(\text{OH})_2$ به جای OH فلوراید قرار می‌گیرد و ماده‌ی غیرقابل انحلال دی فلوروآپاتیت^{۱۰} $\text{Ca}_{10}(\text{PO}_4)_6\text{F}_2$ تشکیل می‌شود؛ ماده‌ی مذکور در مقابل اسید مترشح‌ه از باکتری‌ها مقاومت کرده، دندان را از آسیب اسید حفظ می‌کند [اصفهانی، محمد مهدی، ۱۳۷۵ و سالم، مختار؛ ۱۹۹۵؛ ص ۲۳۰].

تانن موجود در چوب اراک باعث محکم شدن لثه و تحریک خون در آن می‌شود که به استحکام و شادابی رنگ لثه منتهی می‌شود؛ هم‌چنین تانن در زدودن میکروب‌ها و ضد عفونی کردن محیط دهان و دندان‌ها نقش مؤثری دارد [عمر، فاضل عبید؛ ۱۹۸۹؛ ص ۳۲۹].

بنابر مطالب ذکر شده مسواک چوبی مورد تأکید شارع نه تنها در پاک کردن محیط دهان تأثیرات مکانیکی مناسبی دارد بلکه از نظر ترکیب مواد شیمیایی در حفاظت دندان‌ها مفید بوده و استفاده کننده را از به کار بردن خمیر دندان بی‌نیاز می‌کند.

-
- 1- tannin
 - 2- sodium chloride
 - 3- sodium bicarbonate
 - 4- potassium chlorate
 - 5- fluoride
 - 6- three metal amin
 - 7- mucilage
 - 8- antibacteriatic
 - 9- hydroxyl apatite
 - 10- difuoru apatite

حرکت مسواک بنابر تجارب علمی جدید باید از ریشه به طرف تاج دندان‌ها باشد و هیچ‌گاه نباید به طور افقی مسواک زد؛ چون باعث زخم شدن لثه و ایجاد حفره‌هایی برای ماندن غذا می‌شود که زمینه‌ساز رشد میکروب‌ها و ایجاد عفونت است.

شستن مسواک‌های چوبی قبل از استفاده نه تنها در پاکیزگی آن مؤثر است بلکه در نرم ساختن الیاف آن و ممانعت از ایجاد خراش در لثه تأثیر زیادی دارد.

مسواک زدن زبان باعث پاک شدن پرزهای چشایی شده و در برطرف نمودن بوی بد دهان تأثیر بسزایی خواهد داشت.

علت استحباب مسواک بعد از بیداری از خواب این است که لازم است آنچه از تخمیر و رشد میکروب‌ها در زمان استراحت در دهان و روی دندان‌ها حاصل شده است، پاک گردد؛ زیرا ساعت‌ها محیط دهان در آرامش بوده و میکروب‌ها فعل و انفعالات شیمیایی خود را در آن ساعات انجام داده‌اند. یکی از دلایل استحباب وضوی قبل از خواب نیز پیش‌گیری از عمل تخریبی میکروب‌هاست زیرا با مسواک و مضمضه، مواد غذایی موجود در بین دندان‌ها خارج شده و از فعالیت باکتری‌ها و در نتیجه ایجاد پلاک دندانی جلوگیری می‌شود.

هم‌چنین هنگامی که بر اثر بیماری با نخوردن غذا بوی دهان بر اثر همان واکنش‌ها تغییر کرده است، با مسواک زدن و حذف پلاک دندانی، بوی بد ناشی از فعالیت باکتری‌ها نیز از بین می‌رود.

۶- مسح کردن درون و برون گوش‌ها به طور کامل از مستحبات وضو است و لازم است که این کار با دست‌هایی پاکیزه و آبی تازه به صورت مجزا از مسح سر انجام شود.

ترمذی رحمه‌الله از ابن عباس ک روایت می‌کند: «أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ مسح برأسه و أذنيه ظاهرهما و باطنهما» «پیامبر ﷺ سر و برون و درون گوش‌هایش را مسح نموده است».

گوش اندام شنوایی است و وظیفه‌ی دریافت امواج صوتی و حفظ تعادل بدن را به عهده دارد. لاله‌ی گوش نیز سه عمل مهم جمع‌آوری امواج صوتی، هدایت امواج به مجرای شنوایی و تشخیص جهات صدا را انجام می‌دهد؛ بنابراین رعایت پاکیزگی قسمت‌های بیرونی گوش نه تنها در عمل‌کرد بهتر لاله‌ی گوش بلکه در انجام وظایف اندام‌های درونی آن مفید و مؤثر خواهد بود.

۷- پاکیزه نمودن بین انگشتان: شست و شوی کامل بین انگشتان دست و پا (تخلیل) به دلیل حدیث روایت‌شده‌ی ترمذی رحمه‌الله از لقیط بن صبره رضی الله عنه از سنت‌های وضو است (الخن، مصطفی و زملاؤه؛ ۱۳۷۶؛ ج ۱؛ ص ۵۸).

شکل ظاهری انگشتان دست و پا و نیز عدم جریان هوا در فضای بین انگشتان پا و همچنین وجود تعداد زیادی غده‌ی عرقی در آن نواحی، محیط مناسبی را برای ماندن و رشد میکروب‌های مختلف فراهم آورده است؛ بنابراین لازم است روزانه به شست و شوی این نقاط مبادرت ورزید تا از ایجاد بوهای بد جلوگیری شود [حلم سرشت و دل‌پیشه؛ ۱۳۷۱؛ ص ۴۸].

۱-۷-۲- کراهت خشک کردن اعضای وضو

استفاده از حوله برای خشک کردن اعضای شسته شده در وضو به دلیل روایت امام مسلم و بخاری رحمهما الله: «أَنَّهُ ﷺ أَتَى بِمَنْدِيلٍ فَلَمْ يَمْسَهُ» «برای پیامبر ﷺ حوله‌ای آوردند، ایشان از آن استفاده نکرد»، مکروه است.

صرف‌نظر از امکان آلودگی حوله به میکروب‌های مختلف، اکسیژن محلول در آب می‌تواند تأثیرات مثبتی بر روی پوست داشته و بر ضد باکتری‌های موجود در سطح پوست اقدام نماید؛ بنابراین بهتر است که از خشک نمودن اعضای وضو اجتناب نمود.

۱-۷-۳- وضوهای مستحب

وضو گرفتن قبل از غذا و همچنین طهارت و وضو گرفتن بعد از عمل نزدیکی به دلیل حدیث روایت شده توسط امام مسلم و بخاری رحمهما الله مستحب است: «کان ﷺ إذا أراد أن ينام وهو جنب غسل فرجه وتوضأ وضوءه للصلاة، وكان ﷺ إذا كان جنباً فأراد أن يأكل أو ينام توضأ وضوءه للصلاة» «پیامبر ﷺ هنگام جنابت، قبل از خواب اندام‌های تناسلی خود را شسته و سپس - آن چنان که برای نماز وضو می‌گرفتند - وضو گرفته و می‌خوابیدند؛ آن حضرت ﷺ اگر در هنگام جنابت می‌خواستند چیزی بخورند یا بخوابند، وضوی کاملی می‌گرفتند»؛ با قیاس بر این حکم، برای زنان حیض یا نفسا نیز قبل از خوابیدن و غذا خوردن، وضو گرفتن مستحب است [الشربینی؛ ج ۱؛ ص ۶۳].

وضو شستن اعضای است که همواره در معرض آلودگی‌های محیطی قرار دارند، زیر ناخن‌ها نیز محل زندگی میکروب‌ها و تخم انگل‌هایی است که در فرآیند طهارت از نجاسات و سایر فعالیت‌های روزانه آن‌جا جمع شده‌اند. بنابراین شست و شوی دست‌ها قبل از خوردن غذا که مورد تأکید کارشناسان بهداشت هم هست، با انجام وضو به شکل کاملی انجام می‌شود. همچنین انجام وضو پس از غذا خوردن که در احادیث متعددی در آداب غذا خوردن ذکر شده است، در زدودن چربی‌ها و مواد غذایی روی دست‌ها و اطراف دهان و نیز شست و شوی دهان و برطرف نمودن ذرات غذا از لابالای دندان‌ها، بسیار مؤثر است.

انجام اعمال طهارت و وضو پس از عمل نزدیکی نیز در زایل نمودن میکروب‌ها و عفونت‌هایی که ممکن است از آلت تناسلی شریک جنسی شخص را آلوده کرده باشند، مفید واقع خواهد شد.

طهارت و وضو گرفتن برای زنان حیض و نفسا قبل از خوابیدن و غذا خوردن حکمی بهداشتی و در خور توجه است که از ابتلای این اشخاص به بیماری‌های مختلف جلوگیری می‌کند.

۱-۷-۴- مبطلات وضو

مبطلات وضو عبارتند از: ۱- خروج هر چیزی از مقعد و آلت تناسلی ۲- لمس کردن آلت تناسلی و مقعد با کف دست ۳- خواب، مستی و یا هر عامل دیگری که باعث بی‌هوشی می‌شود ۴- تماس بین پوست مرد و زن (غیر از محارم).

اگرچه پاکی بدن و لباس شروط مقدماتی عبادات محسوب می‌شوند ولی هر کدام از موارد باطل‌کننده وضو، بهانه‌ای برای پاکی و طهارت مجدد است. اما احتمال انواعی از آلودگی در موارد فوق همواره وجود دارد. خروج مدفوع، ادرار و گازهای روده‌ای که منبع انواع میکروب‌ها و زمینه‌ی رشد و تکثیر بسیاری از موجودات مضر هستند، ناقض وضو به حساب آمده، شخص ملزم به طهارت مجدد می‌شود.

آلت تناسلی و مقعد نیز که محل‌های خروج مواد مذکور هستند در معرض انواع میکروب‌ها قرار دارند و همواره احتمال آلودگی آن‌ها وجود دارد؛ بنابراین لمس این اندام‌ها با کف دست که همواره در برخورد و تماس با مواد غذایی است، ناقض وضو بوده و نیاز به پاکی مجدد بعد از تماس با این قسمت‌ها از ضروریات اجتناب‌ناپذیر است.

درباره‌ی خواب و مستی و بی‌هوشی، می‌توان گفت که چون در این حالت‌ها شخص کنترل ارادی ماهیچه‌های قسمت‌های مختلفی از بدن را از دست می‌دهد، لذا احتمال خروج قطرات ادرار، گازهای روده و مواد دفعی وجود دارد؛ بنابراین لازم است که شخص مجدداً اقدام به طهارت و وضو نماید.

۱-۷-۵- دفع شک و عمل به یقین

در هنگام شک و تردید از صحت یا باطل بودن وضو، باید به یقین عمل کرد و نباید به شک عارضی توجه داشت؛ زیرا عمل به یقین طبق قاعده‌ی «الیقین لا یزول بالشک» «یقین با شک از بین نمی‌رود» به واقعیت نزدیک‌تر است و شک مبنای صحیحی ندارد.

اصطلاح وسواس (obsession) در روان‌پزشکی معاصر برای توصیف تکرار افراطی و بدون اراده‌ی افکار و اعمال به کار می‌رود و انواع مختلفی دارد.

وسواس فکری تا اندازه‌ای در همه‌ی افراد بشر وجود دارد و مظاهر آن در شک و تردید، عدم قدرت در تمرکز فکری، فراموشی و گاهی کم‌خوابی دیده می‌شود [شاملو، سعید؛ ۱۳۶۶؛ ص ۲۵۷].

بیشتر از ۸۰٪ بیماران مبتلا به وسواس به وسیله‌ی شیوه‌های رفتار درمانی معالجه می‌شوند.

در حکم فوق ترکیبی از شیوه‌های رفتار درمانی زیر استفاده شده است:

- ۱- مواجهه (Exposure) یا روبرو شدن بیمار با فکر یا شیئی مورد حساسیت.
- ۲- خوگیری (Habituation) که در اثر برخورد طولانی با عمل مورد وسواس حاصل می‌شود.
- ۳- جلوگیری از پاسخ (Response prevention) که عبارت است از عدم توجه فرد به افکار وسواسی.
- ۴- حساسیت‌زدایی منظم (Systematic Desensitization): کم کردن شدت وسواس طی مراحل با ایجاد آرامش به وسیله‌ی تلقین و سپس به تدریج در معرض مورد وسواس قرار دادن [احمدی، جمشید؛ ۱۳۶۸؛ ص ۳۵-۳۹].

۱-۸- غسل

موجبات غسل که مشترک بین زن و مرد هستند، عبارتند از: ۱- مرگ ۲- خروج منی ۳- دخول حشفه.

موجبات غسل مختص زنان عبارتند از: ۱- حیض ۲- نفاس ۳- زایمان. دلیل وجوب غسل میت، اخبار صحیح و اجماع علما در این باره است، و این حکم درباره‌ی مسلمان غیر شهید اجرا می‌شود.

دلیل وجوب غسل بر حیض آیه‌ی

﴿فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ﴾ [البقرة: ۲۲۲].

«پس در حالت قاعدگی از (هم‌بستری با) زنان کناره‌گیری نمایید».

و حدیث روایت شده توسط امام بخاری رحمه‌الله است که پیامبر ﷺ به فاطمه بنت ابی حبیش رضی‌الله‌عنها فرمودند: «إِذَا أَقْبَلْتَ الْحَيْضَةَ فَدَعِي الصَّلَاةَ وَإِذَا أَدْبَرْتَ فَاغْتَسِلِي عَنْكَ الدَّمُ وَصَلِي» «هرگاه عادت ماهیانه‌ات شروع شد، نماز را ترک کن و اگر تمام شد، از آن خون خود را بشوی و نماز بخوان».

نفاس هم به این دلیل که خون جمع شده‌ی حیض است موجب غسل می‌شود و ولادت نیز در واقع خروج منی منعقد شده است. با استناد به آیه‌ی:

﴿وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا﴾ [المائدة: ۶].

«و اگر جنب بودید، خود را بشویید».

جنابت موجب غسل است و عمل نزدیکی با ورود حشفه به فرج زن - اگر چه بدون خروج منی هم باشد - موجب غسل می‌شود؛ امام مسلم رحمه‌الله از پیامبر ﷺ روایت کرده است: «إِذَا التَّقَى الْخِتَانَتَانِ فَقَدْ وَجِبَ الْغَسْلُ وَإِنْ لَمْ يَنْزُلْ» «هرگاه ختنه‌گاه‌ها به هم برخورد کردند، غسل واجب می‌شود، اگر چه منی هم خارج نشود».

به دلیل حدیث روایت شده توسط امام مسلم رحمه‌الله که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «الماء من الماء» «غسل هنگامی واجب می‌شود که منی «از بدن» خارج شود؛ خروج منی موجب غسل می‌شود.^۱

قبل از ذکر هر مطلبی لازم است اشاره شود که مقررات جنابت مؤثرترین وسیله در پیش‌گیری از افراط در فعالیت‌های جنسی است. مهم‌ترین خاصیت غسل تأمین سلامت پوست است که با زدودن سلول‌های مرده، چربی زاید، املاح و گرد و غبار صورت می‌گیرد [دیاب و قرقوز؛ ۱۳۷۴؛ ص ۱۲۹].

پوست پوششی به وسعت دو متر مربع است که تمام سطح بدن را پوشانیده و ۲٪ تنفس بدن را انجام می‌دهد. پوست یک سوم خون جاری بدن را در خود دارد و رنگ آن نشان‌دهنده‌ی سلامت بدن است زیرا رژیم غذایی نامناسب، بدی گوارش و وجود مواد سمی در بدن در رنگ پوست مؤثر است. پوست وظایف زیر را به عهده دارد:

- ۱- کنترل و ثابت نگاه داشتن دمای بدن.
 - ۲- دفع مواد زاید و سمی از قبیل اوره و املاح.
 - ۳- جلوگیری از تبخیر آب و خروج خون و لنف.
 - ۴- جذب مقداری اکسیژن و دفع دی‌اکسیدکربن.
 - ۵- جلوگیری از ورود میکروب‌ها به عنوان اولین سد دفاعی بدن.
 - ۶- جذب اشعه‌ی ماورای بنفش برای سنتز ویتامین D.
 - ۷- گیرنده‌های حسی لمس، حرارت، برودت، فشار و درد در پوست وجود دارند.
- غدد عرقی که در تمام سطح پوست وجود دارند وظیفه‌ی دفع مواد سمی و حفظ تعادل گرمای بدن را به عهده دارند و در هنگام فعالیت، عرق تولید می‌کند؛ به طور طبیعی حجم عرق حدود ۱۰۰ میلی‌لیتر در روز است [گایتون، آرتور؛ ۱۳۷۵؛ ج ۱؛ ص ۴۳۳].

۱- بیان غسل میت و فواید آن در مبحث احکام تجهیز میت ذکر خواهد شد.

وقتی که عرق به سطح پوست می‌رسد، بی‌بو است ولی فعالیت باکتری‌های موجود در سطح پوست باعث شکسته شدن مولکول‌های چربی موجود در آن شده و آن را به ماده‌ای بدبو تبدیل می‌کند؛ بنابراین استحمام مؤثرترین شیوه برای پاکیزگی و حفظ سلامت پوست است [سالم، مختار؛ ۱۹۸۸؛ ص ۳۳۱].

فرایند خروج منی از بدن با تعرق شدید همراه بوده و به رخوت و سستی تمام اندام‌ها منتهی می‌شود. به طور کلی اختلالات مقدماتی سلول‌ها و نسوج به صورت مسمومیت‌های بیولوژیکی و میکروبی و اختلالات مقدماتی اعضا و دستگاه‌های بدن به صورت ضعف و سستی و شبه فلجی، بالاخره منجر به یک سلسله عوارض و بیماری‌ها می‌گردد که پیش‌گیری از آن‌ها از عهده‌ی طب جدید هم خارج است.

غسل از جمله شوک‌های خفیفی است که از طریق تحریک سلسله اعصاب خودکار بدن (سمپاتیک^۱ و به طور انعکاسی پاراسمپاتیک^۲) منجر به تحریک و تقویت فعالیت عمومی و در نتیجه ازدیاد قدرت حیاتی بدن می‌گردد.

ضعف شدید و رخوت عمومی بدن پس از خروج منی از جمله مواردی است که فقط با شست و شوی بدن رفع می‌شود [صبور اردوبادی، احمد؛ بی‌تاریخ؛ ص ۱۴۵-۱۴۰].

اهمیت غسل پس از عادت ماهیانه و نفاس هنگامی مشخص شد که دانشمندان در رشته‌ی بیوشیمی در خصوص محیط سلولی بافت‌های مختلف بدن و تفاوت اسیدی یا قلیایی و درجه‌ی PH آن محیط‌ها مسایلی را کشف کردند؛ بافت‌های بدن برای فعالیت طبیعی خود و جلوگیری از رشد میکروب‌ها و مبارزه با سموم مختلف نیازمند محیط اسیدی یا بازی مناسب و مشخص هستند؛ به عنوان مثال بافت کلیوی نیازمند محیطی با درجه‌ی اسیدی مشخصی است و تغییر PH بافت کلیوی، به محیطی قلیایی باعث رسوب املاح و رشد میکروب‌ها می‌شود.

1- Symphathicus

2- Parasympathicus

ترشحات واژن با ۳/۵PH تا ۴ اسیدی بوده و از رشد میکروب‌ها در آن محیط جلوگیری می‌کند [گایتون، آرتور؛ ۱۳۷۵؛ ج ۲؛ ص ۱۴۹۴].

در مدت خون‌ریزی عادت ماهیانه و زایمان محیط مهبل قلیایی شده و این تغییر PH محیط مناسبی را برای رشد میکروب‌ها فراهم آورده است؛ بنابراین غسل و شست و شوی مهبل عامل بسیار مهمی در پاک کردن محیط خون‌آلود و قلیایی مهبل بوده و زمینه را برای ترشحات اسیدی و رشد باکتری‌های مفید در آن محیط فراهم می‌آورد [سالم، مختار؛ ۱۹۹۵؛ ص ۱۳۲].

۱-۸-۱- کیفیت انجام غسل

در غسل واجب است تمام بدن (مو و پوست) کاملاً شسته شود؛ اگر چه موها پر پشت باشند.

کامل‌ترین نوع غسل، غسلی است که شخص ابتدا آلودگی‌ها و نجاسات را پاک کرده سپس طهارت گرفت و وضو بگیرد؛ سپس تمام چین و چروک بدن اعم از گوش‌ها، زیر بغل، ناف و غیره را شست و شو داده و بیخ موها را به طور کامل بشوید؛ سپس طرف راست و بعد طرف چپ بدن را بشوید.

سنت است که شخص بر روی بدن خود دست کشیده و آن را ماساژ دهد به دلیل این که عده‌ای این عمل را واجب دانسته‌اند. همچنین مستحب است که عمل شست و شو سه بار تکرار شود.

مستحب است که بعد از غسل حیض و نفاس، زنان مقداری مُشک را بر روی پنبه‌ای قرار داده و در میان لب‌های فرج خود قرار دهند.

توجه اسلام به زدودن آلودگی‌های مختلفی که در باب نجاست ذکر خواهند شد، از نظر بهداشتی بسیار در خور بررسی و توجه است؛ بنابراین کسی که بر روی بدنش

نجاستی قرار دارد و غسل هم بر او، واجب است باید ابتدا نجاست را پاک نموده، سپس غسل کند.

قسمت‌هایی از بدن که پوشیده از مو است، محیط مساعدی برای رشد انواع میکروب‌ها و گونه‌های مختلف شپش (شپش‌های عانه، بدن و مو) است؛ بنابراین شست و شوی تمام قسمت‌های بدن اعم از پوست و مو و به ویژه نقاط دارای چین و چروک در بهداشت فردی تأثیر زیادی دارد.

مالش دادن بدن با دست یا وسایل دیگری مانند لیف در زدودن سطوح چربی و آلودگی‌ها اهمیت زیادی دارد و به تنفس پوستی کمک خواهد کرد. استفاده از مواد خوش بوی طبیعی از جمله مُشک که پیامبر ﷺ در حدیثی آن را پاک‌ترین عطرها نامیده است، در پاک کردن محیط بیرونی فرج و نیز برطرف نمودن بوی بد خون تأثیر زیادی دارد.

۱-۹- نجاست

نجاست به معنی پلیدی، آلودگی و چیزهایی است که انسان از آن متنفر است و غیر از رخصت‌های شرعی مانع صحت نماز و طواف می‌شود.

اقسام نجاست:

۱-۹-۱ انواع مسکرات مایع نجس هستند؛ گرچه در فقه اسلامی تمام مخدراتی که انسان را به حالت خلسه می‌برند حرام هستند ولی به دلیل جامد بودن نجس نیستند [الشربینی؛ ج ۱؛ ص ۷۷]؛ دلیل این حکم آیه‌ی زیر است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ رَجَسٌ﴾ [المائدة: ۹۰].

«ای مؤمنان! می‌خوارگی، قماربازی، بتان و تیرها (و سایر وسایلی که برای بخت‌آزمایی به کار می‌روند) پلیدند».

با توجه به مضرات مسلّم و قطعی که امروزه علوم مختلف تغذیه و پزشکی در خصوص مصرف مشروبات الکلی بیان کرده‌اند و در «کتاب الأشربه» مورد بحث قرار خواهد گرفت؛ حکم به نجاست و پلید خواندن مشروبات الکلی به علت نهی شدید شارع از مصرف این مواد است، تا جای که با کوچک‌ترین تماس و برخورد بدن، لباس و محل عبادت مسلمان را آلوده و نجس می‌کنند و لازم است به شست و شوی آن‌ها اقدام شود.

۱-۹-۲- سگ نجس است؛ به دلیل حدیث روایت شده توسط امام مسلم رحمه‌الله از پیامبر ﷺ: «طهور إناء أحدکم إذا ولغ فيه الکلب أن يغسله سبع مرّاتٍ أولاهن بالتراب» «هرگاه سگ ظرف یکی از شما را لیسید، برای پاک کردنش، آن را هفت بار بشوید، اولین بار با خاک شسته شود».

اسلام استفاده از سگ را در شکار و نگهبانی منازل، مزارع و گله‌ها جایز دانسته است اما به دلیل آلودگی و نجاست این حیوان، ممنوعیت‌ها و مقرراتی در این‌باره اعمال داشته است.

سگ به عنوان میزبان عوامل بیماری‌زا، بیماری‌های مختلفی را به انسان منتقل می‌سازد که آن‌ها را تحت عنوان بیماری‌های مشترک میان انسان و حیوان (زیونوزها)^۱ می‌شناسند؛ یکی از خطرناک‌ترین بیماری‌هایی که به وسیله‌ی سگ به انسان منتقل می‌شود، بیماری اکینوкокوزیس یا هیداتید^۲ است؛ این بیماری در مناطق مختلف جهان شایع است و میزبانان واسطه در انتقال آن‌ها چهارپایان اهلی هستند؛ سگ سانان به ویژه سگ‌ها میزبان نهایی هستند و کرم نواری شکل اکینوкок^۳ در روده‌ی این گوشت‌خواران زندگی می‌کند؛ تخم‌های این کرم از راه مدفوع خارج شده و با آلوده کردن محیط ممکن است

1- Zoonosis

2- echinococcosis - hydatid

3- echinococcus

توسط حیوانات دیگری مانند گوسفند، گاو، خوک و گاهی انسان خورده شود؛ لاروهایی که از این تخم‌ها به وجود می‌آیند از دیواره‌ی روده‌ی میزبان عبور کرده و در تمام بدن منتشر می‌شوند؛ در انسان به طور عمده کبد گرفتار می‌شود، اما اندام‌های دیگر هم ممکن است مورد حمله قرار گیرند؛ مثلاً با عفونت دستگاه ادراری، کلیه‌ها نیز دچار آسیب می‌شوند [تاناکو، امیل و همکاران؛ ۱۳۷۱؛ ص ۵۰۶-۵۰۷].

تخم‌های کرم نواری مولد بیماری هیداتید به موهای سگ می‌چسبند و برحسب تصادف بر اثر تماس بچه‌ها با سگ، بیشتر به وسیله‌ی آن‌ها بلعیده می‌شود و عقیده بر این است که بیشتر آلودگی‌های انسانی در این بیماری ریشه در دوران طفولیت دارد [صبور اردوبادی، احمد؛ ۱۳۶۴؛ ص ۶۴].

عامل بیماری هیداتید در نقاط مختلف بدن سگ زندگی می‌کند و از طریق ترشحات بینی یا بزاق و تماس دهان سگ با ظروف به انسان منتقل می‌شود [سالم، مختار؛ ۱۹۹۵؛ ص ۷۳].

هاری نیز یکی دیگر از بیماری‌های مشترک بین انسان و حیوان است که به وسیله‌ی گزش جانوران خون گرم گوشت‌خوار مانند سگ، گرگ و شغال به انسان منتقل می‌شود؛ این بیماری ویروسی حاد و به شدت کشنده دستگاه اعصاب مرکزی را مورد حمله قرار می‌دهد [پارک، جی‌وک؛ ۱۳۷۶؛ ج ۴؛ ص ۲۶۸].

۱-۹-۳- خوک و گراز نجس هستند. به دلیل آیه‌ی:

﴿أَوْ لَحْمَ خَنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ﴾ [الأنعام: ۱۴۵].

«و گوشت خوک ناپاک است».

خوک آن چنان حیوان پلیدی است که در پُرخوری و شهوت‌رانی ضرب‌المثل ملل مختلف شده است. این حیوان از نجاسات و مدفوع خود تغذیه می‌کند و گوشت و چربی آن به انواع مختلفی از میکروب‌ها و انگل‌ها آلوده است.

این حیوان در هنگام تولد دو کیلوگرم وزن دارد اما به جهت ترشح زیاد هورمون رشد (Growth Hormone) و هورمون‌های جنسی^۱ در مدت ۲۰۰ روز وزنش به ۱۰۰ کیلوگرم می‌رسد [کنعان، احمد محمد؛ ۲۰۰۰؛ ص ۴۴۲].

فعالیت جنسی در خوک‌های نر و ماده به دلیل مقدار زیاد هورمون‌های جنسی، زیاد است و این هورمون‌ها در چربی خوک حل می‌شوند و در گوشت این حیوان نیز به وفور وجود دارند؛ بنابراین مصرف گوشت و چربی خوک باعث تشدید فعالیت جنسی در مصرف‌کنندگان شده و بی‌بندوباری جنسی را به دنبال دارد.

مقدار زیاد کلسترول^۲ در چربی خوک و اسیداوریک^۳ فراوان در گوشت آن در ابتلا به بیماری‌های تصلب شرایین، دردهای مفصلی و ناراحتی‌های قلبی تأثیر زیادی دارد؛ آمارها نشان می‌دهد که تعداد مبتلایان به تصلب شرایین و دردهای سینه در کشورهای اروپایی پنج برابر تعداد مبتلایان به این بیماری‌ها در کشورهای اسلامی است [عمر، فاضل عبید؛ ۱۹۸۹؛ ص ۱۳۳-۱۳۵].

انگل‌های خطرناکی هم‌چون آسکاریس^۴، بالانتیدیوم^۵، تنیاسولیوم^۶، تریشین^۷، آمیبیاز^۸ و شبه باد سرخ^۹ از طریق خوک منتقل می‌شوند [دیاب و قرقوز؛ ۱۳۷۴؛ ص ۱۴۶ و ۱۴۷].

بیماری‌هایی که از طریق خوک به انسان منتقل می‌شوند: آنفلونزا نوع A (A)، التهاب دهان (Stomatitis)، آفت (Aphtha)، التهاب عضله‌ی قلب (Myocarditis)، تب مالت (Brucellosis)، سیاه‌زخم (Anthrax)، سالمونلوز (Salmonellosis)؛ لپتوسپیروز

1- gonadotrophins
2- cholesterol
3- uric acid
4- ascaris
5- balantidium
6- taenia solium
7- trichina
8- amebiasis
9- Eryoeoid

(Leptospirosis)، و کرم کدوی خوکی (Taenia Solium) [کنعان، احمد محمد؛ ۲۰۰۰؛ ص ۴۴۲].

۱-۹-۴- آنچه که از آمیزش سگ و خوک و یا آمیزش هر کدام از آنها با حیوان پاکی متولد شود نجس است.

با استناد به مطالبی که در خصوص نجاست سگ و خوک بیان شد، آنچه که از آمیزش آن دو یا آمیزش هر کدام از آنها با حیوان پاکی متولد شود، نجس است؛ زیرا آلودگی‌های موجود در اعضای مختلف این حیوانات به بچه‌های آنها منتقل شده و انگل‌های مختلف را در بدن دارند.

۱-۹-۵- انواع مردار غیر از آدمی، ماهی و ملخ به دلیل آیهی ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةُ﴾ [المائدة: ۳]. «بر شما حرام است (خوردن گوشت) مردار» نجس هستند، اما مستثنی کردن انسان به دلیل آیهی ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾ [الإسراء: ۷۰]. «ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم» است و در آیهی ﴿إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ﴾ [التوبة: ۲۸]. «بی‌گمان مشرکان پلیدند» نجاست عقیدتی آنان و دورگیری مسلمانان از عقیده‌های فاسد آنان موردنظر است [القرطبی، محمد بن احمد؛ بی‌تاریخ؛ ج ۶؛ ص ۲۹۹].

علت استثنا کردن ماهی و ملخ نیز اجماع علما و احادیث زیر است: «أُحِلَّتْ لَنَا مِيتَتَانِ وَدِمَانٌ، فَأَمَّا الْمِيتَتَانِ فَالْحَوْتَ وَالْجَرَادُ وَأَمَّا الدِّمَانُ فَالْكَبِدُ وَالطَّحَالُ» «دو نوع مردار و دو گونه خون برای ما حلال است، آن دو مردار، ماهی و ملخ و آن دو نوع خون جگر و طحال هستند» و «هو الطهور ماؤه، والحل ميتته» «آب آن (دریا) پاک است و مردارش هم حلال است».

حیوان مردار به علت مسمومیت، پیری، بیماری، خفگی و یا هر علت دیگری تلف شده باشد، خون در بافت‌های مختلف بدنش لخته بسته و میکروب‌های مختلف در آن به سرعت تکثیر می‌شوند؛ از طرف دیگر میکروب‌های روده‌ای وارد حفره‌ی شکمی شده و فساد گوشت را تسریع می‌بخشند [ویلسون، آندرو؛ ۱۳۷۰؛ ص ۱۱۷].

بسیاری از بیماری‌هایی که حیوانات به آن‌ها مبتلا شده و باعث مرگ آن‌ها می‌شوند جزو بیماری‌های مشترک بین انسان و حیوانات (زیونوزها) هستند و استفاده از گوشت حیوانات مبتلا به این بیماری‌های باعث ابتلای انسان به آن‌ها می‌شود؛ بیماری‌های سل (Tuberculosis)، سیاه‌زخم (Anthrax)، سالمونلا (Salmonella)، التهاب ریوی و مسمومیت غذایی نمونه‌هایی از این بیماری‌های مشترک هستند. خوردن گوشت مردار علاوه بر مشکلات هضم، اسهال، استفراغ و مسمومیت غذایی شدید به دنبال دارد و بیشتر از ۱۰۰ نوع بیماری از طریق گوشت مردار به انسان منتقل می‌شود [سالم، مختار؛ ۱۹۸۸؛ ص ۳۰۸-۳۱۴].

۱-۹-۶- خون به دلیل آیه‌ی ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ﴾ «بر شما حرام است (خوردن) مردار و خون و حدیث «اغسلي عنك الدَّم وصلِّ» «آن خون را (از بدن و لباس) بشوی و نماز بخوان» که در بحث غسل ذکر شد، نجس است. آنچه که در نجاست خون، موردنظر شارع است، خون جاری است به دلیل، قید «مسفوح» در آیه‌ی ۱۴۵ سوره‌ی انعام؛ بنابراین طحال و جگر پاک بوده و قابل استفاده هستند و در حدیث روایت شده توسط ابن ماجه رحمه‌الله به صراحت این مطلب ذکر شده است: «أَحَلَّتْ لَنَا مَيْتَتَانِ وَدَمَانِ، فَأَمَّا الْمَيْتَتَانِ فَالْحَوْتُ وَالْجُرَادُ، وَأَمَّا الدَّمَانِ فَالْكَبِدُ وَالطَّحَالُ» «دو نوع مردار و دو گونه خون برای ما حلال است، آن دو مردار ماهی و ملخ و آن دو نوع خون جگر و طحال هستند».

خون ترکیبی از مایعی بنام پلاسما (۵۵٪) و سلول‌های خونی (۴۵٪) است. قسمت اعظم سلول‌های خونی گلبول‌های قرمز است و مقدار کمی نیز گلبول‌های سفید می‌باشد و درصد بسیار کمی از سلول‌های دیگر به نام پلاکت در خون وجود دارد. وظایف اصلی خون انتقال گازهای تنفسی، مواد غذایی و مواد زاید و سمی حاصل از متابولیسم بدن می‌باشد [جواهری، حسن؛ بی‌تاریخ؛ ص ۱۳].

بنابراین، خون با داشتن مواد غذایی، محیط مناسبی برای رشد و تکثیر بسیاری از میکروب‌ها می‌باشد و در آزمایشگاه‌های باکتریولوژی از خون برای کشت انواع باکتری‌ها جهت مطالعه‌ی آن‌ها استفاده می‌شود.

حکم به نجاست خون و اجماع علما در تحریم خرید و فروش آن با توجه به حدیث صحیح «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا حَرَّمَ شَيْئًا حَرَّمَ ثَمَنَهُ» «خداوند هرگاه (خوردن) چیزی را حرام کند، بهای آن را نیز حرام می‌کند» و همچنین نیاز رشته‌های مختلف علوم پزشکی به این ماده‌ی حیاتی و کاربرد آن در درمان بیماری‌هایی چون تالاسمی و هموفیلی و همچنین در اعمال جراحی، بسیار در خور توجه و تحسین است.

خون علاوه بر وظیفه‌ی مهم رساندن مواد غذایی به بافت‌ها و سلول‌های بدن، وظیفه‌ی انتقال مواد زاید و سمی حاصل از سوخت و ساز سلول‌ها (متابولیسم) را به کلیه‌ها و شش‌ها برعهده دارد. بنابراین موادی سمی مانند اوره^۱، اسیداوریک^۲، کراتینین^۳ و گاز دی اکسیدکربن^۴ در خون وجود دارد [سالم، مختار؛ ۱۹۸۸؛ ص ۳۰۹].

وجود هموگلوبین^۵ در خون و فیبرین^۶ در خون لخته شده که به سختی هضم می‌شوند و همچنین آهن آلی که به نسبت آهن غیر آلی به کندی از طریق روده‌ها جذب می‌شود،

1- urea

2- uric acid

3- Keratinin

4- Carboin dioxide

5- hemoglobin

6- fibrin

دلایل محکمی هستند که ثابت می‌کنند، خون برای انسان ارزش غذایی ندارد [دیاب و قرقوز؛ ۱۳۷۴؛ ص ۱۴۴].

جگر و طحال که غنی از مواد غذایی مهمی چون پروتئین‌ها، ویتامین‌ها، گلیکوژن^۱ و آهن هستند، برخلاف خون قابل استفاده هستند [عمر، فاضل عبید؛ ۱۹۸۹؛ ص ۱۳۱].

۱-۹-۷- خونابه و چرک نجس هستند.

هنگامی که نوعی از گلبول‌های سفید به نام نوتروفیل‌ها^۲ و ماکروفاژها^۳ مقادیر زیاد باکتری‌ها و بافت‌های نکروتیک^۴ (تخریب‌شده) را فاگوسیت^۵ می‌کنند، تمام نوتروفیل‌ها و تعداد زیادی از ماکروفاژها در این جدال از بین می‌روند؛ بعد از چند روز غالباً در بافت‌های ملتهب نسبت‌های مختلف از بافت نکروتیک، نوتروفیل‌های مرده، ماکروفاژهای مرده و مایع بین بافتی به وجود می‌آید، که چنین مخلوطی چرک (pus) نامیده می‌شود [گایتون، آرتور؛ ۱۳۷۵؛ ج ۱؛ ص ۶۷۵]؛ بنابراین وجود این مواد (بافت نکروتیک و مواد سمی حاصل از باکتری‌ها) خود دلیل قانع‌کننده‌ای بر نجاست چرک و خونابه می‌باشد.

۱-۹-۸- استفراغ نجس است ولی اگر غذا بدون تغییر قبل از رسیدن به معده به دهان بازگردد پاک است.

آب دهن خارج شده از دهان هنگام خواب پاک است، مگر در حالتی که زرد رنگ و بدبو باشد که در این صورت نجس است.

استفراغ شامل مواد غذایی خورده شده و ترشحات حاصل از غدد موجود در لوله‌ی گوارشی از قبیل اسیدها مانند اسید کلریدریک^۶ معده و قلیاها مانند بیکربنات^۱ مترشحه از

1- glycogen

2- Neutrophils

3- macrophage

4- Necrotic

5- Phagocyte

6- Chloridric acid

دوازده و بسیاری از آنزیم‌های مختلف می‌باشد. هم‌چنین در مجرای گوارشی بسیاری از باکتری‌های فلورنرمال^۲ مانند کلیفرم‌ها وجود دارند؛ بنابراین ترکیب مواد مذکور و باکتری‌ها با مواد غذایی باعث به هم ریختن و تغییر شیمیایی مواد موجود در غذا شده، چه بسا موادی بسازند که برای بدن مضر باشند؛ این خود دلیلی قانع‌کننده برای حکم به نجاست استفراغ است. اما اگر مواد غذایی پیش از ورود به معده بدون تغییرات شیمیایی به دهان باز گردد فاقد مواد مذکور است، و فقط ۳٪ تا ۵٪ نشاسته‌ی موجود در غذا به وسیله‌ی بزاق هیدرولیز شده است [گایتون، آرتور؛ ۱۳۷۵؛ ج ۲؛ ص ۱۲۳۰]؛ بنابراین به پاکی آن حکم می‌شود.

آب دهان توسط غده‌های دهانی تولید می‌شود که شامل مایع لزجی (موکوس)^۳ است، اما اگر با بزاق مترشحه از غده‌های زیر زبانی، تحت فکی و بناگوشی که محتوی آنزیم‌های آمیلاز^۴ (هضم‌کننده‌ی نشاسته) و لیزوزیم^۵ و یون‌های پتاسیم و بیکربنات است، ترکیب شود، در هضم ذرات غذایی باکتری‌های اطراف دندان مؤثر شده و بدبو و زرد رنگ می‌شود [گایتون، آرتور؛ ۱۳۷۵؛ ج ۲؛ ص ۱۲۰۶].

۱-۹-۹- مدفوع تمامی حیوانات نجس است، به دلیل حدیث روایت شده توسط امام بخاری رحمه‌الله از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه: «أُتِيَ النَّبِيُّ ﷺ الْغَائِطُ، فَأَمَرَنِي أَنْ آتِيَهُ بِثَلَاثَةِ أَحْجَارٍ، فَوَجَدْتُ حَجْرَيْنِ وَالتَّمَسْتُ الثَّالِثَ فَلَمْ أَجِدْهُ، فَأَخَذْتُ رَوْثَةَ فَاتِيَهُ بِهَا، فَأَخَذَ الْحَجْرَيْنِ وَأَلْقَى الرَّوْثَةَ وَقَالَ ﷺ: «هَذَا رَكْسٌ» «پیامبر ﷺ خواست که قضای حاجت نماید، به من امر فرمود که سه سنگ برایش بیابم، من دو سنگ یافتم و جستجوی سومین سنگ

1- Bicarbonate

2- Normal Fluor

3- Mucus

4- Amylase

5- Lysosyme

بی‌نتیجه ماند، سرگین خشک‌شده‌ای برداشتم و آن را نزد ایشان بردم، پیامبر ﷺ سنگ‌ها را گرفت و سرگین را پرت کرد و فرمود: این نجس است».

مدفوع در حالت عادی از حدود سه چهارم آب و یک چهارم مواد جامد شامل ۳۰٪ باکتری‌های مرده، ۱۰ تا ۲۰٪ چربی، ۱۰ تا ۲۰٪ مواد معدنی، ۲ تا ۳٪ پروتئین و ۳۰٪ مواد غیرقابل جذب غذا و اجزای شیره‌های گوارشی تشکیل شده است [گایتون، آرتور؛ ۱۳۷۵؛ ج ۲؛ ص ۱۲۴۴]؛ بنابراین محیط مساعدی برای رشد و تکثیر انواع میکروب‌هاست.

به طور طبیعی در روده‌ی بزرگ انسان میلیاردها میکروب از ۳۰۰ تا ۴۰۰ نوع مختلف که برخی بیماری‌زا و بعضی مفید هستند، زندگی می‌کنند و هر بار تعداد زیادی از آن‌ها همراه مدفوع از بدن خارج می‌شوند [صبور اردوبادی، احمد؛ ۱۳۶۶؛ ص ۶].

بنابراین، مدفوع در انتقال بیماری‌ها نقش بسیار مهمی دارد تا آن‌جا که می‌توان گفت که مدفوع حلقه‌ی اصلی در زنجیره‌ی انتقال بیماری‌های منتقله از طریق مدفوع (Faecal-borne Inflections) را تشکیل می‌دهد؛ این بیماری‌ها دو نوع‌اند:

۱- بیماری‌های باکتریایی مانند تیفوئید^۱، پاراتیفوئید^۲، اسهال خونی، گاستروانتریت^۳، وبا، دیسانتری باسیلی^۴ و غیره.

۲- بیماری‌های ویروسی مانند هپاتیت^۵ و فلج اطفال [آذرگشب، اذن‌الله؛ ۱۳۷۵؛ ص ۵۳].

۹-۱۰- ادرار نجس است. به دلیل روایت مسلم و بخاری رحمهم‌الله در دستور پیامبر ﷺ به ریختن آب بر ادرار اعرابی بادیه‌نشین در مسجد و همچنین حدیث روایت شده توسط امام مسلم رحمہ‌الله درباره‌ی مرده‌های دو قبری که عذاب می‌دیدند و پیامبر ﷺ

1- Typhoid

2- paratyphoid

3- Gastroenteritis

4- Bacillary desntery

5- Hepatitis

درباره یکی از آن‌ها فرمود: «أما أحدهما فكان لا يستنزه من البول» «یکی از آن‌ها خود را از ادرار به طور کامل پاکیزه نمی‌کرد».

کلیه‌ها راه اصلی دفع فراورده‌های زاید متابولیسم^۱ بدن به شمار می‌رود؛ این فراورده‌ها شامل اورهی حاصل از متابولیسم اسیدهای آمینه^۲، کراتینین^۳ حاصل از کراتین عضله، اسید اوریک^۴ حاصل از اسیدهای نوکلئیک^۵، فراورده‌های نهایی حاصل از تجزیهٔ هموگلوبین^۶ از قبیل بیلی روبین^۷ و متابولیت‌های هورمون‌های مختلف می‌باشد. این فراورده‌های زاید باید به همان سرعتی که تولید می‌شوند از بدن دفع گردند. کلیه‌ها هم‌چنین سموم و مواد شیمیایی را که توسط بدن تولید شده یا خورده می‌شوند (از قبیل سموم دفع آفات، داروها، مواد افزودنی غذاها) دفع می‌کنند [گایتون، آرتور؛ ۱۳۷۵؛ ج ۱؛ ص ۶۴۱].

بر اثر تماس مداوم ادرار با مخاط پوست مقداری از آن جذب شده و قدرت دفاعی بافت‌های آن ناحیه تضعیف می‌گردد و در نتیجه زمینه‌ی ابتلا به انواع عفونت‌های میکروبی به وجود می‌آید [صبور اردوبادی، احمد؛ ۱۳۶۶؛ ص ۱۲۳].

با توجه به مطالب مذکور و میکروب‌های مختلف موجود در مجرای ادرار به همراه ادرار دفع می‌شود، ادرار ماده‌ای به شدت سمی و حاوی میکروب‌های مختلف است.

۱-۹-۱۱- مَذی مایعی سفید و رقیق که هنگام شدت شهوت خارج می‌شود، نجس است؛ به دلیل روایت امام بخاری رحمه‌الله از حضرت علی علیه السلام: «كنت رجلاً مذاءً،

1- metabolism

2- amino acid

3- keratinin

4- uric acid

5- nucleci acids

6- hemoglobin

7- bilirubin

فاستحییت أن أسأل رسول الله ﷺ فأمرت المقداد بن الأسود فسأله، فقال ﷺ: فيه الوضوء» «من مذي زیادی دفع می‌کردم و شرم داشتم که از پیامبر ﷺ در این باره بپرسم؛ بنابراین به مقداد بن أسود گفتم که از ایشان در این باره سؤال کند؛ پیامبر ﷺ فرمود: (مذی) ناقض وضو است».

۱-۹-۱۲- ودی مایعی سفید و رقیق که پس از حمل اشیای سنگین یا ادرار کردن از آلت تناسلی مرد خارج می‌شود، بنابر اجماع علما و همچنین با قیاس بر مذی نجس است.

ایمپالس‌های پاراسمپاتیک^۱ در جریان تحریک جنسی علاوه بر پیشبرد نعوظ، موجب ترشح موکوس از غدد اورترال^۲ و بولبواورترال می‌شود. این موکوس در جریان مقاربت از طریق اورتر به خارج جریان یافته و به لغزنده ساختن (Iubrication) جماع کمک می‌کند، گرچه قسمت اعظم لغزنده‌سازی در جماع به وسیله‌ی اندام‌های جنسی زنانه تأمین می‌شود. بدون لغزنده‌سازی، عمل جنسی به ندرت موفقیت‌آمیز است، زیرا مقاربت بدون لغزندگی موجب احساس درد شده و احساس جنسی را به جای تحریک، مهار می‌کند [گایتون، آرتور؛ ۱۳۷۵؛ ج ۲؛ ص ۱۴۹۹ و Shier, David; et al, 1999: 843].

هر دو ماده‌ی مذی و ودی که از غدد مذکور ترشح می‌شوند، از نظر ماهیت هر دو موکوپروتیین^۳ هستند و علاوه بر لغزنده کردن و حفاظت مخاط پوست در خشتی کردن محیط اسیدی مجاری تناسلی نقش مؤثری دارند، زیرا اسیدی بودن محیط باعث کشته‌شدن اسپرم‌ها می‌شود [پاک‌نژاد، سید رضا؛ ۱۳۴۹؛ ج ۱؛ ص ۲۴۳].

تفاوت این دو ماده فقط در آن است که مذی هنگام تحریکات جنسی خارج می‌شود، اما ودی بعد از فعالیت‌های سنگین یا زور زدن برای خروج ادرار و مدفوع به هنگام

1- parasympathetic impulses

2- urethral

3- mucu protein

یبوست مزاج از مجرای ادراری مرد خارج می‌شود و در حقیقت انقباض ماهیچه‌های دستگاه تناسلی عامل خروج ودی است.

با توجه به ساختمان ترکیب هر دو ماده‌ی فوق که از گلوئید و پروتیین تشکیل شده‌اند، می‌توان دلیل حکم به نجاست آن‌ها را زمینه‌ی رشد میکروب‌ها و فاسد شدن سریع این مواد به وسیله‌ی میکروب‌های مجرای ادرار دانست.

۱-۹-۱۳- منی سگ و گراز (خوک) نجس است، اما مطابق قول اظهر منی آدمی به دلیل حدیث روایت شده از ام‌المؤمنین عایشه رضی‌الله‌عنها، پاک است: «أنها كانت تحك المني من ثوب رسول الله ﷺ ثم يصلي فيه» «او از لباس پیامبر ﷺ اثر منی را می‌خراشید، سپس (پیامبر ﷺ) با آن (لباس) نماز می‌خواند».

اما شستن لباسی که منی بر آن ریخته است به دلیل اخبار صحیح و خروج از خلاف آن چنان که امام نووی رحمه‌الله در «المجموع» می‌فرماید، مستحب است.

منی حاوی مواد غذایی لازم برای حیات سلول تخم (اسپرماتوزوئید)^۱ است؛ بنابراین محیطی برای رشد انواع میکروب‌هاست. به علت عبور منی از مجرای ادرار احتمال آلودگی آن به میکروب‌ها یا مواد مضر چون اوره وجود دارد؛ اما خروج منی در انسان غالباً به دنبال خروج ترشحات قلیایی از غدد اورترال و بولبواورترال است که مجرای ادرار را پاک نموده‌اند و به این دلیل احتمال آلودگی آن به مواد مضر ادرار بسیار کم است.

۱-۹-۱۴- پاک شدن نجاست

آنچه که در ذات خود نجس است و نجس العین نامیده می‌شود، غیرقابل پاک شدن است مگر در موارد زیر که حکم به پاکی آن‌ها می‌شود:

1- spermatozoid

- ۱- شراب تهیه شده از انگور در صورتی که خود به خود و بدون اضافه کردن ماده‌ای به سرکه تبدیل شود، پاک بوده و قابل مصرف است.
- ۲- پوست حیوانات مردار به استثنای سگ و گراز با دباغی پاک شده و قابل استفاده هستند؛ این عمل با اضافه کردن موادی مانند پوست انار، مازو و سایر مواد تند و سوزنده انجام می‌شود و انجام آن با خاک و نمک قابل قبول نیست، زیرا پس از تماس آب با چنین پوست‌هایی مجدداً بوی بد ناشی از فساد پوست به مشام می‌رسد.

ماده‌ای اصلی موجود در مشروبات الکلی که باعث مستی فرد می‌شود الکل اتیلیک به فرمول شیمیایی C_2H_5OH است که از تخمیر مواد قندی منوساکارید یا پلی‌ساکارید موجود در میوه‌ها، حاصل می‌شود؛ الکل اتیلیک در شرایط مناسب به اسید استیک یا جوهر سرکه به فرمول شیمیایی $C_2H_4O_2$ تبدیل می‌شود؛ اسیداستیک که ماده‌ی اصلی سرکه‌ی معمولی است با اضافه کردن آب و رقیق شدن به سرکه‌ی قابل مصرف تبدیل می‌شود.

دباغی (Tannage) عبارت است از ترکیب تانن‌ها^۱ با پروتئین‌های پوست حیوانات و رسوب پروتئین‌ها و مقاوم ساختن آن‌ها در برابر آنزیم‌های تجزیه‌کننده‌ی پروتئین‌ها (پروتئولیتیک)^۲ [صبور اردوبادی، احمد؛ ۱۳۶۶؛ ص ۲۳۱]. در نتیجه‌ی دباغی، پوست نرم حیوانات سفت شده و به چرم تبدیل می‌شود.

تانن‌ها ترکیبات شیمیایی نباتی هستند که در موادی مانند مازو - که نتیجه‌ی ترشح درخت بلوط در اثر تخم‌گذاری حشره‌ای در سرشاخه‌های آن - و پوست انار به وفور وجود دارد [اصفهان‌ی، محمد مهدی؛ ۱۳۷۵].

1- tannins

2- proteolytic

تانن خواص مختلفی مانند رسوب دادن آلبومین^۱، به وجود آوردن پوشش محافظ برای بافت‌ها و جلوگیری از عفونی شدن را داراست؛ در پوست درخت بلوط ۱۴٪ تانن وجود دارد و در بعضی گونه‌ها به ۱۸٪ می‌رسد [زرگری، علی: ۱۳۷۱؛ ج ۴؛ ص ۴۸۰].

۱-۹-۱۵- پاکی از انواع نجاست

انواع نجاست عبارتند از: ۱- نجاست مغلظه ۲- نجاست مخففه ۳- نجاست متوسطه

۱- نجاست مغلظه: چیزی که در تماس با مایعات بدن سگ، گراز و خوک نجس شود، برای پاک شدنش لازم است که هفت بار با آب شست و شو داده شود و یکی از این دفعه‌ها باید آب با خاک پاک مخلوط باشد، قول اظهر بر آن است که شست و شو با مواد دیگری چون صابون مورد قبول نیست [الشربینی؛ ج ۱؛ ص ۸۳].

امام مسلم رحمه الله از پیامبر اکرم ﷺ روایت می‌کند: «إذا ولغ الكلب في الإناء فاغسلوه سبع مرّات أولهنّ بالتراب» «هرگاه سگ ظرفی را لیسید، آن را هفت بار بشوید و در اولین شست و شو همراه آب از خاک استفاده کنید».

بهترین منبع مواد ضد میکروبی در آفرینش خاک است و موجودات ذره‌بینی آن با قدرت پاک‌کنندگی خود، آلودگی‌ها را از بین می‌برند، مشاهدات آزمایشگاهی نشان می‌دهد تخم انگل‌ها و میکروب‌های مختلفی که بر اثر تماس ترشحات بینی و دهان سگ بر روی اشیاء قرار می‌گیرند، به وسیله‌ی شست و شو با خاک برطرف می‌شوند [سالم، مختار؛ ۱۹۹۵؛ ص ۷۴].

۲- نجاست مخففه: آنچه که به ادرار پسر بچه‌ی کمتر از دو سال که فقط از شیر مادر تغذیه می‌کند، آلوده شود، برای پاک کردنش، فقط باید بر آن شیء آب پاشیده شود. به دلیل حدیث روایت شده توسط امام بخاری و مسلم رحمهما الله از ام‌قیس بنت محسن

(رضی الله عنها) است: «أنتها أئت باین لها صغیر لم یأکل الطعام إلی رسول الله ﷺ فبال علی ثوبه فدعا بماء فنضحه ولم یغسله» «ام قیس بنت محسن پسر بچه‌ای کوچک را که غذا نمی‌خورد (و فقط از شیرمادر تغذیه می‌کرد)، نزد پیامبر ﷺ آورد، کودک بر لباس آن حضرت ﷺ ادرار کرد، و پیامبر ﷺ درخواست مقداری آب فرود؛ سپس آب را بر لباسش پاشید و آن را شست و شو نداد».

به دلیل اختلافات خلقی در مجاری خروج ادرار دختر و پسر، ادرار دختران بیشتر در معرض آلودگی‌ها قرار دارد زیرا مهبل و مجرای ادرار آن‌ها نزدیک هم قرار دارد و مقعد نیز به فاصله‌ی کمی از مجرای ادراری واقع شده است، بنابراین ادرار دختران نه تنها در معرض ترشحات مهبل و عفونت‌های احتمالی آن قرار دارد بلکه غالباً به طرف مقعد سرازیر شده و به باکتری‌های مدفوع که ممکن است در اطراف مقعد وجود داشته باشند، آلوده می‌شود.

۳- نجاست متوسطه: آنچه که با ادرار، خون، مدفوع و غیره نجس شود. برای پاکی آن لازم است که آب بر آن جاری شود. اگر نجاست متوسطه حکمیّه باشد به این معنی که دارای جرم نباشد، فقط جریان آب بر آن کافی است.

اما اگر نجاست عینیّه باشد یعنی دارای جرم باشد، واجب است که جرم و طعم آن نیز، از بین برود؛ ولی باقی ماندن رنگ یا بویی که زدودنش ممکن نباشد، اشکالی ندارد؛ اما مطابق فتوای امام نووی رحمه‌الله که می‌فرماید: «اگر رنگ و بو هر دو بمانند، حکم به طهارت شیء داده نمی‌شود»، لازم است که شست و شو ادامه یابد تا یکی از آن دو صفت از بین برود؛ هم‌چنین مستحب است که برای بار دوم و سوم محل نجاست را مجدداً شست و شو داد [الشربینی؛ ج ۱؛ ص ۸۶].

با توجه به آنچه در خصوص خواص شیمیایی و فیزیکی آب و قابلیت پاک کنندگی این ماده‌ی حیاتی ذکر شد، در شست و شوی آنچه که به نجاست آلوده شده است باید به اندازه‌ای آب استفاده شود که آب بتواند جرم نجاست و اثرات آن را از بین ببرد. وجود رنگ و بو پس از شست و شو نشان دهنده‌ی ماندن ذرات نجاست بر شیء است؛ بنابراین لازم است تا زدوده شدن یکی از آن دو صفت شست و شو را ادامه داد. شست و شو در مراحل دوم و سوم تمام اثرات نجاست را از بین برده و یقین به طهارت و پاکی را در شخص ایجاد می‌کند.

۱-۹-۱۶- نجس شدن مایعات

افتادن نجاست در مواد مایع باعث نجس شدن آن‌ها شده و طهارت آن‌ها غیر ممکن است.

اما روغن جامدی که نجاست در آن افتاده باشد با ریختن مقداری از آن در اطراف ماده‌ی نجس پاک می‌شود؛ ولی وقوع نجاست در روغن مایع باعث آلوده شدن آب شده و قابل پاک شدن نیست، به دلیل روایت ابوداود رحمه الله «أَنَّهُ سئل عن الفارة تموت في السمن، فقال: إن كان جامداً قألقوه وماحولها وإن كان مائعاً فلا تقربوه» «از پیامبر ﷺ درباره‌ی وجود موش مرده در روغن سؤال کردند، فرمود: اگر روغن جامد بود، موش و مقداری از روغن اطراف آن را دور بریزید و اگر روغن مایع بود، دیگر از آن روغن استفاده نکنید».



خصوصیات شیمیایی و فیزیکی مایع، محیطی ایجاد نموده است که مواد مختلف به سرعت می‌توانند در آن منتشر شوند، بنابراین افتادن نجاست در آن محیط باعث پخش نجاست در تمام قسمت‌ها شده و آن را آلوده می‌سازد.

محیط روغن جامد برخلاف محیط مایع آن باعث انتشار سریع آلودگی‌ها نمی‌شود و به این جهت است که می‌توان با ریختن مقداری از روغن در اطراف ماده‌ی نجس حکم به طهارت و پاکی آن داد.

۱-۱۰- تیمم

تیمم در لغت به معنی قصد است ولی در اصطلاح شرع عبارت است از رساندن گرد و غبارِ خاکِ پاک بر صورت و دست‌ها به جای وضو و غسل. اصل در مشروعیت تیمم آیه‌ی:

﴿فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا﴾ [المائدة: ۴۳].

«اگر آب پیدا نکردید با خاک پاک تیمم کنید».

و حدیث روایت شده از امام مسلم رحمه الله از پیامبر ﷺ است که فرموده‌اند: «جعلت لنا الأرض كلها مسجداً وتربتها طهوراً» «برای ما همه‌ی زمین محل عبادت و خاک، پاک‌کننده مقرر شده است».

با توجه به نص صریح شارع در تعیین خاک پاک و تفسیر امام شافعی رحمه الله از آیه‌ی فوق، استعمال موادمعدنی دارای گرد و غبار، ماسه و سنگریزه‌ی بدون غبار، آجر، گل پخته و خاک متنجس مانند خاک آلوده به مدفوع و بقایای اجساد پوسیده جهت تیمم جایز نیست [الشربینی؛ ج ۱؛ ص ۹۶].

حکم تیمم که رخصتی از جانب شارع برای افراد مریض و ناتوان از استعمال آب است، نمونه‌ی آشکاری از رحم و شفقت خداوند به بندگان و اجتنابی از مشقت و سختی در فقه اسلامی است.

برخلاف آنچه گروهی فکر می‌کنند که خاک بی‌خاصیت و آلوده به میکروب‌هاست، بسیاری از مواد ضروری بدن و مواد دارویی بیماری‌های مختلف در خاک وجود دارد و

فراورده‌های گیاهی و حیوانی که منابع تغذیه‌ی آدمی هستند، مواد حیاتی خود را از خاک می‌گیرند؛ موادی چون: کلسیم، پتاسیم، فسفر، نیتروژن، آهن و غیره را به طور مستقیم و غیرمستقیم به واسطه‌ی گیاهی از خاک می‌گیریم.

موجودات ذره‌بینی موجود در خاک با قدرت پاک‌کنندگی خود انواع مختلفی از میکروب‌های بیماری‌زا را نابود می‌کنند. در خاک آنتی‌بیوتیک‌هایی^۱ مانند ترامایسین^۲ وجود دارد [وحید دستجردی، سیف‌الله؛ ۱۳۳۶؛ ص ۲۲].

تیمم روشی جهت پاک کردن سطح بدن از عوامل آنتی‌ژن^۳ است که قادرند به همراه چربی سطح پوست به صورت آدجوانت^۴ بر روی سیستم ایمنی تأثیر بگذارند؛ خاک خشک با جذب شبه آدجوانت پدید آمده در سطح پوست به ویژه در نواحی سر و صورت (که تعداد غدد چربی آن در هر سانتی‌متر مربع بین چهار تا نه برابر تعداد این غدد در نقاط دیگر بدن است) مانع نفوذ عواملی آنتی‌ژن از سطح پوست و تأثیر آن‌ها بر روی سیستم ایمنی محیطی، و در نتیجه بر کل سیستم ایمنی، می‌گردد [محمدی شیرمحله، ناصر؛ ۱۳۷۶؛ ص ۲۵].

مواد مختلفی که تیمم با آن‌ها جایز نیست، قدرت پاک‌کنندگی و میکروب‌کشی خاک پاک را ندارند؛ به خصوص آجر که بر اثر حرارت تغییرات مسلمی در ترکیبات خاکش به وجود آمده و موجودات ذره‌بینی‌اش کشته شده‌اند و تقریباً قدرت دفاعی آن‌ها از بین رفته است.

1- antibiotics

2- tramycin

3- antigen

4- adjuvant

۱-۱۰-۱- شرایط انجام تیمم

تیمم کردن در شرایط زیر صورت می‌گیرد: ۱- عدم وجود آب ۲- احتیاج به آب برای نوشیدن در حال یا آینده ۳- بیماری که اگر از آب استفاده کند احتمال از بین رفتن یکی از اعضا یا طولانی شدن مدت بیماری و ماندن اثر زخم بر بدنش وجود دارد؛ هم‌چنین در حالتی که هوا بسیار سرد باشد می‌توان تیمم کرد.

رخصت فوق با توجه به قاعده‌ی فقهی «المشقة تجلب التيسير» «سختی و مشقت، آسانی را می‌طلبد» و نیز عام بودن آیه‌ی تیمم صادر شده است. ابن عباس رحمه‌الله در تفسیر آیه‌ی تیمم می‌فرماید: این آیه درباره‌ی افرادی که مریض هستند و استعمال آب برایشان دشوار است یا کسانی که اعضای آنها زخم است و به طور کلی هر کسی که استعمال آب ممکن است او را مریض نماید نازل شده است.

توجه شارع به ضرورت وجود آب برای ادامه‌ی حیات و رفع حکم وضو برای تداوم یا بازگشت سلامت فرد در حکم تیمم به خوبی آشکار است. حکم تیمم در پیش‌گیری از بروز عفونت‌ها در بیمارانی که تماس با آن برایشان مضر است و هم‌چنین پیش‌گیری از ایجاد بیماری‌هایی مانند سرماخوردگی و سینوزیت در سرمای شدید، اهمیت ویژه‌ای دارد.

۱-۱۰-۲- مسح بر جبیره (آتل)

اگر بر عضو زخمی یا شکسته پارچه و یا هر مانع دیگری وجود داشته باشد و برداشتن آن سخت باشد، می‌توان برای آن قسمت تیمم نموده و بر پارچه یا آتل روی عضو با دست خیس، مسح کشید ولی لازم است که قسمت‌های سالم عضو مجروح و سایر اعضا را شست و شو داد.

بر داشتن آتل یا باند و پانسمان روی زخم‌ها و شکستگی‌ها علاوه بر درد و رنج زیادی که متوجه شخص می‌شود، بهبود و دوره‌ی زمان را به تأخیر می‌اندازد. در صورتی که فقط قسمتی از عضو به وسیله‌ی آتل و یا باند پوشیده شده باشد، بقیه‌ی عضو را باید شست و شو داد و این امر در تغییر نمودن قسمت‌های اطراف زخم یا شکستگی و پیش‌گیری از آلودگی و ایجاد عفونت در زخم نقش مهمی دارد.

۱-۱۱- حیض (عادت ماهیانه)

حیض در لغت به معنی جاری شدن است و در اصطلاح شرع عبارت است از خونی طبیعی که در زمان‌های معینی در حالت تندرستی از رحم دختران پس از بلوغ خارج شده و تا سن یایسگی ادامه می‌یابد.

اصل در احکام حیض آیه‌ی

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ﴾ [البقرة: ۲۲۲].

«و از تو درباره‌ی (آمیزش با زنان به هنگام) حیض می‌پرسند، بگو: زیان و ضرر است؛ پس در حالت قاعدگی از (هم بستری با زنان) کناره‌گیری نمایید».

و حدیث روایت‌شده‌ی شیخین رحمهما الله از أم المؤمنین عایشه رضی الله عنها است که فرمودند: «قال رسول الله ﷺ فی الحيض: هذا شيء كتبه الله علی بنات آدم» «پیامبر ﷺ درباره‌ی حیض می‌فرمودند: آن را خداوند بر دختران آدم قرار داده است».

حداقل سن شروع حیض کامل کردن ۹ سال قمری است؛ اما بر اثر عوامل مختلفی چون خصوصیات خانوادگی، نژادی، آب و هوایی و تغذیه‌ای این سن تغییر می‌کند.

حداقل مدت حیض یک شبانه‌روز و حداکثر آن ۱۵ روز است؛ بنابراین حداقل پاکی بین دو حیض ۱۵ روز و حداکثر آن با استناد به اجماع علما و قراین موجود در میان زنان مشخص نیست.

حیض (Menses) خونی است که ماهیانه به طور طبیعی پس از بلوغ تا سن یایسگی از رحم زنان خارج می‌شود. سال‌های تولید مثل طبیعی زن به وسیله‌ی تغییرات ریتمیک ماهانه در میزان ترشح هورمون‌های زنانه و تغییرات معادلی در تخمدان‌ها و اندام‌های جنسی مشخص می‌گردد. این طرح ریتمیک موسوم به دوره‌ی سیکل جنسی زن (Femal Sexual Cycle) یا سیکل قاعدگی (Menstrual) است و به طور متوسط ۲۸ روز طول می‌کشد؛ اما می‌تواند حتی در زنان کاملاً طبیعی به کوتاهی ۲۰ روز یا به بلندی ۴۵ روز باشد.

تنظیم سیکل قاعدگی هر ۲۸ روز یک بار توسط هورمون‌های گونادوتروپیک^۱ از غده‌ی هیپوفیز قدامی که منجر به رشد فولیکول‌های جدید در تخمدان‌ها می‌شود، شروع می‌گردد [سادلر، توماس؛ ۱۳۷۶؛ ص ۲۲].

یک سیکل ماهانه‌ی آندومتری همراه با تولید دوره‌ی استروژن‌ها^۲ و پروژسترون‌ها^۳ به وسیله‌ی تخمدان‌ها به وجود می‌آید، که شامل مراحل زیر است: اول تکثیر سلول‌های آندومتر رحم، دوم پیدایش تغییرات ترشحاتی در آندومتر و سوم کنده‌شدن آندومتر که قاعده‌گی (Menstuation) نامیده می‌شود [گایتون، آرتور؛ ۱۳۷۵؛ ج ۲؛ ص ۱۵۲۴-۱۵۱۴]؛ بنابراین افت میزان پروژسترون باعث ریزش آندومتر و شروع قاعدگی می‌شود [آندرولی و همکاران؛ ۱۳۷۹؛ ص ۱۲ (۵)].

تعداد سیکل‌های قاعدگی در طول زندگی جنسی زنان حدود ۴۰۰ دوره است که در هر سیکل ۳۰ تا ۸۰ سی‌سی خون از بدن خارج می‌شود و از مهم‌ترین ویژگی‌های این خون عدم لخته‌شدن، بوی کپک‌زدگی و رنگ قرمز آن است. [کاوایانی، احمد و همکاران؛ ۱۳۷۳؛ ص ۱۸].

1- gonadotropic hormone

2- estrogens

3- progesterones

۱-۱۱-۱ احکام حیض

در میان آنچه که بر حیض حرام است و به موضوع بهداشت مرتبط است می‌توان موارد زیر را ذکر کرد: ۱- نماز ۲- روزه ۳- عبور از مسجد در صورت احتمال آلوده کردن آن به واسطه‌ی شدت خونریزی ۴- نزدیکی و هم‌چنین استمتاع و لذت بردن از نواحی بین ناف تا زانو.

اما استفاده کردن از وسایلی که زن حیض با آنها در تماس بوده است و نیز پختن غذا و نان توسط زن حیض جایز است و پس از قطع خونریزی، قبل از غسل فقط می‌تواند روزه بگیرد و بقیه‌ی اعمال بر او حرام است. امام غزالی رحمه‌الله نزدیکی با حیض قبل از غسل را عامل ابتلای فرزندان به جذام می‌داند [الشربینی؛ ج ۱؛ ص ۱۱۱].

اسلام برخلاف ادیان دیگر موارد مشخصی را درباره‌ی زنان حیض تحریم کرده است که به سلامتی و تندرستی فرد و جامعه مرتبط است و انجام اموری را که حیض در آنها تأثیری ندارد جایز دانسته است تا از بروز مشکلات اجتماعی و روانی برای زنان حیض جلوگیری نماید.

نماز عالی‌ترین رابطه‌ی بندگی و خضوع در پیشگاه آفریدگار هستی است که باید شخص با رعایت طهارت و پاکی ظاهری اعضا و پوشش خود، با شور و شوق برای انجام آن حاضر شود.

استفاده از بهترین لباس‌ها و استعمال عطر که از مستحبات قبل از شروع نماز هستند، در ایجاد اشتیاق و تقویت روحیه‌ی نمازگزار تأثیر زیادی دارند.

هنگام عادت ماهیانه نه تنها طهارت ظاهری بدن و لباس عملاً وجود ندارد بلکه روحیه‌ی انجام عبادت و اشتیاق درونی به برقراری این رابطه‌ی عاطفی و روانی بسیار کم است.

تحریم روزه‌ی زنان حیض علل جسمی و روحی متعددی دارد؛ در این دوره بدن از نظر تغذیه در وضعیت مطلوب و ایده‌آلی نیست و با در نظر گرفتن رشد جسمی، پیدایش قاعدگی و دفع آهن و خون و ضرورت جبران آن، کمبود مواد غذایی مانند پروتئین، ویتامین A، ید و آهن توجه خاص به تغذیه در دوران عادت، اهمیت زیادی دارد [توکلی بزاز، جواد؛ ۱۳۷۷؛ ص ۲۸۴].

با در نظر گرفتن مقدار خون دفع شده در دوره‌ی حیض و نیز حکم به نجاست خون و آلودگی‌های ناشی از آن شایسته است که زنان حیض در مساجد که محل عبادت است، توقف نکنند و در صورتی که خون‌ریزی شدید باشد از ورود به مسجد اجتناب نمایند.

۱-۱۲- استحاضه (خون‌ریزی غیرطبیعی رحم)

استحاضه عبارت است از خونی که به علت مریضی غیر از روزه‌های حیض و نفاس از بدن زنان و دختران خارج می‌شود.

این عارضه حدث دائمی محسوب شده ولی مانع ادای نماز و روزه نمی‌شود؛ بنابراین لازم است که چنین افرادی دستگاه تناسلی خود را کاملاً شست و شو داده، با استفاده از پارچه‌ای فرج خود را مسدود نمایند؛ سپس به سرعت به انجام وضو و خواندن نمازهایشان مبادرت ورزند.

أصح آن است که خون‌ریزی دختر بچه، قبل از بلوغ و خون‌ریزی زنان پس از یایسگی استحاضه به شمار می‌آید و مانع از انجام عبادات نمی‌شود.

خون‌ریزی غیرطبیعی مشتمل بر اولیگومنوره^۱ (قاعدگی با فواصل بیش از ۴۰ روز) و پلی‌منوره^۲ (قاعدگی با فواصل کمتر از ۲۱ روز) است [آندروولی و همکاران؛ ۱۳۷۹؛ ص ۱۲ (۱۱)].

1- Oligomenorrhea

2- Polymenorrhea

خونریزی غیرطبیعی رحم در اثر عوامل متعددی ممکن است ایجاد شود:

- ۱- بارداری (مثلاً سقط خود به خودی و حاملگی نابجا) ۲- تومورهای رحم ۳- عفونت‌ها ۴- اختلالات هورمونی (مانند عدم تخمک‌گذاری) ۵- اجسام خارجی داخل رحمی مانند: IUD- اختلالات انعقادی [رایان و همکاران؛ ۱۳۷۶؛ ص ۴۶].

دلیل تحریم هم‌بستری با زنان در عادت ماهیانه، تغییر در خاصیت اسیدی ترشحات مهبل است که باعث بروز التهاب مهبل می‌گردد. در شرایط طبیعی، مهبل به وسیله‌ی ترشحاتی که خاصیت اسیدی دارند نرم شده و از آسیب‌ها و آلودگی توسط میکروب‌ها مصون می‌ماند. مهم‌ترین عاملی که باعث تغییر در ماهیت اسیدی این ترشحات می‌شود، خون است که در زمان حیض به وفور وجود دارد. نزدیکی به هنگام قاعدگی باعث افزایش آلودگی شده و خراش‌هایی در مهبل پدید می‌آورد و بدین ترتیب زمینه‌ی انواع عفونت‌ها و التهابات مهبل به وجود می‌آید [کنعان، احمد محمد؛ ۲۰۰۰؛ ص ۴۱۳].

عفونت مهبل زمینه‌ی ورود میکروب‌ها به رحم و عفونت رحم است [دیاب و قرقوز؛ ۱۳۷۴؛ ص ۵۰]؛ از طرف دیگر آمیزش در حیض موجب احتقان خون شده و خونریزی تشدید می‌شود؛ هم‌چنین عمل نزدیکی با حیض باعث ایجاد خراش‌ها و زخم‌هایی در جدار مهبل می‌شود [الأشقر، عمر سلیمان و زملاؤه؛ ۲۰۰۱؛ ج ۱؛ ص ۱۷۸].

مرد نیز ممکن است به التهاب مجاری ادراری (اورتریت حاد^۱) مبتلا شده و التهاب از مجرای ادرار به سایر قسمت‌های دستگاه تناسلی سرایت کند، که در این صورت شخص گرفتار دردهای بسیار شدیدی خواهد شد [صانعی، صفدر؛ ۱۳۴۹؛ ص ۱۰۲].

آمارها نشان می‌دهد که سرطان رحم در میان مسلمانان، یهودیان و هندوها از سایر نژادها به علت تحریم آمیزش در زمان قاعدگی، کمتر است [پاک‌نژاد، سیدرضا؛ ۱۳۴۹؛ ج ۱۲؛ ص ۲۲].

همچنین به علت کم‌بودن میل جنسی زن در این دوران و اشمئزاز حاصل از خونریزی در زن و مرد، احتمال بروز عوارض روانی از جمله سرد مزاجی در طرفین وجود دارد [دیباب و قرقوز؛ ۱۳۷۴؛ ص ۵۱].

۱-۱۳- نفاس (خونریزی پس از زایمان)

نفاس عبارت است از خونی که همراه بچه در لحظات تولید خارج می‌شود؛ و حداقل مدت دوره‌ی خونریزی یک لحظه و حداکثر آن ۶۰ روز است، اما معمولاً ۴۰ روز طول می‌کشد، به دلیل حدیث روایت شده توسط ابوداود رحمه‌الله از ام سلمه رضی‌الله عنها: «كانت النفساء تجلس على عهد رسول الله ﷺ أربعين يوماً» «در عهد پیامبر ﷺ زنان پس از زایمان، چهل روز (از نماز و هم‌بستری) کناره‌گیری می‌کردند».

نفاس (Puerperium) دوره‌ی شش هفته‌ای پس از زایمان یا سقط جنین است که به سبب جداشدن جفت (Placenta) از دیواره‌ی رحم و خونریزی ناشی از آن که در زایمان ۵۰۰ میلی‌لیتر و در سزارین ۱۰۰۰ میلی‌لیتر است و نیز بازگشت رحم و دستگاه تناسلی به حالت طبیعی، لازم است بیمار تحت مراقبت باشد [کنعان، احمد محمد؛ ۲۰۰۰؛ ص ۸۹۹].

گرچه این دوران یک دوره کم‌خطر است ولی حالات اضطراری تهدیدکننده‌ی حیات یا عوارض جدید ممکن است بروز نماید؛ که باید به دقت شناخته شده و تحت درمان قرار گیرد. ترشحات نفاس که در چند روز اول به طور عمده خون پررنگ است، به مرور زمان کم رنگ شده و بعد از چند هفته فقط ترشح مایع سفید است، باید از نظر مقدار و بوی غیرمعمول که عفونت را نشان می‌دهد، مورد بررسی قرار گیرد [واندر، نیس؛ ۱۳۷۴؛ ص ۶۲۸].

۲- نماز

از شروط صحت نماز که در این بحث می‌توان آن‌ها را ذکر کرد، پاکی بدن از حدثین و پاکی بدن، لباس و محل نماز خواندن از نجاست‌هاست.

ابن ماجه رحمه الله از ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند: «رَأَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَأَنَا نَائِمٌ أَتْلُوِي مِنْ وَجْعٍ بَطْنِي ثُمَّ قَالَ ﷺ: أَشْكَمْتَ دَرْدٌ؟ قُلْتُ: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؛ قَالَ: «قُمْ فَصَلِّ فَإِنَّ فِي الصَّلَاةِ شِفَاءً»^(۱). «پیامبر ﷺ مرا دید که از شکم درد (شدید) به خود می‌پیچم، از من پرسید: شکم درد داری؟ جواب دادم: بله، ای فرستاده‌ی خدا؛ آن حضرت ﷺ فرمود: بلند شو و نماز بخوان، همانا نماز شفاست».

آنچه که نماز را از سایر ورزش‌ها متمایز می‌سازد، توزیع مناسب حرکات سبک آن در طول شبانه‌روز است و براساس آنچه که دانشمندان درباره‌ی ویژگی‌های بهترین ورزش ذکر کرده‌اند که باید در اوقات مختلف روز توزیع و تکرار گردد و نیز به اندازه‌ای سبک باشد که انجام آن برای هر کسی امکان‌پذیر باشد، می‌توان گفت که نماز جامع این ویژگی‌ها و بهترین ورزش است [دیباب و قرقوز؛ ۱۳۷۵؛ ص ۱۳۲].

به طور کلی فواید ورزشی حاصل از نماز را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

- ۱- تحریک کلیه‌ی عضلات و مفاصل در هر رکعت.
- ۲- نشاط بخشیدن به کار قلب و دستگاه گردش خون.
- ۳- بهبود فعالیت‌های مغزی به دلیل حرکات سجود که به تغذیه‌ی بهتر بافت‌های مغزی کمک می‌کنند.

۱- این حدیث طوریکه شیخ آل‌بانی می‌گوید: ضعیف است.

- ۴- تقویت جداره‌ی شریان‌های مغزی و حفظ حالت ارتجاعی آن‌ها که در نتیجه‌ی آن در مقابل پاره شدن و خون‌ریزی مقاوم خواهند شد.
- ۵- کمک به هضم غذا.
- ۶- ایجاد آرامش روحی و اعتماد به نفس.

۲-۱- ارکان نماز

در میان ارکان سیزده‌گانه‌ی نماز که با مبحث بهداشت مرتبط هستند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۲-۱-۱- قیام به شرط راست بودن ستون فقرات در نماز فرض برای کسانی که توانایی آن را دارند، از ارکان نماز است.

اگر شخصی قادر به راست نمودن ستون فقرات نباشد به هر شکلی که بتواند باید بایستد و در صورت عدم توانایی می‌تواند بنشیند و در این هنگام وضعیت افتراش^۱ از چهار زانو نشستن بهتر است ولی اقعاء^۲ به دلیل نهی پیامبر ﷺ در حدیث روایت شده توسط حاکم رحمه‌الله مکروه است. در صورتی که شخص نتواند بنشیند می‌تواند به پهلوی راست بخوابد و در حالتی که از این کار هم عاجز باشد می‌تواند به پشت بخوابد و حمد و سوره را بخواند و برای رکوع و سجده با سر و چشم اشاره کند.

قیام تمرینی برای استقرار ستون فقرات و مهره‌های آن است و تغییرات هورمونی معنی‌داری را در بدن ایجاد می‌کند؛ در حالت قیام سیستم عصبی سمپاتیک^۳ برای افزایش فشارخون، کاتکول‌آمین‌ها^۴ را ترشح می‌کند و میزان رنین^۱ در خون افزایش می‌یابد. تجمع

۱- نشستن بر قوزک پای چپ و راست نمودن پای راست با تکیه بر انگشتان.

۲- نشستن بر باسن‌ها و راست نمودن زانو‌ها.

3- symphaticus

4- catecholamins

خون در اندام‌های تحتانی و کاهش بازگشت وریدی قلب و حجم ضربه‌ای آن تا ۴۰٪ از تأثیرات قیام بدون حرکت است [محمّدی شیرمحلّه، ناصر؛ ۱۳۷۶؛ ص ۹].

۲-۱-۲- رکوع که حداقل آن قرار گرفتن کف دست‌ها بر روی زانو‌هاست. از ارکان نماز است.

شیوه‌ی کامل رکوع عبارت است از قرار دادن کف دست‌ها بر زانو‌ها و افقی قرار گرفتن گردن و پشت به طوری که پیشانی در مقابل سجده‌گاه قرار گیرد.

رکوع فعالیت است که در جریان آن عضلات پشت و عضلات پسین و پیشین منقبض شده و عضلات ناحیه‌ی پشتی گردن، انبساط و آرامش می‌یابند [سالم، مختار؛ ۱۹۸۸؛ ص ۲۴۳].

رکوع در تقویت عضلات دیواره‌ی شکم بسیار مفید بوده و در جمع نمودن معده و کمک به هضم غذا مؤثر است؛ در این وضعیت فشار سیاهرگی افزایش یافته و تغییرات هورمونی مسلم و محسوسی رخ می‌دهد که مشابه وقایع هورمونی سجده است [محمّدی شیرمحلّه، ناصر؛ ۱۳۷۶؛ ص ۱۵].

۲-۱-۳- سجده‌ها باید طوری انجام شوند که نه تنها پیشانی نمازگزار به سجده‌گاه برسد بلکه سنگینی سر بر سجده‌گاه قرار گیرد و نیز قول اصح بر آن است که قسمتهای پایینی کمر و باسن‌ها باید در سطح بالاتری نسبت به سر قرار گیرند.

هفت عضو بدن باید در سجده‌ها روی زمین قرار گیرند که عبارتند از: کف دست‌ها، زانو‌ها، سر انگشتان پا و پیشانی.

بدون شک انجام حداقل ۳۴ حرکت سجده در طول شبانه‌روز، فعالیت بسیار مفید در بهبود دردهای کمر، ستون فقرات، تصلب مفاصل، سایدگی مهره‌ها و لغزش غضروف‌ها

می‌باشد؛ تأثیرات مفید سجده‌ها بر قلب، گردش خون، دستگاه تنفس، دستگاه گوارش و کبد مورد تأیید رشته‌های مختلف پزشکی است [سالم، مختار؛ ۱۹۸۸؛ ص ۲۴۶-۲۴۴].

سجده ماهیچه‌ها و مفاصل متعددی را در اندام‌های مختلف به تحرک وادار می‌کند از جمله ماهیچه‌های بازو، مچ، انگشتان پا، کتف، پشت و ماهیچه‌های خلفی گردن. در حالت سجده اثرات نیروی ثقل بر گردش خون خشی شده و فشار سیاه رگی مرکزی افزایش می‌یابد؛ در نتیجه فعالیت اعصاب سمپاتیک و ترشح هورمون‌های رنین^۱ آنژیوتنسن II^۲ و اپی نفرین^۳ کاهش یافته و بر ترشح ANP (Atrial Natriuretic Peptide) سلول‌های کششی دهلیزی افزوده می‌شود؛ ANP اثرات عروقی هورمون‌های فوق را از بین برده و باعث اتساع عروق و کاهش فشار خون می‌شود [محمدی شیرمحله، ناصر؛ ۱۳۷۶؛ ص ۱۳].

۱-۲-۴- نشستن برای تشدها به هر صورتی که باشد صحیح است، اما مستحب است که در تشهد اول به صورت «افتراش» و در تشهد دوم به صورت «تورک»^۴ نشست.

تحریک کامل ماهیچه‌ها و مفاصل باسن، ران، ساق پا، زانو، پا و قوزک‌های پا از فواید انجام رکن تشهد است؛ در هنگام نشستن به حالت تورک علاوه بر موارد ذکر شده، عضلات و مفاصل کمر نیز به فعالیت وادار می‌شوند.

نشستن در حالات جلوس یکی از بهترین تمرینات برای پیش‌گیری از واریس است [سالم، مختار؛ ۱۹۸۸؛ ص ۲۴۶].

1- rennin

2- angiotensin

3- epinephrine

۴- تورک مانند افزایش است با این تفاوت که شخص پای چپ را از زیر ساق پای راست خارج کرده و بر باسن چپ تکیه می‌زند.

۲-۲- نمازهای مکروه

۲-۲-۱- نماز خواندن در هنگام گرسنگی با وجود غذایی که شخص به آن میل شدید دارد و نیز در مواقعی که فشار مدفوع و ادرار شخص را آزار می‌دهد به دلیل حدیث روایت شده توسط امام مسلم رحمه‌الله از پیامبر اکرم ﷺ که فرموده‌اند: «لا صلاة بحضرة الطعام ولا هو يدافعه الأخبثان» «در دو مورد خواندن نماز منع شده است: هنگامی که غذا حاضر است و هنگام نیاز به دستشویی».

نماز خواندن در هنگام گرسنگی و وجود غذا به ویژه زمانی که شخص به آن میل دارد، سلامت دستگاه گوارش را به خطر می‌اندازد؛ زیرا در مرحله‌ی مغزی ترشح معده که قبل از ورود غذا شروع می‌شود و ناشی از منظره‌ی غذا، بو و حتی فکرکردن درباره‌ی آن است، مقداری اسید معده ترشح می‌شود که ۲۰٪ از کل ترشح معده برای هضم غذاست [گایتون، آرتور؛ ۱۳۷۵؛ ج ۲؛ ص ۱۲۱۳].

آن‌چنان که در مبحث نجاست ادرار و مدفوع بیان شد، ماندن این دو ماده‌ی آلوده به مدت زیاد در بدن خطرات و مشکلاتی را در دراز مدت برای فرد به وجود خواهد آورد؛ عدم اجابت رفلکس‌های دفع، به مرور زمان باعث کم شدن آن‌ها شده و به یبوست مزمن منجر می‌شود [همان منبع؛ ص ۱۲۵۱].

میزان سمیت ادرار به حدی است که تزریق ۴۰ سانتی‌متر مکعب آن، انسانی را می‌کشد و بر اثر تماس مداوم آن با مخاط پوست به تدریج جذب شده و بافت مزبور را فاسد می‌کند یا لاًقل به تضعیف قوه‌ی دفاعی آن منتهی می‌شود؛ گرچه مخاط مثانه مقاومت خاصی در مقابل ادرار دارد اما به مرور زمان نفوذ مقادیر ناچیز آن باعث کاهش قدرت دفاعی در برابر میکروب‌ها شده زمینه را برای ابتلا به انواع عفونت‌های میکروبی آماده می‌سازد [صبور اردوبادی، احمد؛ ۱۳۶۶؛ ص ۱۲۳].

۲-۲-۲- نماز خواندن در حمام، راه‌های عمومی، آشغال‌دانی‌ها، محل نگهداری و ذبح حیوانات و مقابر یا گورستان‌هایی که حتی نبش قبر نشده و خاک آن‌ها هم آلوده نیست، مکروه است؛ به دلیل روایت ترمذی رحمه‌الله: «نهی رسول‌الله ﷺ عن الصلاة في سبعة مواطن: في المزبلة والمجزرة والمقبرة وقارعة الطريق وفي الحمام وفي معاطن الإبل وفوق بيت الله العتيق» «پیامبر ﷺ از نماز خواندن در هفت مکان نهی فرموده است: محل ریختن آشغال، کشتارگاه حیوانات، قبرستان، محل گذر، استراحت‌گاه شترها (و سایر حیوانات) و بالای کعبه».

نماز خواندن مستلزم وقوف نسبتاً طولانی و تماس دست و صورت با محل نماز خواندن است پس لازم است که این عمل در اماکن پاکیزه انجام شود تا سلامت بدن به خطر نیفتد زیرا مهم‌ترین و بازترین منافذ بدن که به اجزای مهمی چون ریه‌ها و معده منتهی می‌شوند در صورت قرار دارد؛ چشم نیز از ظریف‌ترین و مهم‌ترین اندام‌های بدن است که در نزدیکی محل تماس سر با سطح زمین در سجده واقع شده است؛ بنابراین نماز خواندن در مکان‌های فوق که محل‌های تجمع، رشد و تکثیر میکروب‌ها هستند سلامت عمومی بدن و اندام‌های مختلف را در معرض آسیب‌های جدی ناشی از آلودگی‌های این محیط‌ها قرار می‌دهد.

۲-۳- نماز جماعت

حضور در جماعت نمازهای پنج‌گانه بنابر قول اصح و با توجه به اصول تشریع حکم آن فرض کفایی است در آیه‌ی:

﴿وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ﴾ [النساء: 102].

«زمانی که در میان‌شان بودی و نماز (خوف) را برایشان بپاداشتی».

امر به ادای نماز به جماعت در حالت خوف و جهاد است و به طریق اولی بر حالت امن دلالت دارد و علما بر مشروعیت نماز جماعت اجماع دارند و آنرا سنت مؤکده نامیده‌اند؛ اما عده‌ای هم به وجوب آن فتوا داده‌اند. هم‌چنین از میان احادیث زیادی که در فضیلت نماز جماعت وارد شده است می‌توان به حدیث روایت شده در صحیحین «صلاة الجماعة أفضل من صلاة الفذ یسبع وعشرین درجة» «نماز جماعت بر نماز فرادا بیست و هفت درجه برتری دارد» اشاره کرد.

جماعت نماز جمعه فرض عین است و علاوه بر جمعه و نمازهای پنج‌گانه، به جماعت خواندن نمازهای سنت خسوف، کسوف، تراویح و استسقا مستحب است.

اسلام فرد را به عنوان یک جزو مهم در ساختار جامعه می‌داند و همواره فرد را به بودن با هم‌نوعان و شرکت در فعالیت‌های اجتماعی تشویق می‌کند. شرکت در فعالیت‌های اجتماعی فرد را از انزوا و افسردگی رهاکننده و شخصیت اجتماعی وی را تکامل می‌بخشد. تأکید اسلام بر ضرورت شرکت در نماز جماعت و حکم به وجوب جماعت نماز جمعه، شخص را به فعالیت‌های اجتماعی تشویق ترغیب می‌نماید و این خود عامل بسیار مهمی در تأمین سلامت روانی فرد بوده و از برخی بیماری‌های روانی پیش‌گیری می‌کند.

۲-۳-۱- جماعت نماز ظهر در مناطق گرمسیری

تأخیر در نماز ظهر برای ادای آن به جماعت در مساجد مناطق گرمسیری تا هنگام سایه انداختن دیوارها مستحب است، زیرا شیخین رحمهما الله روایت کرده‌اند که پیامبر فرموده است: «إذا اشتد الحر فأبردوا بالصلاة» «هرگاه هوا به شدت گرم شد نماز (ظهر) را هنگام خنک شدن هوا ادا کنید».

نور خورشید به میزان مشخصی در سنتز ویتامین D در بدن ضروری است و کمبود آن منجر به ایجاد بیماری راشیتیزم^۱ می‌شود؛ اما نور شدید علاوه بر سوزاندن لایه‌ی خارجی پوست در تشدید و ایجاد بیماری‌های مختلفی مؤثر است.

بیماری‌های حساس به نور (فتودرماتوزها^۲) به دو گروه تقسیم می‌شوند:

الف) فتودرماتوزهای ایدیوپاتیک^۳: بیماری‌هایی که تماس با نور آفتاب در به وجود آمدن آن‌ها نقش اساسی دارد مانند: بثورات نوری پلی‌مرفیک^۴ و درماتیت آکتینیک مزمن^۵.
 ب) فتودرماتوزهای تحریک شده با نور: بیماری‌هایی هستند که توسط عوامل مختلفی ایجاد شده‌اند، اما تماس با نور خورشید می‌تواند باعث تشدید آن‌ها شود مانند: پسوریازیس^۶ و آکنه^۷ [درسنامه‌ی جامع پوست ایران؛ ۱۳۸۰؛ ص ۲۳۸].

۲-۳-۲- خواب مکروه

خوابیدن قبل از نماز عشا و بیدار ماندن پس از ادای آن فرضیه مکروه است، و در احادیث وارده علت این حکم احتمال بیدار نشدن برای نماز صبح بیان شده است.

اطلاعات علمی روز نشان می‌دهد که حداکثر مقدار ترشح هورمون رشد (سوماتوتروپ^۸) در اوایل شب یعنی بعد از نماز عشا است؛ هورمون رشد باعث افزایش

1- rachitism

2- photodermatitis

3- idiopathic

4- polymorphic

5- dermatitis actinic

6- psoriasis

7- acne

8- Somatotropin (GH)

آنابولیسم^۱ (ساخت و ترمیم نسوج) می‌شود؛ بنابراین خواب اول شب در ترمیم نسوج و بافت‌های بدن مؤثر است [اصفهانی، محمد مهدی؛ ۱۳۷۵].

نکته‌ی دیگر از خواب اول شب است؛ خواب سیکل ۹۰ دقیقه‌ای دارد تقریباً سه سیکل ۹۰ دقیقه‌ای اول شب می‌تواند جای چهار تا پنج سیکل ۹۰ دقیقه‌ای آخر شب یا روز را بگیرد؛ به همین دلیل در قوانین بسیاری از کشورها از جمله فرانسه، طول مدت لازم برای بازنشستگی نزد شب کاران حدود دو سال کم‌تر از دیگران است و این در حالی است که ساعات کار این افراد بیشتر از ساعات کار سایرین نیست [اصفهانی، محمد مهدی؛ ۱۳۷۵].

۲-۳-۳- عذرهای ترک نماز جماعت

در بین رخصت‌های شرعی در ترک نماز جماعت که با مسئله‌ی بهداشت و سلامتی اشخاص ارتباط مستقیم دارند، در عذرهای خصوصی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- بیماری سخت ۲- سرمای شدید ۳- گرسنگی و تشنگی شدید ۴- شدت ادرار و مدفوع ۵- احتمال برخوردهای ناشایست از طرف طلبکار نسبت به بدهکار ۶- ترس از اجرای عقوبت‌هایی هم چون حدقذف و حقوق دیگر افراد، که احتمال عفو آن‌ها وجود دارد ۷- خوردن هر چیز بدبو ۸- وجود مریضی که پرستار ندارد.

حوادث و عوامل طبیعی از قبیل: باران، باد شدید، برف و گل و لای زیاد عذرهای عمومی برای عدم شرکت در نماز جماعت هستند.

تمامی عذرهای خصوصی و عمومی در ترک جماعت، هر کدام دارای دلایل پزشکی، روانی و اجتماعی مسلم و مشخصی هستند که نیاز به توضیح و تبیین ندارند؛ فقط در خصوص زیان‌های خودداری از دفع ادرار و مدفوع لازم است به نکاتی اشاره شود؛ با

توجه به مطالبی که در خصوص مواد سمی و مضر موجود در ادرار و مدفوع و علل نجاست آن‌ها ذکر شد می‌توان نتیجه گرفت که ماندن آن‌ها برای مدت طولانی در بدن باعث خطرات متعددی برای بدن می‌شوند و تسریع در دفع آن‌ها به همان سرعت تولید شده ضروری است [گایتون، آرتور؛ ۱۳۷۵؛ ج ۱؛ ص ۴۶۱].

به تدریج که مثانه از ادرار پر می‌شود، رفلکس‌های دفع ادرار با فرکانس و قدرت بیشتر به وجود می‌آیند و اگر باز هم ادرار کردن صورت نگیرد و مثانه بیشتر پر شود، این رفلکس‌ها که مربوط به تحریک دیواره‌ی مثانه هستند قوی‌تر می‌شوند و چون عدم دفع ادرار ارادی بوده و مربوط به مراکز مغزی مهارکننده‌ی ماهیچه‌ی آلت تناسلی می‌باشد، ممکن است در دراز مدت منجر به اختلالات دفع ادرار از جمله نورژنیک^۱ مهار نشده‌ی ناشی از فقدان سیگنال‌های مهاری از مغز بشود (گایتون، آرتور؛ ۱۳۷۵؛ ج ۲؛ ص ۶۰۷).

عدم دفع مدفوع یکی از عوامل ایجاد یبوست است؛ یک علت شایع یبوست اجابت مزاج نامنظم است که بر اثر مهار رفلکس‌های اجابت مزاج طبیعی به وجود می‌آید [همان منبع: ص ۱۲۵۱].

یبوست گاهی چنان شدید می‌شود که اجابت مزاج حدود هر هفته یک بار به وجود می‌آید و این وضع منجر به تجمع مقادیر زیادی از مدفوع در کولون^۲ می‌شود و باعث می‌گردد که کولون گاهی تا قطر ۷/۵ تا ۱۰ سانتی‌متر متسع شود؛ این حالت به بیماری مگاکولون^۳ موسوم است [همان منبع؛ ص ۱۲۵۲].

1- neurogenic

2- colon

3- Megacolon

۲-۳-۴- امامت

اگر اشخاص از نظر دانش فقهی، صحت قرائت، سن و نسب در سطحی مساوی باشند، امامت نماز را باید کسی انجام دهد که از لحاظ پاکیزگی بدن، لباس و حرفه بر سایرین برتری دارد.

اسلام دین پاکیزگی و طهارت است و تأثیر احکام طهارت در تمام جوانب زندگی به خوبی روشن است؛ قرآن کریم در آیه‌ی «وَتِيَابَكَ فَطَهِّرْ ﴿٤﴾» [المدثر: 4] «و جامه‌ی خویش را پاکیزه‌دار» به پاکی لباس امر فرموده و این حکم در نماز حمل بر وجوب می‌شود.

وجود منافذ در پوست بدن و تولید عرق از غده‌های عرقی، زمینه‌های ورود و تکثیر عوامل ایجاد کننده‌ی بسیاری از بیماری‌های پوستی هستند؛ بنابراین لازم است که شخص به پاکیزگی لباس‌های خود به خصوص لباس‌های زیر توجه زیادی داشته باشد. افرادی که دارای مشاغلی مانند: قصابی، دباغی، حجامت و غیره هستند، احتمال آلودگی‌های لباس‌های آن‌ها به نجاست بسیار زیاد است و به این دلیل لازم است که امامت نماز را انجام ندهند.

۲-۴- مستحبات روز جمعه

در میان سنت‌های روز جمعه که بر پاکیزگی فردی و اجتماعی تأکید دارند، می‌توان به غسل جمعه، استعمال عطر و مواد خوشبو، کوتاه کردن ناخن و مو، مسواک زدن، پوشیدن لباس‌های پاکیزه و برطرف کردن رایحه‌های نامطبوع از بدن، اشاره کرد.

اگرچه انجام این امور برای تمام کسانی که با مردم در ارتباط هستند، مورد تأکید شارع قرار گرفته است [الشربینی؛ ج ۱؛ ص ۷۷]، اما با استناد به احادیث زیر، انجام آن‌ها در روز جمعه سنت مؤکده است. حاکم و ابن حبان رحمهما الله روایت کرده‌اند که پیامبر ﷺ فرموده است: «من اغتسل يوم الجمعة ولبس أحسن ثيابه ومس من طيب إذا كان عنده ثم

أَتَى الْجُمُعَةَ وَلَمْ يَتَخَطَّ أَعْنَاقَ النَّاسِ ثُمَّ صَلَّى مَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ، ثُمَّ أَنْصَتَ إِذَا خَرَجَ إِمَامُهُ حَتَّى يَفْرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ كَانَ كَفَّارَةً لِمَا بَيْنَهُمَا وَبَيْنَ الْجُمُعَةِ الَّتِي قَبْلُهَا» «هر کس روز جمعه غسل کرده، بهترین لباسش را بپوشید و اگر عطر داشت آن را استعمال کند و سپس در نماز جمعه شرکت نماید و (برای حضور در صفوف پیشین) برگردن (و سایر اندام‌های) مردم پا نهد، سپس آنچه را که خدا بر او فرض کرده است، به جا آورد و در هنگام خواندن خطبه توسط امام جمعه تا پایان نماز (جمعه) سکوت نماید، این اعمال کفاره هستند برای آنچه (از گناه و معصیت) که از جمعه‌ی قبل تا این جمعه انجام داده است». بیهقی رحمه‌الله از پیامبر روایت کرده است که فرموده‌اند: «مَنْ أَتَى الْجُمُعَةَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ فَلْيَغْسِلْ وَمَنْ لَمْ يَأْتِهَا فَلْيَسْ عَلِيهِ غَسْلٌ» «هر مرد و زنی که در نماز جمعه شرکت می‌کند، غسل (جمعه) را انجام دهد و هر کس که در آن نماز شرکت نمی‌کند، پس بر او غسلی نیست»؛ اما با استناد به احادیث زیر بسیاری از علما انجام غسل جمعه را حتی برای کسانی که در نماز جمعه هم شرکت نمی‌کنند، مستحب دانسته‌اند؛ ترمذی رحمه‌الله روایت کرده است که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «مَنْ تَوَضَّأَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَبِهَا وَنِعْمَتْ وَمَنْ اغْتَسَلَ فَالْغَسْلُ أَفْضَلُ» «هر کس روز جمعه وضو بگیرد، کار نیکویی انجام داده است و هر کس که غسل کند پس غسل بهتر است»؛ نسایی رحمه‌الله از آن حضرت ﷺ روایت می‌کند که فرموده‌اند: «حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَغْتَسِلَ فِي كُلِّ سَبْعَةِ أَيَّامٍ يَوْمًا هُوَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ» «لازم است که هر مسلمانی هر هفته روز جمعه غسل کند».

شروع زمان انجام غسل جمعه از طلوع فجر است، لیکن با در نظر گرفتن بهترین وقت انجام آن که قبل از خروج برای جمعه است می‌توان حکمت آن را که پاکیزگی و دور بودن از هرگونه چرک و آلودگی و بوهای نامطبوع است، به روشنی دریافت.

علاوه بر غسل‌های واجب و نیز غسل سنت جمعه، غسل‌های مستحب متعددی برای کسانی که در اجتماعات حاضر می‌شوند وجود دارد که نهایت توجه اسلام به روابط اجتماعی و تأثیر بهداشت فردی در استحکام آن روابط را به خوبی نشان می‌دهد.

غسل‌های مستحب: ۱- عید فطر ۲- عید قربان ۳- نماز کسوف ۴- نماز خسوف ۵- نماز استسقاء ۶- غسل برای کسی که مرده را غسل داده است ۷- غسل پس از به هوش آمدن برای افرادی که به حالت بی‌هوشی افتاده‌اند.

هم‌چنین در تمام اجتماعات مراسم حج غسل‌های مستحب وجود دارد که به تفصیل در مبحث «حج» بیان خواهد شد.

در میان غسل‌های سنت مؤکدترین آن‌ها، غسل جمعه و غسل کسی است که مرده را غسل داده است؛ حتی گروهی از علما با استناد به حدیث صحیح «من اغتسل میتاً فلیغتسل» «هر کس مرده‌ای را غسل داد، پس خودش نیز غسل کند»، انجام غسل را برای غسل‌دهنده‌ی میت، واجب دانسته‌اند [الشروانی؛ ۱۹۹۷؛ ج ۲؛ ص ۵۰۷].

مستحبات و آداب جمعه نمونه‌های بارزی از اهمیت نظافت فردی و اجتماعی در اسلام است. رعایت بهداشت فردی و داشتن ظاهری آراسته نه تنها روحیه‌ی فرد را همواره شاداب نموده و او را در چشم دیگران عزیز جلوه می‌دهد، بلکه سلامت روانی فرد و جامعه را نیز به دنبال دارد.

استفاده از عطر و مواد خوش‌بو در اسلام تا حدی توصیه شده که استعمال زیاد آن از قاعده‌ی اسراف استثنا شده است. تجارب علمی قابل اعتماد از نقش عطر در ایجاد نشاط و شادمانی و درمان انواع بیماری‌ها سخن می‌گویند [اصفهانی، محمد مهدی؛ ۱۳۷۳؛ ص ۲۷].

ناخن گرفتن در بهداشت فردی و پیش‌گیری از بیماری‌ها تأثیر زیادی دارد به این دلیل که زیر ناخن‌ها محیط مساعدی برای رشد انواع میکروب‌هاست. ناخن‌های بلند و کثیف در برقراری روابط اجتماعی تأثیرات منفی داشته، شخصیت فرد را ژولیده و غیراجتماعی نشان می‌دهد.

تأکید شارع در پاکیزه نگه داشتن مو در احکام غسل، طهارت از نجاسات، کوتاه کردن موی سر و زدودن موهای زاید به خوبی آشکار است. ریشه‌ی موها همواره محل مناسبی برای زندگی میکروب‌هاست؛ بنابراین با کوچک‌ترین زخم یا خراش پوستی میکروب‌ها زمینه‌ی ورود به بدن را می‌یابند [پاک‌نژاد، سیدرضا؛ ۱۳۴۹؛ ج ۱؛ ص ۶۳].

رعایت بهداشت دهان و دندان سلامت فردی را به دنبال خواهد داشت و عدم استفاده از مسواک و رعایت نکردن بهداشت دهان و دندان علاوه بر ایجاد زمینه‌های پوسیدگی و بیماری‌های لثه، شخصیت اجتماعی فرد را تحت تأثیر قرار خواهد داد. افرادی که بوی بد از دهانشان استشمام می‌شود یا کسانی که دندان‌های پوسیده و زردرنگ دارند، در روابط اجتماعی حتی با اعضای خانواده‌ی خود موفقیت زیادی کسب نمی‌کنند.

پوشیدن لباس‌های پاکیزه روحیه‌ی فردی و اجتماعی را تقویت می‌کند و در تأمین سلامت و پیش‌گیری از بیماری‌های پوستی نقش ویژه‌ای دارد.

غسل و شست و شوی هفتگی بدن در برطرف کردن بوهای بد و نظافت پوست اهمیت بسیار زیاد دارد و به علت ازدحام جمعیت در نماز جمعه این اهمیت دو چندان می‌شود. در نماز عیدفطر و قربان، نماز کسوف و خسوف نیز تراکم جمعیت و طول مدت انجام مراسم مقتضی پاکیزگی و نظافت فردی است.

تشریع حکم وجوب غسل برای کسی که مرده را شست و شو می‌دهد، حکمی بهداشتی و قابل توجه است زیرا علاوه بر احتمال آلودگی جسد به بیماری‌های مختلف، احتمال فساد آن با فعالیت باکتری‌های مختلف نیز، وجود دارد.

۲-۵- تحریم استعمال حریر برای مرد

استعمال حریر به هرگونه‌ای که باشد برای مردان حرام است، اما در صورتی که ضرورتی مانند سرما و گرمای شدید، جنگ و نبودن لباس پیش آید و یا به هر دلیل طبی لازم باشد که شخص فقط از حریر استفاده کند، می‌توان تا برطرف شدن ضرورت از آن

استفاده کرد؛ چون پیامبر ﷺ به ابن عوف و ابن زبیر رضی الله عنهما به دلیل حساسیت و خارش پوستی اجازه‌ی پوشیدن حریر داده است.

طبیعت و سرشت زن برعکس مرد که فعال و پر تحرک است، آرام و نسبتاً بی تحرک است و استعداد فطری‌اش به سوی آرامش و سکون است؛ پوشیدن حریر و استعمال طلا که محرک هستند، زن را از رخوت و سستی به تحرک، فعالیت و سازندگی در امور حیاتی می‌کشاند. اما این مواد در مرد باعث برهم خوردن تعادل طبیعی جسمی و روانی‌اش شده و تحریک بسیار شدیدی به وجود می‌آورد که این عدم تعادل به صورت خشم، غضب، کبر و افزایش حس خودخواهی غریزی ظهور می‌کند [صبور اردوبادی، احمد؛ ۱۳۵۷؛ ص ۷۷]؛ اما در جنگ لازم است که از تمام وسایل و امکانات در تحریک و تشجیع مردان برای اعزام آن‌ها به میدان و مجاهدت بیشتر آنان، استفاده شود تا از ایجاد ترس و وحشت بر آنان جلوگیری شود؛ بنابراین جنگ از جمله موارد ضروری محسوب شده و اجازه‌ی پوشیدن حریر و نیز زینت دادن تجهیزات جنگی با طلا صادر شده است.

۳- احکام میت

تعجیل در تدفین مرده به دلیل اجتناب از فساد قسمت‌های مختلف بدن مورد تأکید شارع است. تا جایی که انجام این کار بر خواندن نمازهای یومیه و جمعه - در صورت داشتن وقت کافی - تقدم دارد.

أصح آن است که کفن و دفن کافر ذمی واجب است و در صورت نداشتن مالی یا خویشاوندی که هزینه‌های این کار را تقبل کند، لازم است این امور با هزینه‌های بیت‌المال صورت پذیرد.

انتقال جسد از شهری به شهر دیگر حتی در صورتی که تغییراتی هم در آن به وجود نیامده باشد حرام است.

با توجه به این مسئله که تمام اعمال تجهیز میت واجب کفایی است، انجام این امور توسط کافر هم صحیح است، در صورتی که جسد مسلمانی در میان اجساد کفار قرار گرفته و شناسایی نشود واجب است تمام اجساد را غسل داد. نبش قبر به غیر از موارد ضروری حرام است.

احکام فوق نشان‌دهنده تأکید و توجه شارع به جلوگیری از شیوع آلودگی‌های ناشی از فساد جسد است. بعد از مرگ یک رشته فعل و انفعالات شیمیایی در جسد شروع می‌شود که حاصل تغییرات فیزیولوژیکی، فیزیکی، شیمیایی و میکروبی است که در نتیجه‌ی آنها، تغییرات جدی زودرس و دیررسی پدید می‌آید؛ تغییرات زودرس پس از مرگ عبارتند از سردی جسد، سختی جسد، کبودی نعشی، همولیز پس از مرگ و لاغری در اثر تبخیر آب بدن و خشکی پوست و اتولیز سلولی^۱ (تجزیه‌ی خود به خود سلول‌ها)؛

1- cellular autolysis

تغییرات دیررس نیز شامل: گندیدگی جسد، مومیای شدن و تغییرات جنازه‌های غرق شده در آب، پس از مدتی شروع می‌شوند [گودرزی، فرامرزی؛ ۱۳۷۴؛ ص ۱۰۳].

بدن انسان در حال سلامتی در برابر تمام میکروب‌های روده‌ای مقاومت طبیعی دارد و معمولاً بین قدرت و فعالیت میکروب‌ها و قدرت حیاتی بدن تعادل برقرار است؛ اما اندکی پس از مرگ، میکروب‌های روده‌ای با سرعت زیادی تکثیر یافته و عمل تخمیر تشدید می‌شود که بالاخره منجر به فساد مخاط و جدار روده شده و در نتیجه‌ی سوراخ شدن روده، تمام بدن در معرض فعالیت میکروب‌ها قرار می‌گیرد [صبور اردوبادی، احمد؛ ۱۳۶۶؛ ص ۱۲].

جسد انسان که از ۶۱٪ آب، ۳۴/۵٪ مواد آلی و ۴/۵٪ مواد معدنی تشکیل شده است زمینه‌ی مناسبی برای رشد انواع میکروب‌هاست و در نتیجه‌ی فعل و انفعالات آن‌ها روی مواد آلی، پوسیدگی جسد و ایجاد گازهای متعفن، ۴۸ ساعت پس از مرگ روی می‌دهد.

۳-۱- احکام پس از مرگ

پس از خروج روح و قطعی شدن مرگ لازم است که چشم‌های مرده را بست و با قراردادن پارچه‌ای زیر چانه و گره زدن آن در بالای سر مرده، دهان او را بست. مفاصل جسد اعم از آرنج، زانو و مفاصل کوچک انگشتان را باید به آرامی طوری حرکت داد که صاف و راست قرار گیرند. لازم است روی شکم مرده شیء سنگینی - به وزن یک آجر - قرار داد، تا موجب خروج هوای جمع شده در آن شود.

بستن چشم و چانه مرده و نرم نمودن مفاصلش مربوط به پدیده‌ی سختی جسد (rigidity) است که بر اثر فعل و انفعالات شیمیایی در نسوج عضلاتی و از بین رفتن ادنوزین تری فسفات (A.T.P)^۱ و تبدیل آن به ادنوزین دی فسفات (A.D.P)^۲ رخ می‌دهد؛ زمان لازم برای شروع تغییرات بافتی دو تا چهار ساعت است و ابتدا از عضلات

1- adenosine tri phosphate

2- adenosine d1 phosphate

صورت شروع می‌شود و سپس در مدت ۱۲ ساعت به تدریج به کف پاها می‌رسد [گودرزی، فرامرز؛ ۱۳۷۴؛ ص ۱۰۸].

سختی نعشی توأم با شل شدن عضلات اسفنکترها گاهی موجب خروج جنین از رحم مادران باردار و یا ترشح منی و سایر مواد دفعی به خارج می‌گردد [همان منبع؛ ص ۱۰۹]؛ بنابراین، قراردادن شیء سنگین از طرفی باعث خروج مواد زاید قبل از غسل شده و از طرف دیگر از ورود هوا به درون جسد تا حدود زیادی جلوگیری می‌کند.

۳-۲- آماده کردن جسد برای غسل

برای غسل باید جسد را روی تخت یا سکویی قرار داد و از گذاشتنش روی فرش خودداری شود تا گرمای ناشی از تماس جسد با فرش فساد جسد را تسریع نکند؛ سپس لباس‌هایش را از تنش خارج نموده و بدنش را با پارچه‌ای پنبه‌ای پوشانند.

لباس بر تن داشتن یا ماندن جسد در رختخواب از عواملی است که موجب تأخیر در پایین آمدن حرارت بدن خواهد شد. در شرایط متعارف در شخص لباس پوشیده در هر ساعت از شش ساعت اول پس از مرگ، درجه‌ی حرارت حدود ۲/۵ درجه‌ی سانتی‌گراد و در هر ساعت از ۱۲ ساعت اول پس از مرگ، حدود یک و نیم درجه‌ی سانتی‌گراد پایین می‌آید؛ در افراد لخت سرعت سرد شدن جسد یک و نیم برابر افراد لباس پوشیده است [گودرزی، فرامرز؛ ۱۳۷۴؛ ص ۱۰۶-۱۰۵]؛ بنابراین احکام فوق در به تأخیر انداختن تغییرات زودرس و دیررس جسد نقش زیادی دارند چون در دمای پایین فعالیت میکروب‌ها کمتر است.

۳-۳- غسل میت

حداقل غسل میت برطرف کردن نجاست‌های موجود بر روی بدنش و سپس شست و شوی تمام اعضای ظاهری است؛ این عمل توسط غاسل انجام شده و از ورود افراد به محل غسل جلوگیری می‌شود. اجساد سوخته‌ای که غسل آن‌ها به دلیل شدت سوختگی، ممکن نباشد را باید تیمم داد [السید البکری؛ ج ۲؛ ص ۱۱۰].

مرگ علل مختلفی ممکن است داشته باشد و اگر مرگ بر اثر بیماری باشد، عوامل بیماری‌زا در اعضای مختلف منتشر شده و به زودی تغییرات شیمیایی ایجاد شده جسد را متعفن کرده، به یک منبع آلودگی تبدیل می‌شود.

اگر مرگ بر اثر پیری و ضعف عمل کرد اندام‌های بدن باشد، سستی و ضعف بافت‌های بدن زمینه‌ی مساعدی برای خروج و تکثیر باکتری‌های روده‌ای است و اگر مرگ بر اثر ضربه، تصادف و یا خون‌ریزی باشد، علاوه بر باکتری‌های روده‌ای، میکروب‌هایی از محیط خارج به سرعت وارد بدن شده و با تغذیه از خون موجود بر اندام‌ها و زخم‌ها رشد و تکثیر می‌نمایند؛ بنابراین لازم است که به سرعت در پاکیزه نمودن اندام‌های خارجی و زدودن نجاساتی که در واقع محیط مساعدی برای رشد میکروب‌ها هستند، اقدام نمود.

ورود غیر ضروری افراد به محل انجام غسل احتمال انتشار آلودگی‌ها را بیشتر می‌کند. در سوختگی‌های درجه‌ی سوم که ناشی از حرارت‌های بالاتر از ۱۰۰ درجه‌ی سانتی‌گراد است، نسوج زیرین پوست از بین رفته و بر اثر آسیب شدید نسوج نرم بدن، زخم‌های هولناکی به وجود آمده است. در سوختگی‌های درجه‌ی چهارم نیز بر اثر تماس مداوم بدن با آتش یا اجسام داغ، نسوج نرم بدن به کلی از بین رفته و استخوان‌ها نیز

صدمه دیده‌اند [گودرزی، فرامرز؛ ۱۳۷۴؛ ص ۳۲۴]؛ بنابراین امکان شست و شوی اجساد در این دو نوع سوختگی وجود ندارد و به ناچار باید آن‌ها را تیمم داد.

۳-۱-۳- غسل میت با آب سرد

استفاده از آب سرد و شور در غسل میت بنابر فتوای ماوردی و صیمری رحمهماالله، مستحب است [الشربینی؛ ج ۱؛ ص ۳۳۳]؛ اما در مواردی که آلودگی و چرک بر روی جسد وجود داشته باشد می‌توان برای زدودن آن از آب گرم استفاده کرد.

استفاده از آب سرد در غسل میت باعث خواهد شد که بافت‌های بدن مرده سفت و محکم مانده و تغییرات شیمیایی به تأخیر افتد. وجود نمک در آب نیز به علت خاصیت میکروب‌کشی که دارد در زدودن آلودگی‌ها مؤثر بوده، در به تأخیر انداختن تغییرات زودرس جسد نقش بسزایی دارد. در صورتی که پوست بدن مرده به علت وجود چربی و آلودگی‌های دیگر با آب سرد قابل پاک شدن نباشد می‌توان با استفاده از آب ولرم و صابون این کار را انجام داد.

۳-۲-۳- کیفیت غسل میت

در غسل میت تمام بدن مرده کاملاً شست و شو داده می‌شود که ترتیب افعال و آداب آن در کتب فقهی مذکور است اما نکته‌ی قابل توجه این است که مستحب است میت را سه غسل داد و قبل از سه غسل جسد را با سدر یا خطمی به منظور زدودن چرک و آلودگی‌ها، شست و شو داد. همچنین مستحب است در هر سه غسل به آب مورد استفاده مقداری کافور اضافه کرد.

وجود میکروب‌های مختلف بر روی جسد باعث تسریع تغییرات جسد به ویژه فساد آن می‌شود، بنابراین غسل میت نه تنها در به تأخیر انداختن فساد جسد مؤثر است بلکه

در زدودن آلودگی‌های مختلف ناشی از سوخت و ساز بدن و تعرق و همچنین آلودگی‌های احتمالی ناشی از بیماری‌ها نقش بسیار مهمی دارد. تأکید شارع بر تکرار غسل و سه تا پنج بار شست و شو دادن جسد، حکمی بهداشتی و درخور توجه است.

کافور ماده‌ای است که از درخت همیشه سبز آن در نواحی شرق و جنوب شرقی آسیا می‌روید، به روش‌های مختلف استخراج می‌شود. استعمال کافور اثرات فیزیولوژیکی و خواص درمانی متعددی دارد؛ کافور از کلیه‌ی راه‌ها از جمله مخاط و پوست بدن جذب شده، موجب فراخ شدن عروق سطحی و قرمز شدن پوست می‌شود. کافور دارای اثرات ضد عفونی‌کنندگی است و همچنین درجه‌ی حرارت بدن را کاهش می‌دهد [زرگری، علی؛ ۱۳۷۱؛ جلد ۴؛ ص ۳۴۲].

۳-۳-۳- برطرف کردن آلودگی‌های جسد

اگر پس از غسل میت، نجاستی از جسد خارج شود واجب است که آن را برطرف نموده، محل خروج و برخورد نجاست یا بدن را مجدداً شست و شو داد. مستحب است که موهای کنده شده‌ی جسد و یا قسمت‌های جدا شده از جسد را در کفن قرار داد.

به علت شل شدن ماهیچه‌های کنترل‌کننده‌ی اسفنکترهای بدن پس از مرگ، احتمال خروج ادرار و مدفوع وجود دارد؛ این امر علاوه بر انتشار آلودگی‌های مدفوع و باکتری‌های روده‌ای^۱، سرعت فساد بافت‌های بدن را به علت وجود باکتری‌ها در مدفوع، افزایش می‌دهد.

1- enteric bacterias

فشارهای ناشی از حمل و غسل جسد و همچنین تغییرات شیمیایی که بافت‌های بدن را به مرور سست و ناپایدار کرده است، باعث کنده شدن مو از جسد می‌شود؛ گاهی اوقات ممکن است سوختگی شدید یا پارگی نسوج بدن باعث جدا شدن قسمت‌هایی از بافت‌های بدن شود؛ با قرار دادن موهای کنده شده و بافت‌های جدا شده و در کفن، از انتشار احتمالی آلودگی‌های جلوگیری می‌شود.

۳-۴- کفن کردن

مستحب است که مرد را در سه پارچه و زن را در پنج پارچه‌ی سفید کفن کرد؛ به دلیل روایت ترمذی رحمه‌الله از پیامبر ﷺ که فرموده‌اند: «الْبَسُوا مِنْ ثِيَابِكُمُ الْبَيَاضَ فَإِنَّهَا خَيْرٌ ثِيَابِكُمْ وَكَفَنُوا فِيهَا مَوْتَاكُمْ» «در میان لباس‌هایتان سفید بپوشید و مردگانتان را در پارچه‌ی سفید دفن کنید زیرا بهترین (رنگ) لباس سفید است».

مستحب است در تکفین دقت شود و پارچه‌ی کفن پاکیزه باشد زیرا امام مسلم رحمه‌الله از پیامبر ﷺ روایت کرده که فرموده است: «إِذَا كَفَّنَ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ فَلْيَحْسَنْ كَفَنَهُ» «هرگاه یکی از شما برادر خود را کفن کرد، در انجام این کار دقت نموده و این کار را به درستی انجام دهد».

جنس کفن باید از پارچه‌ای باشد که پوشیدنش برای میت در زمان حیات حلال بوده است؛ بنابراین استفاده از حریر برای کفن مرد جایز نیست.

پاشیدن کافور و حنوط^۱ بر قسمت‌های مختلف کفن مستحب است.

لازم است که بر منافذ بدن مرده پنبه قرار داد و ران‌هایش را طوری بست که هیچ چیز از مقعد خارج نشود.

۱- حنوط یا حنط نوعی ماده‌ای خوش‌بو است که در ترکیب آن از کافور، صندل و ... استفاده می‌شود.

و به منظور خوش‌بو کردن اجساد به کار می‌رود.

کفن از خروج میکروب و انتشار آلودگی در خاک قبر جلوگیری می‌کند؛ بنابراین لازم است این کار با دقت زیادی انجام شود. تعدد پوشش‌های کفن احتمال انتشار آلودگی را تا حد زیادی کاهش می‌دهد و رنگ سفید آن مانع از خروج میکروب‌ها به محیط اطراف می‌شود.

کافور و حانوط با خاصیت میکروب‌کشی خود احتمال خروج میکروب‌ها از کفن را به حداقل می‌رسانند. با قرار دادن پنبه بر منافذ بدن و بستن ران‌ها از خروج مدفوع و ترشحات به محیط کفن و قبر جلوگیری می‌شود و این حکمی بسیار مهمی و بهداشتی است، زیرا خروج ترشحات آلوده قبل از متلاشی شدن جسد باعث آلودگی خاک و محیط داخلی قبر می‌شود؛ اما به دلیل این که میکروب‌های ساپروفیت^۱ و بی‌آزار و آن‌هایی که مواد آلی بدن را تبدیل می‌سازند، در هنگام متلاشی شدن جسد بر میکروب‌های مضر غلبه می‌کنند خروج این ترشحات دیگر اشکالی ندارد و باعث آلودگی خاک نمی‌گردد.

۳-۵- احکام شهدا

غسل دادن و کفن کردن شهید حرام است؛ این حکم درباره‌ی کسانی جاری است که در میدان جنگ به سبب جراحات کشته شده‌اند ولی کسانی که در جنگ زخمی شده و پس از مدتی خارج از میدان جنگ می‌میرند و یا در میدان جنگ به علتی غیر از جراحات جنگی می‌میرند مشمول حکم فوق نیستند.

شهیدی که جُنُب است بنا بر قول اصح غسل داده نمی‌شود؛ اما غیر از خون نجاسات دیگری را که بر روی بدن یا لباس شهید وجود دارد، باید برطرف نمود و او را با لباس‌های خونینش دفن کرد.

1- saprophyte

دلیل احکام فوق علاوه بر نص قرآن مبنی بر زنده بودن شهدا، حدیث روایت شده توسط امام بخاری رحمه الله از جابر رضی الله عنه است: «أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ أَمَرَ فِي قَتْلِ أَحَدٍ بَدْفَنَهُمْ بِدَمَائِهِمْ وَلَمْ يَغْسِلُوا وَلَمْ يَصَلِّ عَلَيْهِمْ» «پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد شهدای احد دستور داد آنها را با لباس های خونینشان دفن کرده و غسل و نماز هم در مورد آنها انجام نشود».

استدلالی که درباره ی احکام فوق می توان ذکر کرد این است که مجاهدانی که در میدان جنگ شهید می شوند، مرگ آنان بر اثر بیماری عفونی و میکروبی نبوده و از طرفی خستگی و کوفتگی ناشی از جنگ در بدنشان مقداری اسید لاکتیک^۱ به وجود آورده است و به علت خاصیت میکروب کشی این ماده دیگر نیازی به غسل و کفن نیست و به همین علت است که برطرف نمودن و شستن خون آنان حرام است.

اما کسی که در میدان جنگ زخمی شده؛ پس از گذشت زمانی خارج از میدان جنگ می میرد به دلیل استراحت انجام شده اسید لاکتیک در بدنش به گاز کربنیک و آب مبدل شده است $(C_3H_6O_3 + 9/2O_2 \rightarrow 3CO_2 + 3H_2O)$ ؛ پس ممکن است میکروب ها در خونس تولید آلودگی نمایند و به همین دلیل غسل و کفن برای چنین افرادی لازم است.

۳-۶- نماز میت

نماز میت رکوع و سجود ندارد و یکی از شروط صحت آن، تقدیم غسل بر نماز است.

عدم تشریع رکوع و سجده که یکی از ویژگی های منحصر به فرد نماز میت است، نکته ای بسیار بهداشتی و معقول است که از تماس نمازگزار با خاک قبرستان و جسد و آلودگی های احتمالی جلوگیری می کند.

1- lactic acid

تقدیم غسل بر نماز میت نکته‌ی دیگری است که در کم کردن آلودگی‌های جسد و پیش‌گیری از شیوع بیماری‌ها بسیار مؤثر است. هم‌چنین شست و شوی جسد با آب سرد مخلوط شده با سدر و کافور، باعث زدودن میکروب‌ها و تقویت نسوج بدن میت شده و تغییرات شیمیایی آن را به تأخیر می‌اندازد.

۳-۷- دفن میت

حداقل عمق قبر باید به اندازه‌ای باشد که مانع از انتشار بوی ناشی از فساد جسد و نبش قبر به وسیله‌ی درندگان شود و مستحب است که عمق قبر به اندازه‌ی مردی معتدل که دست‌هایش را بالا گرفته است (حدوداً دو متر) باشد؛ بنابراین پوشاندن جسد در سطح زمین با سنگ و اشیای دیگر دفن محسوب نمی‌شود.

در هر ساعتی از شب و نیز اوقاتی که نماز خواندن در آن‌ها مکروه است، می‌توان مرده را دفن کرد اما دفن مرده در تابوت مکروه است.

بهترین نوع تدفین، دفن در «لحد» است؛ در این نوع تدفین ابتدا به صورت معمولی قبر حفر شده و سپس در دیواره‌ی رو به قبله‌ی قبر به صورت افقی به اندازه‌ی جسد، حفره‌ای کنده شده و مرده را در آن قرار می‌دهند.

لازم است که روی جسد را با خشت، چوب، سنگ و غیره مسدود نموده، سپس بر آن خاک ریخت.

مستحب است پس از دفن، بر روی قبر مقداری آب پاشید.

مرگ انسان اگر به علت بیماری‌های مسری باشد، جسد به منبعی برای انتشار سریع آن بیماری‌ها تبدیل می‌شود و اگر مرگ بر اثر ضربه، خفگی، پیری و یا هر علت دیگری باشد، پس از گذشت ۴۸ ساعت، جسد فاسد شده و عفونت ناشی از فعالیت باکتری‌ها آن را به کانون آلودگی‌های مختلف تبدیل می‌کند؛ بنابراین دفن باید سریع و در شرایطی انجام شود که مانع از انتشار آلودگی‌های مذکور گردد.

عمق قبر باید به حدی باشد که مانع از دسترسی حیوانات به جسد شود و منافذ و بین سنگ‌ها یا چوب‌ها باید طوری مسدود شوند که از ورود و خروج حشرات به درون قبر و انتقال آلودگی‌ها به محیط خارج جلوگیری نماید.

شریعت اسلامی در میان انواع دفن‌های متداول (سوزاندن، به دریا انداختن، دفن در خاک، دفن در تابوت و ...) دفن در خاک را انتخاب نموده است و این نوع تدفین در مقایسه با سایر روشها مزایای زیادی دارد؛ خاک با قدرت تجزیه‌کنندگی خود، جسد را به مرور زمان از بین برده و بسیاری از میکروب‌های مضر آن را نابود می‌سازد.

پاشیدن آب بر روی قبر علاوه بر این که باعث سفت شدن خاک شده و مانع از نفوذ حیوانات و حشرات می‌شود، از ایجاد گرد و غبار و انتشار آلودگی از طریق هوا جلوگیری می‌کند.

۳-۷-۱- نحوه‌ی قراردادن جسد در قبر

باید جسد را بر پهلوی راست و رو به قبله در قبر قرار داد، به صورتی که پشت و صورتش به دیواره‌های قبر متصل باشد.

قرار دادن جسد بر پهلوی راست باعث می‌شود تا قولن نازل‌ه‌ی راست روده تحت فشار قرار نگیرد و فضولات از مقعد خارج نشود؛ با این وجود که بر مقعد پنبه قرار داده شده است.

ستون فقرات و پشت از سخت‌ترین اعضای بدن هستند که در مدت کوتاهی متلاشی نخواهند شد. هم‌چنین سر و بافت‌های درونی مغز به دلیل وجود استخوان جمجمه و تعداد کم منافذ لازم است که در مقابل زمینی سفت و محکم قرار گیرند تا به مرور زمان متلاشی شوند.

۳-۸- اجتناب از آلودگی‌های جسد

انتقال جسد از شهری به شهر دیگر و نبش قبر به غیر از موارد ضروری، حرام است. نشستن، نماز خواندن و اقامت شبانه در کنار قبر مکروه است. همچنین گچ‌کاری، نوشتن، حکاکی بر سنگ قبر و انجام هرگونه ساخت و ساز روی قبر مکروه است.

احکام فوق هرگونه احتمال انتشار آلودگی‌های ناشی از جسد و تغییرات دیررس آن را از بین می‌برد. دفن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در محل فوت و عدم انتقال جسد مبارک ایشان به زادگاهشان الگویی واقعی برای پیروان ایشان است. هر کدام از موارد فوق زمینه‌های تماس افراد با خاک قبر را که احتمال آلودگی آن بسیار زیاد است از بین می‌برد.

۴- روزه

با استناد به امر خداوند در آیه‌ی:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ﴾ [البقرة: ۱۸۳].

«بر شما روزه واجب شده است».

و اخبار صحيح روايت شده از پيامبر اکرم ﷺ و هم‌چنين اجماع علمای اسلام روزه‌ی ماه مبارک رمضان واجب است.

در میان شرایط وجوب روزه که در مبحث بهداشت و سلامت بشر قابل توجه است، می‌توان به شروط بلوغ و توانایی بدنی اشاره کرد.

روزه عبادتی مشترک میان تمام شریعت‌های الهی است که ابعاد روحی و جسمی آدمی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ درک عملی گرسنگی و به یاد محرومان افتادن، مهم‌ترین تأثیر روحی روزه در شخصیت اجتماعی فرد است.

تقویت اراده و توانایی فرد در کنترل شهوت‌ها از جمله ویژگی‌های روحی این عبادت است که به عنوان یک روش روان درمانی از نوع رفتار درمانی، می‌تواند به کار گرفته شود؛ شواهد و قرائن موجود نشان می‌دهد که روزه در بهبود بیماران مبتلا به افسردگی ماژور مؤثر بوده و درمان آن‌ها را تسریع بخشیده است [مالک، ایوب؛ از مقالات همایش مسایل پزشکی در روزه‌داری؛ ۱۳۷۷؛ ص ۴۲].

گرچه بافت‌های بدن برای تأمین انرژی از کربوهیدرات‌ها به طور ارجح نسبت به چربی‌ها و پروتئین‌ها، استفاده می‌کنند؛ مقدار کربوهیدرات به طور طبیعی در سراسر بدن فقط چند صد گرم است و این مقدار می‌تواند انرژی موردنیاز اعمال بدن را برای شاید یک نصف روز تأمین کند؛ بنابراین به استثنای چند ساعت اول بی‌غذایی، اثرات عمده‌ی

بی‌غذایی عبارتند از: کاهش پیش رونده‌ی پروتیین‌ها و چربی‌های بافتی [گایتون، آرتور؛ ۱۳۷۵؛ ج ۲؛ ص ۱۳۲۳].

روزه‌داری از طرفی با هضم تدریجی قندها و چربی‌های زاید که مانع فعالیت طبیعی بدن هستند، بار اعضا را کاسته و بر اثر مصرف ذخایر بدن در طول ماه رمضان اعضا و نسوج با مقابله با فقر موادغذایی به عکس‌العمل‌های حیاتی وادار شده و به یک سلسله تحریکات انعکاسی خودبه‌خودی دست می‌زنند.

از طرف دیگر بر اثر نرسیدن آب به بدن به تدریج آب ذخیره شده در بافت‌های عصبی دفع شده و این خود به رفع تشنجات و اختلالات عصبی کمک کرده و حساسیت سلول‌ها و نسوج عصبی را نسبت به تحریکات خارجی افزایش می‌دهد و بر اثر بازیافتن حساسیت طبیعی نسوج عصبی، اعصاب از ضعف و رخوت و شبه فلجی‌ها نجات می‌یابند.

هم‌چنین با هضم تدریجی قندها و چربی‌ها سموم فلزی در بافت‌های بدن از طرق مختلف دفع می‌گردد.

در لحظات افطار که به طور ناگهانی قدرت حیاتی سلول‌های بدن افزایش می‌یابد، ازدیاد ضربان قلب، شدت تنفسی و درجه حرارت بدن کاملاً مشهود است و عکس‌العمل‌های سمپاتیکی این مکانیسم‌ها را در سراسر بدن به وضوح دیده می‌شود. چنین فعل و انفعالات منظم و منطبق بر مقتضیات طبیعی و بیولوژیکی بدن از عهدۀ محرک‌های مصنوعی برنمی‌آید چون مختص به یک عضو نبوده بلکه تمام اندام‌های بدن را در برمی‌گیرد [صبور اردوبادی، احمد؛ بی‌تاریخ؛ ص ۲۲۲].

نابودی چربی‌های اضافی بدن در دوران روزه‌داری که هیچ ماده شیمیایی قادر به حل آن‌ها نیست از شاهکارهای روزه است، که مورد توجه علم پزشکی واقع شده است زیرا چاقی و اضافه وزن از مشکلات زندگی در جوامع صنعتی است. در آمریکا سالانه بین ۳۰

تا ۵۰ بیلیون دلار خرج برنامه‌های کاهش وزن و تهیه‌ی فراورده‌های رژیمی می‌شود [آندرولی و همکاران؛ ۱۳۷۹؛ ص ۱۰(۶)].

تأثیر مثبت روزه بر بیماری‌های مختلف امروزه در رشته‌های گوناگون علوم پزشکی به اثبات رسیده است؛ از آن جمله می‌توان به بیماری‌های زیر اشاره کرد:

۱- امراض دستگاه گوارشی مانند التهاب حاد معده.

۲- چاقی.

۳- آسم.

۴- التهاب مزمن کلیه.

۵- تصلب شرایین.

۶- فشار خون [دیاب و قرقوز؛ ۱۳۷۴؛ ص ۲۱۴].

گرسنگی و تشنگی حاصل از روزه‌داری در طول ماه رمضان اثرات ویژه‌ای بر سیستم ایمنی بدن دارد، که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در طی مدت روزه‌داری، فرد عملاً کالری کمتری نسبت به روزهای معمولی دریافت می‌کند؛ این رژیم کم کالری باعث افزایش فعالیت T-CELLها نسبت به محرک‌های بیگانه و به تأخیر انداختن پیری دستگاه ایمنی بدن می‌گردد؛ نتایج حاصل از آزمایش‌های افزایش یا کاهش کالری مصرفی در بروز بیماری‌های مختلف نشان می‌دهد که درصد بروز بیماری‌های عفونی، خود ایمنی، رماتیسمی، سرطانی و در نتیجه مرگ، در یک رژیم پر کالری بیشتر از یک رژیم کم کالری است و نتایج ثمربخش یک رژیم کم کالری در پیش‌گیری از امراض و به تأخیر انداختن پیری، توأم با سلامت عمومی، در برخی از تحقیقات به اثبات رسیده است [محمدی شیرمحله، ناصر؛ ۱۳۷۶؛ ص ۷۳].

سرعت ترشح هورمون رشد^۱ در روند بی‌غذایی^۱ افزایش می‌یابد؛ این هورمون که از بخش قدامی غده هیپوفیز ترشح می‌شود با افزایش رسوب پروتیین و افزایش رشد، تقریباً

تمام بافت‌های بدن را تحریک می‌کند که آشکارترین آن در رشد استخوان‌هاست [گایتون، آرتور؛ ۱۳۷۵؛ ج ۲؛ ص ۱۳۹۱].

۴-۱- رخصت‌های روزه

افراد مسافر، مریض و زنان باردار یا شیرده که توانایی روزه گرفتن را ندارند، می‌توانند روزه نگرفته و در فرصت مناسبی آن را قضا نمایند. برای کسانی که توانایی جسمی کافی ندارند و یا حقوق همسر و اولاد بر آنان واجب است، روزه‌ی صیام‌الدهر (تمام سال را روزه گرفتن) مکروه است.

رخصت‌های شرعی در روزه نگرفتن افراد مذکور دلایل متعددی ممکن است داشته باشد؛ احتمال بروز مشکلات جسمی و روحی در مسافرت‌ها همواره وجود دارد و تغییر شرایط آب و هوایی غالباً بیماری‌هایی به همراه دارد. افراد مریض علاوه بر ضرورت تغذیه مناسب و تقویت بدنشان در برابر بیماری، گاهی به دارو نیازمند می‌شوند و همین امر سبب رخصت آنان در روزه است.

تغییرات جسمی مادر، در هنگام حاملگی شامل افزایش اندازه‌ی رحم، جفت، مایع آمنیوتیک^۲ و حجم خون است که برای رشد جنین در حال تکامل صورت می‌گیرد؛ پستان‌ها برای تهیه‌ی شیر بزرگ شده و پیش اندوخته‌ی چربی و پروتئین برای زمان زایمان و شیردهی فراهم می‌شود؛ هرگونه کمبود تغذیه‌ای در این دوران بحرانی ممکن است به عدم تکامل اندام‌های جنین یا ایجاد آسیب‌های پایدار در آن‌ها منجر شود [رابینسون و همکاران؛ ۱۳۷۸؛ ص ۱۹۷].

افزایش وزن در زنان باردار ۸ تا ۱۲ کیلوگرم است و در اواخر ماه‌های بارداری مقدار متابولیسم پایه تا ۲۰٪ افزایش می‌یابد؛ بنابراین لازم است در این دوران مقداری انرژی

1- Starvation

2- amniotic

اضافی برای رشد جنین، جفت و نسوج ضمیمه فراهم شود [محمدیها، حسن؛ ۱۳۶۸؛ ص ۲۳].

مقدار کل انرژی لازم در دوران حاملگی برابر نیاز طبیعی به اضافی مقداری است که افزایش متابولیسم پایه و رشد جنین، جفت و غدد پستانی را بپوشاند؛ به طور کلی براساس توصیه‌های انجام شده، انرژی مصرفی در دوران بارداری نباید کمتر از ۳۶ کیلوکالری به ازای هر کیلوگرم وزن بدن باشد [گتری، ه؛ ۱۳۷۶؛ ص ۱۴۲].

با توجه به مطالب مذکور و با اشاره به عوارض گوارشی ناشی از حاملگی در ماه‌های اول که به شکل استفراغ و سوزش معده دیده می‌شود و همچنین دو برابر شدن وزن جنین در دو ماه آخر حاملگی که موجب کاهش ظرفیت معده و کند شدن فعالیت روده‌ها می‌شود، می‌توان دلایلی علمی برای رخصت شرعی ترک روزه‌ی زنان باردار ارائه نمود.

برای ترشح شیر در چهار ماه اول شیردهی به ۶۰۰ کیلوکالری انرژی نیاز است و برای تولید شیر، ۲۵۰ کیلوکالری اضافی لازم است [گتری، ه؛ ۱۳۷۶؛ ص ۱۴۳]؛ این میزان انرژی برای تولید روزانه ۸۷۰ میلی‌لیتر شیر که می‌تواند تمام احتیاجات بدنی کودک پنج کیلوگرمی را فراهم کند، از موادغذایی مصرفی مادر تهیه می‌شود [محمدیها، حسن؛ ۱۳۶۸؛ ص ۱۷۴].

۴-۲- صحت روزه

خروج منی از بدن به طور عمدی و نزدیکی جنسی از مفطرات روزه هستند.

خروج خون در حیض و نفاس بدن زن را در معرض کمبود موادغذایی و اکسیژن قرار می‌دهد و لازم است که تغذیه‌ی کاملی در این دوران وجود داشته باشد؛ به ویژه پس از زایمان که بدن در تشکیل بافت‌های مختلف جنین و فرآیند زایمان در فقر شدید موادغذایی و ضعف قرار گرفته است، لزوم جبران این کمبودها، روزه را برای این افراد غیرقابل تحمل می‌سازد.

فعالیت شدید بدنی برای انجام عمل جنسی و خروج منی از بدن باعث ضعف شدید قوای بدنی شده، بدن را با کمبود مواد غذایی مواجه می‌سازد.

۴-۳- مکروهات روزه

حجامت و چشیدن غذا و هم‌چنین تماس‌های شهوت‌آلود برای روزه‌دار مکروه است.

انجام حجامت^۱ که باعث خروج مقدار زیادی خون از بدن است، بدن را با فقر مواد غذایی روبرو می‌کند و لازم است که شخص به خوردن مواد غذایی پس از انجام این عمل مبادرت ورزد.

در مرحله مغزی ترشح معدی قبل از ورود غذا به معده یا شروع به جویدن، ۲۰٪ از مقدار ترشح معده که به طور طبیعی بر اثر خوردن یک وعده غذا به وجود می‌آید در اثر نگاه کردن به غذا، بو کردن و مزه کردن آن تولید می‌شود [گایتون، آرتور؛ ۱۳۷۵؛ ج ۲؛ ص ۱۲۱۳]؛ بنابراین شخص روزه‌دار با چشیدن غذا و در نتیجه ترشح اسید معده خود را در معرض ابتلا به انواع زخم‌های دستگاه گوارش قرار می‌دهد.

تحریکات جنسی ناشی از تماس‌های شهوت‌آلود که غالباً به مجامعت و نزدیکی جنسی منتهی می‌شود، نه تنها یک فعالیت بدنی خسته کننده را به دنبال دارد بلکه با خروج ترشحات و منی، بدن با فقر مواد غذایی روبرو می‌شود؛ زیرا هر مقدار منی که از بدن دفع می‌گردد، تحریکی برای تولید منی در بیضه‌ها و استفاده از مواد غذایی موجود در خون است که نتیجه‌ی آن کمبود مواد غذایی در خون خواهد بود.

۴-۴- مستحبات روزه

تأخیر در خوردن سحری، تعجیل در افطار و افطار با خرما از مستحبات روزه است.

تأخیر در خوردن سحری علاوه بر این که شخص را از خوابیدن با شکم پر باز می‌دارد، بلافاصله نماز صبح که یک فعالیت بدنی سبک و بسیار مفید است را به دنبال دارد؛ بنابراین این عمل در تأمین شادابی و هضم غذا مؤثر است.

هنگام افطار پختن غذا و انتشار بوی آن عامل مهمی در ترشح مقداری اسید معدی است و لازم است که شخص به سرعت مبادرت به افطار نماید.

ارزش غذایی خرما در مقایسه با سایر میوه‌ها بسیار زیاد است؛ خرما از نظر اقتصادی ارزان و در تمام فصول سال در دسترس است و برخلاف سایر میوه‌ها میکروب‌ها قادر به فاسد نمودن آن نیستند. خرما علاوه بر داشتن ویتامین‌های B₂, B₁, E, A, D دارای املاحی مانند کلسیم، گوگرد، سدیم، پتاسیم و منیزیم است و ۷۰ تا ۷۸٪ از ترکیبات آن را مواد قندی تشکیل می‌دهد [پاک‌نژاد، سیدرضا؛ ۱۳۴۹؛ ج ۴؛ ص ۱۹۲].

نسبت پروتئین و چربی موجود در خرما بیشتر از سایر میوه‌هاست به طوری که ۲٪ وزن آن را مواد پروتئینی و ۲ تا ۳٪ آن را چربی تشکیل می‌دهد [سالم، مختار؛ ۱۹۸۸؛ ص ۳۹۵].

۵- حج

حج در لغت به معنی قصد و در اصطلاح شرع عبارت است از قصد رفتن به کعبه برای انجام مناسک و اعمال مخصوص.

ادله‌ی شرعی وجوب حج آیات متعددی مانند:

﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾ [البقرة: ۱۹۶].

«و حج عمره را به تمام و کمال، خالصانه برای خدا انجام دهید».

و

﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ [آل عمران: 97].

«و حج این خانه‌ی الهی بر مردمی که توانایی دارند واجب است»

و نیز احادیث زیادی از پیامبر اکرم ﷺ و اجماع علمای اسلام است.

با توجه به اهمیت حج و شمول آن بر جنبه‌های مالی و بدنی عده‌ی کثیری از علما آن

را برترین عبادت دانسته‌اند [الشربینی؛ ج ۱؛ ص ۴۶۰].

در میان شرایط وجوب حج، استطاعت بدنی با توجه به موضوع بحث دارای اهمیت ویژه‌ای است؛ حج زمانی بر انسان واجب می‌شود که بدنش سالم بوده و توانایی سفر داشته باشد. همچنین وجود زاد و راحله و آب و امنیت راه‌ها از شرایط وجوب حج است.

حج بزرگ‌ترین تجمع مسلمانان است که منافع مادی و معنوی بی‌شماری دارد. صرف‌نظر از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حج، در این مبحث می‌توان به مسایل روانی حج و تأثیرات آن در سلامت فکری و روحی شخص اشاره کرد.

احساس بودن با میلیون‌ها انسان هم‌نوع و هم فکر آدمی را از وحشت تنهایی و افسردگی خارج می‌سازد و روحیه‌ی اجتماعی بودن شخص را تقویت می‌کند. اعتماد به نفس و احترام به شخصیت خود و دیگران، شناختن قدرت، شایستگی‌ها و محدودیت‌های خود و دیگران و شناسایی احتیاجات، غرایز و محرک‌ها که سبب ایجاد رفتار در انسان می‌گردند، از جمله اصول کلی در تحقق رسیدن به سلامت روانی فرد و جامعه است [میلانی‌فر، بهروز؛ ۱۳۷۳؛ ص ۷۶].

در حج ارزش‌های دنیایی و ملاک‌های مادی به کنار می‌رود و آنچه که می‌ماند شخصیت انسان‌هاست. در مقابل خدا بودن سراسر وجود آدمی را فرا می‌گیرد. آن‌جا آدمی می‌فهمد که قطره‌ای ناچیز از اقیانوس عظیم موجودات خداوندی است. وجود توانایی مالی و بدنی برای انجام سفر، امنیت و تهیه‌ی امکانات زندگی برای افراد خانواده در مدت سفر، در تأمین سلامت جسمی و روانی شخص نقش مهمی دارد.

۵-۱- غسل‌های مستحب در حج

در موارد زیر مستحب است که زائر غسل کند:

۱- غسل احرام که قبل از پوشیدن احرام انجام می‌شود و برای تمام کسانی که می‌خواهند فریضه‌ی حج را انجام دهند، حتی زنان حیض و نفسا انجام دادنش مستحب است.

۲- دخول مکه

خستگی ناشی از مسافرت و فعالیت‌های شدید بدنی در انجام مناسک و وضعیت آب و هوایی حرمین به ویژه مکه که گرم و مرطوب است، باعث افزایش شدید میزان تعرق بدن می‌شود. انجام عمل غسل و شست و شوی بدن در هر کدام از موارد فوق علاوه بر پاک‌ی پوست بدن و نظافت فردی، در پیش‌گیری از شیوع بیماری‌های واگیر، اهمیت

زیادی دارد. اجازه‌ی استفاده از مواد پاک‌کننده و سرشوی برای اشخاصی که در احرام هستند، حکمی بهداشتی است که اهمیت پاکیزگی را در اسلام نشان می‌دهد.

۵-۲- احرام و طواف

احرام باید متشکل از دو جامه باشد؛ که یکی «إزار» که نیمه‌ی پایین بدن را می‌پوشاند و دیگری بالا پوش یا «ردا» و مستحب است که سفید و پاکیزه باشند؛ هم‌چنین پوشیدن دم‌پایی جزو مستحبات احرام است به دلیل حدیث: «لِیَحْرُمَ أَحَدُكُمْ فِی إِزَارٍ وَرِدَاءٍ وَنَعْلَیْنِ» «هر کدام از شما احرام ببندد با (پوشیدن) یک إزار و یک ردا و دم‌پایی».

طواف بر سه نوع است:

الف - طواف القدوم.

ب - طواف الإفاضة.

ج - طواف الوداع.

طواف الإفاضة از ارکان حج می‌باشد و دارای واجباتی است که از میان آن‌ها می‌توان به طهارت بدن از حدث اصغر و اکبر و نیز پاکی لباس از هرگونه نجاست اشاره کرد.

آفتاب سوزان، گرمای طاقت‌فرسا و رطوبت شدید هوا در شهر مکه و محل‌های انجام مناسک مقتضی پوشیدن لباس‌های باز و دم‌پایی است که هوا به راحتی در آن‌ها جریان داشته باشد؛ رنگ سفید احرام با انعکاس مقدار زیادی از نور خورشید از حرارت بدن تا حد زیادی می‌کاهد.

طواف نیز از جمله فعالیت‌های بدنی سختی است که موجب تعرق شدید می‌شود و با توجه به وضعیت دما و رطوبت هوا، رعایت بهداشت فردی ضرورت بیشتری می‌یابد؛ زیرا شرایط برای شیوع بیماری‌های واگیر در ایام حج، کاملاً مساعد است.

۵-۳- تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر

تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر از ارکان حج است؛ اما به دلیل تقدیم کلمه‌ی «حلق» بر «قصر» در آیه‌ی:

﴿مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ﴾ [الفتح: 29].

«(به مسجد الحرام وارد خواهید شد) با موهای (سر) تراشیده و کوتاه شده».

و اجماع علما، تراشیدن سر بهتر است؛ گرچه با کوتاه کردن موی سر هم، رکن مذکور انجام می‌شود. در حدیث صحیحی که مسلم و بخاری رحمهما الله از حضرت عمر رضی الله عنه روایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله به این امر اشاره فرموده است: «أَنَّهُ صَلَّى قَالَ: اللَّهُمَّ ارْحَمِ الْمُحَلِّقِينَ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَالْمُقَصِّرِينَ، فَقَالَ: اللَّهُمَّ ارْحَمِ الْمُحَلِّقِينَ، وَقَالَ فِي الرَّابِعَةِ: وَالْمُقَصِّرِينَ». «پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خداوندا، رحم کن به آنان که (برای ادای مناسک حج و عمره) موی سر خود را می‌تراشند. کسانی گفتند: و به آن‌ها که موی سر خود را کوتاه می‌کنند؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خداوندا، رحم کن به آنان که موی سر خود را می‌تراشند و بار چهارم (تکرار دعا) فرمودند: و (رحم کن) به آنان که موی سر خود را کوتاه می‌کنند».

رعایت بهداشت مو از جمله مواردی است که همواره مورد تأکید اسلام بوده است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اصحاب خود همواره سفارش می‌فرمود که در پاکیزگی موی سر خود بکوشند؛ حال اگر شخص قادر به رعایت بهداشت موی خود نباشد تراشیدن آن‌ها بهترین شیوه در پاکیزه نگه داشتن آن‌هاست؛ زیرا محیط مو به ویژه اطراف ریشه آن که همواره بر اثر تعرق مرطوب است مکان مساعدی برای رشد انواع میکروب‌ها و انگل‌هاست. تأکید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر تراشیدن موی سر در انجام رکن حلق یا تقصیر نشان‌دهنده‌ی توجه ایشان به بهداشت مو و پوست است و انجام این عمل در ایام حج که رعایت بهداشت بسیار ضروری است، یکی از نمونه‌های بارز دستورات بهداشتی اسلام است.

وضعیت کنونی بهداشت و رفاه در حرمین شریفین

با توجه به جمعیت مسلمانان جهان و آرزوی زیارت خانه‌ی خدا و مسجد رسول خدا ﷺ که دل هر مسلمانی در عشق آن می‌تپد؛ هر سال در ایام حج، اماکن مقدس سرزمین وحی پذیرای بیش از یک میلیون زائر مشتاق است^۱.

در راستای پذیرای از این جمعیت زیاد هر سال دولت عربستان تغییرات چشمگیری در اماکن مقدس بوجود می‌آورد.

پروژه‌های عمرانی و رفاهی اعم از ایجاد و توسعه شبکه‌ی راه‌ها، بنادر، فرودگاه‌ها، مراکز درمانی، هتل‌ها، مساجد و ... هر سال با هزینه‌های کلانی انجام شده و زمینه‌ی رفاه و آسایش بیشتر شهروندان و زائران در ایام حج مهیا می‌شود.

در این خصوص مسجد نبوی و مسجد الحرام شاهد تغییرات شگفت‌آوری بوده است؛ مسجد نبوی در توسعه‌ی اخیر ملک فهد در سال ۱۴۰۶ هجری قمری از ۱۶۵۰۰ متر مربع به وسعت ۴۰۰۵۰۰ مترمربع رسیده است که ظرفیت هفت میلیون نمازگزار را دارد.

برای اجتناب از ازدحام جمعیت در مسجد نبوی ۸۱ دروازه‌ی بزرگ و کوچک تعبیه شده است که عرض دروازه‌های کوچک چهار و نیم متر است.

شبکه‌ی آب و زهکشی آب باران، نیروگاه برق ویژه، ده‌ها سرویس بهداشتی با صدها دستشویی و وضوخانه در چهار طرف مسجد و سیستم تهویه که دستگاه مرکزی آن هفت کیلومتر دورتر از مسجد قرار دارد، از ویژگی‌های منحصر به فردی است که سطح رفاه و بهداشت مسجد نبوی را به عالی‌ترین حد ممکن رسانده است. دوازده **سقف کاذب** هر کدام به وسعت ۱۲۰ متر و بیست و هفت قبه‌ی متحرک که هر کدام ۴۲۰ متر مساحت دارند در تهویه‌ی هوای مسجد نبوی نقش بسزایی دارند.

۱- آمار رسمی حجاج خارجی (بدون احتساب حجاج سعودی) در سال ۱۴۲۰ هجری قمری ۱۲۶۷۵۵۵ نفر بوده است [وزارت اطلاع‌رسانی عربستان سعودی؛ ۱۴۲۱؛ ص ۱۸].

در ایام حج که ازدحام جمعیت میلیونی در عرفات، منی و مشعرالحرام همواره مشکلات شدیدی را برای زائرین از هر نظر به وجود می‌آورد، اکنون امکانات رفاهی زیادی وجود دارد.

مساجد بزرگ نمره، مزدلفه و خیف با سیستم‌های تهویه و سرویس‌های بهداشتی راحتی و آسایش زائران را فراهم آورده‌اند.

توزیع آب سرد زمزم در کیسه‌های نایلونی از فعالیت‌های اداره‌ی شرب زمزم در ایام حج است.

چادرها در عرفات و منی با رنگ سفید و مقاومت در برابر حرارت و نیز تجهیز آن‌ها به سیستم‌های خنک‌کننده و آتش‌نشانی احتمال هرگونه حادثه را به حداقل رسانده‌اند.

امکانات بهداشتی و مراکز درمانی و بیمارستانی در اماکن فوق آفتاب‌زدگی و سایر انواع بیماری‌ها را به سرعت تحت درمان قرار می‌دهند و مانع از شیوع بیماری‌های واگیردار می‌شوند.

در مسجدالحرام و مساجد نبوی توزیع بهداشتی آب زمزم خنک با لیوان‌های یک بار مصرف در فاصله‌ی هر چند متر، انتقال و تعویض فرش‌ها برای شست و شو، گردگیری و شست و شوی مداوم و خشک کردن ممرهای حیاط حرمین با ماشین‌های مخصوص از جمله وظایفی است که تحت نظارت اداره‌ی شئون حرمین شریفین قرار دارد.

مطالعات و آزمایشات ثابت کرده است که آب زمزم کاملاً پاک بوده و براساس تمام استانداردهای بین‌المللی قابل شرب است؛ عمل تلمبه کردن و سرد نمودن آب زمزم با سیستم‌های مجهز کامپیوتری کنترل شده و مطابق استانداردهای علمی به وسیله‌ی اشعه‌ی ماورای بنفش میکروبی‌زدایی می‌شود [وزارت اطلاع‌رسانی عربستان سعودی؛ ۱۴۲۱؛ ص ۸۹].

فصل دوم:

معاملات

۱- خرید و فروش

اصل در مشروعیت احکام مربوط به خرید و فروش آیه‌ی زیر و احادیث متعددی است که محدثین روایت کرده‌اند؛

﴿وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾ [البقرة: ۲۷۵].

«خداوند خرید و فروش را حلال و ربا را حرام نموده است».

مقررات و قوانین بیع که شامل شروط مبیع و طرفین عقد و نیز صیغه می‌باشد و همچنین بیان معامله‌های حرام و تحریم معاملات ربوی و احتکار نشان‌دهنده‌ی توجه کامل شارع به از بین بردن زمینه‌های اختلاف و برقراری صلح و آرامش و اجتناب از هرگونه گران‌فروشی و ظلم است.

رعایت کامل آن مقررات که کوچک‌ترین و جزیی‌ترین مسایل را در خود جای داده است، در ایجاد آسایش و برقراری آرامش روانی افراد جامعه نقش بسیار مهمی دارد به طوری که می‌توان گفت اگر اشخاص خود را ملزم به اجرای آن احکام نمایند هیچ‌گاه نزاع و اختلافی در معامله‌ها به وجود نخواهد آمد.

۲- پاکیزگی کالای مورد معامله

یکی از شروط مبيع (کالای مورد معامله) پاکی آن است؛ مسلم و بخاری رحمهما الله روایت می‌کنند: «أَنَّهُ ﷺ نَهَى ثَمْنَ الْكَلْبِ، وَقَالَ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ بَيْعَ الْخَمْرِ وَالْمَيْتَةِ وَالْخَنزِيرِ» «پیامبر ﷺ خرید و فروش سگ را نهی کرده و فرمودند: خداوند خرید و فروش مسکرات، مردار و خوک (گراز) را حرام کرده است».

این حکم اهمیت معاملات و تأثیر آن‌ها را بر سلامتی نشان می‌دهد. با عنایت به مطالبی که درباره‌ی نجاست هر کدام از موارد فوق ذکر شد می‌توان نتیجه گرفت که پرهیز از تماس با این مواد آلوده نشان‌دهنده‌ی توجه اسلام به سلامتی فرد است.

۳- حَجْر

حجر در لغت به معنی منع است و در اصطلاح شرع عبارت است از منع افرادی از تصرفات مالی.

اصل در مشروعیت این مبحث آیات:

﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَمًا﴾ [النساء: 5].

«اموال کم خردان را (که در اصل اموال شماست) به خود آنان تحویل ندهید چرا که خداوند اموال را برایتان قوام زندگی گردانده است».

﴿وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ﴾ [النساء: 6].

«یتیمان را بیازمایید تا آن‌گاه که به سن ازدواج می‌رسند؛ اگر از آنان صلاحیت و حسن تصرف دیدید اموالشان را به ایشان برگردانید».

کودکان نابالغ از افرادی هستند که از انجام معاملات منع می‌شوند و بر آن‌ها حَجْر قرار داده می‌شود. با بلوغ و رشد فکری کودکان در صورت مشاهده‌ی رعایت مصالح دنیایی و دینی، حَجْر و منع قانونی تصرفات مالی آن‌ها برطرف شده و آن‌ها مستقلاً می‌توانند به داد و ستد مشغول شوند.

پسران با خروج منی در سن احتمالی که پس از اتمام نه سالگی است بالغ می‌شوند و صرفاً رویش موی زهار در جوانان مسلمان علامت بلوغ نیست. بلوغ در دختران با شروع اولین عادت ماهیانه یا حاملگی مشخص می‌شود.

بلوغ فرایندی آنی و فوری نیست؛ بلکه فعالیت غدد درون ریز از هیپوتالاموس و هیپوفیز تا بیضه‌ها به تدریج این پدیده را کامل می‌کند. در دوران بلوغ ابتدا صفات جنسی

ثانویه^۱ و سپس توانایی تولیدمثل^۲ در فرد ظاهر می‌شود [عزیزی، فریدون؛ ۱۳۷۰؛ ص ۱۹]. گرچه افزایش ترشح آندروژن‌های غدد فوق کلیوی در رشد موهای زهار و زیر بغل، عامل اصلی به حساب می‌آید ولی فعال شدن بیضه‌ها در پسرها و تخمدان‌ها در دختران ناشی از ترشح هورمون آزادکننده‌ی گونادوتروپین^۳ از هیپوتالاموس^۴ و در پی آن افزایش ترشح گونادوتروپین‌ها از هیپوفیز^۵ است.

سن شروع بلوغ در کشورهای مختلف هم زمان نیست و به عوامل از قبیل: عوامل اجتماعی و اقتصادی به ویژه تغذیه، تحریکات روانی - جنسی، توارث، درجه‌ی حرارت و غیره بستگی دارد [عزیزی، فریدون؛ ۱۳۷۰؛ ص ۲۱].

در دختران اولین نشانه‌های بلوغ با رشد جوانه‌ی پستان و سپس رشد موهای ناحیه‌ی زهار پس از چند ماه، آشکار می‌شود؛ گرچه یک تا دو سال پس از ظهور این علائم قاعدگی نشانه‌ی تکامل بلوغ جنسی است.

1- secondary sexual characteristics

2- reproduction

3- gonadotropin

4- hypothalamus

5- hypophysis

فصل سوم:

مناکحات

۱- ارث

در آیات متعددی از قرآن کریم و نیز احادیث زیادی از پیامبر اکرم ﷺ احکام ارث بیان شده است.

آنچه که در مبحث فرایض به موضوع این تحقیق مرتبط می‌شود حکم ارث افراد دارای دو جنس (خثی) است. در تقسیم ارث اگر سهم افراد خثی ارتباطی به جنس نداشته باشد مانند برادر یا خواهر مادری که سهم معین شده‌ی آنها یک ششم است، سهم این افراد پرداخته می‌شود؛ و اگر سهم آنها با جنس آنها تغییر کند، لازم است که در حق آنها احتیاط شود و بیشترین احتمال در نظر گرفته شود؛ اما دادن این سهم احتمالی تا معین شدن جنس فرد خثی متوقف می‌شود.

از آنجا که تکامل جنسی افراد مذکر و مؤنث به طریقی مشابه شروع می‌شود، احتمال دارد که ناهنجاری‌هایی در تمایز و تعیین جنس فرد به وجود آید.

در برخی موارد، این ناهنجاری‌ها در افرادی دیده می‌شود که به طور مشخص از خصوصیات هر دو جنس برخوردارند که هرمافرودیت^۱ نامیده می‌شوند.

هرمافرودیت حقیقی دارای هر دو بافت ساختمانی بیضه‌ای و تخمدانی است و دستگاه تناسلی خارجی مهم و یا به طور ارجح مؤنث را دارد و بیشتر این افراد زن تلقی می‌شوند اما در هرمافرودیت کاذب ژنوتیپ^۲ فرد توسط ظاهر فنوتیپی^۳، که خیلی شبیه به جنس مخالف است پنهان می‌ماند. وقتی که شخص مبتلا به هرمافرودیت کاذب دارای بیضه باشد، بیمار

1- hermaphrodite

2- genotspe

3- phonotype

هرما فردیت کاذب مرد نامیده می‌شود؛ وقتی که شخصی دارای تخمدان باشد، بیمار
هرما فردیت کاذب زن نامیده می‌شود [سادلر، توماس؛ ۱۳۷۶؛ ص ۳۲۶-۳۲۷].

۲- ایصاء

ایصاء که عبارت است از وصیت کردن به کسی برای پرداخت بدهکاری‌ها، اجرای وصیت‌ها و سرپرستی و نظارت در امور کودکان، عملی مستحب است. اما ایصاء درباره‌ی ترویج فرزندان جایز نیست.

کسی که به انجام امور ذکر شده منصوب می‌شود «وصی» خوانده می‌شود و باید شخصی بالغ، عاقل، مسلمان و عادل باشد؛ اما مرد بودن ضرورت ندارد؛ بنابراین مادر کودکان برای این کار مناسب‌تر و اولی‌تر است. در صورت ظهور فسق، وصی عزل می‌شود.

عدم رعایت حقوق دیگران از جمله اموری است که سلامت روانی افراد را به خطر می‌اندازد؛ بنابراین پرداخت بدهکاری‌ها علاوه بر رفع مسئولیت اخروی در رفع اختلاف بین وراث و بستانکار و آرامش روانی هر دو تأثیر زیادی خواهد داشت.

تعیین سرپرست برای اطفال در آموزش و تربیت صحیح جسمی و روانی آن‌ها بسیار مهم است؛ کودکان بی‌سرپرست همواره در معرض ابتلا به بیماری‌های جسمی و روانی هستند؛ اعتیاد، انحرافات اخلاقی، خشونت و تجاوزات جنسی همواره در میان این کودکان بیشتر از سایرین است.

توانایی‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد مادر در تعلیم و تربیت کودک ضامن تأمین سلامت روان و جسم کودک است. در سایه‌ی احساسات و عواطف مادرانه، شخصیت کودک تکامل می‌یابد و زمینه‌های انحرافات اخلاقی و تباهی او، از بین می‌رود.

حکم به عدم صحت ایصاء در ترویج فرزندان نشان‌دهنده‌ی احترام به استقلال و حق آنها در انتخاب همسر است. تجربه نشان داده است که اجبار در ازدواج هرگز صحیح نیست و بروز اختلاف و جدایی در چنین ازدواج‌هایی بسیار زیاد است.

۳- ازدواج

اصل در حلال بودن نکاح قرآن، سنت و اجماع است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ﴾ [النساء: 3].

«و با زنان دیگری که برای شما حلال هستند و دوست دارید ازدواج کنید».
و در جایی دیگر می‌فرماید:

﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيْمَىٰ مِنْكُمْ﴾ [النور: 23].

«زنان و مردان مجرد خود را به ازدواج یکدیگر در آورید».

در میان احادیث مربوط به ازدواج می‌توان به حدیث «من رزقه الله امرأةً سالحة فقد أعانه على شطر دينه» «هر کس که خداوند زنی پارسا به او عطا فرماید، در تکمیل کردن نصف دینش او را یاری داده است» اشاره کرد.

کسی که توانایی ازدواج ندارد می‌تواند با روزه گرفتن شهوت خود را کم کند و این مطلب به صراحت در حدیث زیر بیان شده است: «يا معشر الشباب، من استطاع منكم الباءة فليتزوج فإنه أغض للبصر وأحصن للفرج ومن لم يستطع فعليه بالصوم فإنه له وجاء» «ای جوانان، هر کدام از شما که توانایی و امکانات ازدواج دارد پس ازدواج کند؛ زیرا ازدواج در نگهداری چشم (از نگاه‌های حرام) و عورت (از کارهای حرام) مؤثر است و هر کس که توانایی و امکانات ندارد پس روزه بگیرد، زیرا روزه شهوت را می‌کاهد».

کم کردن شهوت با کافور یا مواد دیگر مکروه است و بعضی از علما نیز آن را حرام دانسته‌اند [الشربینی؛ ج ۳؛ ص ۱۲۶].

تلاش‌های مربوط به ارتقای سلامت و پیش‌گیری از بیماری‌ها، به نحو فزاینده‌ای به سمت توجه به خانواده برای تقویت رفتارهای مربوط به سلامت، سوق یافته است؛ خانواده سازمانی قدرتمند برای ارتقای رفاه و آسایش جسمی و روانی است [دفتر اروپایی سازمان جهانی بهداشت؛ ۱۳۸۰؛ ص ۸۹].

ازدواج یکی از مسایلی است که از نظر بهداشت روانی نهایت اهمیت را دارد، تحقیقات انجام شده ثابت کرده است که افراد متأهلی که در ازدواج خود موفق بوده‌اند کمتر دچار بیماری روانی می‌شوند و در مقابل، عدم توجه به ازدواج، به خصوص در سنین بالا که ممکن است معلول نارسایی شخصیت و ترس از تعهد و مسئولیت باشد، یک نقطه ضعف در رشد روانی فرد محسوب می‌گردد؛ این‌گونه افراد به علت این که از ثمرات یک زندگی رضایت‌بخش، ایمن و سرگرم‌کننده برخوردار نیستند همیشه بلا تکلیف و سرگردان زندگی کرده و اکثراً با توسل به لذت‌طلبی‌ها و کام‌جویی‌های بدلی به دنبال تکیه‌گاه‌های غیرحقیقی می‌گردند و در آن‌جا نیز از فشارهای روانی آسوده نیستند [میلانی‌فر، بهروز؛ ۱۳۷۳؛ ص ۱۲۴].

در افراد مسن به خصوص زنان، انزوای اجتماعی، یک عامل مساعدکننده برای ضعف سلامتی و عمل‌کرد صحیح دستگاه‌های مختلف بدن است [آندرولی و همکاران؛ ۱۳۷۹؛ ص ۱۲ (۴)].

کافور اگر چه قدرت جنسی را کاهش می‌دهد اما پیری زودرس و سفیدی موها را به دنبال دارد و در ایجاد سنگ‌های کلیه و مثانه نقش زیادی دارد [ابوعلی‌سینا، شیخ‌الرئیس؛ ج ۲؛ ص ۱۸۲].

گرچه مصرف کافور به عنوان کاهش‌دهنده‌ی نیروی جنسی در موارد نعوظ‌های دردناک توصیه می‌گردد، اما این اثر مورد تأیید قرار نگرفته و مشکوک یا لأفل ناپایدار تلقی شده است. مصرف زیاد و بی‌رویه‌ی آن مثلاً دو گرم در یک دفعه خطرناک است و باعث مرگ می‌شود [زرگری، علی؛ ۱۳۷۱؛ ج ۴؛ ص ۳۴۳-۳۴۲].

۳-۱- مستحبات ازدواج

انتخاب همسر باکره به دلیل احادیث مذکور در صحیحین مستحب است. هم‌چنین مستحب است که همسر از اقوام نزدیک (عموزاده، عمه‌زاده، خاله‌زاده، دایی‌زاده) نباشد زیرا پیامبر اکرم ﷺ در این باره فرموده است: «لا تنكحوا القرابة القریبة فإنّ الولد یخلق ضاویاً»^(۱) «با خویشاوندان بسیار نزدیک ازدواج نکنید زیرا فرزندی که از این ازدواج متولد می‌شود ضعیف خواهد بود». علما دلیل این امر را ضعف شهوت ناشی از کرامت نفس انسانی و نهایتاً تولد فرزندان نحیف بیان کرده‌اند [الشروانی: ج ۷؛ ص ۱۸۹ و السید البکری؛ ج ۳؛ ص ۲۷۱].

بکارت عبارت است از وجود پرده‌ی بکارت^۲ در مدخل واژن که یک چین غشایی نامنظم با ضخامت متغیر است؛ این پرده ممکن است از نوع کامل (سوراخ نشده)، ناکامل یا غربالی شکل بوده و یا اصلاً وجود نداشته باشد. پرده‌ی بکارت ممکن است در اثر معاینه، تروما^۳، جراحی و نزدیکی جنسی دچار پارگی شود [رایان و همکاران؛ ۱۳۷۵؛ ص ۶۰].

حکم استحباب ازدواج با زنان باکره دلایل مختلفی ممکن است داشته باشد که می‌توان به تعدادی از آن‌ها اشاره کرد: اصولاً عدم مقاربت‌های قبلی و وجود پرده‌ی بکارت احتمال آلودگی‌ها و بیماری‌های آمیزشی را کاهش داده و به دلیل انسداد نسبی واژن احتمال عفونت‌های محیطی نیز کاهش می‌یابد.

۱- ابن الصلاح می‌گوید: این حدیث اصلی ندارد، و شوکانی و آلبانی و دیگر علماء می‌گویند که این حدیث از رسول الله ﷺ ثابت نشده بلکه سخنی بهمین معنی از عمر رضی الله عنه باثبات رسیده است. مصحح

2- hymen

3- truma

از نظر روانی در زنان بیوه اغلب مسایلی مانند بدبینی، افسردگی و اضطراب دیده می‌شود که ممکن است زندگی زناشویی جدید را تحت تأثیر قرار دهد. وجود پرده‌ی بکارت برای اغلب مردان از نظر روانی و افزایش لذت جنسی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. ممانعت از ازدواج خویشاوندان نزدیک، تشخیص و تعیین عوامل ارثی بیماری‌زا و جلوگیری از ازدواج افرادی که نسل معیوب به وجود می‌آورند گام‌های مؤثری در بهبود سلامت جسمی و روانی افراد جامعه است.

وجود فرزند مبتلا به بیماری‌های ارثی یا ناهنجاری‌های جسمی و روانی نه تنها در سلامت روانی والدین تأثیرات منفی شدید دارد، بلکه برای جامعه و دولت نیز از جنبه‌های متعددی مشکل‌ساز است [میلانی‌فر، بهروز؛ ۱۳۷۳؛ ص ۱۰۹].

همه‌ی انسان‌ها دارای چهار تا هشت «ژن مضر» هستند اما غالباً چنین ژن‌هایی به ندرت اثری بر سلامتی شخص یا فرزندانش دارند؛ حدس زده می‌شود از هر سه نفر یکی دارای ژن مربوط به بیماری‌های روانی باشد [نوزاد، غلام‌رضا؛ ۱۳۷۹؛ ص ۱۱۰].

ازدواج‌های فامیلی نه تنها احتمال مبتلا شدن به بیماری‌های ارثی را افزایش می‌دهد بلکه باعث ازدیاد بیماران مبتلا به این بیماری‌ها و انتقال ژن‌های آن‌ها به نسل‌های بعدی می‌شود [سروری، علی‌اصغر؛ ۱۳۷۴؛ ص ۱۲۵].

ازدواج با خویشاوندان درجه سوم (عمه‌زاده، عموزاده و دایی‌زاده‌ها) احتمال تلاقی ژن‌های مضر و تولد فرزندان بیمار و ناقص را افزایش می‌دهد؛ میزان این خطر در این ازدواج‌ها ۶٪ تا ۸٪ است و این رقم دو برابر رقم ۳٪ تا ۴٪ وفور نواقص مادرزادی و اختلالات ذهنی در کل جمعیت است ولی همین زوج‌ها دارای شانس بیشتر از ۸۰٪ هستند که فرزندان سالم و طبیعی داشته باشند [نوزاد، غلام‌رضا؛ ۱۳۷۹؛ ص ۱۱۲].

۳-۲- نقش امتیازات اجتماعی در ازدواج

اگر پدر یا پدربزرگ پدری، دختر بالغ یا نابالغ را به ازدواج شخصی درآورد، که از نظر موقعیت‌های اجتماعی اعم از امتیازات شغلی، سلامت جسمی و روانی و ارزش‌های

خانوادگی و نسبی در حد پایین‌تری از دختر قرار داشت، دختر بالغ اختیار دارد که فوراً نکاح را فسخ کند و دختر نابالغ هم هنگام رسیدن به سن بلوغ می‌تواند این عمل را انجام دهد [الشربینی؛ ج ۳؛ ص ۱۶۵-۱۶۶].

در ازدواج سازش دایمی و از خود گذشتگی فراوان لازم است ولی اگر زن و مرد قبل از ازدواج با یکدیگر توافق بیشتری داشته باشند، امکان سازش بعدی بیشتری خواهد بود. مهم‌ترین عوامل مؤثر در توافق زوجین عبارتند از:

- ۱- رشد عاطفی و فکری.
 - ۲- تشابه علایق و طرز فکر.
 - ۳- تشابه مذهبی.
 - ۴- تشابه تحصیلی و طبقاتی.
 - ۵- تشابه طرز تفکر نسبت به مسایل جنسی.
 - ۶- رابطه خانوادگی [شاملو، سعید؛ ۱۳۶۶؛ ص ۹۲]
- از مهم‌ترین عوامل فوق تشابه تحصیلی و طبقاتی است و در یک ازدواج مطلوب باشد تشابه طبقاتی تا آن‌جا که ممکن است وجود داشته باشد.
- هر چه زن و شوهر بیشتر از نظر طبقاتی شباهت داشته باشند امکان سعادت و خوش‌بختی بیشتر است. تجربه ثابت کرده است که زنان به امتیازات مردهای دیگر نظیر ثروت، مقام اجتماعی و تحصیلات عالی رشک می‌برند.
- ممکن است زن و شوهری با اختلافات طبقاتی زیاد زندگی زناشویی راحتی داشته باشند؛ ولی از آن‌جا که زن و شوهر تدریجاً از تفاوت‌های بین خود آگاه می‌شوند، ممکن است این تفاوت‌ها باعث اختلاف و آزرده‌گی و عدم بقای زندگی زناشویی شود [میلانی‌فر، بهروز؛ ۱۳۷۳؛ ص ۱۲۷].

۳-۳- ازدواج با محارم

ازدواج با محارم در خویشاوندی‌های زیر حرام است (تحریم مؤبد)^۱:

۱- قرابت:

الف) مادر و جده‌ها

ب) دختر و دخترِ دختر

ج) خواهر

د) دخترِ خواهر

ه) دخترِ برادر

و) عمه

ز) خاله

۲- رضاع: موارد ذکر شده قرابت در صورتی که شرایط رضاع موجود باشد.

۳- مصاهره یا خویشاوندی با ازدواج:

الف) همسرِ پسر یا همسرِ پسرِ پسر از نسب یا رضاع

ب) مادرِ همسر

ج) دخترِ همسر در صورت هم‌بستری با مادرش.

ازدواج با محارم یا خویشاوندان درجه یک (والد با فرزندان - خواهران و برادران) که خوشبختانه در بسیاری از جوامع جرم تلقی می‌شود، احتمال تولد فرزندان دارای نقص ژنتیکی را تا حد فاجعه‌آمیزی افزایش می‌دهد؛ در این ازدواج‌ها احتمال ظهور نواقص در فرزندان پنج برابر افزایش می‌یابد [نوزاد، غلام‌رضا؛ ۱۳۷۹؛ ص ۱۱۲].

۱- تحریم غیر مؤبد (موقت) در حالتی است که شخص دو خواهر رضاعی یا نسبی زن و عمه یا خاله‌اش را، هم‌زمان به ازدواج درآورد.

خویشاوندان درجه‌ی یک دارای ۵۰٪ ژن‌های مشترک هستند و احتمال هم خونی آن‌ها نیز ۲۵٪ است دوقلوهای یک تخمی و منوزایگات^۱ از نظر ژنتیکی کاملاً یکسان هستند و درواقع یک فرد محسوب می‌شوند [سروری، علی‌اصغر؛ ۱۳۷۴؛ ص ۱۲۰-۱۱۱]. کم‌بودن یا نبودن تحریکات روانی در ازدواج با محارم و در نتیجه کاهش نیروی جنسی از جمله موانع عملی بودن این امر است زیرا استیمولس‌های روانی^۲ مناسب می‌توانند قدرت شخص را برای انجام عمل جنسی به مقدار زیادی تشدید کنند [گایتون، آرتور؛ ۱۳۷۵؛ ج ۲؛ ص ۱۴۹۸].

۳-۴- فسخ نکاح به علت بیماری

عیوب مختص زنان برای فسخ از جانب شوهر «رَتَقُ» و «قَرْنُ» است که هر دو انسداد مجرای تناسلی زن هستند که در اولی گوشت و در دومی استخوان مانع دخول می‌شود. «عُتْه» که عبارت است از ناتوانی در انجام عمل زناشویی به دلیل عدم نعوظ و هم‌چنین قطع بعضی از آلت تناسلی یا تمام آن که «جَبْ» نامیده می‌شود از عیوب موجود در مردها هستند که به زنان اختیار فسخ نکاح را می‌دهند. عیوب مشترک بین زن و مرد برای فسخ نکاح نیز عبارتند از جنون، برص و جذام؛ از امام شافعی رحمه‌الله نقل شده است که بیماری‌های مشترک بین زن و مرد ممکن است به طرف مقابل یا فرزندان و یا نسل‌های بعدی منتقل شود [الشربینی؛ ج ۳؛ ص ۲۰۳].

۳-۴-۱ و ۲ «رَتَقُ» و «قَرْنُ»

واژن^۳ که در حکم فصل مشترک بین محیط و دستگاه تناسلی بوده و عمل‌کرد آن شامل مهیا ساختن یک مجرای خروجی برای ترشحات قاعدگی و برای پذیرش آلت

1- monozygote

2- mental stimuluses

3- vagina

تناسلی مردانه در جریان مقاربت و به وجود آوردن تحتانی‌ترین قسمت مجرای زایمانی است، ممکن است به ندرت اختلالاتی در آن دیده شود که می‌توان آن‌ها را به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱- عدم وجود واژن.

۲- عدم اتصال مجاری پارامزونفریک^۱ به هم و پیدایش سپتوم‌های طولی.

۳- عدم کانالیزاسیون^۲ صفحه‌ی واژن و پیدایش سپتوم‌های عرضی.

هر کدام از ناهنجارهای فوق را که انجام عمل جنسی به طور کامل در آن‌ها غیرممکن است، می‌توان با روش‌های جراحی و غیرجراحی درمان کرد [رایان و همکاران، ۱۳۷۶؛ ص ۱۰۰-۹۳].

۳-۴-۳- «عنه»^۳:

عنه عبارت است از عدم توانایی زوج در انجام عمل هم‌بستری، یکی از عیوب مختص مردان در فسخ نکاح است و ممکن علل روانی و جسمی مختلفی داشته باشد. علت جسمی عنه به ضعیف عمل کردن نعوظ مربوط می‌شود [تاناکو، امیل و همکاران؛ ۱۳۷۹؛ ص ۳۴۱].

نعوظ طبیعی مستلزم وجود موارد زیر است: سالم بودن سیستم اعصاب مرکزی که امکان یک‌پارچگی تحریکات روانی و حسی و انتقال آن‌ها به سیستم اعصاب سمپاتیک (که جریان خون در آلت را کنترل می‌کند) را فراهم می‌کند، عروق باز شریانی که قادر به متسع شدن و فراهم کردن خون کافی برای آلت باشد، سیستم طبیعی سینوس جسم کاورنو^۴ که بتواند با تجمع خون افزایش حجم پیدا کند، آلت طبیعی که از نظر آناتومیک

1- paramesonephric

2- canilization

3- asynodia

4- corpora cavernosum

سالم باشد و کفایت سیستم تخلیه‌ی وریدی برای جلوگیری از نشست خون در هنگام نعوظ؛ محور هیپوتالاموس - هیپوفیز بیضه نیز باید طبیعی باشد چون تستسترون^۱ برای حفظ میل جنسی طبیعی لازم است و اثر مثبتی هم بر نعوظ دارد؛ بنابراین اختلالات عصبی، عروقی و ادراری - تناسلی می‌تواند به اختلال عمل‌کرد نعوظ منجر شود و این اختلال ممکن است از ناتوانی کامل در دستیابی به نعوظ و حفظ آن به مدت کافی برای تکمیل فعالیت جنسی، متغیر باشد [آندرولی و همکاران؛ ۱۳۷۹؛ ص ۱۱ (۳۹)].

پیامدهای روانی ناشی از عنه به دلیل تصور عوام از ارتباط تنگاتنگ مردانگی و نیروی جنسی به صورت عقده‌ی حقارت و خود کم‌بینی غیر قابل اجتناب است. تحقیقات روان‌شناسی نشان می‌دهد که روابط جنسی از لحاظ اهمیت در ردیف اول یک زندگی زناشویی قرار دارد و سازگاری در روابط جنسی از مهم‌ترین علل خوش‌بختی زندگی زناشویی است به طوری که اگر این روابط ارضا کننده و کامل نباشد منجر به ناراحتی شدید، اختلافات و حتی از هم‌پاشیدگی خانواده می‌شود [میلانی‌فر، بهروز؛ ۱۳۷۳؛ ص ۱۲۷].

۳-۴-۴- «جنون»

جنون از عوارض سماوی اهلیت است که به واسطه‌ی آن از شخص رفع تکلیف می‌شود؛ بنابر تعریف علمای اصول فقه، عبارت است از اختلال در نیروی تعقل به صورتی که افعال و اقوال به شیوه‌ای عاقلانه صورت نگیرد. جنون بر دو نوع است: جنون ممتد و جنون غیرممتد؛ جنون غیرممتد نیز دو نوع است: عارضی و اصلی [الخضری، الشیخ محمد؛ ۱۴۱۹؛ ص ۹۶].

بنابراین، انواع بیماری‌های روانی که در آن‌ها شخص دارای رفتارها و گفتارهای عاقلانه نیست، در اصطلاح فقه جنون نامیده می‌شود و انواع مختلفی از بیماری‌های

1- testosterone

اعصاب و روان از جمله گروه‌های عقب‌مانده‌ی ذهنی، اسکیزوفرنیا، جنون ادواری و اختلالات روانی را شامل می‌شود جنون که به اصطلاح علمی پسیکوز^۱ نامیده می‌شود به دو بخش تقسیم می‌شود: یکی پسیکوزهای عضوی^۲ و دیگری پسیکوزهای کنشی^۳ از نظر روان‌پزشکی، پسیکوز مشخصات زیر را دارد:

- ۱- عدم تماس با واقعیت و یا تغییر عادی در آن.
- ۲- اختلال شدید و مداوم عاطفی.
- ۳- بازگشت به رفتارهای قبلی، به خصوص دوران کودکی.
- ۴- از بین رفتن تعادل شخصیت به طوری که تمایلات اولیه، بدون کنترل ظهور نماید.
- ۵- اختلالات حاد یا مزمن در طرز تفکر و ادراک [شاملو، سعید؛ ۱۳۶۶؛ ص ۲۶۶-۲۶۵]

علل بیماری‌های روانی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

- ۱- علل جسمانی (شامل عوامل ارثی، مادرزادی، شرایط فیزیکی و فیزیوبیولوژیک بدن) یا محیط داخلی.
 - ۲- علل محیطی (شامل عوامل جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، عفونت، مسمومیت، ضربه، فشارهای روانی و ...) [میلانی‌فر، بهروز؛ ۱۳۷۳؛ ص ۵۶].
- مطالعات نشان می‌دهد که امکان بروز این اختلالات در فرزندان والدین اسکیزوفرنیک در مقایسه با جمعیت عمومی بیشتر است. احتمال بروز اسکیزوفرنی در بچه‌های یک والد اسکیزوفرنیک ۱۶٪ در مقابل ۸۵٪ مربوط به جمعیت عمومی است.
- در خانواده‌هایی که پدر و مادر هر دو اسکیزوفرنیک هستند این احتمال ۴۰٪ است [راو، کلارنس؛ ۱۳۶۶؛ ص ۳۶۴ و نورزاد، غلام‌رضا؛ ۱۳۷۹؛ ص ۲۰۵].

1- psychosis

2- organic psychosis

3-functional psychosis

علت اصلی و شرط لازم برای بیماری‌های روانی وجود زمینه‌ی ارثی است ولی زمینه‌ی ارثی شرط کافی نیست؛ چون بدون دخالت عوامل مساعدکننده یا تسریع‌کننده بروز بیماری امکان ندارد؛ پس اثر متقابل مختلف کاملاً محسوس است و این اثرات در دوقلوهای یکسان که از بدو تولد به عللی جدا از یکدیگر زندگی کرده‌اند مورد مطالعه قرار گرفته و تأیید شده است [میلانی‌فر، بهروز؛ ۱۳۷۳؛ ص ۵۷].

۳-۴-۵- «برص»

برص (vitiligo) نوعی بیماری اختلال پیگمانتاسیون^۱ به صورت اکتسابی است که در آن به سبب کاهش عمل و در نهایت تخریب ملانوسیت‌ها^۲ به صورت موضعی یا منتشر دیده می‌شود. شیوع آن حدود ۱٪ و در برخی جوامع به ۸٪ می‌رسد؛ سن ابتلا در اغلب افراد بین ۲۰ تا ۳۰ سالگی است و در ۲۵٪ موارد کودکان کمتر از ده سال به این بیماری گرفتارند. در ۳۰٪ موارد سابقه‌ی فامیلی وجود دارد و فاکتور ژنتیکی در ایجاد بیماری دخیل است. تئوری‌های مختلفی برای ایجاد بیماری ارائه شده است و درمان قطعی آن وجود ندارد؛ اما در ۱۰ تا ۲۰٪ بهبود خود به خودی مشاهده شده است. بیماری برص بدون علامت است و فقط از نظر زیبایی، اندام‌های ظاهری را دچار مشکل می‌کند که ممکن است زمینه‌ساز ایجاد ناراحتی‌های روانی و افسردگی باشد.

۳-۴-۶- «جذام»

جذام (Ileprosy) یک بیماری عفونی مزمن با سلیقه‌ی چند هزار ساله است که توسط مایکو باکتریوم لپرا^۳ به وجود می‌آید و اعصاب محیطی و پوست را گرفتار می‌سازد [همان منبع؛ ص ۱۰۳]. علی‌رغم پیشرفت‌های چشم‌گیر در علوم باکتریولوژی، اپیدمیولوژی و

1- pigmentation

2- melanocytes

3- mycobacterium

شیمی‌درمانی، ننگ شمردن و عقاید خرافی در مخفی کردن جذام توسط بیماران عامل بازدارنده در کنترل این بیماری محسوب می‌شود.

گرچه ارتباط نزدیک و صمیمی با فرد دچار جذام لیپروماتو^۱، احتمال انتقال بیماری را تا هشت برابر افزایش می‌دهد، اما تنها ۵٪ افرادی که همسر مبتلا به جذام دارند به این بیماری مبتلا می‌شوند؛ در حالی که هرگاه یکی از والدین مبتلا به جذام عفونی درمان نشده باشد، خطر ابتلا در کودکان آن‌ها ۶۰٪ است [دانش‌پژوه و محبوبی؛ ۱۳۷۷؛ ص ۱۰۳].

مطالعات در دوقلوها احتمال استعداد ژنتیکی را در جذام نشان می‌دهد [درسنامه‌ی جامع پوست ایران؛ ۱۳۸۰؛ ص ۱۰۴].

لباس و رخت‌خواب مشترک از راه‌های مهم انتقال بیماری جذام به شمار می‌آیند و احتمال انتقال بیماری به وسیله‌ی شیرمادر مبتلا هم وجود دارد [دانش‌پژوه، محبوبی؛ ۱۳۷۷؛ ص ۱۰۳].

۳-۵- «پاکدامنی و پرهیزگاری»

باید فرزندان در صورت تمکن مادی برای پدر و پدربزرگ‌های خود - در صورت تمایل و نیاز آنان به ازدواج - زن بگیرند و نفقه‌ی آن‌ها را پرداخت نمایند.

دوران پیری از نظر بهداشت روانی بسیار حایز اهمیت است و از نظر پیش‌گیری باید در نظر داشت که معمولی‌ترین بیماری‌های روانی در افراد پیر عبارتند از پسیکوزهای پیری، اختلالات روانی ناشی از اختلالات عروقی، کمبود اکسیژن و از بین رفتن فعالیت‌های عادی مغز که با کم شدن روابط اجتماعی، از دست دادن مسئولیت، بازنشسته

شدن و از دست دادن نزدیکان و اطرافیان توأم می‌گردد [میلانی‌فر، بهروز؛ ۱۳۷۳؛ ص ۱۳۵].

تحقیقات نشان می‌دهد که ازدواج‌های نزدیک و طبیعی از لحاظ عاطفی، احساس تسلط و خودسودمندی، فرد را از تأثیر روانی حمله‌ی قلبی حفظ کرده و زمینه‌ی حمایتی برای بهبود را فراهم می‌سازد [دفتر اروپایی سازمان جهانی بهداشت؛ ۱۳۸۰؛ ص ۲۶۲].

یک سوم بیماران روانی را در بیمارستان‌های روانی، اشخاصی تشکیل می‌دهند که بیشتر از ۴۵ سال سن دارند؛ تعداد زیادی از این بیماران پیرمردانی هستند که غوطه‌ور شدن در تخیلات گذشته و عدم فعالیت‌های مفید آن‌ها را افسرده و منزوی نموده است. زنان و به خصوص زنان خانه‌دار به دلیل انجام فعالیت‌های خانه و مواظبت از کودکان، کمتر در معرض این بیماری‌ها قرار دارند [شاملو، سعید؛ ۱۳۶۶؛ ص ۱۰۳-۱۰۲].

در مورد مردان باید توجه داشت که در سنین متوسط عمر، مسایل جنسی ممکن است مشکلات جدیدی را برای آنان ایجاد کند؛ از طرفی گذشت عمر و از دست دادن کار فعال و از طرف دیگر برخورد و هم‌زیستی با همسری که دوران یایسگی را می‌گذراند، زندگی را بر مرد تیره کرده و او را عاصی می‌سازد و به این دلیل اکثر ازدواج‌های دوم در این سنین رخ می‌دهد [میلانی‌فر، بهروز؛ ۱۳۷۳؛ ص ۱۳۵].

۳-۶- احکام تعدد زوجات

با استناد به آیه‌ی:

﴿فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً﴾ [النساء: 3].

«اگر هم می‌ترسید که نتوانید میان زنان دادگری را مراعات کنید به یک زن اکتفا نمایید».

بر کسی که بیشتر از یک زن دارد، واجب است که نوبت هم خوابگی (قَسَم) هر کدام را رعایت کند.

قَسْم به زنانی که در حیض و نفاس هستند و نیز زنان بیمار هم تعلق می‌گیرد.

تشریع حکم تعدد زوجات در اسلام یکی از ویژگی‌های این شریعت معتدل و متوسط است. این حکم مختص به شرایط و افراد خاصی بوده و برخاسته از فطرت انسانی و اقتضای طبیعت بعضی از افراد جامعه است. با در نظر گرفتن درصد جمعیت مردها و زنها در جوامع مختلف و مصایب و حوادثی که مردها با آن روبرو بوده، به مرگ منتهی می‌شوند و نیز بیماری‌های تناسلی زیادی که زنها به آنها مبتلا شده، ممکن است به نازایی منجر گردند، تعدد زوجات می‌تواند راه‌حل بسیاری از مشکلات بوده و از انحرافات جنسی جلوگیری کند. اگرچه این قانون در اسلام مشروعیت دارد اما چون اختصاص به شرایط ویژه دارد، هیچ‌گاه نسبت مردان چند همسری به تک همسری در جوامع اسلامی از ۳٪ تجاوز نکرده است [پاک‌نژاد، سیدرضا؛ ۱۳۴۹؛ ج ۳۵؛ ص ۵۵]. تعدد زوجات حکمی است که در تمام شرایع و ملت‌ها وجود داشته است و تا قرن هفدهم میلادی در میان مسیحیان نیز مشروع و مباح بوده است [ابوخلیل، شوقی؛ ۱۹۹۹؛ ص ۲۲۹].

رعایت حقوق همسران و اجرای عدالت در بین آنها مهم‌ترین مسئله در تأمین سلامت روانی خانواده‌هایی است که مرد دارای بیش از یک همسر می‌باشد. وجود شوهر در کنار زن باعث آرامش روانی و احساس امنیت او می‌شود، این امر در هنگام بروز مشکلات جسمی به ویژه در ایام بیماری، عادت ماهیانه و پس از زایمان اهمیت بیشتری دارد.

۳-۷-۱ احکام قَسْم

حداقل نوبت قَسْم یک شب و حداکثر آن سه شب است و بیشتر از آن جایز نیست. هم‌چنین جمع نمودن بین دو هوو در یک مسکن مشترک بدون رضایت آنها حرام است. نوبت قسم برای عروس باکره بدون جبران برای سایر هووها، هفت شب و برای بیوه، سه شب است.

رعایت حقوق زوجات و تقسیم اوقات زوج، به خصوص شب تا آنجا مورد تأکید شارع است که بخشی از فقه اسلامی را به خود اختصاص داده است. قرار دادن شب به عنوان اصل و رکن قسم در افراد عادی که در روزها کار می‌کنند و شب را استراحت می‌نمایند؛ یکی از نکات مهم در تأمین سلامت روانی همسران است؛ زیرا وحشت و هراس تنهایی در شب بیشتر است و خداوند شب را زمان استراحت و آرامش قرار داده است. حداکثر اختیار مشخص برای تقسیم زمان بودن با یکی از همسران سه شب است و بیشتر از آن جایز نیست؛ زیرا ممکن است برای همسران دیگر مشکلاتی روحی یا جسمی رخ دهد و مرد از آن بی‌اطلاع باشد.

زندگی دو هوو در یک مسکن مشترک بدون شک مشکلاتی را به دنبال خواهد داشت زیرا تجربه‌های متعدد در میان تمامی ملل، بروز اختلافات در میان هووهایی را که در یک مسکن زندگی می‌کنند، نشان می‌دهد؛ اما در صورت رضایت آنان و وجود روابط صمیمی بین آنان این احتمال منتفی است.

اختصاص هفت شب بدون جبران برای نوعروس‌های باکره برای آشنایی به اخلاق و رفتار شوهر و ایجاد آرامش روانی و لذت جنسی در آنان است؛ زیرا اولین تماس جنسی با دختران باکره همواره با درد ازاله‌ی بکارت همراه است و به تدریج در آمیزش‌های بعدی، لذت جنسی به طور کامل ارضا می‌شود، اما در بیوه زنان که تجربه‌ی کافی در مسایل جنسی دارند و مشکل جسمی نیز ندارند، این مدت سه شب تعیین شده است تا برای همسران دیگر مشکلات زیادی به وجود نیاید.

۴- خُلْع (جدایی از جانب زن)

خُلْع در لغت به معنی درآوردن و کندن لباس است؛ چون خداوند زن و شوهر را به عنوان لباس هم دیگر معرفی فرموده است:

﴿هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ﴾ [البقرة: ۱۸۷].

«آنان لباس شمایند و شما لباس آنانید».

بنابراین، جدایی بین آنان به درآوردن لباس تشبیه شده است.

در اصطلاح فقه خلع عبارت است از جدایی بین زن و شوهر با رضایت و درخواست زن و نیز پرداخت مبلغی از طرف او به عنوان عوض خلع به شوهر [الخن، مصطفی و زملاؤه؛ ۱۴۱۸؛ ج ۲؛ ص ۱۲۱].

ادله‌ی مشروعیت خلع آیه‌ی:

﴿فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يَقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ﴾ [البقرة: ۲۲۹].

«پس اگر بیم داشته باشید که حدود الهی را رعایت نکنند، گناهی برایشان نیست که زن فدیة و عوضی بپردازد».

و حدیث روایت شده توسط امام بخاری رحمه‌الله در مورد همسر ثابت بن قیس و هم‌چنین اجماع علما در این باره است.

عدم سازش و توافق بین زوجین و نزاع و کشمکش مداوم نه تنها سلامت روانی و جسمی زن و شوهر را تهدید می‌کند، بلکه اثرات بسیار مخربی روی کودکان دارد. کودک بر اثر اختلافات احساس حقارت و ناامنی شدیدی خواهد نمود و اگر این احساسات افزایش یابد به بیماری‌های روانی منجر می‌شود [شاملو، سعید؛ ۱۳۶۶؛ ص ۱۴۹].

۵- طلاق

طلاق در لغت به معنی باز کردن و رها کردن و در شرع به معنی بر هم زدن عقد نکاح با الفاظ مخصوصی است؛ به دلیل آیهی:

﴿الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَنٍ﴾ [البقرة: ۲۲۹].

«طلاق دو بار است (طلاق که مرد حق رجعت دارد پس از آن) نگاهداری به گونه‌ای شایسته یا رها کردن».

و آیات دیگری در قرآن طلاق در اسلام مشروع است؛ اما پیامبر ﷺ در مذمت آن فرموده است: «لیس شیءٌ من الحلال أبغض إلى الله من الطلاق» «نزد خداوند هیچ حلالی منفورتر از طلاق نیست».

طلاق دادن زن هنگامی که در حیض یا نفاس است یا در پاکی که مرد با او هم‌بستر شده است، «طلاق بدعی» نامیده می‌شود و حرام است.

طلاق دارای الفاظ صریح و کنایه است که در فقه از آن‌ها بحث شده است و از شرایط لازم برای وقوع طلاق مکلف بودن زوج است؛ بنابراین طلاق دیوانه، پسر بچه‌ی نابالغ، مکره و اشخاص بی‌هوش یا خوابیده، واقع نمی‌شود.

محیط خانواده اولین و بادوام‌ترین عامل در تکوین شخصیت کودکان و زمینه‌ساز رشد جسمانی، اخلاقی، عقلانی و عاطفی آنان است. نهاده خانواده مهم‌ترین محور زندگی اجتماعی بشر است و سلامت افراد جامعه در گرو سلامت کانون خانواده‌هاست.

اسلام با تشویق فرد به ازدواج و تشکیل خانواده و نفی هرگونه تبعیض و ظلم به زنان زمینه‌ی ایجاد محیطی سالم برای آرامش جسمی و روانی شخص را فراهم نموده است؛ اما اگر به دلیل هرگونه اختلاف سلامت روانی اعضای خانواده به خطر افتاد، پس از

گذراندن مراحل چهارگانه‌ی نصیحت، ترک هم خوابگی، تنبیه آرام و بدون درد و انتخاب حَکَم، اجازه‌ی جدایی در طی سه مرحله را صادر نموده است [الصابونی، محمدعلی؛ ۱۴۱۴؛ ج ۱؛ ص ۴۷۱] و در صورتی که زوجین در مراحل اول و دوم پشیمان شدند، فرصت زندگی مجدد به آنان داده می‌شود؛ اما در مرحله‌ی سوم که اختلافات شدید و پی در پی، احترام متقابل را از بین برده است، دیگر اجازه‌ی زندگی مجدد به آن‌ها داده نمی‌شود.

تشریع احکام طلاق با شرایط فوق از ویژگی‌های منحصر به فرد شریعت محمدی است که در شریعت‌های دیگر یافت نمی‌شود و عدم تشریع حکم طلاق در آن مکاتب مشکلات روانی و اخلاقی متعددی را برای اعضای خانواده به ویژه کودکان به وجود آورده است؛ زوجین برای ارضای نیازهای جنسی و عاطفی خود به انواع انحرافات اخلاقی روی آورده و گاهی اوقات شدت اختلافات و بیماری‌های روانی ناشی از آن منجر به خودکشی، قتل همسر و یا قتل تمام اعضای خانواده منجر می‌شود.

ضرورت تشریع حکم طلاق را جوامع غربی به خوبی دریافتند و قانون طلاق به صورت رسمی را تصویب کردند؛ آخرین این کشورها ایتالیا بود که در سال ۱۹۷۱ آن قانون را تصویب کرد [ابوخلیل، شوقی؛ ۱۹۹۹؛ ص ۲۳۲].

اگر در طی مراحل چهارگانه‌ی مذکور اختلافات بین زن و شوهر رفع نشود، ادامه‌ی مشاجرات و زد و خورد‌های فیزیکی کانون خانواده را به محیطی ناامن تبدیل می‌سازد و در این صورت جدایی و طلاق بهترین راه‌حل خواهد بود؛ زیرا اثر مشاجرات و منازعات والدین در حضور کودکان و نوجوانان به مراتب شدیدتر از جدایی و طلاق است؛ بنابراین نه تنها سلامت روانی و جسمی فرزندان در محیط چنین خانواده‌هایی به خطر می‌افتد، بلکه تعادل روانی زن و شوهر نیز دچار آسیب‌های جدی می‌شود.

مناقشات پدر و مادر مهم‌ترین مسایلی است که کودک را دچار حالت دوگانگی عاطفی نموده و او را بر سر دو راهی قرار می‌دهد و کودک را به طور ناخودآگاه مجبور به عکس‌العمل‌های ظاهراً غیرطبیعی می‌نماید [میلانی‌فر، بهروز؛ ۱۳۷۳؛ ص ۱۱۱-۱۱۰]. وجود خصومت آشکار میان اولیا، کودک را دچار تعارض و کشمکش روانی می‌نماید، بدین معنی که نمی‌داند از کدام طرف جانب‌داری کند. در این گونه موارد کودک ممکن است گاهی به سوی مادر و موقعی نیز به طرف پدر روی آورد و خشم طرف مقابل را هر بار نسبت به خود برانگیزد و اگر نسبت به هر دو در مواقع مختلف، نظر موافق نشان دهد، باعث ایجاد اضطراب و تشویش در او خواهد شد [شاملو، سعید؛ ۱۳۶۶؛ ص ۸۴-۸۳].

علت تحریم طلاق بدعی، وجود مشکلات و ناراحتی‌های جسمی و روانی ناشی از کمبود خون و موادغذایی و نیز تغییرات هورمون‌های بدن در دوران حیض و نفاس است که ممکن است زن را پرخاشگر و عصبانی سازد. گاهی اوقات نیز ممکن است ظهور حاملگی باعث رفع اختلاف و مانع از طلاق می‌شود [کنعان، احمد محمد؛ ۲۰۰۰؛ ص ۶۷۸]؛ هم‌چنین طولانی‌تر شدن مدت «عِدَّة» یکی دیگر از دلایل تشریع این حکم است.

۵-۱- مُتْعَه^۱

اگر زنی قبل از نزدیکی طلاق داده شده و به هر دلیلی مهریه‌ی خود را دریافت نکرده باشد و هم‌چنین تمام گروه‌های زنان موطوء اعم از مسلمان و غیرمسلمان و آزاده و غیرآزاده استحقاق دریافت متعه را دارند. مبلغ متعه با توجه به وضعیت اقتصادی و اجتماعی طرفین توسط قاضی تعیین می‌شود و مستحب است که از ۳۰ درهم نقره کمتر نباشد.

^۱ - متعه در فقه اهل سنت و جماعت جایز نمی‌باشد و به اتفاق مسلمانان حرام می‌باشد و فقط شیعیان هستند که متعه را جایز می‌دانند و متأسفانه مؤلف نیز بر اساس فقه شیعی این مسأله را بیان کرده‌اند.

علت وجوب متعه این آیه است:

﴿لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ﴾ [البقرة: ۲۳۶].

«اگر زنان را قبل از آمیزش جنسی و تعیین مهر طلاق دهید، گناهی بر شما نیست که آنان را بهره‌مند سازید».

و حکمت آن را فقها کم کردن اضطراب و وحشت ناشی از طلاق ذکر نموده‌اند [الشربینی؛ ج ۳؛ ص ۳۴۱].

سکونت دادن زنان مطلقه - غیر از زنان ناشزه - در مدت عده نیز واجب است.

تشریع احکام صداق، نفقه، متعه و سکونت دادن زنان معتده از جمله احکامی هستند که حقوق زن را در جامعه‌ی اسلامی تبیین می‌سازند.

عواطف و احساسات طبیعی زن مقتضی این است که در تمام زمینه‌ها، توجه بیشتری به او معطوف شود زیرا آنان وظایف مهمی چون تربیت کودکان، شوهرداری و خانه‌داری را به عهده دارند. پس از طلاق حمایت اقتصادی از زن تا حدود زیادی از مشکلات ناشی از جدایی در جنبه‌های مختلف می‌کاهد.

در اکثر کشورها زنان به نسبت مردان از خدمات روان‌پزشکی بیشتری استفاده کرده و زنان بیشتری جویای کمک به مسایل روانی بوده و بیشتر داروهای آرام‌بخش برایشان تجویز می‌شود [دفتر اروپایی سازمان بهداشت جهانی؛ ۱۳۸۰؛ ص ۱۷۰].

طلاق یکی از بحران‌های مهم دوران زندگی است که عوارض و پیامدهای روانی، اجتماعی و اقتصادی آن مدت‌ها دامن‌گیر شخص می‌شود.

طلاق اکثراً با سر درگمی، افسردگی، بلاتکلیفی و اختلالات رفتاری توأم است و این مسایل در زنانی که دارای فرزند بوده و طلاق گرفته‌اند بسیار حادتر است [آرزو مانیان، سونیا؛ ۱۳۷۸؛ ص ۳۵۸].

جامعه به زنانی که از شوهر جدا شده‌اند با بدبینی و تردید و در بعضی موارد با نفرت و بغض می‌نگرد؛ اضطراب و نگرانی ناشی از جدایی اکثراً باعث ترس از ازدواج مجدد در این افراد می‌شود و بدبینی ناشی از سرنوشت زندگی قبلی مدت‌ها تشکیل زندگی تازه را به تأخیر انداخته و در صورت تشکیل، آن را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد [میلانی‌فر، بهروز؛ ۱۳۷۳؛ ص ۱۳۲-۱۳۰].

۶- ایلاء (سوگند به ترک همبستری)

ایلاء در لغت به معنی سوگند خوردن و در شرع سوگند خوردن زوج مبنی بر نزدیکی نکردن با همسر خود به طور مطلق یا بیشتر از چهار ماه است.

دلیل تشریع احکام ایلاء آیه‌ی: ﴿لِّلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِن نِّسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ﴾ [البقرة: ۲۲۶] «کسانی که زنان خویش را ایلاء می‌نمایند حق دارند چهار ماه انتظار بکشند» است.

پس از گذشت چهار ماه از سوگند ایلاء و عدم انجام عمل همبستری، قاضی شوهر را به همبستری و پرداخت کفاره یا طلاق دادن همسر وادار می‌نماید.

اگرچه زندگی زناشویی سعادت‌مند تا حدود معینی مربوط به روابط لذت‌بخش جنسی است ولی این روابط یکی از مهم‌ترین علل خوشبختی یا عدم خوشبختی زندگی زناشویی است؛ زیرا اگر این روابط قانع‌کننده نباشد، به احساس محرومیت، ناکامی و عدم احساس امنیت منجر می‌گردد؛ تحقیقاتی که در مورد ازدواج انجام شده است نشان می‌دهد که مسئله‌ی جنسی از لحاظ اهمیت در ردیف مسایل درجه‌ی اول قرار دارد [میلانی‌فر، بهروز؛ ۱۳۷۳؛ ص ۱۲۶].

در روابط زناشویی زن و مرد نه تنها نیازهای جسمی خود را ارضا می‌کنند بلکه کمبودها و نیازهای روانی خود را جبران می‌کنند و ارضای تمایلات عاطفی، اساس بهداشت جسمانی و روانی است زیرا محرومیت و احساس ناامنی طولانی یا دایمی، شخص را در حالت هیجان مداوم نگاه می‌دارد و به تدریج منجر به ناراحتی‌های عضوی و روانی می‌گردد [شاملو، سعید؛ ۱۳۶۶؛ ص ۷۴].

۷- عِدَّة

عده در اصطلاح فقه عبارت است از مدت معینی که زن برای معرفت برائت رحم، از ازدواج خودداری می‌کند. آیات و احادیث متعدد و نیز اجماع علما بر مشروعیت عده دلالت دارند.

انواع «عده»:

۱- عده‌ی وفات:

الف) عده‌ی وفات برای زن حامله به وضع حمل است و دلیل این امر آیه‌ی: ﴿وَأُولَئِكَ الْأَحْمَالُ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ﴾ [الطلاق: 4] «و عده‌ی زنان باردار، وضع حمل است» می‌باشد.

ب) عده‌ی وفات برای زن غیر حامله مطابق آیه‌ی ﴿وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا﴾ [البقرة: ۲۳۴] «و کسانی که از شما می‌میرند و همسرانی از پس خود به جای می‌گذارند، همسرانشان باید چهار ماه و ده شبانه روز انتظار بکشند» چهار ماه و ده شبانه روز است.

۲- عده‌ی فراق:

الف) مطلق قبل از دخول با توجه به آیه‌ی ﴿إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا﴾ [الأحزاب: 49] «هنگامی که با زنان مؤمنه ازدواج کردید و پیش از هم‌بستری با ایشان، آنان را طلاق دادی، برای شما عده‌ای بر آنان نیست تا حساب آن را نگاه دارید» عده ندارد.

ب) عده‌ی مطلقه حامله به وضع حمل است آن‌چنان که در آیه‌ی ۴ سوره‌ی طلاق ذکر شده است.

ج) عده‌ی زنان مطلقه‌ی غیر حامله که دارای حیض هستند، با استناد به آیه‌ی ﴿وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ﴾ [البقرة: ۲۲۸] «و زنان مطلقه باید به مدت سه بار عادت ماهیانه انتظار بکشند» سه قُرء است و مطابق قول اظهر در مذهب امام شافعی رحمه‌الله قُرء عبارت است از پاکی که قبل و بعد از آن خون‌ریزی (عادت ماهیانه) وجود داشته است.

د) عده‌ی زنان یایسه و صغیره‌هایی که هنوز عادت ماهیانه در آن‌ها شروع نشده است، سه ماه است به دلیل آیه‌ی ﴿وَالَّتِي يَبْسُنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ أُرْتَبَتْمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَالَّتِي لَمْ يَحِضْنَ﴾ [الطلاق: 4] «زنانی که ناامید از عادت ماهیانه‌اند و هم‌چنین زنانی که هنوز عادت ماهیانه ندیده‌اند، اگر متردید (درباره‌ی حکم عده‌ی ایشان) بدانید که عده‌ی آنان سه ماه است».

لقاح تخمک زن با نطفه‌ی مرد و استقرار آن در جدار مخاط و تشکیل جفت و جنین که معمولاً با قطع قاعدگی و بروز علائم خاصی در نوک پستان‌ها و تغییر خلق و خوی خانم‌ها و عوارض دیگری مانند تهوع توأم است، حاملگی یا آبستنی خوانده می‌شود. باید دانست که علائم فوق قطعی نیستند؛ برای مثال قطع قاعدگی، که مهم‌ترین علامت آبستنی است گاهی وجود ندارد؛ از نظر علم پزشکی تشکیل جفت دلیل حاملگی است. معمولاً دو هفته پس از شروع حاملگی با آزمایش ادرار می‌توان حاملگی را تشخیص داد. آثار حاملگی با توجه به نکات فوق به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- علائم احتمالی: مانند قطع قاعدگی، بزرگ شدن شکم، حجیم شدن پستان‌ها، ترک خوردن پوستی در شکم، ران‌ها و سرین، بزرگی رحم و نرم شدن دهانه‌ی آن؛ علائم فوق در نیمه‌ی اول حاملگی یعنی چهار ماه و نیم اول ظاهر می‌شوند.

۲- علائم قطعی: ولوج روح در جنین که به صورت حرکت جنین و شنیدن صدای قلبش به وضوح در نیمه‌ی دوم حاملگی یعنی چهار ماه و نیم به بعد تا وضع

حمل وجود دارد. از تکنیک‌های سونوگرافی و رادیوگرافی می‌توان در این دوران برای تشخیص حاملگی استفاده کرد [گودرزی، فرامرزی؛ ۱۳۷۴؛ ص ۵۹۱-۵۹۲].

عده‌ی زنانی که شوهرشان فوت نموده است چهار ماه و ده روز است و در پایان این دوره که جنین در سن ۱۸ هفتگی خود است، زن حامله حرکت جنین را کاملاً حس می‌کند، بنابراین اگر در طی این مدت حاملگی تشخیص داده شد، لازم است که این افراد عده‌ی زنان حامله یعنی وضع حمل را نگاه دارند و در غیر این صورت به آنان اجازه‌ی ازدواج داده می‌شود [الجبال و العمری؛ ۱۹۹۷؛ ص ۷۹].

تشریح حکم سه قرء برای زنانی که دارای عادت ماهیانه هستند به دلیل احتمال حاملگی است، زیرا رؤیت خون برای یک یا دو بار اثبات حیض و نفی حاملگی نمی‌کند زیرا در ۳٪ از حاملگی‌ها به طور کلی خون‌ریزی‌های واژینال وجود دارد [کاپیانی و همکاران؛ ۱۳۷۳؛ ص ۱۹۶].

در دوران حاملگی خون‌ریزی ممکن است به علل زیر وجود داشته باشد:

الف) لانه‌گزینی تخمک در جدار رحم (implantation) در اواخر هفته‌ی اول حاملگی.

ب) کاهش مقدار هورمون پروژسترون در هفته‌ی هشتم بر اثر توقف فعالیت جسم زرد (corpus luteum).

ج) سقط در ماه اول دوران حاملگی.

د) حاملگی غیرطبیعی خارج از رحم [الجبال و العمری؛ ۱۹۹۷؛ ص ۷۸].

در خصوص عده‌ی زنان یایسه و دخترهای نابالغ مطلقه لازم است که به مکانیسم شروع عادت ماهیانه در زمان بلوغ و قطع آن در سن یایسگی اشاره شود؛ هنگام بلوغ در جنس مؤنث چرخه‌های منظم جنسی (sexual cycle) تحت تنظیم هیپوتالاموس شروع می‌شود.

هورمون آزادکننده‌ی گونادوتروپین (Gn Rh) که در هیپوتالاموس تولید می‌شود، بر روی سلول‌های هیپوفیز قدامی اثر کرده و باعث ترشح هورمون آزادکننده‌ی فولیکول

(F.S.H) و هورمون (L.H) می‌شود که تغییرات چرخه‌ای را در تخمدان‌ها تحریک و مهار می‌کنند [سادلر، توماس؛ ۱۳۷۷؛ ص ۳۲].

سیکل‌های ماهیانه در یکی دو سال اول بدون تخم‌گذاری هستند، اما از حدود ۱۳ سالگی تا سن ۳۰ سالگی دوران بارداری است و سیکل‌ها تقریباً با فواصل ۲۲ تا ۳۱ روز منظم هستند. در ۳۵ سالگی به علت کاهش تعداد فولیکول‌ها و نیز کاهش حساسیت آن‌ها به گونادوتروپین‌ها، تعداد تخم‌گذاری‌ها کاهش یافته و مقدار ترشحات هورمونی تغییر می‌کند و در حوالی ۳۹-۵۰ سالگی این کاهش، برای تحریک آندومتر کافی نبوده و سیکل‌های عادت ماهیانه قطع می‌شوند [کاویانی و همکاران؛ ۱۳۷۳؛ ص ۱۳۲].

۲-۱- تعیین نسب

اگر در نکاحی فاسد زن معتدّه‌ای حامله شود و امکان نسبت دادن بچه به هیچ کدام از شوهرها وجود نداشته باشد، کودک با تعیین قانفی که مسلمان، عادل و مجرب است به یکی از آن دو داده می‌شود و نسبش به او ثابت می‌شود.

آزمایش‌های ابوت یا تعیین پدر کودک امروزه به حدی دقیق و علمی هستند که با قاطعیت از هر ۱۰۰۰ مورد می‌توان در ۹۹۸ مورد نتیجه‌ی حقیقی را اعلام کرد. آزمایش گروه‌های خونی چهارگانه‌ی (A, B, AB, O) امروزه به گروه‌های بی‌شماری منتهی شده است؛ افرادی که خاصیت گروه‌های خونی در همه‌ی ترشحاتشان وجود دارد به گروه "S" بزرگ تعلق دارند و افرادی که دارای این خاصیت نیستند، در گروه "s" کوچک قرار می‌گیرند. گروه‌های MN, N, M و بالاخره RH در بیش از ۲۰ گروه مجزا که حاصل تلاش متخصصان خون‌شناسی است، در گروه‌های مختلف اصلی و فرعی بیش از ۱۹۰۰۰ نوع گروه خونی متنوع تشکیل شده است. علاوه بر گروه‌های خونی از مشخصات پروتئینی خون و آنزیم‌های گلبول‌های خونی و گروه‌های سرمی و سیستم‌های بزاقی نیز می‌توان در اثبات یا رد ابوت استفاده‌های شایان توجهی نمود؛ به خصوص

استفاده از سیستم آنتی ژن گلبول‌های سفید انسانی یا (H.L.A)^۱ که دارای گونه‌های فراوانی است، در تعیین مشخصات اشخاص، ظرفیت گسترده‌ای دارد. امروزه با در نظر گرفتن انواع گروه‌های اصلی و فرعی خون و سیستم‌های مختلف H.L.A چندین میلیارد فرمول مختلف به دست می‌آید و به این ترتیب دو نفر پیدا نخواهد شد که در گروه‌های اصلی و فرعی و روش‌های H.L.A یکسان باشند [گودرزی، فرامرزی؛ ۱۳۷۴؛ ص ۶۰۶-۶۰۵].

۸- رضاع (خویشاوندی شیری)

رضاع در لغت به معنی گرفتن پستان و مکیدن شیر است و در اصطلاح شرع عبارت است از رسیدن شیر زن یا فرآورده‌های شیری‌اش به معده‌ی طفل بر وجه شرعی (پنج بار خوردن شیر یا فرآورده‌های آن در سن کمتر از دو سالگی).

اصل در تحریم رضاع آیه‌ی: ﴿وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضْعَةِ﴾ [النساء: 23] «(خداوند بر شما حرام کرده است) مادرانی که به شما شیر داده‌اند و خواهران رضاعیتان» و احادیث روایت شده توسط امام مسلم رحمه‌الله و اجماع علماست؛ «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» «هر آنچه که از نسب حرام است، از شیر خوردن کودک نیز حرام می‌شود» و «إِنَّ الرِّضَاعَةَ تَحَرِّمُ مَا يَحَرِّمُ مِنَ الْوِلَادَةِ» «آنچه که از تولد بچه از مادر بر او حرام است، از شیر خوردنش هم حرام می‌شود». علما دلیل این تحریم را تشکیل اجزای بدن شیرخوار از شیر مادر رضاعی دانسته‌اند [الشربینی؛ جلد سوم؛ ص ۴۱۴].

هیچ کدام از والدین حق قطع شیر را پیش از تکمیل دو سال ندارند. اما قطع شیر در پایان دو سال مستحب است و ادامه‌ی آن بدون دلیل مکروه است.

امروزه دانشمندان ترکیبات کلی شیر مادر، تغییرات مداوم آن به موازات تغییرات نیاز طفل، مکانیسم ترشح، اهمیت شیر مادر در تأمین سلامت کودک و تأثیرات آن بر سلامت مادر شیرده را مورد بررسی قرار داده و نکات قابل توجهی را بیان کرده‌اند، که در جای جای آن حکمت کامله‌ی خداوند و علم جامع آفریدگار به نیازهای بشر را می‌توان دریافت.

تغذیه‌ی انحصاری کودک با شیر مادر آب مورد نیاز بدنش را تأمین و به همین دلیل از هر گونه آلودگی احتمالی جلوگیری می‌شود.

در همین راستا سازمان یونیسف تخمین زده است که اگر تمام مادران اقدام به شیردهی نوزادان خود نمایند، همه ساله از حدود یک میلیون مرگ و میر کودکان پیشگیری خواهد شد؛ آن سازمان تأکید می‌کند که شیر مادر در شش ماه اول زندگی، کودک را - حتی در مناطق گرمسیری - از دریافت آب بی‌نیاز می‌کند [اصفهانی، محمد مهدی؛ ۱۳۷۴؛ ص ۴۶-۴۰].

شیر مادر حاوی عامل بیفیدوس^۱ است که رشد باکتری‌های مفید روده را افزایش می‌دهد؛ این ماده‌ی غذایی کامل، از آلودگی به میکروارگانیسم‌های بیماری‌زا عاری است [هاگدن، رابینسون؛ ۱۳۷۸؛ ص ۲۱۰].

وجود کلسیم فراوان در شیر مادر که در استخوان‌بندی و استحکام دندان‌ها نقش بسیار فعالی دارد، از دیگر مزایای این نعمت خداوندی است [نجم آبادی، محمود، ۱۳۴۰؛ ص ۶۴].

شیر مادر علاوه بر داشتن دمای ثابت و مناسب برای طفل، زمینه‌ی آلودگی‌های موجود در تغذیه با شیرخشک را ندارد و در معده‌ی طفل یک ساعت و نیم بیشتر نمی‌ماند، در حالی که شیرخشک یا شیرهای دیگر سه تا چهار ساعت در معده می‌مانند [دیاب و قرقوز، ۱۳۷۵؛ ص ۱۰۶].

وجود عوامل سلولی و پروتئینی ایمنی بخش در شیر مادر موجب کاهش موارد ابتلای کودک به بیماری‌های اسهالی، گوارشی، تنفسی و ادراری می‌گردد.

به همین دلیل است که احتمال مرگ کودکان محروم از شیرمادر ۱۸ برابر افزایش می‌یابد هم‌چنین به علت عدم وجود فراکسیون بتا^۲ در شیرمادر که عامل ایجاد حساسیت است،

1- bifidus factor

2- B fraction

کودکانی که از شیر مادر تغذیه می‌شوند به ندرت به بیماری‌های ناشی از حساسیت (آسم، اگزما و انواع آلرژی) مبتلا می‌شوند [Shier, David: et al; 1999:878].

چربی‌های اشباع نشده با زنجیره‌های طولانی که برای رشد مغز لازم است و اسیدهای آمینه سیستین^۱ و تورین^۲ و هم‌چنین مواد قندی و معدنی کافی برای رشد بافت‌های بدن از ویژگی‌های منحصر به فرد شیر مادر این نعمت پر برکت خداوندی است. براساس برخی اطلاعات علمی قابل استناد تنها ماده‌ی غذایی یا دارویی شناخته شده که ضریب هوشی (IQ) را می‌توان تا ۸ واحد افزایش دهد فقط شیر مادر است.

شیر مادر علاوه بر مواد غذایی و خواص منحصر به فردی که ذکر شد عامل بسیار مؤثری در ایجاد رابطه‌ی عاطفی قوی بین مادر و کودک و احساس امنیت در کودک است. هم‌چنین با در نظر گرفتن جنبه‌های اقتصادی می‌توان گفت که استفاده از شیر مادر در کاهش هزینه‌های خانواده و دولت و قطع وابستگی اقتصادی و نیز کاهش بیماری‌های عفونی و مرگ و میر کودکان بسیار مؤثر است [دیب و قرقوز؛ ۱۳۷۴؛ ص ۱۰۷].

شیردهی وسیله‌ای طبیعی برای پیش‌گیری از بارداری‌هاست و اگر دوران شیردهی دو سال کامل طول بکشد، فاصله‌ی میان بارداری‌ها با رعایت شرایط مربوطه تقریباً سه سال است و با بازسازی و تأمین ذخایر از دست رفته‌ی مادر همسو هماهنگ است [خوش‌طینت، آمنه؛ ۱۳۶۹؛ ص ۴۸].

مادر شیرده نه تنها ضرر نمی‌بیند بلکه بهره‌هایی هم می‌برد؛ از آن جمله ترشح هورمون اکسی‌توسین^۳ و پرولاکتین^۴ از غده‌ی هیپوفیز است، که پس از مکیده شدن پستان مادر و انتقال موج عصبی از نوک پستان به هیپوتالاموس^۵ دو پیام محرک ترشح هورمون صادر

1- systin amino acid

2- turin amino acid

3- oxytocion hormone

4- prolaction hormone

5- hypothalamus

می‌گردد؛ یکی به بخش پیشین غده‌ی هیپوفیز^۱ که ترشح هورمون پرولاکتین را به دنبال دارد و این هورمون نقش اساسی را در ساخته‌شدن و ترشح شیر دارد و دیگری به بخش پسین غده‌ی مذکور که ترشح هورمون انقباض‌دهنده‌ی اکسی‌توسین را به دنبال دارد؛ این هورمون نیز بازگشت رحم را به جایگاه قبلی پیش از زایمان، تسریع می‌کند. در طول دوران شیردهی تدریجاً ذخیره‌های چربی بدن مادر که در زمان حاملگی جمع شده است مورد استفاده قرار گرفته و از چاق شدن مادر جلوگیری می‌شود.

1- posterior pituitary gland

۹- نفقه‌ی همسر

در بحث نفقه علاوه بر خوراک، پوشاک و مسکن به تناسب فصول سال، شخصیت اجتماعی زوجین و شیوه‌ی زندگی مردم جامعه‌ی آن‌ها، بر مرد واجب است که وسایل موردنیاز را برای نظافت و پاکیزگی همسر خود تهیه نماید:

- ۱- وسیله‌ی پاک نمودن بدن از چرک و آلودگی‌ها مانند لیف.
 - ۲- وسایل تمیز نگه‌داشتن موها مانند شانه و روغن‌های تقویت‌کننده.
 - ۳- مواد پاک‌کننده برای شست و شوی لباس مانند «آشنان»^۱ و صابون.
 - ۴- مواد پاک‌کننده برای شست و شوی سر مانند: سدر و خطمی به تناسب عادات موجود در جامعه و نیاز همسر.
 - ۵- مَرْتَك^۲ که ماده‌ای برای از بین بردن بوی بدن و زیر بغل است؛ بنابر قول اصح هزینة‌ی حمام نیز بر مرد واجب است.
- قتال رحمه‌الله به وجوب تهیه‌ی خلال دندان در صورت نیاز همسر به آن نیز تصریح نموده است [الشربینی؛ جلد ۳؛ ص ۴۳۱].
- در صورتی که مرد نتواند نفقه‌ی زن را بپردازد قاضی پس از سه روز مهلت، می‌توان نکاح بین زوجین را به دلیل اعسار زوج فسخ کند.

۱- گیاهی است که به عربی آن را غاسول گویند و برای شستن دست‌ها بعد از غذا و نیز شستن لباس استفاده می‌شود.

۲- مرتک با مردار سنگ اکسید دو ظرفیتی سرب متبلور یا پروتواکسید ازت است که در قدیم برای رفع بوی بد بدن به کار می‌رفت.

آن‌چنان که در احکام «ایلاء» بیان شد اسلام برخلاف سایر مکاتب مرد را ملزم به تأمین نیازهای جسمی و روانی همسر کرده است.

در این مبحث علاوه بر نیازهای ضروری زندگی شامل: خوراک، پوشاک و مسکن به تناسب فصول سال و شخصیت اجتماعی زوجین و نیز عادات غذایی مردم، وسایل و مواد موردنیاز برای تأمین سلامتی و بهداشت جسمی همسر بیان شده است. حکم به تهیه‌ی مواد و وسایل مذکور که در بهداشت پوست، مو، لباس، دهان و دندان به کار می‌روند، نمونه‌هایی از توجه اسلام به بهداشت فردی است.

۹-۱- تأمین نفقه‌ی زنان مطلقه

تأمین نفقه‌ی زن معتده‌ی رجعی و هم‌چنین زن حامله در طلاق بائن واجب است. هم‌چنین در صورت تمکن مالی، شخص ملزم است که نفقه‌ی پدر، مادر، پدربزرگ‌ها، مادربزرگ‌ها، بچه‌ها و نوه‌های خود را اگر چه مسلمان هم نباشند، تأمین نماید و در صورت خودداری شخص از پرداخت این هزینه‌ها قاضی اموال او را فروخته و نفقه‌های مذکور را تأمین می‌نماید.

طلاق یکی از مهم‌ترین کانون‌های بحران و عوامل استرس‌زا است؛ مشکلات روحی و روانی ناشی از این پدیده‌ی شوم در زنان به علت خصوصیات روانی آن‌ها، بسیار بیشتر از مردان است و در صورت حاملگی زن، مشکلات جسمی نیز بر مسایل روانی افزوده شده، زمینه‌ی مساعدی برای بروز بیماری‌های جسمی و روانی به وجود می‌آید.

احکام مربوط به نفقه و ملزم نمودن شخص به پرداخت نفقه‌ی افراد تحت تکفل و تأمین نیازهای آن‌ها از جمله احکام مهمی هستند که در رفع مشکلات جسمی و بیماری‌های ناشی از فقر مواد غذایی و تأمین سلامت روانی کودکان، زنان و سالمندان، اهمیت ویژه‌ای دارند.

۱۰- حضانت (سرپرستی اطفال)

حضانت عبارت است از حفظ، نگهداری و تربیت افرادی که مستقل نیستند و نیاز به کسانی دارند که از آنها مراقبت نمایند.

در امر حضانت زنان به تربیت، ابتدا مادر و سپس جده‌های مادری شایسته‌تر هستند و در صورت عدم وجود آنها، اولویت با پدر است. بعد از پدر، مادر پدر و سپس جده‌های پدری با توجه به نزدیکی آنها به کودک در این امر تقدم دارند.

احکام فوق درباره‌ی کودکی است که به سن تمیز نرسیده است؛ اگر بچه به سن تمیز (حدوداً هفت سالگی) رسیده باشد می‌تواند هر کدام از والدین را انتخاب کند. اگر پسر بچه‌ی ممیز پدر را انتخاب کرد، پدر نمی‌تواند مادر را از دید فرزند منع کند؛ اما پدر می‌تواند مانع رفتن دختر بچه نزد مادرش بشود ولی حق منع دیدار مادر با فرزندش را ندارد؛ بنابراین هر چند روز یک بار مادر می‌تواند دختر بچه‌ی خود را ملاقات نماید.

نکات علمی درباره‌ی احکام فوق را می‌توان از شیر مادر و تأثیر فوق‌العاده‌ی آن در تأمین سلامت جسمی و روانی کودک و نیز آغوش پر مهر و محبت مادر مورد بحث قرار داد؛ کودک که در آغاز تولد در مسایل عوامل بیماری‌زای محیطی (میکروب‌ها، قارچ‌ها، ویروس‌ها، کمبود مواد غذایی، عوامل فیزیکی، عوامل شیمیایی و غیره) عملاً بی‌دفاع است؛ بعدها به تدریج با خوردن آغوز و شیر مادر و محبت‌های حاصل از شیردهی و در آغوش گرفتن، جسم و روانش تقویت می‌شود [الحبال و العمری، ۱۹۹۷؛ ص ۹۶-۸۳ و محمدیها، حسن؛ ۱۳۶۸؛ ص ۱۶۶].

باید دانست که مادر اولین کسی است که نوزاد با او رابطه‌ی عاطفی برقرار می‌نماید و اگر در نحوه‌ی ایجاد این رابطه اختلالی حاصل شود، اثرات آن در دوران زندگی کودک یا

نوجوان و برقراری مناسبات صحیح با افراد دیگر آشکار خواهد شد؛ بدیهی است اساس و بنای روانی فرد در دوران کودکی پایه‌ریزی می‌شود [میلانی‌فر، بهروز؛ ۱۳۷۳؛ ص ۱۱۰].

فصل چہارم: جانیات

۱- قصاص

اصل در مشروعیت قصاص آیهی ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ﴾ [البقرة: ۱۷۸] «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! درباره‌ی کشتگان، قصاص بر شما فرض شده است» و اخبار صحیح و نیز اجماع علما است. خداوند در آیهی ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ﴾ [البقرة: ۱۷۹] «ای صاحبان خرد! برای شما در قصاص، حیات و زندگی است» حکمت آن را تداوم حیات و دفع تجاوز و خون‌ریزی ذکر فرموده است.

در قصاص کسی که با وارد کردن زخم موضعه به سر شخص باعث نابینا شدنش شده است، شخص نابینا یا بستگان او فقط می‌توانند یک زخم به همان اندازه بر سر جراح وارد نمایند و اگر زخم مذکور باعث نابیناشدن جراح نشود، ضربه‌ی دیگری به او وارد نمی‌شود، بلکه باید با آسان‌ترین راه ممکن مانند نزدیک کردن میله‌ی گداخته یا ریختن کافور در چشمان او، بینایی‌اش را از بین برد.

قصاص یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد در فقه اسلامی است که نقش بسیار زیادی در حفظ نظم جامعه و جلوگیری از ایجاد خشونت‌ها دارد؛ قصاص هم‌چنین یکی از عوامل مؤثر در اجرای عدالت و تأمین‌کننده‌ی آرامش روانی بازماندگان مقتول و افراد مجروح یا معلول شده در مشاجرات و درگیری‌ها است. اجرای احکام قصاص در جامعه‌ی اسلامی درس عبرتی برای جنایتکارانی است که سودای جنایت را در سر می‌پرورانند؛ بررسی آمارهای جنایت در کشورهایی که احکام اسلامی را به طور نسبی اجرا می‌کنند در مقایسه با جوامع غربی این امر را به وضوح نشان می‌دهد؛ در سال ۱۹۷۲ در شهر نیویورک هر هفته ۵۸ قتل انجام شده بود و در بعضی از روزها آمار قتل‌ها به ۱۳

مورد می‌رسید؛ در سال ۱۹۸۳ روزانه در برزیل به طور متوسط ۳۷۰ قتل انجام شده است [کنعان، احمد محمد؛ ۲۰۰۰؛ ص ۷۷۸].

در خصوص قصاص کسی که با زدن ضربه‌ای بر سر فردی و ایجاد زخم موضعه او را نابینا کرده است، اگر اجرای قصاص با وارد ساختن یک زخم موضعه بر سر او موجب نابینایی‌اش نشود با نزدیک کردن میله‌ای گداخته به چشمان یا ریختن کافور در آن‌ها باید قصاص نابینایی انجام شود؛ اما رعایت اعتدال در اجرای حکم ضروری است زیرا کافور از کلیه‌ی راه‌ها از جمله مخاط و پوست بدن جذب شده و بر سلسله اعصاب و قلب تأثیر می‌گذارد و استعمال بی‌رویه‌ی آن مثلاً ۲ گرم در یک دفعه موجب مرگ می‌گردد [زرگری، علی؛ ۱۳۷۱؛ ج ۴؛ ص ۳۴۳].

۱-۱- شیوه اجرای قصاص

قصاص کننده که از جانب حاکم اسلامی به این کار منسوب شده است باید قصاص را از مفصل انجام دهد و برای بقیه‌ی عضو مجروح به نسبت دیه‌ی کل عضو، مبلغی توسط قاضی تعیین شده و به او پرداخت می‌شود؛ این مبلغ «حکومت» نامیده می‌شود.

شارع با رعایت حقوق افراد همواره اجرای عدالت را در نظر دارد و در جایی که جرح و قطع منضبط و قابل اندازه‌گیری نباشد، قصاص از نزدیک‌ترین مفصل به جرح انجام شده و نسبت به پرداخت حکومت یا ارش در بقیه‌ی عضو قطع شده حکم صادر می‌شود.

با جدا کردن عضو از مفصل، قصاص انجام شده و ضربه‌ای به استخوان‌ها وارد نمی‌شود، زیرا شکستن استخوان‌ها مشکلات زیادی را برای یافت درونی آن که تولیدکننده‌ی گلبول‌های قرمز خون است، به دنبال خواهد داشت؛ هم‌چنین احتمال خونریزی داخلی بر اثر برخورد سرتیز استخوان‌های شکسته با بافت‌های مختلف و پارگی رگ‌ها و مویرگ‌ها وجود دارد.

۱-۲- قصاص اعضای فلج

عضو سالم در مقابل عضو فلج شده قصاص نمی‌شود اگر چه جنایتکار هم راضی باشد؛ اما عضو فلج شده در مقابل عضو سالم قصاص می‌شود، مگر در صورتی، که أطبا تشخیص دهند که در صورت قطع عضو فلج شده خونریزی شدید به مرگ جنایتکار منجر خواهد شد.

مراعات حقوق افراد، رعایت اعتدال و اجرای حق در جامعه از جمله اصولی است که حکومت اسلامی علی‌رغم امر به اجرای آن‌ها، در جای جای احکام به کار می‌برد. حق النفس که یکی از حقوق سه‌گانه در جامعه‌ی اسلامی است همواره مورد تأکید و توجه شارع قرار گرفته است؛ فرد اجازه‌ی خودکشی، قطع عضو و ضرر رسانیدن به بدن خود را ندارد؛ بنابراین حتی در صورت رضایت جنایتکار، عضو سالم جانی در مقابل عضو از کار افتاده، قطع نمی‌شود.

۱-۳- قصاص زن حامله

زن حامله‌ای که مرتکب جنایت شده و حکم قصاص نفس یا اعضا برای او صادر شده است، در حبس می‌ماند و پس از زایمان و تغذیه‌ی نوزاد از آغوز، حکم قصاص درباره‌اش اجرا می‌شود. هم‌چنین در صورتی که زن شیرده‌ای نباشد که شیردهی و نگه‌داری طفل را بر عهده بگیرد، قصاص تا پایان دوره‌ی دو ساله‌ی شیردهی به تأخیر می‌افتد؛ به دلیل این که علما دادن آغوز به بچه و نیز شیر دادن تا پایان سن دو سالگی را در صورت نبودن زن شیردهی غیر از مادر، واجب می‌دانند [الشربینی؛ جلد ۳؛ ص ۴۴۹].

شیر نخستین روزهای پس از زایمان که در فارسی آغوز یا شیر ماک و در انگلیسی (clostrum) نامیده می‌شود، غلیظ و سرشار از ایمونوگلوبین‌های^۱ (G, M, A, E, D) است و وجود فاکتورهای آنتی‌تری‌پسین^۲ در آن مانع تجزیه‌ی تمامی ایمونوگلوبین‌ها می‌گردد و با ایجاد پوششی روی پرزهای روده به عنوان سدی در برابر باکتری‌ها و ویروس‌ها عمل می‌کنند. در روزهای نخستین ولادت که کودک فضای کنترل شده و ایمن رحم مادر را ترک کرده، زندگی در محیط خارج از بدن مادر را با خطر روبرویی با انواع عوامل بیماری‌زا تجربه می‌کند، آغوز نقش فوق‌العاده مهمی در تأمین سلامت کودک ایفا می‌کند [محمدیها، حسن؛ ۱۳۶۸؛ ص ۱۷۱-۱۶۹].

در مورد کودکان نارس که بخش از زمان لازم برای تکامل جسمی را در رحم مادر از دست داده‌اند، آغوز و شیر مادر مناسب‌ترین غذاست؛ جالب توجه این است که چون این کودکان بیش از سایر کودکان نیازمند مراقبت و حمایت ایمونولوژیک^۳ می‌باشند، ترشح آغوز نزد مادرانشان سه تا پنج هفته هم‌چنان ادامه می‌یابد؛ در حالی که نزد سایر مادران که فرزندان خود را در پایان زمان طبیعی بارداری به دنیا آورده‌اند، این زمان به کمتر از یک هفته تقلیل می‌یابد [اصفهانی، محمد مهدی؛ ۱۳۷۴؛ ص ۳۰-۲۵].

براساس مطالعات انجام شده تعداد کل گلبول‌های سفید زنده در آغوز در چهار روز اول شیردهی معادل 3.3×10^6 عدد در یک صد گرم است و با این تعداد سلول‌های زنده‌ی ضد میکروبی، آغوز را می‌توان تا ۲۴ ساعت و شیر مادر را تا ۶ ساعت در دمای اطاق نگهداری کرد. نگهداری از شیر مادر در فریزر تا ۶ ماه امکان‌پذیر است [همان منبع؛ ص ۴۰].

1- Immunoglobulins

2- anti thri pepsin factors

3- Immunologic

۲- سقط جنین

سقط جنین حرام است و انجام‌دهنده‌ی آن - هر کسی که باشد - ملزم به پرداخت دیه‌ی آن که پنج شتر است، می‌باشد. خوردن دارو و حتی روزه گرفتن توسط مادر موجب دیه است و مطابق فتوای ماوردی رحمه‌الله و سایر علما مادر از آن دیه سهمی ندارد [مدرس، عبدالکریم؛ ۱۹۶۸؛ ج ۴؛ ص ۹۳].

مطابق فتوای امام غزالی و ابن حجر هیثمی رحمهما‌الله سقط جنین در هر مرحله‌ای مطلقاً حرام است [السید البکری؛ جلد ۴؛ ص ۱۳۱]؛ اما مطابق فتوای ابواسحاق مروزی رحمه‌الله سقط جنین در مراحل علقه و مضغه جایز است. [الشروانی؛ ج ۹؛ ۱۹۹۷؛ ص ۴۹].

سقط جنین (abortion) در اصطلاح علم پزشکی عبارت است از قطع حاملگی قبل از آن که جنین قابلیت حیات را در خارج از رحم داشته باشد و معیار زمانی این توانایی حداقل ۲۲ هفته است [عزیزی، فریدون؛ ۱۳۷۰؛ ص ۶۲].

در ممالک مختلف سقط جنین به دلیل احتمال مرگ مادر و یا خطرات جدی برای سلامتی او و نیز احتمال تولد نوزاد ناقص الخلقه یا عقب‌ماندگی روانی و همچنین بارداری ناشی از تجاوز یا زنا، قانونی است.

آمارها نشان می‌دهد که تعداد جنین‌های سقط شده روز به روز بیشتر می‌شود؛ به طوری که تعداد سقط‌ها در سال ۱۹۷۲ در ایالات متحده‌ی آمریکا ۷۶۰۵۸۶ مورد بوده و در سال ۱۹۹۶ به ۵۸۵۲۲۱۱ مورد رسیده است و از هر ۱۰۰۰ جنین در آن سال تعداد ۳۱۴ جنین سقط شده است [کنعان، احمد محمد؛ ۲۰۰۰؛ ص ۴۸].

در دین مبین اسلام سقط جنین قبل از رسیدن ۱۲۰ روز حرام و پس از آن هم قتل نفس محسوب می‌شود و این مطلب مورد تأیید تمام مذاهب اسلامی است. فقط در مواردی که وجود جنین زندگی مادر را به خطر اندازد و دو پزشک عادل این مطلب را تأیید نمایند، مجوز سقط جنین صادر می‌شود.

مهم‌ترین عارضه‌ی ناشی از سقط جنین، مرگ مادر به یکی از سه طریق زیر است:

(۱) مرگ فوری به سبب پیدایش حباب‌های هوا یا گاز در خون، خون‌ریزی شدید و شوک عصبی ناشی از گشادشدن ناگهانی دهانه‌ی رحم در مواردی که مادر بیهوش نشده باشد.

(۲) مرگ تالی که از ۲۴ تا ۷۲ ساعت پس از سقط ممکن است به دلیل عفونت حاد و خون‌ریزی شدید ناشی از پاره‌شدن رحم به وجود آید.

(۳) مرگ متأخر به دلیل: الف) التهاب بافت‌های دستگاه تناسلی یا عفونت خون ب) پارگی احشا ج) خون‌ریزی مستمر و التهاب د) مسمومیت بر اثر استفاده از دارو ه) باقی ماندن بقایای جنین در رحم و ایجاد عفونت و) کوفتگی دهانه‌ی رحم [دیاب و قرقوز؛ ۱۳۷۴؛ ص ۷۱].

۳- زنا

زنا در اصطلاح شرع عبارت است از دخول حشفه به فرج یا دُبُر زنی که خداوند آن را تحریم کرده است یا دُبُر مذکری به صورت عمدی و به دور از هر نوع شبهه. زنا در تمام شریعت‌های خداوندی حرام بوده و همواره به عنوان بزرگ‌ترین گناه و پلیدترین عمل در جوامع دینی مطرح بوده است. قرآن کریم درباره‌ی این عمل شنیع می‌فرماید:

﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزَّيْنَىٰ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا﴾ [الإسراء: 32].

«و به زنا نزدیک نشوید که آن گناهی بسیار زشت و بدترین راه و شیوه است». عقوبت و حد افراد غیر محصن (مکلف ازدواج نکرده) مرتکب عمل زنا در آیه‌ی ﴿الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً﴾ [النور: 2] «هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید» بیان شده است.

حد افراد محصن (مکلف ازدواج کرده) نیز در آیه‌ی منسوخ التلاوة «الشَّيْخُ وَالشَّيْخَةُ إِذَا زَنِيَا فَارْجُمُوهُمَا» «هرگاه مردان و زنان زنا کردند آن‌ها را سنگ زنید تا هلاک شوند» بیان شده و این حکم با روایات صحیح قولی و فعلی پیامبر ﷺ و هم‌چنین فعل خلفای راشدین رضی‌الله‌عنهم ثابت شده است [الصابونی، محمد علی؛ ۱۴۱۴؛ ج ۲؛ ص ۲۱].

زنا از قبیح‌ترین اعمالی است که کانون گرم خانواده‌ها را از هم پاشیده و نسب‌های پاک را از بین می‌برد. این عمل شوم علاوه بر هتک حرمت و کرامت خدادادی انسان، ممکن است پیامدهایی از قبیل: نزاع، قتل، سقط جنین، طلاق، تیره شدن روابط زوجین، بی‌سرپرست ماندن کودکان و ده‌ها بیماری خطرناک جنسی داشته باشد. سازمان بهداشت جهانی تعداد

مبتلایان به ۳۰ نوع بیماری جنسی (Sexual Transmitted Diseases) را در سال ۱۹۹۲، ۳۳۳ میلیون نفر اعلام کرده است [کنعان، احمد محمد؛ ۲۰۰۰؛ ص ۲۶۸].

کارشناسان برای پیش‌گیری از بیماری‌های مقاربتی موارد زیر را پیشنهاد می‌کنند: فراهم نمودن امکانات ازدواج جوانان تهیه‌ی سرگرمی‌ها و تفریحات سالم برای نوجوانان و جوانان، ممانعت از ایجاد مراکز فحشا و توسعه‌ی مراکز درمانی برای مبارزه با این بیماری‌ها [حلم سرشت و دل‌پیشه؛ ۱۳۷۱؛ ص ۱۷۱].

ایدز^۱، سیفیلیس^۲، سوزاک^۳، شانکر^۴ یا آتشک، گال، گرانولوم آمیزی و التهاب مهبل نمونه‌های شناخته شده‌ی بیماری‌های جنسی هستند؛ به تازگی مشاهدات پزشکان در شیوع سرطان رحم در میان اغلب فاحشه‌ها و عدم وجود این بیماری در میان زنان راهبه نشان داد که تعدد شرکای جنسی مذکر یکی از علل سرطان رحم است [دفتر اروپایی سازمان جهانی بهداشت؛ ۱۳۸۰؛ ص ۱۶۵].

دو نمونه‌ی خطرناک و کشنده از بیماری‌های مقاربتی ایدز و سیفیلیس است که در خصوص آن‌ها مطالبی ذکر می‌شود:

ایدز (AIDS) که مخفف (Acquired Immune Deficiency Syndrome) و به معنی سندرم نقص ایمنی اکتسابی می‌باشد، یک بیماری غیرقابل درمان است؛ این بیماری که طاعون قرن بیستم نامیده شده است، بیماری منحرفان جنسی به ویژه هم جنس‌بازان است. آمارها نشان می‌دهد که بیش از ۷۰٪ مبتلایان به ایدز را هم‌جنس‌بازان تشکیل می‌دهند [کنعان، احمد محمد؛ ۲۰۰۰؛ ص ۴۵۶].

اولین مورد بیماری در سال ۱۹۸۱ مشاهده شد ولی پخش سریع ویروس تعداد مبتلایان را از ده‌ها نفر در آن سال به ۱۴ میلیون در اواخر ۱۹۹۳ رساند؛ که یک میلیون

1- AIDS

2- syphilis

3- gonorrhea

4- chancre

نفر از مبتلایان را کودکان تشکیل می‌دادند. کارشناسان سازمان بهداشت جهانی در اجلاس خود در «برلن» با ذکر این ارقام، پیش‌بینی کردند که تعداد مبتلایان در سال ۲۰۰۰ از مرز ۴۰ میلیون نفر تجاوز کند [الأشقر، عمر سلیمان و زملاؤه؛ ۲۰۰۱؛ ج ۱؛ ص ۲۹].

عامل مولد بیماری ایدز که ویروس (HIV) نام دارد با حمله به سیستم دفاعی بدن، مقاومت طبیعی بدن را در مقابل عوامل بیماری‌زا به شدت کاهش می‌دهد و در نتیجه ابتلای شخص به ساده‌ترین بیماری منجر به مرگ بیمار می‌شود؛ این ویروس ممکن است به جنین منتقل شده و سبب کاهش رشد و ناهنجاری‌هایی در جنین شود [سادلر، توماس؛ ۱۳۷۶؛ ص ۱۳۲]. مهم‌ترین راه‌های انتقال ویروس HIV ارتباط‌های جنسی، انتقال خون و فراورده‌های خونی و انتقال از طریق مادر مبتلا به جنین است [تاناکو، امیل و همکاران؛ ۱۳۷۱؛ ص ۵۳۷].

این بیماری در واقع مصداق حدیثی است که حاکم و ابن ماجه رحمهما الله آن را از پیامبر ﷺ روایت کرده‌اند: «لم تظهر الفاحشة في قوم قط، حتى يعلنوا بها إلا فشا فيهم الطاعون والأوجاع التي لم يكن مضت في أسلافهم الذين مضوا» «هیچ قومی فحشا را در میان خود آشکارا انجام نداده مگر این که دچار طاعون و بیماری‌هایی شدند که گذشتگان به آن‌ها دچار نشدند».

سیفیلیس که یکی دیگر از بیماری‌های خطرناک آمیزشی است، یک بیماری عفونی سیستمیک^۱ و مزمن به حساب می‌آید و عامل آن تریپونم پالیدوم^۲ است.

تقریباً تمام موارد انتقال میکروب این بیماری از طریق تماس جنسی صورت می‌گیرد. ولی راه‌های انتقال نادرتر شامل تماس غیرجنسی، انتقال از طریق رحم و انتقال از طریق خون نیز گزارش شده است [دانش پژوه و محبوبی؛ ۱۳۷۷؛ ص ۹۱].

1- systemic

2- treponema pallidum

به طور متوسط دوره‌ی نهفتگی (کمون) این بیماری حدود سه هفته طول می‌کشد و سپس ضایعات اولیه‌ی آن ظاهر می‌شود. سیفیلیس طی مراحل مختلف تشدید شده، علاوه بر اندامهای جنسی، سایر اعضا را در بر می‌گیرد. بیماری سیفیلیس سبب افزایش و ازدیاد ناهنجاری‌ها شده، ممکن است باعث کری مادرزادی و عقب‌ماندگی عقلی در فرزندان شود [سادلر، توماس؛ ۱۳۷۶؛ ص ۱۳۳].

۳-۱- لواط

آن‌چنان که در تعریف فقهی زنا بیان شد، لواط شکلی از آن است و گناهی کبیره محسوب می‌شود. بی‌هقی رحمه‌الله از ابو موسی اشعری رضی الله عنه روایت کرده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «أَذَا أُنَى الرَّجُلُ الرَّجُلَ فَهُمَا زَانِيَانِ» «هرگاه مردی با مرد دیگری عمل لواط انجام دهد، آن دو زنا کارند»، بنابراین، احکام زنا بر فاعل و مفعول عمل لواط اجرا می‌گردد.



لواط (sodomy) عمل قبیح و مذمومی است که در انتقال بیماری‌های آمیزشی بسیار مؤثر است. رواج این عمل در کشورهای اروپایی و آمریکایی در سه دهه‌ی گذشته و به ویژه ازدواج‌های رسمی هم‌جنس‌بازان در آن کشورها از عوامل اصلی گسترش بیماری ایدز بوده است.

علاوه بر بیماری‌های آمیزشی، لواط سبب سست شدن ماهیچه‌های مقعد و از دست رفتن کنترل قضای حاجت می‌شود. پیامدهای روانی این عمل در انجم دهندگان آن به صورت عدم تمایل به روابط زناشویی طبیعی و احساس حقارت ظاهر می‌شود. آمارها نشان می‌دهد ۹۰٪ از هم‌جنس‌بازان از ارتباط طبیعی زناشویی با همسرانشان خودداری می‌کنند [سالم، مختار؛ ۱۹۹۵؛ ص ۱۴۱]؛ بنابراین، هم‌جنس‌بازی یکی از علل

عمده‌ی «عنه» است که در آن کشش به سوی هم‌جنس، موجب تنفر شخص از جنس مخالف شده و باعث ناتوانی جنسی می‌شود [گودرزی، فرامرز؛ ۱۳۷۴؛ ص ۶۰۸].

۳-۲- لواط با همسر

نزدیکی از راه مقعد با همسر از گناهان کبیره بوده و لواط محسوب می‌شود؛ این مسئله در مفهوم آیه‌ی ۲۲۳ سوره‌ی بقره قابل درک است، و در احادیث زیر به صراحت به آن اشاره شده است؛ ابن ماجه از ابن عباس رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «ملعون من أتى امرأة في دبرها» «هر کس از راه مقعد با همسرش نزدیکی کند، از رحمت خدا بی‌نصیب خواهد بود»، «لا ينظر الله إلى رجل جامع امرأته في دبرها» «هر کس که از راه مقعد با همسرش نزدیکی کند خداوند (در روز قیامت) به او نگاه نخواهد کرد».

عمل شنیع لواط با همسر چون منافی دستور خداوند و طبیعت سالم انسانی است در هیچ کدام از شریعت‌های پیشین جایز نبوده است [الجوزیه، ابن قیم؛ ۱۹۹۰؛ ص ۲۲۴]. این عمل علاوه بر ایجاد آزارهای جسمی و روحی ظلمی فاحش در حق زن است زیرا او را از لذت طبیعی عمل جنسی محروم می‌سازد. سست شدن ماهیچه‌های مقعد، ایجاد بواسیر و پروسه‌های عفونی مزمن از پیامدهای جسمی این عمل است [توکلی، بزاز، جواد؛ ۱۳۷۷؛ ج ۲؛ ص ۵۸].

بر اثر انجام و تکرار این عمل، مرد به تدریج علاقه‌ی خود را به ارضای طبیعی از دست داده و به انجام هم‌جنس‌بازی علاقه‌مند می‌شود [الحواله و العمری؛ ۱۹۹۷؛ ص ۶۲].

۴- نوشیدنی‌ها

دلیل تحریم نوشیدنی‌های مسکر آیه‌ی:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْحَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ﴾ [المائدة: ۹۰].

«ای مؤمنان! می‌خوارگی، قماربازی، بتان، تیرها (و سنگ‌ها و اوراقی که برای بخت آزمایی و غیگویی به کار می‌رود، همه و همه از لحاظ معنوی) پلیدند و عمل شیطان می‌باشند، از آن اجتناب کنید».

و آیات دیگری در قرآن است.

در احادیث متعددی هم تحریم مسکرات مورد تأکید واقع شده است که می‌توان نمونه‌های زیر را بیان کرد: امام بخاری رحمه‌الله روایت می‌کند پیامبر ﷺ فرموده است: «كُلُّ شَرَابٍ أُسْكِرَ فَهُوَ حَرَامٌ» «هر نوشیدنی که مست کننده باشد حرام است»؛ امام مسلم رحمه‌الله نیز از آن حضرت ﷺ روایت کرده است: «كُلُّ مَسْكِرٍ خَمْرٌ وَكُلُّ خَمْرٍ حَرَامٌ» «تمام مست کننده‌ها خمر هستند و همه‌ی خمرها حرام هستند».

مصرف مسکرات در تمام شرایع الهی حرام بوده است [الدهلوی؛ ۱۴۱۸؛ ج ۲؛ ص ۳۳۱]؛ مسکرات هر اسمی که داشته باشد و از هر طریقی که وارد بدن شوند حرام هستند و استعمال آن‌ها به عنوان دارو هم جایز نیست زیرا پیامبر ﷺ فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَجْعَلْ شِفَاءَ أُمَّتِي فِي مَا حَرَّمَ عَلَيْهَا» «خداوند شفای امتم را در آنچه که بر ایشان حرام کرده، قرار نداده است»؛ اما تمام نوشیدنی‌های پاک و نازل شده از آسمان یا تهیه شده از گل‌ها و میوه‌ها که دلیل تحریمی نداشته باشند به استناد آیه‌ی:

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾ [البقرة: ۲۹].

«خدا آن کسی است که همه‌ی موجودات و پدیده‌های روی زمین را برای شما آفرید».

حلال هستند.

مشروبات الکلی از مهم‌ترین بلایای اجتماعی در طول تاریخ بوده و منشاء بسیاری از تباهی‌ها است. آمارهای مربوط به جرایم در ایالات متحده‌ی آمریکا در سال ۱۹۸۱ نشان می‌دهد که ۷۵٪ حوادث رانندگی، ۶۴٪ قتل‌های عمد، ۶۰٪ تجاوزها به کودکان ۳۴٪ تجاوزات جنسی و ۳۰٪ خودکشی‌ها ناشی از استعمال مشروبات الکلی بوده است. ضررهای مالی ناشی از مصرف مشروبات الکلی در آن سال ۳۲ میلیارد برآورد شده است [کنعان، احمد محمد؛ ۲۰۰۰؛ ص ۴۳۴]؛ این در حالی است که این رقم در سال ۱۹۹۲ به ۱۴۸ میلیارد دلار رسیده است. مطالعات در سایر کشورها نشان می‌دهد هزینه‌ی مسایل مرتبط با الکل بین ۰/۵٪ و ۲/۷٪ از تولید ناخالص داخلی است [سازمان بهداشت جهانی؛ ۱۳۸۰؛ ص ۹]؛ آن سازمان وجود ۴۰۰ میلیون الکلی را در سراسر دنیا تأیید می‌کند که می‌تواند باعث شروع مسایل بهداشتی از قبیل حوادث، صدمات، بیماری‌های قلبی، سرطان، بیماری کبدی و پسیکوز الکلی^۱ شود [همان منبع؛ ص ۲۰].

ماده‌ی اصلی موجود در مسکرات الکل اتیلیک^۲ با فرمول شیمیایی $\text{CH}_3 - \text{CH}_2 - \text{OH}$ است، که بر اثر تخمیر مواد قندی به وجود می‌آید. مصرف الکل هیچ‌گاه پایه‌ی علمی نداشته است، زیرا انرژی ناشی از سوختن یک گرم الکل که ۷ کالری است و به سرعت رها می‌شود؛ به این دلیل ماده‌ی غذایی نامیده نمی‌شود. الکل قابلیت ترمیم بافت‌ها را ندارد و انرژی حاصل از اکسیداسیون^۳ آن موجب ذخیره شدن مواد قندی و چربی در بدن شده و در نهایت منجر به اختلالات قلب و عروق می‌گردد [حلم سرشت و دل‌پیشه؛ ۱۳۷۱؛ ص ۲۸۹].

1- alcoholic psychosis

2- ethylic alcohol

3- oxidation

هجوم ناگهانی خون به مغز بر اثر حرارت تولید شده باعث می‌شود که بافت‌های مغزی تحت فشار قرار گرفته و در نتیجه حرکات و گفتار نامتعادل گردد؛ هر اندازه که مقدار الکل در بافت‌های عصبی افزایش یابد، مسمومیت ناشی از الکل بیشتر می‌شود.

الکل بر روی حواس پنج‌گانه تأثیر گذاشته و باعث کاهش دقت و جواب‌گویی تحریکات، خطا در شناسایی نوع تحریک و تعویق در عکس‌العمل نسبت به علائم خطری که از راه گوش، چشم و پوست می‌رسد، می‌شود و این مسئله در رانندگی که سرعت و دقت واکنش عصبی شرط اصلی حفظ جان راننده و عابران است، بسیار قابل توجه است. آمارها حکایت از آن دارد که یک سوم حوادث رانندگی متعلق به کسانی است که در هنگام رانندگی مشروبات الکلی نوشیده‌اند [همان منبع].

هنگامی که الکل وارد بدن می‌شود یک پنجم آن مستقیماً از دیواره‌ی معده وارد جریان خون می‌شود و معمولاً یک ساعت پس از نوشیدن الکل غلظت آن در خون به حداکثر می‌رسد و چون در الکل آب وجود دارد با سرعت بیشتری به تمامی بافت‌ها وارد شده و خود را به تمام سلول‌ها می‌رساند. تحقیقات نشان داده است که در ۸۰٪ الکی‌های مزمن ضایعات بیضه‌ای از جمله خرابی سلول‌های ژریمینال^۱ وجود دارد [مولوی، محمد علی؛ ۱۳۳۶؛ ص ۴۵].

بچه‌هایی که از مادر الکلیک^۲ متولد می‌شوند پژمرده‌تر از افراد عادی هستند و ۵۵٪ آن‌ها نارس به دنیا می‌آیند [صانعی، صفدر؛ ۱۳۴۹؛ ص ۴۱۴].

مدرک قاطعی درباره‌ی ارتباط بین نوشیدن الکل توسط مادر به میزان ۹۰ میلی‌لیتر در روز در دوران حاملگی و ناهنجاری‌های مادرزادی وجود دارد. این نقایص شامل ناهنجاری‌های مجسمه و صورت، تغییر شکل اندام‌ها و نقایص قلبی - عروقی می‌باشد. این ناهنجاری‌ها همراه با عقب‌ماندگی عقلی و نارسایی رشد، سندرم الکی جنین (Fetal)

1- germinal

2- alcoholic

(Alcohol Syndrome) را می‌سازند [سادلر، توماس؛ ۱۳۷۶؛ ص ۱۳۷ و گتری، ه؛ ۱۳۷۶؛ ص ۴۶].

نقش فعال الکل در بیماری‌های گوارشی با توجه به ارتباط مستقیم الکل با این اعضا بسیار زیاد است و می‌توان به تعدادی از آن‌ها به طور کلی اشاره کرد: خراش غشاهای مخاطی دهان و حلق، آسیب رساندن به پرزهای چشایی، التهاب مری و معده، سرطان‌های مری و معده، التهاب‌های حاد و مزمن لوزالمعده، تشمع کبدی و زخم معده؛ سه ضایعه‌ی پاتولوژیک^۱ عمده‌ی ناشی از سوء مصرف الکل عبارتند از: کبد چرب، هپاتیت^۲ کبدی و سیروز^۳ (آندرولی و همکاران؛ ۱۳۷۹؛ ص (۷) ۱۶].

تحقیقات انجام شده حاکی از آن است که علت اصلی عقب‌ماندگی روانی در کشورهای غربی، الکل است (سادلر، توماس؛ ۱۳۷۶؛ ص ۴۵۱) و مصرف الکل شایع‌ترین علت بیماری‌های کبدی در آن کشورهاست [آندرولی و همکاران؛ ۱۳۷۹؛ ص (۷) ۱۶]. تصلب شرایین یا از دست رفتن حالت ارتجاعی رگ‌ها و سخت شدن آن‌ها یکی دیگر از مضرات مصرف الکل است [نجم‌آبادی، محمود؛ ۱۳۴۰؛ ص ۱۴۴].

1- pathologic

2- hepatitis

3- cirrhosis

۵- دفع تجاوز و ضمانت

دفع هرگونه تجاوزی به نفس، اعضا، ناموس و مال با خفیف‌ترین شیوهی ممکن مشروع است؛ به دلیل آیهی:

﴿فَمَنْ أَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا أَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ﴾ [البقرة: ۱۹۴].

«هر که راه تعدی و تجاوز به شما را در پیش گرفت، بر او هم مانند آن، تعدی و تجاوز کنید».

اگر دفاع منجر به مرگ متجاوز شود، دفاع‌کننده ضامن نخواهد بود. تنبیه توسط معلم، شوهر، قاضی و سایر کسانی که مسئولیت تربیت افرادی را به عهده دارند، اگر منجر به مرگ زیر دست شود، موجب ضمانت است.

حفظ کرامت آدمی یکی از اصولی است که همواره مورد توجه شارع بوده و در احکام مختلفی صراحتاً به این نکته اشاره شده است؛ اهمیت حیات آدمی به حدی است که اگر ادامه‌ی آن منوط به بهره‌گیری از یک حرام باشد، استفاده از آن حرام نه تنها جایز، بلکه واجب است.

شخص مجاز به دفاع از نفس، ناموس و مال خود است اما سطوح این دفاع در موقعیت‌های مختلف متفاوت است و رعایت اعتدال و اجرای عدالت در تمام امور مورد تأکید و تحسین شارع است.

سرپرست کودکان و دیوانه‌ها، قاضی، شوهر و معلم افرادی هستند که وظیفه‌ی تربیت زیردستان خود را به عهده دارند و اجازه‌ی استفاده از تنبیه آرام به آن‌ها داده شده است؛ اگرچه در حدیث شریف نبوی: «لَنْ يَضْرَبَ خِيَارَكُم» «بهترین‌های شما دیگران را کتک نمی‌زنند» تصریح به عدم تنبیه شده است و علما ترک آن را بهتر، و بیشتر از اوقات

مؤثرتر دانسته‌اند [الصابونی، محمدعلی؛ ج ۱؛ ص ۴۷۰]؛ بنابراین، سرپرستان حق ندارند، زیردستان خود را طوری تنبیه کنند که منجر به مرگ آنها شود.

۵-۱- خون‌گیری

انجام «حجامت» و «فصد» بدون خطا و با اجازه‌ی شخص اگر منجر به مرگ شود موجب ضمانت نیست.

حجامت (Cupping) و فصد (Phlebotomy) از شیوه‌های قدیمی در علاج امراض مختلف خون و مفاصل هستند که مورد تأکید پیامبر اکرم ﷺ واقع شده‌اند؛ امام بخاری رحمه‌الله از انس بن مالک رضی الله عنه روایت می‌کند که آن حضرت ﷺ فرموده‌اند: «إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَدَاوَيْتُمْ بِهِ الْحِجَامَةُ» «بهترین چیزی که در درمان از آن بهره می‌جوید حجامت است».

در حجامت به تیغ زدن و خراش پوست و در فصد با تیغ زدن رگ، مقدار مشخصی خون از بدن خارج می‌شود، این اعمال در معالجه‌ی بیماری‌های نقرص، فشارخون، سردردهای مختلف، بواسیر و بیماری‌های کبد، طحال و پوست مفید و مؤثر هستند [سالم، مختار؛ ۱۹۹۵؛ ص ۲۰۷].

۵-۲- ختنه

در پایان مبحث ضمانت فقها احکام مربوط به ختنه‌ی دختر و پسر را بیان کرده‌اند

۵-۲-۱- ختنه‌ی دختران با بریدن قسمتی از سر تاجک (بظر) انجام می‌شود. با استناد به حدیث روایت شده توسط ابوداود رحمه‌الله از پیامبر ﷺ که خطاب به زن ختنه‌کننده‌ای فرمود: «أَشْمِي وَلَا تَنْهَكِي فَإِنَّ ذَلِكَ أَحْظَى لِلْمَرْأَةِ» «(از بظر) کم ببر و آن را از بین ببر زیرا (وجود آن) برای زن لذت‌بخش است»، کم بریدن بظر در ختنه مورد تأکید شارع است تا

جایی که علما اطلاق واژه‌ی «بریدن» بر عمل انجام شده را کافی دانسته‌اند [السید البکری؛ ج ۴؛ ص ۱۷۵؛ الشربینی؛ ج ۴؛ ص ۲۰۲].

بظر (Clitoris) منشاء جنینی یکسان و بافتی مشابه آلت تناسلی مردانه دارد؛ این برآمدگی کوچک در انتهای جلویی فرج زن بین لب‌های کوچک قرار دارد. طول بظر معمولاً دو سانتی‌متر و قطر آن نیم‌سانتی‌متر است و شامل یک بافت احاطه شده توسط بافت محافظ و دو ردیف بافت نعوظی (erectile) است که در رأس خود تعداد زیادی انتهای اعصاب حسی دارد [Shier, David: et al: 1999: 859].

بظر مانند آلت تناسلی مرد دارای غلافی است که با فشار کمی به عقب رانده می‌شود و قسمت سر آن که اعصاب حسی را در خود دارد، پدیدار می‌شود؛ بنابراین برداشتن این غلاف باعث می‌شود که اعصاب مذکور هنگام عمل جنسی به شدت تحریک شده و انزال زن (Orgasm) تسریع شود؛ اما بریدن هر مقدار از بافت اصلی کلیتوریس که اعصاب حسی را در خود دارد، به همان اندازه محرومیت از لذت جنسی را به دنبال خواهد داشت.

برداشتن غلاف بظر بروز سرطان کلیتوریس را تا حد زیادی کاهش می‌دهد [رحبان؛ محمد صادق؛ ۱۳۷۶؛ ص ۷۷۱].

ختنه‌ی دختران (female circumcision) که در قسمت‌های شرق، شمال شرقی و غرب آفریقا و نیز در قسمت‌های جنوبی شبه‌جزیره عربستان مرسوم است و F.G.M^۱ نامیده می‌شود شامل قطع بخش‌هایی از قسمت‌های خارجی دستگاه تناسلی می‌باشد؛ کیفیت انجام این کار در مناطق مذکور مطابق عرف مرسوم در میان مردم این نواحی است؛ زیرا نه تنها مسلمانان بلکه یهودیان و مسیحیان نیز به این کار مبادرت می‌ورزند [Almorth, I; Medical Student International; 1998 (N:6); 20-22].

در این عمل بظر (clitoris)، لب‌های کوچک (labia minora) و گاهی لب‌های بزرگ (labia majora) نیز قطع می‌شوند که منجر به عفونت‌های مزمن، کزاز، مشکلات ادراری، دردهای شدید در هنگام آمیزش، کاهش لذت جنسی و خون‌ریزی می‌شود؛ گاهی اوقات خون‌ریزی به حدی شدید است که به مرگ بیمار منتهی می‌شود. قدمت انجام این عمل شنیع به بیشتر از هزار سال قبل از میلاد و عصر فراعنه باز می‌گردد؛ درواقع باید این عمل را ختنه‌ی فرعون‌ی نامید [کنعان، احمد محمد؛ ۲۰۰۰؛ ص ۴۲۳].

انجام عمل ختنه‌ی دختران به شیوه‌ی مذکور علاوه بر پیامدهای جسمی ذکر شده مشکلات روحی و روانی زیادی را در دراز مدت - به سبب عدم ارضای جنسی (orgasm) و در نتیجه سرد مزاجی (frigidity) - به دنبال خواهد داشت [همان منبع؛ ص ۴۲۳]؛ با استناد به قدمت انجام ختنه‌ی فرعون‌ی و شیوع آن در میان پیروان سایر ادیان و فتوای فقهای مذاهب مختلف در وجوب دیه‌ی کامل زن در قطع لب‌های فرجش [الشربینی؛ جلد ۴؛ ص ۶۸] نمی‌توان این عمل خلاف شرع را به اسلام منصوب کرد و آنچه درباره ختنه‌ی دختران در فقه مذاهب اسلامی بیان شده است با این عمل تفاوت بسیار زیادی دارد.

۵-۲-۲- ختنه‌ی پسران به بریدن پوستی است که سر آلت تناسلی را پوشانده است و انجام دادنش پس از بلوغ بر شخص واجب می‌شود؛ اما سنت است که در روز هفتم پس از تولد انجام شود. در صورتی که کودکی تحمل درد و خون‌ریزی ناشی از ختنه را نداشته باشد واجب است که ختنه را تأخیر انداخت.

مهم‌ترین منبع سیگنال‌های عصبی برای شروع فعالیت جنسی مردانه حشفه، (glans penis) است، زیرا حشفه محتوی سیستم اندام‌های انتهایی حسی است که کیفیت ویژه‌ای از احساس را به سیستم عصبی مرکزی می‌فرستد؛ به طور طبیعی غالباً روی حشفه را غلاف (prepuce) پوشانده است [گایتون، آرتور؛ ۱۳۷۵؛ ج ۲؛ ص ۱۴۹۸].

مردانی که ختنه نشده‌اند اعمال مقاربتی و ادرار کردن را به سختی انجام می‌دهند و بیماری سوزاک در آن‌ها به مراتب شدیدتر و دردناک‌تر از کسانی است که ختنه شده‌اند [وحید دستجردی، سیف‌الله؛ ۱۳۳۷؛ ص ۵۶].

غدد چربی خاصی در ناحیه‌ی حشفه وجود دارد که نسبت به غدد چربی مجاوز تغییر شکل داده و غدد تایسون^۱ نامیده می‌شوند. از این غدد ماده‌ی پنیری شکل و بوداری بنام اسمگما^۲ تراوش می‌شود که اثر سرطان‌زایی دارد و در کشورهایی که عمل ختنه متداول نیست، سرطان سر آلت به نسبت قابل توجهی دیده می‌شود [رجحان، محمد صادق؛ ۱۳۷۶؛ ص ۷۲۰].

شیوع تومور آلت تناسلی در مردان ختنه شده ارتباط بین تجمع اسمگما و التهاب و بروز کارسینوم^۳ را مطرح می‌سازد [تاناکو، امیل و همکاران؛ ۱۳۷۹؛ ص ۲۱۱ و Walsh, et al; 1992, vol 2; 1221-1222].

انجام عمل ختنه در مردان نه تنها در تأمین سلامت جسمی و روانی آنان مؤثر است بلکه در سلامت شریک جنسی آنان نقش مهمی دارد؛ آمارهای منتشر شده از سوی پزشکان انگلیسی در مجله‌ی پزشکی "British Medical Journal" نشان می‌دهد که تعداد مبتلایان به سرطان بظر و سرطان گردن رحم در میان جمعیت زنانی که شوهرانشان ختنه نشده‌اند بیشتر از زنانی است که شوهرانشان ختنه شده‌اند [سالم، مختار؛ ۱۹۸۸؛ ص ۴۴۴].

عفونت‌های مزمن در غلاف حشفه به بیماری‌های فیموزیس^۴ و پارافیموزیس^۵ منجر می‌شود که در میان افراد ختنه نشده شایع است؛ انجام عمل ختنه در درمان این بیماری‌ها ضروری است [تاناکو، امیل و همکاران؛ ۱۳۷۹؛ ص ۲۹۳].

1- Tyson

2- smegma

3- carcinom

4- phimosis

5- paraphimosis

۶- صید و ذبح

تشریع احکام صید و ذبح بر مبنای آیات قرآنی:

﴿وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا﴾ [المائدة: ۲].

«هر وقت که از احرام به در آمدید (و از سرزمین حرم خارج شدید) شکار کنید».

﴿أُحِلَّ لَكُمْ الْطَّيِّبَاتُ﴾ [المائدة: ۴].

«بر شما چیزهای پاکیزه حلال شده است».

و ﴿إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ﴾ [المائدة: ۴].

«مگر این که آن‌ها را سر بریده باشید».

و احادیث متعدد و همچنین اجماع علماست. آنچه که ذبح شرعی نشده است خوردن گوشتش حرام است؛ به دلیل آیه‌ی:

﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ﴾ [المائدة: ۳].

«بر شما حرام است (خوردن گوشت) مردار».

ذبح عبارت است از بریدن حلقوم و مری در قسمت بالا یا پایین گردن حیواناتی که می‌توان آن‌ها را در هنگام ذبح تحت کنترل داشت؛ اما در مورد حیواناتی که سر بریدن آن‌ها به هر علتی ممکن نباشد، ایجاد زخمی کشنده که «عَقْر» خوانده می‌شود، کافی است؛ زیرا امام مسلم و بخاری رحمهما الله از رافع بن خدیج رضی الله عنه روایت کرده‌اند: «أَنَّ بَعِيرًا نَذَّ فَرَمَاهُ رَجُلٌ بِسَهْمٍ فَحَبَسَهُ (أَي قَتَلَهُ) فَقَالَ ﷺ: إِنَّ لِهَذِهِ الْبَهَائِمِ أَوَابِدُ كَأَوَابِدِ الْوَحْشِ، فَمَا غَلِبَكُمْ مِنْهَا فَاصْنَعُوا بِهِ هَكَذَا» (شتری رم کرد و مردی با تیری او را از پای درآورد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: چهار پایان مانند حیوانات وحشی می‌گیرند، بر هر کدام از آن‌ها دست یافتید ذبحشان را این‌گونه انجام دهید».

انواع ماهی بدون ذبح قابل خوردن است [الشربینی؛ ج ۴؛ ص ۲۶۷].

گوشت یک ماده‌ی غذایی مهم برای تغذیه انسان است و به عنوان منبع پروتیین حیوانی سرشار از مواد غذایی ضروری برای بدن است؛ اما سرعت فساد آن بیشتر از سایر مواد غذایی است؛ بنابراین رعایت بهداشت در کلیه‌ی مراحل تهیه، نگهداری و پخت آن ضروری است.

خون به عنوان انتقال‌دهنده‌ی اکسیژن، مواد غذایی و مواد زاید حاصل از متابولیسم سلولی در سراسر بدن جریان دارد؛ بنابراین خون سیاهرگی حاوی دی‌اکسیدکربن و سایر مواد سمی زاید است که لازم است سم‌زدایی شود؛ این عمل در کبد انجام شده و مواد زاید از طریق صفراوی و کلیه‌ها دفع می‌شود.

جریان خون در سیاهرگ‌ها و سرخرگ‌های بدن پس از مرگ حیوان و توقف قلب، متوقف شده و خون سیاهرگی که حاوی مواد سمی است به تدریج جذب بافت‌های بدن می‌شود؛ خون سرخرگی نیز منبع مناسبی برای رشد و تغذیه‌ی انواع میکروب‌هاست.

براساس آنچه که ذکر شد می‌توان نتیجه‌گیری کرد که خوردن گوشت مردار بسیار مضر و خطرناک است و ذبح حیوان و خروج کامل خون از بدن حکمی بهداشتی و ضروری است.

عمل ذبح با بریدن ورید «وداج» در گردن که بزرگ‌ترین رگ بدن است صورت می‌گیرد؛ به این ترتیب تخلیه‌ی کامل خون به سرعت انجام می‌شود.

در مورد حیواناتی که به هر دلیلی نمی‌توان آن‌ها را ذبح کرد، ایجاد زخمی کشنده که موجب تخلیه‌ی کامل خون شود کافی است، زیرا فعالیت شدید حیوان باعث تسریع جریان خون شده و به خروج کامل خون منتهی می‌شود.

۶-۱- آلت ذبح

هر وسیله‌ی برنده‌ای اعم از آهن، مس، طلا، چوب، سنگ، شیشه را می‌توان به عنوان وسیله‌ی ذبح به کار برد؛ اما بریدن سر حیوان با دندان و ناخن یا کندن سرشان با دست

جایز نیست؛ به دلیل روایت شیخین رحمهما الله از پیامبر ﷺ که فرموده‌اند: «ما أنهر الدّم وذكر اسم الله عليه فكلوه ليس السن والظفر» «گوشت حیوانی که خونس به وسیله‌ای (تیز) غیر از دندان و ناخن ریخته شد و (هنگام ذبح) نام خدا ذکر شد را بخورید».

در انجام عمل ذبح و تخلیه‌ی خون از بدن لازم است که از اشیای برنده استفاده شود تا خون‌گیری به طور کامل انجام شود و به کار بردن ابزارهای دیگری که باعث له‌شدن یا تغییر شکل رگ‌ها و مویرگ‌ها شود به نحوی که این تغییر شکل مانع از تخلیه‌ی سریع و کامل خون باشد، ممنوع است؛ زیرا احتمال باقی ماندن خون در بدن و فساد گوشت بسیار زیاد است.

اهل کتاب (مسیحی‌ها و یهودی‌ها) نیز بر بریدن رگ‌های گردن حیوانات اتفاق دارند و به این دلیل می‌توان از گوشت ذبح شده توسط آن‌ها، استفاده کرد.

۷- قربانی

ذبح حیواناتی از قبیل: شتر، گاو، گوسفند و بز از ابتدای روز عید قربان تا پایان روز سوم بعد از آن (ایام التشریق) برای تقرب به خداوند، قربانی (أضحیة) نامیده می‌شود. با استناد به آیات:

﴿وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ﴾ [الحج: 36].

«ما (ذبح) شتران (چاق و فربه و دیگر چهارپایان» را (در حج) برای شما از جمله مراسم و مناسک الهی قرار داده‌ایم».

﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ﴾ [الکثر: 2].

«تنها برای پروردگار خود نماز بخوان و قربانی کن».

و احادیث متعدد و هم‌چنین اجماع علما، انجام عمل قربانی مستحب است. از شروط حیوان قربانی این است که آن حیوان از هر نوع عیبی که باعث فساد گوشتش می‌شود یا از هر گونه بیماری آشکار مانند: گری، به دور باشد.

انجام مراسم ویژه‌ی عیدهای مذهبی فطر و قربان در سلامت جسمی و روحی افراد تأثیر بسیار زیادی دارد. پرداخت فطریه به مستمندان و ذبح حیواناتی سالم و پاکیزه و توزیع گوشت آن‌ها در میان اقشار ضعیف جامعه و عدم وجود هرگونه ممنوعیتی در توزیع، میان سطوح جامعه اعم از مسلمان و غیرمسلمان، زن و مرد، ثروتمند و فقیر در تأمین سلامت جسمی افراد و رفع فقر مواد غذایی به ویژه پروتیین بسیار مؤثر است. علاوه بر احکام فطریه و قربانی، تأکید شارع در دادن صدقه در این روزهای مبارک و سه روز ایام التشریق زمینه‌ی مناسبی برای کمک به مستمندان و جبران فقر مواد غذایی آن‌هاست.

تأثیرات روانی ناشی از پرداخت فطریه و صدقه، انجام قربانی و توزیع گوشت، شرکت در نماز عیدین، دید و بازدید، مصافحه و تعانق و حلال طلبی، روابط بین افراد جامعه را بهبود بخشیده و باعث زدودن کدورت‌ها و کینه‌ها می‌شود؛ به این ترتیب می‌توان نقش این رسوم را تأمین سلامت روانی افراد جامعه یادآور شد.

احکام مربوط به شروط سلامتی حیوان در قربانی، نمونه‌ای از کنترل بهداشت مواد غذایی است. تهیه‌ی گوشت از حیوانات سالم و پاکیزه اهمیت زیادی دارد؛ زیرا سرعت فساد گوشت از سایر مواد غذایی بیشتر است و محل بسیار مساعدی برای رشد انواع میکروب‌هاست.

۸- عقیقه (جشن نام‌گذاری کودک)

عقیقه در لغت به معنی موی سر کودک در حین تولد است و در اصطلاح شرع به حیوانی که در هنگام تراشیدن موی سر کودک ذبح می‌شود، اطلاق می‌گردد. در هنگام نام‌گذاری پسر، مستحب است دو گوسفند و هنگام نام‌گذاری دختر یک گوسفند که شرایط مذکور در «أضحیه» را داشته باشند ذبح کرده، به وزن موهای سر کودک طلا و در صورت عدم تمکین مالی، نقره در میان مستمندان توزیع گردد. ترمذی رحمه‌الله از أم المؤمنین عایشه رضی‌الله‌عنها روایت می‌کند: «أمرنا رسول الله ﷺ أَنْ نَعْتَقَ عَنْ الْغُلَامِ بَشَاتِينَ وَعَنْ الْجَارِيَةِ بَشَاةً» «پیامبر ﷺ دستور داد که برای پسر جشن نام‌گذاری را با سر بریدن دو گوسفند و برای دختر با یک گوسفند برگزار کنیم».

اسلام دین برادری و اتحاد است و در مناسبت‌های مختلف مسلمانان را به صحنه‌های اجتماعی می‌کشاند؛ در این فرصت‌ها که نقش غیرقابل انکاری در زدودن کدورت‌ها و کینه‌ها از دل شرکت‌کنندگان و تأمین سلامتی روانی افراد جامعه دارند، موادغذایی متنوع از جمله گوشت که منبع پروتئین حیوانی است، مصرف می‌شود. این‌گونه جشن‌ها در جبران نسبی کمبود مواد پروتئینی افراد فقیر و بی‌بضاعت و سلامت جسمی آنان، مؤثر است.

۸-۱- خوراندن خرما به نوزاد

مستحب است که در هنگام نام‌گذاری خرما و در صورت عدم دسترسی به خرما، مقداری شیرینی به کام کودک مالیده شود؛ دلیل این عمل حدیث روایت شده توسط امام مسلم رحمه‌الله از ابوموسی اشعری ؓ است که فرموده‌اند: «وَلَدِي غُلَامٌ فَأَتَيْتُ بِهِ النَّبِيَّ ﷺ

فسماءُ ابراهیم وحنکه بتمر» «پسرم به دنیا آمد، او را نزد پیامبر ﷺ بردم، آن حضرت ﷺ او را ابراهیم نام نهاد و به کام او خرما مالید».

نوزادان تازه متولد شده به دلیل قطع تغذیه‌ی آن‌ها از مادر و فعالیت فیزیکی شدید در جریان زایمان با کمبود میزان طبیعی قند خون (Hypoglycemia) که ۷۰ میلی گرم در هر ۱۰۰ میلی لیتر است مواجه می‌شوند و خوراندن مقداری خرما، عسل و یا هر ماده‌ی شیرین دیگر به آن‌ها این کمبود را جبران می‌کند [کنعان، احمد محمد؛ ۲۰۰۰؛ ص ۸۸۸].

حدود ۸۰٪ خرما را مواد قندی سهل الهضم تشکیل می‌دهد؛ این ماده غذایی علاوه بر داشتن ویتامین‌های A, D, B₁, B₂ دارای املاح معدنی مختلفی چون فسفر کلسیم، منیزیم، آهن، سدیم، پتاسیم، گوگرد و کلر است؛ فسفر که به مقدار ۷۰ میلی گرم در هر ۱۰۰ گرم خرما یافت می‌شود، در استحکام استخوان‌ها و رشد بافت‌های مغزی بسیار مؤثر است [سالم، مختار؛ ۱۹۸۸؛ ص ۳۹۵].

۸-۲- نظافت فردی

در پایان بحث عقیقه مسایل دیگری در باب نظافت فردی آمده است که به صورت مختصر آن‌ها را بازگو می‌کنیم؛ استعمال حنا برای مرد و زن در رنگ کردن موهای سر مستحب است؛ هم‌چنین سرمه کشیدن در چشم، کندن موهای زیر بغل، ناخن گرفتن و تراشیدن موهای زاید عورت (اطراف مقعد و آلت تناسلی) هر چند وقت یک بار مستحب است.

با استناد به حدیث «مَنْ كَانَ لَهُ شَعْرٌ فَلْيُكْرِمْهُ» «هر کسی که موی سر دارد پس (با پاکیزه نگه داشتن) قدرش را بداند» که ابوداود رحمه الله آن را روایت کرده است؛ شانه کردن و استفاده از چرب‌کننده‌های مناسب و شست و شوی موهای سر به طور مداوم از مستحبات است [الشربینی؛ ج ۴؛ ص ۲۹۷].

خواص حنا در حدیث روایت شده توسط سیوطی رحمه الله از ابی رافع رضی الله عنه ذکر شده است: «كنتُ عند النبي ﷺ إذا مسح يدهُ على رأسه ثم قال: عليكم بسيد الخضاب الحناء يطيب البَشْرَةَ ويزيدُ في الجماع»^(۱) «نزد پیامبر ﷺ بودم، آن حضرت ﷺ بر سرش دست کشید و فرمود: بر شماس از حنا که بهترین رنگه‌است استفاده کنید، چون رنگ صورت را پاکیزه و نیروی جنسی را می‌افزاید [البغدادی، عبد اللطیف؛ ۱۹۸۶؛ ص ۹۷].

برگ درخت حنا دارای ۸٪ تانن، ۶٪ مواد چرب، ۱٪ اسانس، ۳٪ موارد رزینی و دو در هزار از یک ماده‌ی رنگی قابل تبلور است. ماده‌ی رنگی حنا به فرمول ($C_{10}H_6O_3$) «لاوسون» نام دارد، دارای اثرات ضد قارچی قوی خصوصاً در قارچ‌های مولد کچلی و دارای اثر ضد باکتریایی است. حنا از رنگ‌های طبیعی بی‌زیان است که به صورت پرده‌ای مانع از تأثیر اشعه‌ی خورشید بر پوست بدن می‌شود [زرگری، علی؛ ج ۲؛ ۱۳۷۱؛ ص ۳۵۸-۳۵۳].

اولین کسی که حنا را به عنوان دارو در علاج دردهای سر، زخم‌ها و شکستگی استخوان‌ها به کار برد، ابوعلی سینا طبیب حاذق ایرانی بود؛ داوود انطاکی نیز در علاج بیماری یرقان و بیماری‌های طحال، جذام، مفاصل، پوست و مو، حنا را به کار برده است [سالم، مختار؛ ۱۹۸۸؛ ص ۴۱۸].

سرمه یا گُخُل که در عربی «أُثْمَد» خوانده می‌شود در واقع سولفورآنتیموان است که از طریق مجاری اشکی، مجاری بینی را آغشته کرده و PH این محیط را پایین می‌آورد. این ماده در پیش‌گیری از بیماری‌های تنفسی و سینوزیت می‌تواند مؤثر باشد [اصفهانی، محمد مهدی؛ ۱۳۷۵].

سرمه به عنوان رویاننده‌ی مژه‌ها و تقویت‌کننده‌ی چشم در طب سنتی جایگاه خاصی دارد [بیرونی، ابوریحان؛ ۱۳۵۲؛ ص ۲۵ و البغدادی، عبد اللطیف؛ ۱۹۸۶؛ ص ۶۱].

۱- شیخ آلبانی می‌گوید: این حدیث موضوع و ساختگی است. مصحح

زیربغل تعداد زیادی غدد ترشح چربی وجود دارد که آن محیط را مرطوب می‌سازند. بنابراین وجود رطوبت، گرما و تاریکی که عوامل مساعدکننده‌ی رشد و تولیدمثل میکروب‌ها هستند و نیز عدم جریان هوا در قسمت‌های زیر بغل باعث فعالیت باکتری‌ها شده، به تجزیه‌ی چربی‌ها مبادرت می‌ورزند، و در نتیجه بوی بد تولید می‌شود؛ بنابراین لازم است هر چند وقت یک بار موهای این قسمت را از بین برد.

اطراف ریشه‌ی موها که محیط مناسبی برای رشد میکروب‌هاست، میکروب‌های مختلفی زندگی می‌کنند؛ بنابراین کوتاه کردن یا تراشیدن موهای سر و تابش مستقیم نور خورشید به آن قسمت‌ها و همچنین شست و شوی مداوم سر در بهداشت پوست و مو بسیار مفید است.

کوتاه کردن موهای سبیل با توجه به وجود بخارآب در بازدم و تماس مداوم این موها با چربی که زمینه‌ی رشد میکروب‌هاست، در پاکیزگی و بهداشت فردی بسیار مؤثر است. زدودن موهای زهار در زنان یکی از عوامل پیش‌گیری از بیماری‌ها و عفونت‌های دستگاه تناسلی است؛ در زمان قاعدگی ترشحات مهبل موها را کثیف کرده و همواره احتمال آلوده شدن موهای این قسمت با مدفوع وجود دارد.

مالیدن چربی بر پوست بدن سبب تغذیه‌ی پوست و برطرف شدن چین و چروک آن می‌شود؛ چربی حاصل از مالیدن روغن به صورت لایه‌ای محافظ بر روی پوست عمل می‌کند و مانع نفوذ میکروب‌ها می‌شود [پاک‌نژاد، سید رضا؛ ۱۳۴۹؛ ج ۱؛ ص ۶۵].

۹- خوراکی‌ها

معرفت احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های حلال به این دلیل اهمیت پیدا می‌کند که خداوند در این باره می‌فرماید:

﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ﴾ [المائدة: ۴].

«از تو می‌پرسند که چه چیزی (از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها) بر آنان حلال شده است؟ بگو: بر شما چیزهای پاکیزه حلال شده است».

پیامبر اکرم ﷺ نیز می‌فرماید: «أَيُّ لَحْمٍ نَبَتْ مِنْ حَرَامٍ فَالْتَّارُ أُولَى بِهِ» «هر گوشتی که در بدن (انسان) از حرام روییده باشد، به آتش جهنم سزاوارتر است».

از حیوانات دریایی انواع ماهی‌ها هرگونه که بمیرند حلال‌اند؛ ولی آنچه که در دریا و خشکی می‌تواند زندگی کند مانند: قورباغه، مار، لاک‌پشت، خرچنگ و غیره حرام است. در میان حیوانات خشکی شتر، بز، گاو، گوسفند خانگی و کوهی، گورخر، کفتار، کانگرو، آهو، سمور، خرگوش، راسو، روباه، سنجاب و خارپشت حلال هستند؛ اما گرگ، شغال، موش، میمون، خرس، پلنگ، گربه‌ی وحشی و اهلی، سگ، گراز، خوک، مار، شیر، فیل و تمام حیواناتی که دارای زهر هستند و همچنین درندگانی که دارای دندان‌های نیش بزرگ‌اند، حرام هستند.

در میان پرندگان خروس، مرغ، بوقلمون، غاز، اردک، کبک، قمری، انواع گنجشک، کبوتر، سار یا مرغ ماهی‌خوار، بلبل، تیهو، قازلاق (قُبره)، شبان فریب (مکاء)، بلدرچین، درنا، قرقاول، زاغ، فاخته، مرغابی، شترمرغ، مرغ رشتی (غرغره) حلال هستند؛ اما شاهین، جغد، باشه، پرستو، طوطی، چرخ (صَفَر)، عقاب، استخوان‌خوار (نَسْر)، کرکس، لک‌لک، دارکوب، لاشخور، زاغچه، کلاغ، زغن، هدهد، طاووس، خفاش و به طور کلی پرندگانی

که دارای چنگال تیز و منحنی به طرف پایین هستند و توانایی ایجاد زخم را با چنگال دارند، حرام هستند [السید البکری؛ ج ۴؛ ص ۳۹۸].

تمامی حشرات به استثنای ملخ و تمامی خزندگان غیر از «ضب» (نوعی بز میچه) حرام هستند. ادله‌ی فقهی تمام احکام فوق در کتب فقهی مذکور است.

بقیه‌ی حیوانات در صورتی حلال هستند که مضر و پلید نباشند و طبع سالم انسان مایل به استفاده از گوشت آن‌ها باشد. به طور کلی با توجه به آیات ۳۱ و ۳۲ سوره‌ی مبارکه‌ی اعراف و آیات ۱۷۲ و ۱۷۳ بقره، و آیه‌ی ۳ مائده و نیز ۱۴۵ سوره‌ی انعام، ضوابط و قوانین اساسی اسلام برای تندرستی بشر و استفاده از مواد غذایی به شرح زیر است:

- ۱- اباحه و تشویق با استفاده از غذاهای پاکیزه (طیبات).
 - ۲- تحریم و تحذیر از غذاهای ناپاک و زیانبخش (خبائث).
 - ۳- ضرورت دقت در نوع، کیفیت، مقدار و منشاء غذا.
 - ۴- اعتدال و میانه‌روی و دوری از اسراف و پرخوری.
- امامان نسایی و ترمذی رحمهما الله روایت کرده‌اند که پیامبر ﷺ فرموده است: «ما ملأ ابنُ آدمَ وعاءَ شَرٍّ من بطنه حسب ابنِ آدمَ أَكَلَاتٌ يَقْمَنَ صلبه فإن كَانَ لا محالة فثَلثَ لُطْعَمه وثَلثَ لشرابه وثَلثَ لنفسه» «بدترین ظرفی که انسان پر می‌کند، ظرف شکمش (معده) است، در صورت نیاز انسان را، آن مقدار خوردن کافی است که او را نگه دارد، (یعنی) یک سوم برای غذا و یک سوم برای آب و یک سوم برای تنفس».
- حکما اعتدال در خوردن را یکی از ارکان سلامتی ذکر کرده، گفته‌اند: «جوعوا تصحوا» «گرسنگی بکشید تا سلامت یابید».

علی بن حسین بن واقد گفته است: خداوند علم طب را در نصف آیه‌ی از قرآن کریم جمع نموده است، آن‌جا که می‌فرماید: ﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا﴾ [الأعراف: ۳۱] «بخورید و بیاشامید ولی اسراف و زیاده‌روی نکنید» [البغدادی، عبداللطیف؛ ۱۹۸۶؛ ص ۱۴].

غذا از بدو تولد تا مرگ عامل مهمی در تندرستی انسان است. مواد غذایی ترکیبات شیمیایی بسیار پیچیده‌ای هستند که ۵۰ ماده‌ی مغذی یا بیشتر را که مورد نیاز بدن ما است، تأمین می‌کند.

سنگ نوشته‌های مصریان باستان، از به کار بردن غذا برای درمان بسیاری از بیماری‌ها دلالت دارد. سقراط، پزشک معروف یونانی، در مورد غذاهای مناسب در درمان بیماری‌ها مطالبی نگاشته است.

در اواخر قرن هجدهم و پس از پیدا شدن اساس علوم شیمی و فیزیولوژی، علم تغذیه پیشرفت خود را آغاز کرد و در اوایل قرن بیستم دانشمندان متوجه شدند که با مصرف رژیم‌های غذایی کافی می‌توان از بیماری‌های ناشی از کمبودهای تغذیه‌ای مانند اسکوربوت^۱، بربری^۲، پلاگر^۳ و کم‌خونی‌های تغذیه‌ای پیش‌گیری کرد [رابینسون و همکاران؛ ۱۳۷۸؛ ص ۱۵-۱۶].

از جمله مسایل بسیار مهم در امر تغذیه تنوع، شمول غذا بر مواد غذایی لازم برای بدن (پروتئین‌ها، چربی‌ها، قندها، ویتامین‌ها، املاح، و مواد معدنی) و بهداشت مواد غذایی است.

تأثیرات روانی غذاها بر روح و روان آدمی از جمله مسایلی است که به تازگی مورد توجه علم تغذیه قرار گرفته است. نقش تغذیه در ایجاد و بهبود بیماری‌های مختلف در اندام‌های بدن بسیار قابل توجه است؛ واتسون مؤسس مکتب رفتارگرایی عقیده دارد که انسان با سه غریزه‌ی پرخاشگری، عشق و ترس به دنیا می‌آید؛ اصولاً حیوانات گوشت‌خوار، پرخاشگرند و در حیوانات علف‌خوار کمتر پرخاش‌گری دیده می‌شود [میلانی‌فر، بهروز؛ ۱۳۷۳؛ ص ۱۰۶].

1- Scorbutus

2- Beriberi

3- Pellagra

هورمون‌هایی که رفتارهای حیوان را کنترل می‌کنند، از غدد مختلف به سیستم گردش خون وارد شده و در گوشت آن‌ها نفوذ می‌کنند؛ مشاهدات دانشمندان در قبایل آفریقایی که گوشت حیوانات شکاری مصرف می‌کنند، نشان داده است که میزان قتل و کشتار در بین آن‌ها بسیار زیادتر از قبایلی است که از آن نوع گوشت‌ها استفاده نمی‌کنند [طباره، عقیف عبدالفتاح؛ ۱۳۷۵؛ ص ۱۵۶].

ماهی‌ها منبع مهمی از پروتئین حیوانی برای انسان هستند و پروتئین آن‌ها دارای ارزش بیولوژیکی بالا، مشابه پروتئین حیوانات خشکی است. ماهی‌ها به دو دسته‌ی کم‌چربی و چرب تقسیم می‌شوند؛ ماهی‌های کم‌چربی دارای حدود ۱٪ چربی و ۱۰٪ پروتئین هستند و انرژی حاصل از مصرف ۱۰۰ گرم از آن‌ها بین ۵۰ تا ۸۰ کیلوکالری است. ماهی‌های چرب دارای ۸٪ تا ۱۵٪ چربی بوده و از خوردن ۱۰۰ گرم از آن‌ها ۸۰ تا ۱۶۰ کیلوکالری انرژی به دست می‌آید. به طور متوسط ماهی‌ها دارای ۰/۷ تا ۲ گرم درصد موادمعدنی نظیر پتاسیم، فسفر، گوگرد، منیزیم، کلسیم، آهن و ید هستند [محمدیها، حسن، ۱۳۶۸؛ ص ۱۳۴].

گوشت غنی‌ترین منبع پروتئین برای تغذیه‌ی انسان است و در عین حال از فساد پذیرترین موادغذایی محسوب می‌شود. بهداشت گوشت از جمله مسایل بسیار مهمی در سلامت انسان است. در اثر مصرف گوشت بیماری‌هایی مانند: سل، سیاه‌زخم، بروسلوز، کرم کدوی گاوی، کرم کدوی خوک و تریشینوز، ممکن است به انسان سرایت کند [حلم سرشت و دل‌پیشه؛ ۱۳۷۴؛ ص ۲۰۶].

گوشت اعضای مختلف بدن یک حیوان و همچنین گوشت همان اعضا در حیوانات دیگر دارای ترکیباتی متغیر و تا حدودی مشابه است.

به طور کلی از مصرف ۱۰۰ گرم گوشت ۱۰۰ تا ۴۰۰ کیلوکالری انرژی حاصل می‌شود. گوشت حیوانات شکاری دارای مقادیر زیادی پروتئین و مقدار کمی چربی است

مثلاً: گوشت آهو ۲۱٪ و گوشت خرگوش ۲۳٪ پروتیین دارد [محمدیها، حسن؛ ۱۳۶۸؛ ص ۱۳۱-۱۲۹].

۹-۱- خوردنی‌های حرام

خوردن هر نوع نجاست و مواد غذایی که نجس شده‌اند و قابل تطهیر نیستند مانند سرکه، شیر، روغن و شیره حرام است؛ هم‌چنین خوردن موادی که برای بدن مضر است، مانند: خاک، سنگ، شیشه، سم و انواع مخدرات (تریاک، کوکائین، هرویین، بنگ، حشیش و امثال این‌ها) حرام است، زیرا خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ۝۲۹﴾ [النساء: ۲۹].

«و خودکشی نکنید و خون هم دیگر را نیزید. بی‌گمان خداوند نسبت به شما مهربان بوده (و خواهد بود)».

و می‌فرماید:

﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾ [البقرة: ۱۹۵].

«و خود را با دست خویش به هلاک نیفکنید».

[شیخ‌الاسلام، سید محمد؛ ۱۳۶۷؛ ج ۲؛ ص ۳۰۵].

علل تحریم خوردن نجاسات در دلایل نجس بودن آن‌ها به طور مفصل مورد بحث قرار گرفت. خصوصیات فیزیکی و شیمیایی محیط‌های مایع در پخش آلودگی‌های ناشی از وجود نجاسات باعث پخش آن مواد در تمام محیط می‌شود، به طوری که پاک کردن مایع را غیرممکن می‌سازد.

از قدیمی‌ترین ادوار تاریخی مصرف تریاک و مشتقات آن که از شیرهی گیاه کوکنار گرفته می‌شد، به عنوان یک ماده‌ی دارویی برای درمان دردها معمول بوده است؛ اما

استفاده‌ی بی‌رویه و گسترش استعمال این مواد به عنوان تفنن و سرگرمی باعث ایجاد اعتیاد و تجارت هنگفت این مواد شد.

تأثیرات منفی مخدرات بر مغز و کاهش اراده و قدرت تصمیم‌گیری و پیامدهای روانی ناشی از آن‌ها برای علم پزشکی کاملاً واضح است.

مهم‌ترین علایم مصرف تریاک و مشتقات آن عبارتند از: ۱- خواب آلودگی با حضور ذهن ۲- تسکین درد ۳- انبساط خاطر و آرامش ۴- احساس گنگ و مبهم نسبت به زمان ۵- به خواب رفتن با آرامش و تخیلات مطبوع ۶- سستی اراده و ضعف حرکات ۷- کاهش میل جنسی [گودرزی، فرامرزی؛ ۱۳۷۴؛ ص ۶۹۴].

مصرف موادمخدر وابستگی داروی یا اعتیاد را به دنبال دارد و این عارضه در مواد مختلف متفاوت است؛ بعضی از این مواد با یک بار مصرف کردن ایجاد اعتیاد می‌کنند و بعضی دیگر در مدت بیشتر و با مصرف زیاد ایجاد اعتیاد می‌کنند.

وابستگی جسمانی به علت نفوذ ماده‌ی مخدر در سلول‌های بدن و اثر شیمیایی آن باعث وابستگی سلول‌های بدن شده و قطع دارو به منزله‌ی این است که یکی از مواد حیاتی به سلول نرسد؛ وابستگی روانی به موادمخدر نیز به حالتی اطلاق می‌شود که شخص از نظر عاطفی به دارو یا ماده‌ای وابستگی پیدا می‌کند و با اطلاع از پیامدهای منفی و نتایج سوءمصرف آن، با این حال احتیاج دارد که مصرف آن را ادامه دهد [ملانی‌فر، بهروز؛ ۱۳۷۳؛ ص ۲۵۷-۲۵۶].

۹-۲- خوردنی‌های پاک

هر نوع ماده‌ی غذایی که پاک باشد و برای جسم مضر نباشد و طبع سلیم انسانی به خوردن آن متمایل باشد مانند انواع میوه‌ها، دانه‌ها، گل‌ها و قارچ‌ها حلال است. حیواناتی که گوشت آن‌ها حلال است، شیرشان نیز حلال است؛ ولی در میان حیواناتی که گوشت آن‌ها حرام است فقط شیر انسان پاک و قابل استفاده است.

ارزش غذایی هر کدام از انواع مواد غذایی فوق متفاوت است، میوه‌ها با داشتن ۷۵٪ تا ۹۰٪ آب، ۵٪ تا ۲۰٪ کربوهیدرات، مقدارهای متفاوتی پروتئین و چربی و به طور متوسط ۵٪/۰ املاح، از جمله منابع ویتامین‌های ضروری بدن هستند که در تأمین سلامتی بشر نقش مهمی را ایفا می‌کنند [محمدیها، حسن؛ ۱۳۶۸؛ ص ۱۲۶-۱۲۵].

حبوبات و غلات نیز از جمله مواد غذایی سرشار از پروتئین‌ها و کربوهیدرات‌ها هستند که در بسیاری از مناطق، انواع مختلفی از آن‌ها به عنوان ماده‌ی غذایی اصلی (قوت) مورد استفاده قرار می‌گیرند و ۷۰٪ انرژی کلی غذایی روزانه را تأمین می‌کنند.

قارچ‌های غیرسمی که از هر ۱۰۰ گرم آن‌ها ۴۰ کیلوکالری انرژی تولید می‌شود دارای ۳٪ پروتئین، ۵٪/۰ کربوهیدرات و کمتر از ۱۵ املاح و چربی هستند [محمدیها، سن؛ ۱۳۶۸؛ ص ۱۲۵].

شیر محیط مناسبی برای رشد و تکثیر میکروب‌هاست و این میکروب‌ها ممکن است از حیوان شیرده و یا از طریق انسان و یا از راه محیط وارد شیر شوند.

شیر حیوانات مختلف اگر بهداشتی بوده، دارای عطر و رایحه‌ی نامطبوع نباشند و همچنین با آزمون‌های شمارش میکروب، استفاده از آن‌ها بی‌ضرر اعلام شود، قابل استفاده هستند. بیماری‌های تب مالت^۱، سل گاوی^۲، حصبه^۳، سیاه‌زخم^۴، دیفتری^۵، شبه‌حصبه^۶ و بیماری‌های ویروسی مختلف از طریق شیر قابل انتقال هستند.

ترکیبات شیر در حیوانات مختلف مشابه است اما مقادیر این ترکیبات متغیر است [فرج‌زاده آلان، داوود؛ ۱۳۷۹؛ ص ۱۷۶-۱۷۵].

1- Brucellosis

2- bovine tuberculosis

3- typhoid

4- anthrax

5- diphtheria

6- paratyphoid

۹-۳- حیوانات نجاست خوار

گوشت حیواناتی که به خوردن نجاست عادت دارند و در اصطلاح فقهی «جلاله» نامیده می‌شوند، در صورتی که مدتی از علوفه و مواد غذایی پاک استفاده کنند و از گوشتشان بوی بد استشمام نشود، قابل خوردن است و در غیر این صورت مصرف گوشت آن‌ها مکروه است.

از جمله عواملی که ترکیب و صفات گوشت را تغییر می‌دهد تغذیه‌ی حیوان است؛ مواد غذایی مختلف، در میزان پروتئین و چربی گوشت مؤثر است و مزه و طعم گوشت را تحت تأثیر قرار می‌دهد [محمدیها، حسن؛ ۱۳۷۶؛ ص ۱۲۸].

تغییر و تحول مواد سازنده‌ی بدن که در اصطلاح علمی (turn over) نامیده می‌شود یکی از مباحث جدید و مورد تأیید علوم تغذیه‌ای است که قرن‌ها پیش مورد توجه بهداشت اسلامی قرار گرفته است [اصفهان‌ی، محمد مهدی؛ ۱۳۷۵].

۹-۴- ضرورت بقای حیات آدمی

کسی که در حالت اضطراب قرار گرفته و در معرض ابتلا به امراض کشنده و مرگ است، در صورتی که خوردنی و آشامیدنی حلال در اختیار نداشته باشد، لازم است که از مواد غذایی حرام (گوشت خوک، مردار، غذای دیگران و ...) به اندازه‌ای بخورد که زنده بماند؛ زیرا خداوند می‌فرماید:

﴿فَمَنْ أَضْطَرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [النحل: ۱۱۵].

«و اگر کسی مجبور شود (به خاطر حفظ جان از محرمات بخورد) در صورتی که علاقه‌مند (به خوردن و لذت بردن از این چیزها) نبوده و متجاوز (از سد جوع هم) نباشد، (بر آنان ایرادی نیست؛ چرا که) خداوند بس آمرزنده و مهربان است».

بدن هر انسانی برای انجام فعالیت‌های طبیعی خود حتی در حال استراحت کامل نیاز به مقدار مشخصی انرژی دارد که متابولیسم پایه نامیده می‌شود. این مقدار انرژی که برای انقباض عضلات قلب و عروق، فعالیت‌های مغز و اعصاب و کار دستگاه‌های تنفس و گوارش مصرف می‌شود از غذاهای مورد استفاده‌ی شخص تهیه می‌شود.

برای انجام فعالیت‌های روزمره و هر کاری، بدن به انرژی نیازمند است و این نیاز از طریق گرسنگی اعلام می‌شود. گرسنگی احساس پیچیده‌ای است که از تغییرات فیزیولوژیکی مخازن ذخیره‌ای انرژی بدن شروع می‌گردد و با پر شدن کانال گوارش از غذا یا پر شدن شکم مهار می‌شود و این امر به وسیله‌ی اشتها و سیری مشخص می‌گردد که به وسیله‌ی مرکز گرسنگی در هیپوتالاموس، تحریکات عصبی معده، تحریکات شیمیایی و تأثیرات دما تحریک و مهار می‌شود [محمدیها، حسن؛ ۱۳۶۸؛ ص ۳۳].

با وجود این که بافت‌های بدن برای تأمین انرژی از کربوهیدرات‌ها به طور ارجح نسبت به چربی‌ها و پروتئین‌ها استفاده می‌کنند، مقدار کربوهیدرات که به طور طبیعی در سراسر بدن (به طور عمده گلیکوژن در کبد و عضلات) ذخیره می‌شود، فقط چند گرم است و این مقدار می‌تواند انرژی موردنیاز فعالیت‌های بدن را برای شاید نصف روز تأمین کند؛ بنابراین به استثنای چند ساعت اول بی‌غذایی، اثرات عمده‌ای که در بی‌غذایی به وجود می‌آیند، عبارت است از: کاهش پیش رونده‌ی پروتئین‌ها و چربی‌های بافتی. چون چربی منبع اصلی انرژی را تشکیل می‌دهد، لذا سرعت تهی شدن چربی در روند بی‌غذایی بدون کاهش ادامه یافته، تا این که قسمت اعظم ذخایر چربی بدن از بین می‌رود، سپس سرعت کاهش پروتئین‌ها افزایش چشم‌گیری می‌یابد [گایتون، آرتور؛ ۱۳۷۵؛ ج ۲؛ ص ۱۳۲۳].

زمانی که ذخایر غذایی بدن به اتمام رسید، اختلال در نقش ارگان‌های حساس پدیدار شده، ضایعات در اعضا و نسوج پدید می‌آید، که به خسارت غیرقابل بازگشت

منجر می‌شود؛ در این زمینه ابتدا علایم کلینیکی بالینی، بیماری را نشان می‌دهند و گاهی این علایم شدید، به مرگ شخص منجر می‌گردند [محمدیها، حسن؛ ۱۳۶۸؛ ص ۲۰۴].

۱۰- مسابقه و رقابت

مسابقه در سوارکاری با اسب، استر، شتر و تیراندازی با انواع نیزه، منجنیق و هر آن‌چه که در جنگ کاربرد داشته باشد، با رعایت شروط مربوطه مشروع و مستحب است؛ آیه‌ی: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾ [الأنفال: 60].

«برای (مبارزه‌ی با) آنان تا آن‌جا که می‌توانید نیروی (مادی و معنوی) و (از جمله) اسب‌های ورزیده آماده سازید، تا بدان (آمادگی و ساز و برگ جنگلی) دشمنان خدا و دشمنان خویش را بترسانید».

دلیل تشریع حکم فوق است و در روایت امام مسلم رحمه‌الله، پیامبر ﷺ «قُوَّة» را به «تیراندازی» تفسیر نموده است.

احادیث متعددی در خصوص تشویق پیامبر ﷺ به ورزش‌های تیراندازی، سوارکاری، شنا و هم‌چنین شرکت ایشان در مسابقه‌ی سوارکاری، روایت شده است.

با توجه به این که یکی از امتیازات برتری طالوت قدرت بدنی وی ذکر شده است:

﴿قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ﴾ [البقرة: ۲۴۷].

«گفت: خداوند او را بر شما برگزیده است و دانش و (قدرت) جسم او را وسعت

بخشیده است».

و هم‌چنین روایت امام مسلم رحمه‌الله از پیامبر اکرم ﷺ که فرموده‌اند: «المؤمن القوي خيرٌ وأحبُّ إلى الله من المؤمن الضعيف وفي كلٍّ خيرٌ» «مؤمن نیرومند نزد خداوند، از مؤمن ضعیف برتر و محبوب‌تر است و در هر کدام از آن‌ها خیری وجود دارد»، می‌توان حکم فوق را به ورزش‌هایی که در تقویت جسم مفید هستند، تعمیم داد.

اسلام دین میانه‌روی و اعتدال است و توجه به پرورش جسم در کنار تقویت روح در بیشتر عبادات دیده می‌شود؛ در واقع بیشتر عبادات دارای جنبه‌های بدنی هستند که نوعی از تحریک و تقویت اندام‌ها در آن‌ها دیده می‌شود؛ نماز، حج و جهاد عباداتی هستند که جنبه‌های جسمی آنان در خور توجه است در احادیث نبوی ورزش‌های دیگری چون پیاده‌روی، دو، وزنه‌برداری و کشتی مورد تأکید و توجه قرار گرفته است.

به طور کلی ورزش و فعالیت‌های بدنی برای تأمین سلامت جسم و روان مفید و ضروری است. اثرات فیزیولوژیکی ورزش بر اندام‌ها و دستگاه‌های مختلف بدن به صورت خلاصه عبارتند از:

- ۱- ازدیاد حجم ریه‌ها ۲- کمک به دفع سموم بدن ۳- تأمین سلامت پوست ۴- تنظیم حرارت بدن ۵- بهبود گردش خون ۶- ازدیاد گلبول‌های قرمز و هموگلوبین خون ۷- تقویت فعالیت قلب ۸- کمک به هضم و جذب غذا ۹- تقلیل خطر بروز بیماری‌های قلب و عروق ۱۰- تسهیل خواب و استراحت ۱۱- جلوگیری از پرخونی احشا ۱۲- تقویت دستگاه عضلانی - عصبی و تنظیم تعادل آن ۱۳- بهبود سلامت روان [حلم سرشت و دل‌پیشه؛ ۱۳۷۱؛ ص ۲۸۴].

سوارکاری از جمله ورزش‌هایی است که در میان مسلمانان و نیز اعراب جاهلی مورد توجه بوده است؛ پیامبر اکرم ﷺ در بین اصحاب مسابقه‌ی سوارکاری برگزار نموده و به شش نفر اول جوایز نفیسی اهداء فرموده است؛ مردان و زنان مسلمان به تمرین و یادگیری این ورزش‌ها اهمیت می‌دادند؛ در میان زنان مسلمان، کسانی چون خوله بنت الأزور الکندی به سوارکاری مشهور بوده است [سالم، مختار؛ ۱۹۸۸؛ ص ۲۰۹].

حرکات مداوم اسب به بدن سوارکار منتقل شده و مانند ماساژ مداومی تمام اعضای بیرونی و درونی شخص را به تحرک و فعالیت وادار می‌کند. بقراط در معالجه‌ی بیماری‌های روده و کبد به بیماران، سوارکاری را پیشنهاد کرده است.

نشاط بخشیدن به گردش خون و دستگاه عصبی با افزایش سرعت تنفس و ضربان قلب سوارکار از ویژگی‌های مهم این ورزش است.

پزشکان طب طبیعی زمانی آلمانی از این ورزش در معالجه‌ی بیماری‌های مزمن کبد، مفاصل و رماتیسم استفاده می‌کنند [سالم، مختار؛ ۱۹۹۵؛ ص ۱۰۱].

تیراندازی از جمله‌ی ورزش‌هایی است که در تقویت جسم و فکر بسیار سودمند است. قدرت فرد در به کار بردن حرکات ارادی به سوی هدفی معین که عنصر دقت (Accuracy) خوانده می‌شود در ارزش تیراندازی به مرور زمان تقویت شده، به سطح بالایی خواهد رسید [سالم، مختار؛ ۱۹۸۸؛ ص ۲۰۴]. در این روش عضلات بازو، سینه، کتف و حتی عضلات چشم تقویت می‌شوند.

﴿رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ ﴿وَتُبَّ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾

وصلی الله علی سیدنا ونبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.

«واژه‌نامه‌ی فقهی»

إباحه: حلال شمردن؛ مباح کاری است که انجام دادن یا ترک آن موجب ثواب یا عذاب نیست.

إستبراء: در لغت به معنی برائت جستن و در اصطلاح فقه عبارت است از پاک نمودن مجرای ادراری از ادرار با فشار دادن و کشیدن آلت تناسلی.

إستحباب: مترادف تطوع، ندب و نفل؛ آنچه که انجام دادنش ثواب دارد و ترک آن موجب گناه و عقاب نیست مستحب نامیده می‌شود.

إستسقاء: طلب باران کردن با دعا یا نماز؛ نماز استسقاء: نماز طلب باران.

إستثثار: پاک کردن بینی با خارج نمودن آب یا هر مایعی که به درون بینی کشیده شده است.

إستنجاء: در لغت به معنی خلاصی جستن و رهایی یافتن است، و در اصطلاح فقه عبارت است از پاک نمودن محل خروج مدفوع و ادرار با آب، سنگ و یا سایر جامدات مورد تأیید شرع.

إستنشاق: آب و یا هر مایع دیگر را به بینی کشیدن.

أصح: در لغت به معنی صحیح‌تر و در اصطلاح فقه برای بیان وجهی به کار می‌رود که دلیل وجه مخالف آن قوی باشد. (وجه عبارت است از حکمی که مجتهدین مذهب مطابق قواعد امام شافعی رحمه‌الله با توجه به حکم ایشان در نظیر آن مسأله استخراج نموده‌اند).

أظهر: در لغت به معنی آشکارتر و در اصطلاح فقه بیان گفته‌ی امام شافعی است که قول دیگر ایشان در مخالفت با آن گفته، دارای دلیلی محکم است.

إقراض: وام دادن، قرض دادن و در اصطلاح فقه عبارت است از چیزی را به تملیک کسی درآوردن در مقابل این که بدلش را پس دهد.

أُم ولد: مادر فرزند و آن کنیزی است که از مولای خود آبستن شود.

إیلاء: ادای قسم بر ترک جماع همسر برای مدت بیشتر از چهار ماه؛ پس از چهار ماه قاضی چنین شخصی را به پرداخت کفّاره و انجام عمل نزدیکی با همسر و یا طلاق دادن وی وادار می‌کند.

تَحْرِیم: حرام کردن؛ حرام کاری است که انجام دادن آن گناه است و موجب عذاب و عتاب خداوندی و ترک آن موجب حصول ثواب است.

تَدْبِیر: در لغت به معنی اندیشه کردن در عاقبت امور است و در اصطلاح فقه تعلیق آزادی کنیز یا برده است به مرگ مالک.

جزیه: مالی است که حکومت اسلامی بر کفّار ذمی وضع می‌کند و سالانه ملزم به پرداخت آن هستند.

جُعَاله: التزام شخص است به پرداخت اجرت معلوم برای انجام عملی معین یا غیرمعین مثلاً شخصی که می‌گوید: هر کس فلان گمشده مرا یافت به او این مقدار پول می‌دهم؛ پس هر کسی که رفت و گمشده را یافت می‌تواند ادعای مبلغ اعلام شده را بنماید؛ چنین عقدی را جُعَاله گویند.

حَبْر: منع و بازداشتن افراد مشخصی است از تصرفات مالی، مانند: مفلس، سفیه، دیوانه و کودک.

حِضَانَت: ولایت و سرپرستی کسانی است که به طور مستقل نمی‌توانند زندگی کنند مانند: کودک و دیوانه.

خُلْع: جدایی میان زن و شوهر است بر مالی که شوهر خواه از همسر خود یا از غیر وی بگیرد.

خِیار: حقی است برای طرفین عقد یا یکی از آنها که بتوانند عقد را بر هم زنند و دارای انواع مختلفی است (خِیار النقیصه، خِیار الشرط، خِیارالمجلس).

رَجْعَت: اعادهٔ نکاح همسری است که طلاق رجعی داده شده «عِدَّة» وی منقضی نگشته است. رجعت با لفظ مرد صورت می‌گیرد و نیازی به رضایت زوجه یا حضور سرپرست زوجه و شاهد ندارد.

رِضَاع: پنج بار رسیدن شیر یا فرآورده‌های شیری زنی نامحرم به معدهٔ کودکی که کمتر از دو سال دارد؛ پس از رضاع پیوند محرمیت میان کودک و زن شیرده و نزدیکان وی به وجود می‌آید.

سُنَّت: گفتار و کردار پیامبر ﷺ و همچنین کاری که در حضور ایشان انجام شده و مخالفت نکرده‌اند سُنَّت نامیده می‌شود. پس از قرآن سنت دومین مصدر احکام شرعی است و انکار حجیت آن موجب کفر است.

شُفْعَه: حق تملک اجباری است برای شریک در آنچه که منقول نیست.

صَدَاق: صداق، مَهْر، کابین و نِحْلَه به آن چه طلاق می‌شود که زن در عوض نکاح، مالک آن می‌شود.

ظِهَار: تشبیه کردن همسر است به یکی از زنان مَحْرَم؛ در این صورت شوهر ملزم به پرداخت کفاره قبل از نزدیکی با همسر می‌شود.

عاریه: تملیک منفعت چیزی است بدون عوض با بقای عین و استرداد آن.

عِتَق: آزادکردن برده یا کنیز.

عِدَّة: مدتی که زن پس از جدایی با همسر باید از ازدواج خودداری کند تا عدم حاملگی وی مشخص گردد.

فَسْخ: برهم زدن عقد نکاح بدون قص عدد.

قِرَاض یا مُضَارَبَه: عقدی است که به موجب آن مالک مبلغی به عامل می‌دهد تا با آن تجارت نماید و سود حاصل از تجارت مشترک بین آن دو باشد.

قَسَم: تقسیم شب ماندن‌ها نزد همسران و رعایت حقوق هر کدام از آن‌ها.

كِتَابَة: عقدی است میان مولا و برده یا کنیز که به موجب آن آزادی آنان منوط به پرداخت مبلغ مشخصی در طی اقساط معینی می‌شود.

کراهت: ناپسند و مکروه؛ مکروه امری است که انجام دادن آن عذاب ندارد و انجام ندادنش ثواب دارد.

لِإِن: در لغت به معنی دور شدن است و در اصطلاح شرع کلمات مخصوصی است که هر کدام از زوجین برای دفع حد قَذْف (تهمت زنا) از خود باید اداء نمایند.

لُقْطَة: یافتن و برداشتن چیزی از زمین که احکام مخصوصی برای رد یا تملیک آن وجود دارد.

مُتْعَة: مقدار پولی است که در هنگام طلاق شوهر به همسر خود می‌پردازد و تعیین مقدار آن به عهده قاضی است.

مُسَاقَاة: عقدی که طی آن نگهداری و حفظ باغ به شخصی در مقابل استفاده از مقداری از ثمر آن واگذار می‌شود.

مُکَلَّف: کسی که بالغ، عاقل و توانا به انجام عبادات است.

واجب: فرض یا واجب کاری است که انجام دادنش ثواب دارد و ترک آن گناه بوده و موجب عقاب و عذاب خداوند است.

وصایت: تعیین کسی برای پرداخت دیون و سرپرستی اطفال پس از مرگ.

وَصِيَّة: در لغت به معنی وصل کردن است، و در اصطلاح شرع عبارت است از سفارش به انجام اموری پس از مرگ.

وَقْف: اختصاص انتفاع از چیزی و بقای عین آن به امری مباح.

وَلَاء: قرابت حکمی‌ای که از عتق یا از موالات حاصل می‌شود و این نسبت فقط به معتق مرتبط می‌شود و شافعی رحمه‌الله گفته است: «لَا وَلَاءَ إِلَّا لِلْمُعْتِقِ».

هَبَة: چیزی را به تملک کسی درآوردن بدون دریافت عوض.

منابع و مأخذ

- ۱- آرزومانیانس، سونیا، رشد و تکامل انسان، تهران، انتشارات نور دانش، ۱۳۷۸ ش.
- ۲- آندرولی و همکاران، بیماری‌های غدد درون ریز و بیماری‌های متابولیک، ترجمه‌ی دکتر مهدی علمداری و دکتر بهزاد آقازاده، تهران، مؤسسه‌ی انتشاراتی گلبان، ۱۳۷۹ ش.
- ۳- آندرولی و همکاران، بیماری‌های دستگاه گوارش، کبد و سیستم صفراوی، ترجمه‌ی دکتر آیدین تبریزی و دکتر منوچهر بشیریان، مؤسسه‌ی انتشاراتی گلبان، ۱۳۷۹ ش.
- ۴- آذرگشپ، اذن‌الله، اصول خدمات بهداشتی، تهران، انتشارات لادن، ۱۳۷۵ ش.
- ۵- ابن عبدالسلام، امام عزالدین، قواعد الأحکام فی مصالح الأنام، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۹ م.
- ۶- ابن ماجه، محمد بن یزید القزوينی، سنن ابن ماجه، بیروت، المكتبة الإسلامية، الطبعة الأولى، ۱۹۸۶ م.
- ۷- ابن حجر، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تاریخ.
- ۸- ابوعلی سینا، شیخ الرییس، قانون در طب، ترجمه‌ی عبد الرحمان شرفکندی (هه‌زار)، تهران، انتشارات سروش، چاپ دوم، ۱۳۷۰ ش.
- ۹- ابوخلیل، شوقی، الإسلام فی قفص الإتهام، دمشق، دارالفکر، ۱۹۹۹ م.
- ۱۰- احمدی، جمشید، وسواس و درمان آن، شیراز، انتشارات نوید، ۱۳۶۸ ش.
- ۱۱- اسماعیل، عبدالعزیز، الإسلام وطب الحديث، بیروت، مطبعة الإعتدال، ۱۹۳۸ م.
- ۱۲- الأشقر، عمر سلیمان و زملاؤه، دراسات فقیه فی قضایا طیبه معاصره، اردن، دارالنفائس، ۲۰۰۱ م.

- ۱۳- الإصفهانی، الراغب، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صنوان عدنان داوودی، دمشق، دارالقلم، ۱۹۹۲ م.
- ۱۴- اصفهانی، محمد مهدی، بهداشت مساجد، تهران چاپ و نشر طرح اقامه‌ی نمره ۱۳۷۲ ش.
- ۱۵- اصفهانی، محمد مهدی، تغذیه با شیر مادر و مسئله‌ی خویشاوندی رضاعی، دانشگاه علوم پزشکی و خدماتی بهداشتی و درمانی ایران، ۱۳۷۴ ش.
- ۱۶- اصفهانی، محمد مهدی، نماز نیایش عشق و شفابخش تن و روان، تهران، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۱۳۷۴ ش.
- ۱۷- اصفهانی، محمد مهدی، مجموعه‌ی مقالات اسلام و علوم تندرستی، منتشر نشده، ۱۳۷۵ ش.
- ۱۸- اصفهانی، محمد مهدی و علی مهرابی توانا، بهداشت و فرماندهی، تهران، فرماندهی بهداری نیروی زمینی، ۱۳۷۷ ش.
- ۱۹- بابایی، س، وجود طلا و ترکیبات آن در بافت‌های بدن، پایان‌نامه‌ی انترنی دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۳۷۰ ش.
- ۲۰- بروان، ادوارد، طب اسلامی، ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳ ش.
- ۲۱- البغدادی، موفق الدین عبد اللطیف، الطب من الكتاب والسنه، بیروت، دارالمعرفه، ۱۹۸۶ م.
- ۲۲- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، رساله‌ی نوین فقهی پزشکی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
- ۲۳- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، طب روحانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳ ش.

- ۲۴- بیرونی، ابوریحان، صیدنه، ترجمه‌ی ابوبکر بن عثمان کاشانی، تهران، چاپخانه‌ی خرمی، ۱۳۵۲ ش.
- ۲۵- پارک، جی وک پارک، کلیات خدمات بهداشتی، ترجمه‌ی دکتر حسین شجاعی تهرانی، تهران، انتشارات سمات، ۱۳۷۶ ش.
- ۲۶- پاک‌نژاد، سید رضا، گفتارهای طبی و بهداشتی پیشوایان اسلام، پایان‌نامه‌ی انترنی دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۳۳۶ ش.
- ۲۷- پاک‌نژاد، سید رضا، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، تهران، انتشارات کتاب فروشی اسلامیة، چاپ سوم، ۱۳۴۹ ش.
- ۲۸- تاناگو، امیل و همکاران، اورولوژی عمومی اسمیت، ترجمه‌ی دکتر حمید جزایری و دکتر فرهاد سپه، انتشارات آینده‌سازان، ۱۳۷۱ ش.
- ۲۹- تاناگو، امیل و همکاران، مروری جامع بر اورولوژی اسمیت، ترجمه‌ی دکتر رامین خدام و دکتر سید علیرضا خلیلی، نشر دیباج، ۱۳۷۹ ش.
- ۳۰- توکلی بزاز، جواد، مجموعه‌ی مقالات اولین کنگره‌ی سراسری انطباق امور پزشکی با موازین شرع، تهران، مؤسسه‌ی انتشاراتی تیمورزاده، ۱۳۷۷ ش.
- ۳۱- جواهری، حسن، اصول تکنیک‌های خون‌شناسی، تهران، مرکز کتاب گلگشت، بی‌تاریخ.
- ۳۲- الجوزیه، ابن قیم، الطب النبوی، بیروت، المكتبة العصرية، ۱۹۹۰ م.
- ۳۳- جیمز، ویلیام، دین و روان، ترجمه‌ی مهدی قائنی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
- ۳۴- الحبال، محمد جمیل، و ومیض رمزی العمری، الطب فی القرآن، بیروت، دارالنفائس، ۱۹۹۷ م.
- ۳۵- حلم سرشت، پریوش و اسماعیل دل‌پیشه، اصول بهداشت فردی، تهران، انتشارات سهامی چهر، ۱۳۷۱ ش.

- ۳۶- حلم سرشت، پریش و اسماعیل دل‌پیشه، اصول تغذیه و بهداشت مواد غذایی، تهران، انتشارات سهامی چهر، ۱۳۷۶ ش.
- ۳۷- حیدری، اکرم، بهداشت خانواده در اسلام، پایان‌نامه‌ی تخصصی دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۳۷۸ ش.
- ۳۸- الخالسی، شیخ محمد، الإسلام سبیل السعادة، تهران، مرکز وثائق للإمام الخالسی، ۲۰۰۰ م.
- ۳۹- الخالسی، شیخ محمد، أسرار أحكام الشریعة، تهران، مرکز وثائق للإمام الخالسی، ۱۴۲۱ ق.
- ۴۰- خرم‌دل، مصطفی، تفسیرنور، تهران، نشر احسان، ۱۳۷۰ ش.
- ۴۱- الخضری، الشیخ محمد، اصول الفقه، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۹ ق.
- ۴۲- الخن، مصطفی وزملاؤه، الفقه المنهجی، نشر احسان، ۱۴۱۸ ق.
- ۴۳- خوش‌طینت، آمنه، بررسی میزان آگاهی دانشجویان پرستاری از تعالیم بهداشتی اسلام، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس تهران، ۱۳۶۹ ش.
- ۴۴- دانش‌پژوه، مریم و امیرحسن محبوبی، مبانی بیماری‌های پوست، تهران، مؤسسه‌ی انتشاراتی تیمورزاده، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.
- ۴۵- درسنامه‌ی جامع پوست ایران؛ هیئت متخصصین پوست ایران، تهران، انتشارات تیمورزاده، ۱۳۸۰ ش.
- ۴۶- دفتر اروپایی سازمان بهداشت جهانی، تحقیق در ارتقای سلامت، ترجمه‌ی محمدپور اسلامی و همکاران، تهران، دفتر ارتباطات و آموزش بهداشت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۱۳۸۰ ش.
- ۴۷- الدهلوی المحدث، امام احمد بن عبد الرحیم، حجة الله البالغة، بیروت، دارالمعرفه، طبعه الاولى، ۱۴۱۸ ق.

- ۴۸- الدهلوی المحدث، امام احمد بن عبد الرحيم، ترجمه‌ی فارسی قرآن کریم، عربستان سعودی، مجمع ملک فهد برای چاپ قرآن کریم، ۱۴۱۷ ق.
- ۴۹- دیاب، عبدالحمید و احمد قرقوز، طب در قرآن، ترجمه‌ی علی چراغی، تهران، انتشارات حفظی، چاپ سوم، ۱۳۷۴ ش.
- ۵۰- راو، کلارنس، مباحث عمده در روان‌پزشکی، ترجمه‌ی دکتر جواد وهاب‌زاده، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
- ۵۱- رایان، کنث و همکاران، اصول بیماری‌های زنان کیسترن، ترجمه‌ی دکتر بهرام قاضی جهانی، تهران، انتشارات سمات، ۱۳۷۶ ش.
- ۵۲- رجحان، محمد صادق، بافت‌شناسی پزشکی، تهران، انتشارات چهر، چاپ پنجم، ۱۳۷۶ ش.
- ۵۳- الزحیلی، وهبه، الفقه‌الإسلامی و أدلته، بیروت، دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۸ ق.
- ۵۴- الزحیلی، وهبه، أصول فقه الإسلامی، تهران، نشر احسان، الطبعة الأولى، ۱۴۱۷ ق.
- ۵۵- زرگری، علی، گیاهان دارویی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۱ ش.
- ۵۶- سالم، مختار، الطب الإسلامی بین العقيدة والإبداع، بیروت، مؤسسه المعارف، ۱۹۸۸ م.
- ۵۷- سالم، مختار، الإبداعات الطبية لرسول الإنسانية، بیروت، مؤسسه المعارف، ۱۹۹۵ م.
- ۵۸- سازمان بهداشت جهانی، بهداشت روان گرداگرد جهان، ترجمه‌ی دکتر داوود، شاه‌محمدی، تهران، اداره‌ی کل مبارزه و پیش‌گیری از بیماری‌های وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، ۱۳۸۰ ش.
- ۵۹- سادلر، توماس، وی، رویان‌شناسی پزشکی لانگمن، ترجمه‌ی دکتر عباس شکور و دکتر مسلم بهادری، تهران، انتشارات چهر، ۱۳۷۶ ش.

- ۶۰- سروری، علی اصغر، ازدواج‌های فامیلی و بیماری‌های ژنتیکی کودکان، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ۱۳۷۴ ش.
- ۶۱- سعدی، عبدالملک، شرح عقاید اهل سنت، ترجمه‌ی امیرصادق تبریزی، سندج، انتشارات کردستان، ۱۳۷۹ ش.
- ۶۲- السید البکری، ابوبکر بن محمد الشطا الدمیاطی، إعانة الطالبین، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تاریخ.
- ۶۳- السیوطی، امام جلال الدین، مختصر الطب النبوی، بیروت، مکتبه القرآن، بی تاریخ.
- ۶۴- السیوطی، امام جلال الدین، الأشباه والنظائر فی الفروع، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
- ۶۵- السیوطی، امام جلال الدین، الرحمة فی الطب والحکمة، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعة الأولى، ۱۴۱۱ ق.
- ۶۶- شاملو، سعید، بهداشت روانی، تهران، انتشارت رشد، چاپ هفتم، ۱۳۶۶ ش.
- ۶۷- الشافعی، امام محمد بن ادريس، الرسالة، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۱ ق.
- ۶۸- شبلی، محمد مصطفی، المدخل فی التعریف بالفقه الإسلامی، دارالنهضة العربیه، ۱۹۸۳ م.
- ۶۹- الشربینی، الخطیب، الشیخ محمد، مغنی المحتاج إلى معرفة ألفاظ المنهاج، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تاریخ.
- ۷۰- الشروانی، عبد الحمید، حواشی الشروانی والعبادی علی تحفة المحتاج بشرح المنهاج الإمام احمد بن الحجر الهیتمی، بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۷ م.
- ۷۱- شلتوت، شیخ محمد، سیری در تعالیم اسلام، ترجمه‌ی دکتر سید خلیل خلیلان، نشر سهامی انتشار، ۱۳۵۹ ش.
- ۷۲- شهبازی، پرویز و ناصر ملک‌نیا، بیوشیمی عمومی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱ ش.

- ۷۳- شیخ الاسلام کردستان، حاج سید محمد، راهنمای مذهب امام شافعی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷ ش.
- ۷۴- الصابونی، محمد علی، تفسیر آیات الأحکام، سوریه (حلب)، دارالقلم العربی، ۱۴۱۴ ق.
- ۷۵- صافی، احمد، خانواده‌ی متعادل، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۶ ش.
- ۷۶- صانعی، صفدر، تعالیم بهداشتی اسلام، اصفهان، چاپخانه‌ی فردوسی، ۱۳۴۹ ش.
- ۷۷- صبور اردوبادی، احمد، راه‌های مبارزه با سموم میکروبی روده‌ها، انتشارات هدی، چاپ چهارم، ۱۳۶۶ ش.
- ۷۸- صبور اردوبادی، احمد، ماده و حیات، انتشارات انجمن علمی و مذهبی دانشگاه آذربایجان، ۱۳۵۷ ش.
- ۷۹- صبور اردوبادی، احمد، سلسله درس‌های آیین بهزیستی در اسلام، تبریز، سازمان منطقه‌ای بهداشتی آذربایجان شرقی، ۱۳۶۴ ش.
- ۸۰- صبور اردوبادی، احمد، اهمیت روزه از نظر علم روز، شرکت سهامی انتشار، بی‌تاریخ.
- ۸۱- طبّاره، عفیف عبدالفتاح، روح‌الدین الإسلامی، ترجمه‌ی ابوبکر حسن‌زاده، سقز، نشر محمدی، ۱۳۷۵ ش.
- ۸۲- عزیزی، فریدون، فقه و طب، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰ ش.
- ۸۳- عطیه، جمال و وهبه الزحیلی، تجدید الفقه الإسلامی، دمشق، دارالفکر، ۱۴۲۰ ق.
- ۸۴- عظیم یکتا، ابوالقاسم، بهداشت دهان و دندان از دیدگاه اسلام، پایان‌نامه‌ی دکترای دندان‌پزشکی دانشگاه تبریز، ۱۳۸۰ ش.
- ۸۵- عمر، الفاضل العبد، الطب الإسلامی عبر القرون، المملكة العربیه السعودیه، دارالشواف، ۱۹۸۹ م.

- ۸۶- علوان، عبدالله ناصح، تربیت فرزندان در اسلام، ترجمه‌ی ملا عبدالله احمدیان، نشر احسان، ۱۳۷۷ ش.
- ۸۷- علی، صادق عبدالرضا، السنة النبوية والطب والحديث، بیروت، دارالمورخ العربی، ۱۴۲۱ ق.
- ۸۸- عوده، عبدالقادر، اسلام در زندان دوستان نادان و علمای ناتوان، ترجمه‌ی عبدالرحمن الله وردی، نشر جامعه‌ی اسلامی سیب و سوران، ۱۳۶۴ ش.
- ۸۹- الغزالی، امام ابو حامد محمد، المستصفی من علم الأصول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
- ۹۰- الغزالی، امام ابو حامد محمد، احیاء علوم الدین، ترجمه‌ی مؤید الدین محمد خوارزمی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲ ش.
- ۹۱- فاضل، جواد، طب و درمان در اسلام، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۶۱ ش.
- ۹۲- فرج‌زاده آلان، داوود، بهداشت موادغذایی، تهران، انتشارات نور دانش، ۱۳۷۹ ش.
- ۹۳- القرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، بیروت، دارالفکر، بی‌تاریخ.
- ۹۴- کاویانی احمد و همکاران، بیماریهای زنان و زایمان، نشر طب، ۱۳۷۳ ش.
- ۹۵- کردستانی، شیخ محمد مردوخ، منتخب الخواص، تهران چاپخانه‌ی ارتش، ۱۳۳۰ ش.
- ۹۶- کنعان، احمد محمد، الموسوعة الطبية الفقهية، بیروت دار النفائس، الطبعة الاولى، ۲۰۰۰ م.
- ۹۷- کوئیرا، کارلوس جان، بافت‌شناسی پایه، ترجمه‌ی رستم خوش سر و همکاران، تهران، انتشارات شهر آب، ویرایش هفتم، ۱۳۷۲ ش.
- ۹۸- گارودی، روزه، سرگذشت قرن بیستم، وصیت‌نامه‌ی فلسفی گارودی، ترجمه‌ی افضل وثوقی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۵ ش.

- ۹۹- گایتون، پروفیسور آرتور، فیزیولوژی پزشکی، ترجمه‌ی فرخ شادان، تهران، انتشارات چهر، ۱۳۷۵ ش.
- ۱۰۰- گتری، ه، مبانی تغذیه، ترجمه‌ی دکتر مینوفروزانی، تهران، انتشارات چهر، ۱۳۷۶ ش.
- ۱۰۱- گودرزی، فرامرز، پزشکی قانونی، انتشارات انیشتین، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ ش.
- ۱۰۲- اللهونی، فرج محمد، تاریخ الطب فی الحضارة العربیة الإسلامیة، لیبی، دارالجماهیریة لنشر و التوزیع، ۱۹۸۶ م.
- ۱۰۳- مجله‌ی علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران، مقالات آقای ملک‌زاده شفاوردی، شماره‌ی ۸، ۹ و ۱۰، ۱۳۷۴ ش.
- ۱۰۴- مجموعه‌ی مقالات همایش مسایل پزشکی در روزه‌داری، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ۱۳۷۷ ش.
- ۱۰۵- محمدی شیر محله، ناصر، ایمونولوژی ادیان، تهران، انتشارات سامه، ۱۳۷۶ ش.
- ۱۰۶- محمدیها، حسن، اصول تغذیه و مواد خوراکی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸ ش.
- ۱۰۷- مدرس، عبدالکریم، شهریه‌تی ئیسلام، بغداد چاپخانه شفیق، ۱۹۶۸ م.
- ۱۰۸- مدرس، عبدالکریم، اقبال‌نامه، سنج، نشر دولت‌آبادی، بی‌تاریخ.
- ۱۰۹- مساوات، سیدحسن، بهداشت انفرادی در اسلام، پایان‌نامه‌ی انترنی دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۳۱۹ ش.
- ۱۱۰- مسلم، ابوالحسین بن الحجاج القشیری، صحیح مسلم، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی‌تاریخ.

- ۱۱۱- المغربي، عبدالرحمن بن جاد الله، حاشیة العلامة البنانی علی متن جمع الجوامع، بیروت، دارالکتب العملیه، ۱۴۱۸ ق.
- ۱۱۲- مقصودلو، عطاالله، بهداشت در اسلام و تطبیق آن با بهداشت علمی، پایان‌نامه‌ی انترنی دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۳۱۷ ش.
- ۱۱۳- مولوی، محمدعلی، بهبود نسل بشر از نظر ژنتیک و اصلاح محیط، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۶ ش.
- ۱۱۴- مولوی، محمدعلی و گیتی‌ثمر، بهداشت همگانی، تهران، نشر مشکاه، ۱۳۶۸ ش.
- ۱۱۵- میلانی فر، بهروز، بهداشت روانی تهران، نشر قومس، چاپ سوم، ۱۳۷۳ ش.
- ۱۱۶- ناصف، منصور علی، التاج الجامع الأصول، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۸۶ م.
- ۱۱۷- نجم آبادی، محمود، اصول بهداشت، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۰ ش.
- ۱۱۸- النسفی، شیخ نجم الدین ابی حفص، طلبة الطلبة، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق.
- ۱۱۹- نصیری مقدم، ابراهیم، سلامتی و اهمیت قوت جسم در اسلام، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشکده‌ی تربیت بدنی دانشگاه تهران، ۱۳۶۷ ش.
- ۱۲۰- نظامی گنجه‌ای، حکیم ابوالقاسم بن یوسف، کلیات حکیم نظامی گنجه‌ای، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷ ش.
- ۱۲۱- نورانی، مصطفی، بهداشت اسلامی، دفتر مرکزی مکتب اهل بیت، ۱۳۶۹ ش.
- ۱۲۲- نوزاد، غلام‌رضا، مشاوره‌ی ژنتیک، تهران، انتشارات نور دانش، ۱۳۷۹ ش.

- ۱۲۳- نووی، امام ابی زکریا یحیی بن شرف، ریاض الصالحین، ترجمه‌ی عبدالله خاموش هروی، تهران، نشر احسان، ۱۳۷۷ ش.
- ۱۲۴- نووی، امام ابی زکریا یحیی بن شرف، راه دین، ترجمه‌ی منہاج الطالبین، ترجمه‌ی مسعود قادر مرزی، چاپ دوم، ۱۳۷۲ ش.
- ۱۲۵- وات، مونتگمری، تأثیر اسلام در اروپا، ترجمه‌ی یعقوب آژند، انتشارات مولی، ۱۳۶۱ ش.
- ۱۲۶- واندرنیس، مینوال زایمان، ترجمه‌ی فرهاد همت‌خواه، انتشارات چهر، ۱۳۷۴ ش.
- ۱۲۷- وحید دستجردی، سیف‌الله، بهداشت اسلامی، پایان‌نامه‌ی انترنی دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۳۳۷ ش.
- ۱۲۸- ویلسون، آندرو، بازرسی عملی گوشت، ترجمه‌ی دکتر خسرو اسماعیلی و دکتر محی‌الدین برومند، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۰ ش.
- ۱۲۹- ویلیام، السکاندر، فرهنگ پزشکی دورلند، ترجمه‌ی دکتر محمد هوشمند ویژه، تهران، انتشارات کلمه، ۱۳۷۰ ش.
- ۱۳۰- هاگدن، رابینسون کارین، اصول تغذیه‌ی رابینسون، ترجمه‌ی ناهید خلدی، نشر سالمی، ۱۳۷۸ ش.

English References

- 1- Agur, Anne and Ming Lee, Grant's Atlas of Anatomy, Philadelphia, 1999.
- 2- AL-Bar, M. A. Breast feeding and Islamic teaching Isl wld. Med, J London, 1986.
- 3- Ashoor, A.A. Islamic medicine & Its influence on the Latin West Isl. Wld. Med. j. London, 1983.
- 4- Dunbar, Robert, A man's Sexual Health, U.S.A. 1979.
- 5- Jason, Barbara, Cohen, Medical Terminology, Lippincott. 1988.

-
- 6- Medical student International vol. 3 Febuary, 1998.
 - 7- Moore, Keith, The Developing Human, Philadelphia, 1998.
 - 8- Shier, David, et al, Essentials Of Human Anatomy & Physiology, Hill, U.S.A, 1999.
 - 9- WHO, Regional Office for the Eastern Mediterranean, Health Promotion through Islamic lifestyle, Egypt, 1996.
 - 10- Walton, John, et al, The Oxford Companion to Medecian, Oxford University Press, 1986.
 - 11- Walsh. Patrick, et al, Campbell's Urology, 6th Ed, Saunder's Company, U.S.A, 1992.